

English Lesson 1

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Magnetism in Living Things

Some animals are magnetic! The bodies of termites, honey bees, pigeons, whales, dolphins and humans contain magnetic material. This material seems to give the animals a kind of built-in compass to help them find their way.

A homing pigeon has magnetism inside its head and neck. The magnetism may allow the bird to navigate on cloudy days when it cannot see the Sun. If a tiny magnet is fixed to a pigeon's back, it cannot find its way. This may be because the extra magnet stops the pigeon's built-in magnetism from working properly.

B Comprehension Check

1. Only the bodies of contain magnetic material.

- | | |
|----------------------------|--------------------------|
| 1) human beings | 2) birds and sea animals |
| 3) some animals and humans | 4) mammals and birds |

2. The built-in compass inside the bodies of homing pigeons can help them

- | | | | |
|-------------|-----------------|-----------------------|---------------------|
| 1) navigate | 2) find the sun | 3) protect themselves | 4) build their home |
|-------------|-----------------|-----------------------|---------------------|

3. A homing pigeon has magnetic material inside its

- | | | | |
|---------|---------|------------------|------------------|
| 1) head | 2) back | 3) head and neck | 4) back and neck |
|---------|---------|------------------|------------------|

Part II

Vocabulary Test

1. It was dark but we managed to our way through the forest.

- 1) contain 2) migrate 3) consist 4) navigate

2. This material must be a kind of as it attracts iron objects.

- 1) metal 2) magnet 3) mirror 4) means

3. Although whales look like fish and live in water, they are actually

- 1) mammals 2) objects 3) nutrients 4) materials

4. The behavior for different situations is something we all learn as part of growing up.

- 1) sudden 2) appropriate 3) constant 4) terrible

5. Many electronic communication devices cannot work properly in fields.

- 1) magnetic 2) proper 3) regular 4) straight

6. After all those difficulties, he never walked in the mountains again without a map and a

- 1) magnet 2) matter 3) content 4) compass

7. One of the fire-fighters got seriously burnt because he'd forgotten to wear clothing.

- 1) protective 2) harmful 3) magnetic 4) flexible

8. He left there as he thought the amount of money he earned did not with the hard work he had to do.

- 1) cost 2) fix 3) match 4) rise

9. A: What is ten pounds to in grams?

B: I think it's about 4500 grams.

- 1) equivalent 2) available 3) correct 4) proper

10. Many people believe that if the government had taken proper measures, the situation would have never been so terrible.

- 1) straight 2) preventive 3) personal 4) separate

word study بررسی واژگان درس ۱

توضیح: خواننده گرامی: لغاتی که کنارشان علامت ستاره دارد، برای داوطلبان کنکور اختصاصی زبان مهم تر و پرکاربردتر هستند. ✓

* appropriate	مناسب	mammal	پستاندار
blank	جای خالی	* match	جور کردن، جور بودن
built-in	درونی، درون (چیزی) قرار داده شده	* material	ماده
column	ستون	* navigate	جهت یابی کردن
compass	قطب نما	pigeon	کبوتر
* contain	حاوی (چیزی) بودن	* prevent	مانع شدن، جلوگیری کردن
* equivalent	معادل، مترادف	* properly	به طور درست و صحیح
* fix	نصب کردن	* protect	محافظت کردن
homing	قادر به یافتن خانه، (کبوتر) جلد	* statement	جمله
honey bee	زنبور عسل	termite	موریانه
* magnet	آهنربا	* tiny	ریز، کوچک
* magnetic	مغناطیسی، جذاب	whale	وال، نهنگ
magnetism	نیروی مغناطیسی، جاذبه		

پاسخ سوالات درس ۱

معنی متن:



نیروی مغناطیسی در موجودات زنده

بعضی از جانداران دارای نیروی مغناطیسی می‌باشند! بدن موربانه‌ها، زنبورهای عسل، کبوترها، نهنگ‌ها، دلفین‌ها و انسان‌ها حاوی ماده‌ای مغناطیسی می‌باشد. به نظر می‌رسد که این ماده، نوعی آهنربای درونی در اختیار حیوانات قرار می‌دهد که به آن‌ها کمک می‌کند تا راهشان را پیدا کنند. یک کبوتر جلد (کبوتری که می‌تواند مسافت‌های طولانی پرواز کرده، راه خود را بدرستی بیابد) در سر و گردن خود دارای خاصیت مغناطیسی است. این خاصیت مغناطیسی ممکن است به او اجازه بدهد که در روزهای ابری که خورشید را نمی‌تواند ببیند، جهت‌یابی کند. اگر یک آهنربای کوچک به پشت کبوتر بسته شود، دیگر نمی‌تواند راه خود را پیدا کند. این می‌تواند به این دلیل باشد که آهنربای اضافی مانع درست کار کردن مغناطیس درونی کبوتر می‌شود.

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱ - گزینه‌ی (۴) معنی جمله: هوا تاریک بود ولی ما موفق شدیم که مسیر خود را در میان جنگل بیابیم.

* فعل navigate به معنی «جهت‌یابی کردن، هدایت کردن یک وسیله مثل هواپیما، کشتی و ... یا پیدا کردن مسیر به ویژه با استفاده از نقشه و ...» می‌باشد. مثال:

You take the map and navigate, I'll drive.

تو نقشه را بردار و مسیر را پیدا کن، من هم رانندگی خواهم کرد.

The captain managed to navigate the ship in the storm.

ناخدا موفق شد که در طوفان کشتی را هدایت کند.

۳ - تشکیل شدن از

۲ - مهاجرت کردن

۱ - محتوی چیزی بودن

۲ - گزینه‌ی (۲) معنی جمله: این ماده باید نوعی آهنربا باشد چرا که اشیاء آهنی را جذب می‌کند.

۴ - وسیله

۳ - آئینه

۱ - فلز

۳ - گزینه‌ی (۱) معنی جمله: اگر چه نهنگ‌ها از نظر ظاهری شبیه به ماهی‌ها هستند و در آب زندگی می‌کنند، در واقع جزء پستانداران می‌باشند.

۴ - ماده

۳ - ماده‌ی غذایی

۲ - شیء

۴ - گزینه‌ی (۲) معنی جمله: رفتار مناسب در موقعیت‌های مختلف چیزی است که همه ما به عنوان جزئی از فرآیند رشد یاد می‌گیریم.

* صفت appropriate به معنی «صحیح، مناسب» و مترادف با *proper*، *right* و *suitable* می‌باشد؛ مثال:

I don't have appropriate clothes for this party.

من لباس مناسبی برای این مهمانی ندارم.

۴ - وحشتناک، خیلی بد

۳ - مداوم، دائم

۱ - ناگهانی

۵ - گزینه‌ی (۱) معنی جمله: بسیاری از وسایل ارتباطی الکترونیکی در میدان‌های مغناطیسی نمی‌توانند خوب کار کنند.

* صفت magnetic به معنی «مغناطیسی» می‌باشد.

magnetic force / field

نیروی / میدان مغناطیسی

این کلمه و سایر هم‌خانواده‌های آن علاوه بر کشش و نیروی مغناطیسی، بر جذابیت و کشش به صورت عمومی هم اشاره می‌کنند. بنابراین معنی دیگر magnetic «جذاب» و مترادف با attractive می‌باشد.

She has a magnetic personality.

او شخصیتی جذاب دارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مناسب، درست ۳ - منظم / باقاعده / معمولی ۴ - صاف، مستقیم

۶- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: بعد از همه‌ی آن مشکلات، او دیگر هرگز بدون داشتن یک نقشه و یک **قطب‌نما** به کوهستان قدم نگذاشت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - آهنربا ۲ - موضوع / ماده ۳ - محتوا

۷- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: یکی از آتش‌نشان‌ها به شدت دچار سوختگی شد به این دلیل که فراموش کرده بود لباس **محافظ** بپوشد.

* صفت protective به معنی «محافظت کننده، محافظ» از فعل protect به دست آمده است.

protective gloves / glasses / clothing

دستکش / عینک / لباس محافظ

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مضر ۳ - مغناطیسی ۴ - انعطاف‌پذیر

۸- **گزینه‌ی (۳)** معنی جمله: او آن‌جا را ترک کرد زیرا فکر می‌کرد پولی که درمی‌آورد با کار سختی که مجبور بود انجام دهد **تناسبی ندارد**.

* فعل match به معنی «جور کردن، جور بودن، متناسب بودن» می‌باشد.

This carpet matches the curtain.

این فرش (از نظر طرح یا رنگ) با پرده جور در می‌آید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - هزینه داشتن ۲ - ثابت کردن، قرار دادن ۴ - افزایش یافتن

۹- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: نفر اول: ده **پوند** معادل با چند گرم است؟ نفر دوم: فکر می‌کنم در حدود ۴۵۰۰ گرم باشد.

* equivalent یعنی «معادل، مترادف»:

This word has no equivalent in English.

این کلمه در انگلیسی هیچ معادلی (مترادفی) ندارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - موجود، در دسترس ۲ - صحیح، درست ۴ - مناسب / درست

۱۰- **گزینه‌ی (۲)** معنی جمله: بسیاری از مردم معتقدند که اگر دولت اقدامات **پیش‌گیرانه‌ی** مناسبی انجام می‌داد، وضعیت این قدر بد نمی‌شد.

(به کلمه‌ی measure که در این جمله به معنی «اقدام» به کار رفته است، هم توجه کنید.)

* صفت preventive به معنی «پیش‌گیرانه» از فعل prevent مشتق شده است.

preventive drugs / care / examinations

داروها / مراقبت / معاینات پیش‌گیرانه

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مستقیم ۳ - شخصی ۴ - جداگانه

English Lesson 2

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Magnetism across the Oceans

Some scientists believe that many whales and dolphins have a kind of built-in compass. This may help them to follow the Earth's magnetic fields when they migrate across the oceans. Whales often get stranded on certain beaches. This seems to happen where a beach sandbank or island lies across the path that the whales are following. When ocean currents move through the Earth's magnetic field, they make very small electric currents. Some fish can detect these electric currents as small as the one from a torch battery.

B Comprehension Check

1. Whales do not get stranded on

- 1) beaches 2) sandbanks 3) islands 4) currents

2. The electric currents can be caused by

- 1) dolphins 2) beaches 3) whales 4) ocean currents

3. What is the use of the magnetism in the bodies of whales? It helps them

- 1) migrate across the ocean 2) get stranded on beaches
3) find magnetism in sea animals 4) produce magnetic fields

Part II

Vocabulary Test

1. **Swimming in this river can be very dangerous because of its strong**
1) sandbank 2) beach 3) current 4) shark
2. **He lost all his money and spent the rest of his life in a small near the town.**
1) path 2) cottage 3) aspect 4) case
3. **The dentist advised me to use toothpastes containing fluoride, which helps prevent tooth**
1) support 2) organ 3) decay 4) power
4. **I don't think your answer to this question is You seem to have made a mistake somewhere.**
1) accurate 2) conscious 3) constant 4) serious
5. **Our car ran out of fuel and we got in a forest road at midnight.**
1) damaged 2) failed 3) stranded 4) navigated
6. **After swimming for two hours, we decided to rest on the and watch the waves.**
1) current 2) beach 3) ocean 4) field
7. **Because the was separated from the rest of the world for centuries, its animals developed in different ways.**
1) island 2) sandbank 3) freedom 4) ocean
8. **From her voice it was easy to that Sue was frightened.**
1) create 2) worry 3) compare 4) detect
9. **If you keep along this, you'll finally get to their farm.**
1) degree 2) idea 3) path 4) action
10. **We looked at our compass to make sure that we were heading in the right**
1) direction 2) condition 3) information 4) decision
11. **He was so tired after last night's party that he in bed all morning.**
1) lied 2) lay 3) laid 4) lie

Part III

Cloze Test

Even humans seem to have a built-in compass. Did you know that you have magnetic(1)..... just behind your nose? Some scientists have done(2)..... with blind-folded people who are taken many kilometers from their home. These people can(3)..... to the direction of their home more(4)..... than people who can see. The blind-folded people may be using a built-in compass instead of(5)..... . If you wear a hat(6)..... a magnet, it may be that your natural(7)..... of direction will not work properly.

- | | | | |
|------------------|---------------|----------------|---------------|
| 1. 1) mark | 2) material | 3) type | 4) eyesight |
| 2. 1) influences | 2) facts | 3) experiments | 4) events |
| 3. 1) point | 2) hold | 3) watch | 4) find |
| 4. 1) regularly | 2) separately | 3) especially | 4) accurately |
| 5. 1) mind | 2) eyesight | 3) thought | 4) emotion |
| 6. 1) behaving | 2) producing | 3) containing | 4) filling |
| 7. 1) sense | 2) role | 3) skill | 4) task |

۲

word study
بررسی واژگان درس

* accurately	با دقت، به درستی	field	میدان، حوزه
across	در عرض، از سمتی به سمت دیگر	fill in	پر کردن، تکمیل کردن
beach	ساحل	* island	جزیره
blind	کور	lie	(در این درس) قرار داشتن
blindfold	چشم کسی را بستن	* natural	طبیعی
block	(در این درس) قطعه، بخش	ocean	اقیانوس
* cause	باعث شدن	path	مسیر، راه
certain	(در این درس) خاص، مشخص	sandbank	تپه‌ی شنی
cottage	کلبه‌ی روستایی	seem	به نظر رسیدن
cupboard	قفسه، گنجینه	sense	حس، احساس
* current	جریان	shark	کوسه
* decay	پوسیدگی، خرابی	stranded	به گل نشسته – گیر افتاده
* detect	کشف کردن، مشخص کردن	switch on	روشن کردن
* direction	سمت، جهت	torch	چراغ قوه، مشعل
eyesight	بینایی	through	از طریق، از میان

پاسخ سوالات درس ۲

معنی متن:



مغناطیس در اقیانوس‌ها

بعضی از دانشمندان اعتقاد دارند که بسیاری از نهنگ‌ها و دلفین‌ها دارای نوعی قطب‌نمای درونی هستند. این به آن‌ها کمک می‌کند وقتی که در اقیانوس‌ها در حال مهاجرت هستند، میدان‌های مغناطیسی زمین را دنبال کنند. نهنگ‌ها اغلب در برخی سواحل خاص به گل می‌نشینند. به نظر می‌رسد این امر در جاهایی اتفاق می‌افتد که یک تپه شنی ساحلی یا یک جزیره سر راهی قرار دارد که نهنگ‌ها در حال پیمودن آن هستند. وقتی جریان‌های (آب) اقیانوس از میدان مغناطیسی زمین عبور می‌کنند، جریان‌های الکتریکی بسیار خفیفی تولید می‌کنند. بعضی ماهی‌ها می‌توانند این جریانات الکتریکی را که به اندازه‌ی جریان حاصل از یک باتری چراغ قوه ضعیف هستند، شناسایی کنند.

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۴)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** شنا کردن در این رودخانه به خاطر جریان قوی‌اش خطرناک است.

* اسم current به معنی «جریان آب، الکتریسیته و ...» می‌باشد:

an ocean / electric current

جریان اقیانوسی / الکتریکی

He turned the switch and cut the current off.

او کلید را زد و جریان (برق) را قطع کرد.

اما این کلمه در نقش صفت دارای معنی «اخیر، رایج، جاری، فعلی» می‌باشد.

current events

وقایع اخیر

She's not happy with her current job.

او از شغل فعلی خود راضی و خوشحال نیست.

۴ - کوسه

۲ - ساحل

۱ - تپه‌ی شنی

۲- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** او تمام پولش را از دست داد و بقیه‌ی عمرش را در کلبه‌ای کوچک نزدیک شهر گذراند.

۴ - مورد

۳ - جنبه، بعد

۱ - مسیر

۳- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** دندانپزشک به من توصیه کرد از خمیر دندان‌های حاوی فلوراید که به جلوگیری از پوسیدگی دندان کمک می‌کند، استفاده کنم.

استفاده کنم.

* اسم decay به معنی «پوسیدگی، خرابی، زوال» می‌باشد. این کلمه حالت فعلی هم دارد:

It takes a long time for fallen trees to decay.

مدت زیادی طول می‌کشد تا درختان افتاده بر زمین پوسیده شوند.

۴ - قدرت

۲ - عضو

۱ - حمایت، پشتیبانی

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** من فکر نمی‌کنم که پاسخ شما به این سؤال درست باشد. به نظر می‌رسد که شما جایی دچار اشتباه شده‌اید.

* صفت accurate به معنی «درست، دقیق» و مترادف با exact ، correct و precise می‌باشد:

accurate calculations

محاسبات دقیق

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- هشیار ۳- مداوم ۴- جدی

۵- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** ماشین ما سوختش تمام شد و ما نیمه‌شب در جاده‌ای در جنگل گیر افتادیم.

* با صفت stranded در این درس به معنی «به گل نشسته» آشنا شدید اما معنی دیگر این کلمه «در راه مانده، گیر افتاده، جا مانده» می‌باشد:

I was stranded in their country without any money.

من در کشور آنها بدون داشتن هیچ پولی گیر افتاده بودم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- صدمه زدن ۲- شکست خوردن ۴- جهت‌یابی کردن

۶- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** بعد از دو ساعت شنا کردن تصمیم گرفتیم که در ساحل استراحت کنیم و موج‌ها را تماشا کنیم.

* beach معمولاً به ساحل ماسه‌ای کنار دریا که برای تفریح مورد استفاده قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. در این کلمات coast (منطقه ساحلی) و shore (ساحل، خشکی کنار دریا) را هم بیاموزید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- جریان ۳- اقیانوس ۴- مزرعه، حوزه، میدان

۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** چون آن جزیره برای قرن‌ها از بقیه‌ی دنیا جدا شده بود، حیوانات موجود در آن به شیوه‌ای متفاوت تکامل یافتند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- تپه‌ی شنی ۳- آزادی ۴- اقیانوس

۸- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** از صدای سو به آسانی می‌توانست تشخیص داد که ترسیده است.

* فعل detect به معنی «تشخیص دادن، پی بردن، فهمیدن» است:

Some sounds cannot be detected by the human ears.

برخی صداها توسط گوش انسان نمی‌توانند تشخیص داده شوند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خلق کردن ۲- نگران کردن ۳- مقایسه کردن

۹- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** اگر همین راه را ادامه دهی سرانجام به مزرعه‌شان خواهی رسید.

* path به مسیر و راه باریکی که معمولاً به مرور زمان و در اثر رفت و آمد ایجاد شده است، گفته می‌شود:

a path through the forest

راهی در میان جنگل

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- درجه، مدرک ۲- ایده، نظر ۳- اقدام، حرکت

۱۰- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** ما نگاهی به قطب نمایمان انداختیم تا مطمئن شویم که جهت درست را در پیش گرفته‌ایم.

* اسم direction یعنی «جهت، مسیر». این کلمه در حالت جمع به معنی «آدرس» است:

Let's ask a shopkeeper for directions.

بیا از یک مغازه‌دار آدرس را بپرسیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- شرط، شرایط ۳- اطلاعات ۴- تصمیم

۱۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** او از مهمانی دیشب آنقدر خسته شده بود که تمام صبح را در رختخواب دراز کشید.

* فعل lie در دو معنی «دراز کشیدن» و «قرار داشتن» بی‌قاعده است و به صورت lie / lay / lain صرف می‌شود:

The cat just loves to lie in front of fire.

این گربه دوست دارد که فقط جلوی آتش دراز بکشد.

توجه کنید که lie اگر به معنی «دروغ گفتن» باشد فعلی با قاعده (lie / lied / lied) خواهد بود:

He lied to his mother.

او به مادرش دروغ گفت.

البته فعل دیگری به نام lay هم داریم به معنی «قرار دادن، چیدن» که سه قسمتش lay/laid/laid است.

پاسخ بختن Cloze

معنی:

به نظر می‌رسد که حتی انسان‌ها هم دارای یک آهن‌ربای درونی می‌باشند. آیا می‌دانید که درست پشت بینی خود دارای ماده‌ای مغناطیسی می‌باشید؟ برخی دانشمندان با افرادی که چشمشان بسته شده است و کیلومترها از خانه‌ی خود دور شده‌اند، آزمایشاتی انجام داده‌اند. این افراد نسبت به اشخاصی که قادر به دیدن هستند دقیق‌تر می‌توانند به سمت خانه‌ی خود اشاره کنند. افرادی که چشمشان بسته شده است، احتمالاً به جای قدرت بینایی از قطب‌نمای درونی خود استفاده می‌کنند. اگر شما کلاهی به سر بگذارید که حاوی یک آهن‌ربا باشد، ممکن است که باعث شود حس طبیعی جهت‌یابی شما به درستی کار نکند.

پاسخ‌ها:

۴ - گزینه‌ی (۴)

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۱ - گزینه‌ی (۲)

۷ - گزینه‌ی (۱)

۶ - گزینه‌ی (۳)

۵ - گزینه‌ی (۲)

English Lesson 3

Part I Reading Comprehension

A Reading

The Atmosphere

Did you know that we live at the bottom of an ocean of gases? This ocean of gases is called the atmosphere. The gases in the atmosphere make up the air we breathe. But we can only survive near the surface of the Earth. Here the atmosphere contains plenty of oxygen – the gas we need to breathe. As you travel farther away from the Earth's surface the atmosphere changes. The Earth is wrapped in layers or bands of different gases. The layers are the troposphere, stratosphere and ionosphere.

B Comprehension Check

1. According to this passage, people can live
 - 1) in different layers of the atmosphere
 - 2) at the bottom of the oceans
 - 3) only near the surface of the Earth
 - 4) only near where water contains plenty of oxygen
2. As we travel farther away from the Earth's surface,
 - 1) we need less oxygen to survive
 - 2) oxygen content of the atmosphere increases
 - 3) it becomes harder for us to breathe
 - 4) we can see different layers of the atmosphere
3. The Verb 'wrap' in line 4 is closest in meaning to
 - 1) contain
 - 2) make up
 - 3) survive
 - 4) cover

Part II

Vocabulary Test

1. **The thief tried to leave there immediately but the police his path.**
1) disagreed 2) blocked 3) frightened 4) protected
2. **As the owner of this company is a woman herself, women sixty percent of workforce here.**
1) give up 2) keep on 3) look for 4) make up
3. **A way out of the difficulty began to in her mind as she listened to their conversation.**
1) form 2) cause 3) seem 4) lie
4. **Solar are believed to have a very great effect on radio communications and, perhaps, on the earth's weather.**
1) rays 2) layers 3) paths 4) bands
5. **Make sure you the present carefully or it may get damaged in the post.**
1) match 2) operate 3) wrap 4) invent
6. **This book is especially suitable for young people in the 15-20 age**
1) layer 2) volume 3) band 4) shape
7. **Luckily the little girl was wearing several of warm clothing when she was left outside in freezing air.**
1) forms 2) layers 3) sheets 4) shapes
8. **In most cancers there's a high chance of if they are detected and cured early.**
1) prevention 2) survival 3) observation 4) struggle
9. **With the memory of what had happened to her in her mind , Tina became increasingly nervous.**
1) fresh 2) certain 3) free 4) usual
10. **His continued to rise and his condition became worse until they finally decided to call out the doctor .**
1) situation 2) measure 3) expression 4) temperature

Part III

Cloze Test

The atmosphere becomes thinner as its height above the earth(1)..... . In the lowest band, the troposphere, are all the gases needed by living(2)..... on Earth. In the next(3)..... , the stratosphere, you would find the ozone layer.

Ozone is a gas(4)..... when ultraviolet rays from the sun change some of the oxygen in the atmosphere to ozone. The ozone makes a thick layer round the Earth and(5)..... some of the sun's harmful ultraviolet rays and(6)..... them from reaching the Earth. Some people think ozone smells like garlic. Other say it smells like seaweed. Oxygen has no smell at all. You would be cold there. The(7)..... in the lower stratosphere is about minus 55 degrees Celcius.

- | | | | |
|-----------------|----------------|--------------|--------------|
| 1. 1) stretches | 2) improves | 3) contains | 4) increases |
| 2. 1) creatures | 2) aspects | 3) measures | 4) effects |
| 3. 1) ray | 2) layer | 3) degree | 4) form |
| 4. 1) formed | 2) involved | 3) blocked | 4) wrapped |
| 5. 1) disagrees | 2) protects | 3) carries | 4) blocks |
| 6. 1) prevents | 2) releases | 3) includes | 4) accepts |
| 7. 1) condition | 2) temperature | 3) formation | 4) activity |



band	باند، دسته، گروه	minus	علامت منفی، منها
* block	سد کردن، مانع شدن	ozone	اوزون
bracket	پرانتز	* ray	اشعه
bottom	ته، پایین	seaweed	جلبک، خزه‌ی دریایی
Celcius	(درجه) سانتی‌گراد	smell	بو، بو دادن
cover	پوشاندن، پوشش دادن	stratosphere	استراتوسفر (از لایه‌های جو)
degree	درجه	* surface	سطح
farther	دورتر	* survive	زنده ماندن
form	تشکیل دادن	* temperature	درجه حرارت، دما
* fresh	تازه	troposphere	تروپوسفر (از لایه‌های جو)
garlic	(گیاه) سیر	ultraviolet	(اشعه) ماورای بنفش
ionosphere	یونوسفر (از لایه‌های جو)	violet	بنفش
* layer	لایه	* wrap	(در چیزی) پیچیدن، پوشاندن
make up	تشکیل دادن		

پاسخ سوالات درس ۳

A معنی متن:

اتمسفِر

آیا می‌دانستید که ما در عمق اقیانوسی از گازها زندگی می‌کنیم؟ این اقیانوس گاز اتمسفِر (جو) نامیده می‌شود. گازهای موجود در اتمسفِر (جو)، تشکیل دهنده‌ی هوایی هستند که ما تنفس می‌کنیم. اما ما فقط می‌توانیم نزدیک سطح زمین زنده بمانیم. در این جا (نزدیک سطح زمین) اتمسفِر حاوی مقدار زیادی اکسیژن - گازی که برای نفس کشیدن به آن نیاز داریم - است. هر چه از سطح زمین دورتر شوید، اتمسفِر (جو) (بیش‌تر) تغییر می‌کند. زمین در لایه‌ها یا نوارهایی از گازهای متفاوت پوشیده شده است. این لایه‌ها عبارتند از: وردسپهر، پوشش سپهر و یون سپهر.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۱ - گزینه‌ی (۳)

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: آن دزد سعی کرد که فوراً از آن جا خارج شود ولی پلیس‌ها راه او را سد کردند.

* کلمه‌ی block در حالت فعلی به معنی «سد کردن، مانع شدن» است:

A huge stone blocked our way.

سنگی بزرگ راه ما را سد کرد.

۴ - محافظت کردن

۳ - ترساندن

۱ - هم عقیده نبودن

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: از آن جا که مالک این شرکت خودش یک خانم است، در این جا ۶۰ درصد نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند.

۳ - جستجو کردن

۲ - ادامه دادن

۱ - ترک کردن

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: وقتی که داشت به مکالمه‌ی آن‌ها گوش می‌داد، راهی برای خروج از آن مشکل در ذهنش شکل گرفت..

۴ - قرار داشتن

۳ - به نظر رسیدن

۲ - باعث شدن

۴- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: این اعتقاد وجود دارد که اشعه‌ی خورشیدی اثری بسیار زیاد بر ارتباطات رادیویی و شاید بر وضع هوای زمین داشته باشد.

۴ - باند، نوار

۳ - مسیر، کوره راه

۲ - لایه

۵- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: اطمینان حاصل کن که آن هدیه را با دقت بسته‌بندی کنی و گرنه در حین پست صدمه خواهد دید.

* فعل wrap یعنی «چیزی را در چیز دیگر پوشاندن و پیچیدن، بسته بندی کردن»:

The baby was wrapped in a blanket.

بچه در پتویی پوشانده شده بود.

She had a bandage wrapped round her finger.

او بانده‌ی به دور انگشت خود داشت.

۴ - اختراع کردن

۲ - عمل کردن

۱ - جور بودن

۶- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: این کتاب مخصوصاً برای افراد جوان در رده‌ی سنی ۱۵ تا ۲۰ سال مناسب است.

* اسم band یعنی «باند، نوار، دسته و گروه، گروه موسیقی»:

a band of thieves

یک باند دزدان

a rock band

یک گروه (موسیقی) راک

۳ - شکل

۲ - حجم، بلندی صدا

۱ - لایه
معنی سایر گزینه‌ها:۷- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** خوشبختانه وقتی که آن دختر بچه در هوای منجمد کننده بیرون گذاشته شد، چندین لایه لباس گرم به تن داشت.

۴ - شکل

۳ - ورقه

۱ - شکل، فرم
معنی سایر گزینه‌ها:۸- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** بسیاری از سرطان‌ها، اگر زود تشخیص داده و درمان شوند، شانس زیادی برای **بقا** وجود دارد.

* survival به معنی «بقا، ادامه‌ی حیات» از فعل survive مشتق شده است.

fight / struggle for survival

جنگ / نزاع برای بقا

۴ - نزاع

۳ - مشاهده، بررسی

۱ - پیش‌گیری
معنی سایر گزینه‌ها:۹- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** خاطره‌ی آن‌چه برای تینا اتفاق افتاده بود در ذهنش تازه بود و او به طور فزاینده‌ی مضطرب می‌شد.

۴ - معمولی

۳ - آزاد

۲ - خاص، معین
معنی سایر گزینه‌ها:۱۰- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** دمای (بدن) او همچنان بالا می‌رفت و وضعیت او بدتر می‌شد تا این‌که بالاخره تصمیم گرفتند که دکتر را خبر کنند.

۳ - حالت، عبارت

۲ - اندازه، اقدام

۱ - وضعیت
معنی سایر گزینه‌ها:

پاسخ بختن Cloze

معنی:

هر چه ارتفاع (فاصله) اتمسفر (جو) از سطح زمین بیش‌تر می‌شود، رقیق‌تر می‌شود. پایین‌ترین لایه تروپوسفر است که کلیه‌ی گازهای مورد نیاز موجودات زنده بر روی زمین در آن قرار دارند. در لایه‌ی بعدی یعنی استراتوسفر، شما لایه‌ی ازون را خواهید یافت. گاز ازون زمانی تشکیل می‌شود که اشعه‌ی ماورای بنفش خورشید مقداری از گاز اکسیژن موجود در اتمسفر را به ازون تبدیل نماید. ازون لایه‌ی ضحیمی به دور زمین تشکیل می‌دهد و بیش‌تر امواج مضر ماورای بنفش خورشید را متوقف می‌کند و از رسیدن آن‌ها به زمین جلوگیری می‌نماید. بعضی از مردم فکر می‌کنند که ازون بویی مثل سیر دارد. برخی دیگر می‌گویند که بوی ازون مثل بوی جلبک دریایی است. اکسیژن اصلاً بویی ندارد. در این منطقه شما سردتان خواهد شد. دما در استراتوسفر حدود ۵۵ درجه زیر صفر است.

پاسخ‌ها:

۴ - گزینه‌ی (۱)

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۴)

۷ - گزینه‌ی (۲)

۶ - گزینه‌ی (۱)

۵ - گزینه‌ی (۴)

English Lesson 4

Part I Reading Comprehension

A Reading

Sleeping During the Cold Season

In those parts of the world where some months of the year are very cold, mice and other small mammals hibernate. This means that they go into a very deep sleep for the cold period and only fully wake up when the weather turns warm again. Hibernating animals breathe much more slowly and their body temperature falls. They also need much less food. They build up a thick layer of fat during hibernation.

B Comprehension Check

- We understand from the passage that hibernation is a state like**
1) sleep 2) cold season 3) temperature 4) deep breath
- Which sentence is not true?**
1) Only small mice hibernate in cold seasons. 2) Hibernation occurs only during cold temperature.
3) Body temperature decreases during hibernation. 4) Animals are relatively inactive during hibernation.
- Hibernation is a useful way for small mammals to cold winters.**
1) build up 2) survive 3) use up 4) locate

Part II

Vocabulary Test

1. There was a dark, oily in the river coming from that factory.
1) decay 2) function 3) position 4) substance
2. They their saving accounts so that they finally could buy a new house.
1) built up 2) grew up 3) looked up 4) gave up
3. When we went to Spain for the first time, we knew nothing of Spanish people. But we got familiar with their culture.
1) basically 2) gradually 3) regularly 4) probably
4. They seemed to be good partners, although they had few interests in
1) public 2) addition 3) average 4) common
5. When the snow begins to melt and it turns warm, all the creatures become active again.
1) hibernating 2) biological 3) stranded 4) regular
6. I believe if John had been aware of the possible dangers of the job, he'd never have accepted it.
1) fully 2) gradually 3) surely 4) recently
7. Having carefully listened to her description, I could get a idea of what his brother looked like.
1) familiar 2) rough 3) personal 4) firm
8. Unfortunately the public transport system in most of our big cities, especially in the capital, is in a sorry
1) state 2) organ 3) mood 4) course

۴

word study
بررسی واژگان درس

biological	بیولوژیک، زیستی	hibernate	به خواب زمستانی رفتن
* build up	افزایش دادن، تقویت کردن	lung	شش، ریه
cave	غار	* roughly	با خشونت، (در این درس) تقریباً
* common	مشترک	season	فصل
* despite	علیرغم	skin	پوست
* fat	چربی	slow down	کم کردن سرعت
* find out	فهمیدن، پی بردن	* state	حالت، وضعیت
fully	کاملاً	* substance	ماده
mammal	پستاندار	turn	(در این درس) شدن
mice	موش‌ها (جمع mouse)	use up	به طور کامل مصرف کردن
* gradually	به تدریج		
heat	حرارت، گرما		

پاسخ سوالات درس ۴

A معنی متن:

خوابیدن در فصل سرما

در برخی از مناطق جهان که در بعضی ماه‌های سال هوا بسیار سرد می‌شود، موش‌ها و پستانداران کوچک دیگر به خواب زمستانی می‌روند. این، بدین معنی است که آن‌ها در دوران سرما به خواب بسیار عمیقی فرو می‌روند و فقط موقعی دوباره به طور کامل از خواب برمی‌خیزند که هوا دوباره گرم شده باشد. حیواناتی که به خواب زمستانی فرو می‌روند بسیار آهسته‌تر نفس می‌کشند و دمای بدنشان هم افت می‌کند. همچنین به غذای کم‌تری نیاز پیدا می‌کنند. آن‌ها طی دوره‌ی خواب زمستانی لایه‌ی ضخیمی از چربی می‌سازند.

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۱)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در رودخانه ماده‌ای سیاه و روغنی وجود داشت که از آن کارخانه می‌آمد.

۳ - وضعیت، موقعیت

۲ - عملکرد

۱ - پوسیدگی

۲- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: آن‌ها (به تدریج) حساب پس‌انداز خود را افزایش دادند تا بتوانند سرانجام خانه‌ای جدید بخرند.

* build up یعنی «به تدریج افزایش دادن یا ساختن»:

Tension is building up between them.

تنش بین آن‌ها در حال افزایش است.

۴ - ترک کردن

۳ - پیدا کردن معنی لغت

۲ - بزرگ شدن

۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: وقتی برای اولین بار به اسپانیا رفتیم چیزی راجع به اسپانیایی‌ها نمی‌دانستیم. اما به تدریج با فرهنگ آن‌ها آشنا شدیم.

* gradually یعنی «تدریجاً، به تدریج»:

After the storm, things gradually got back to normal.

بعد از طوفان، اوضاع به تدریج به وضع طبیعی برگشت.

۴ - احتمالاً

۳ - به طور منظم

۱ - اساساً، اصولاً

۴- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: به نظر می‌رسید آن‌ها شرکای خوبی باشند اگر چه علایق مشترک بسیار کمی با هم داشتند.

* have sth in common with sb یعنی «داشتن وجه مشترک با کسی»:

I have nothing in common with my brother.

من هیچ وجه مشترکی با برادرم ندارم.

۳ - به طور متوسط

۲ - به علاوه

۱ - جلوی عموم

۵- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** وقتی برف‌ها آب می‌شوند و هوا گرم می‌شود، تمام موجوداتی که در خواب زمستانی بودند، دوباره فعال می‌شوند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- زیستی، بیولوژیک ۳- گیرافتاده ۴- منظم، عادی

۶- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** من اعتقاد دارم که اگر جان از خطرات احتمالی آن کار به طور کامل آگاه بود هرگز آن را نمی‌پذیرفت.

* fully یعنی «کاملاً» و مترادف با entirely و completely می‌باشد:

I fully understand why he's so worried.

کاملاً درک می‌کنم که چرا او این‌قدر نگران است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- به تدریج ۳- مطمئناً ۴- اخیراً

۷- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** بعد از این‌که با دقت به توصیف او گوش دادم، توانستم تصویری تقریبی از این‌که برادرش چه شکلی بود به دست بیاورم.

* rough در این درس به معنی «تقریبی، کلی و غیر دقیق» به کار رفته است:

a rough estimate

یک تخمین تقریبی

معانی مهم دیگر این کلمه عبارتند از «زبر و ناهموار، خشن، دشوار»:

He spoke roughly to the child.

او با خشونت با آن بچه صحبت کرد.

rough sea

دریای متلاطم و موج

His hands were rough from hard work.

دست‌های او به خاطر کار زیاد زبر و خشن بودند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- آشنا ۳- شخصی ۴- سفت، محکم

۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** متأسفانه حمل و نقل عمومی در شهرهای بزرگ ما به ویژه در پایتخت وضعیت تأسف انگیزی دارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- عضو ۳- خلق، روحیه ۴- دوره

English Lesson 5

Part I Reading Comprehension

A1 Reading

Coping Strategies

Increase your resistance to allergies through a balanced diet and a programs of exercise and rest.

Limit early-morning outdoor activities – plants produce the greatest amount of pollen from 5-10 a.m.

Avoid irritants that make breathing difficult – smoke, dust, smog, fumes, aerosol sprays, cold air and excessive humidity.

Shower or bathe before bed-time to wash off any allergens in your hair and on your skin.

Keep your bedroom clean – the average person spends at least 1/3 of the day there.

B1 Comprehension Check

1. Which of these recommendations has not been mentioned in the passage?

- 1) having a halanced diet
- 2) avoiding excessive humidity
- 3) taking a shower early in the morning
- 4) keeping your bedroom clean

2. Early out-door activities are not suitable for allergic people as there is too much in the air.

- 1) smog
- 2) dust
- 3) pollen
- 4) humidity

3. Which sentence is not true?

- 1) People suffering from allergies can increase resistance to them.
- 2) Excessive humigity can make breathing difficult.
- 3. A sufferer car remove allergens by taking a shower.
- 4. Allergic people are forbidden to do any kind of physical activites.

A2 Reading

There are just as many things that cause allergies inside the home as are outside. That's why there's Banadryl. It is the allergy medicine pediatricians recommend most to relieve the allergy symptoms that come from both inside and outside the home.

B2 Comprehension Check

1. Which of the followings can be the most appropriate title for the above passage?

- | | |
|---------------------------------------|--|
| 1) allergies and a special medication | 2) removal of allergens inside and out |
| 3) treatments for kids | 4) allergies' symptoms |

2. Benadryl is most probably a

- | | |
|---------------------|---------------------|
| 1) medical magazine | 2) pediatrician |
| 3) kind of allergy | 4) kind of medicine |

Part II

Vocabulary Test

1. Doctors that this condition should be treated only with sufficient bed-rest.

- | | | | |
|--------------|-----------|----------|----------------|
| 1) recommend | 2) affect | 3) limit | 4) concentrate |
|--------------|-----------|----------|----------------|

2. Disabled people sometimes find it difficult to public transport.

- | | | | |
|------------|-------------|---------------|--------------|
| 1) fill in | 2) build up | 3) take apart | 4) cope with |
|------------|-------------|---------------|--------------|

3. I'm afraid I don't know the meaning of this word. My knowledge of English is rather

- | | | | |
|------------|--------------|------------|------------|
| 1) limited | 2) excessive | 3) gradual | 4) current |
|------------|--------------|------------|------------|

4. Put your thumb in cold water. That will help to the pain of the burn.

- | | | | |
|----------|-----------|-----------|------------|
| 1) decay | 2) refuse | 3) detect | 4) relieve |
|----------|-----------|-----------|------------|

5. The doctor reminded Martha once again that her weight was and thus dangerous to her health.

- | | | | |
|------------|------------|--------------|------------|
| 1) regular | 2) medical | 3) excessive | 4) anxious |
|------------|------------|--------------|------------|

6. Summer is more humid than winter because warm air can carry more than cold air.

- | | | | |
|-------------|---------------|--------------|---------------|
| 1) moisture | 2) atmosphere | 3) irritants | 4) activities |
|-------------|---------------|--------------|---------------|

7. Now that I've discovered that I'm to strawberries, I make sure I never eat them.

- | | | | |
|-------------|-----------|-------------|------------|
| 1) allergic | 2) unable | 3) affected | 4) medical |
|-------------|-----------|-------------|------------|

8. A(n) diet containing lots of fruits and green vegetables is necessary for all growing kids.

- | | | | |
|-------------|---------------|------------|-----------|
| 1) balanced | 2) repetitive | 3) serious | 4) actual |
|-------------|---------------|------------|-----------|

- 9. It was obvious that she hadn't cleaned her room for several weeks because a thick layer of was all over everything.**
1) dust 2) smog 3) vapor 4) steam
- 10. All his friends reacted to the news of his great success with a of surprise and admiration.**
1) purpose 2) mixture 3) course 4) symptom
- 11. Dr Harris asked me to describe my so as to find out what the cause of my illness was.**
1) symptoms 2) reasons 3) interests 4) organs
- 12. With all the car exhaust, the problem of air pollution is getting more worrying day by day.**
1) vapor 2) fog 3) fumes 4) pollen
- 13. His family preferred to at home while he looked for employment in another state.**
1) remove 2) relieve 3) react 4) remain
- 14. Having carefully examined the decay on my wisdom tooth, my dentist suggested the of it.**
1) state 2) action 3) harm 4) removal
- 15. This disease is surprisingly difficult to catch as most people have a natural to it.**
1) mixture 2) resistance 3) humidity 4) irritant
- 16. More than half of the deaths in our country is caused by car accidents.**
1) avoidable 2) preventive 3) reasonable 4) protective
- 17. The airport officials decided to cancel all the flights because of a dense**
1) vapor 2) fog 3) wind 4) pollen
- 18. He was permitted not to take heavy exercises as he was on for his lung disease.**
1) medication 2) function 3) condition 4) attraction



بررسی واژگان درس

word study

activity	فعالیت	medication	درمان، دارو
aerosol	اسپری، افشانه	medicine	دارو، علم طب، پزشکی
allergen	ماده‌ی حساسیت‌زا	mixture	مخلوط
allergy	حساسیت، آلرژی	pediatrician	پزشک متخصص اطفال
* avoid	اجتناب کردن	pollen	گرده‌ی گیاهی
* balanced	متعادل، متوازن	* recommend	توصیه کردن
bathe	حمام کردن	* relieve	تسکین دادن
* cope (with)	از عهده‌ی چیزی برآمدن	* remain	باقی ماندن
* diet	رژیم غذایی	* remove	برداشتن، حذف کردن
* dust	گرد و غبار	* resistance	مقاومت، دوش گرفتن
* excessive	زیادی، اضافی	shower	دوش
* fog	مه	smog	مه‌دود
fume	بخار و گاز نامطبوع	smoke	دود
histamine blocker	ضد حساسیت، آنتی هیستامین	strongly	به شدت
* humidity	رطوبت	* sort	نوع
irritant	ماده‌ی محرک	* sufferer	مبتلا
kid	بچه	* symptom	نشانه (بیماری)
* limit	محدود کردن	unaffected	بدون تغییر، بدون ابتلا
magazine	مجله	vapor	بخار

پاسخ سوالات درس ۵

A1 معنی متن:

تدابیری برای کنار آمدن (با آلرژی)

مقاومت خود را در برابر حساسیت (آلرژی) با یک رژیم غذایی متعادل و یک برنامه‌ی ورزشی و استراحت افزایش دهید. فعالیت‌های مربوط به فضای باز را در صبح زود محدود کنید - چون گیاهان بیش‌ترین مقدار گرده را از ساعت ۵ تا ۱۰ صبح تولید می‌کنند. از تماس با مواد محرکی که تنفس را دچار مشکل می‌نمایند - (یعنی) دود، گردوغبار، مه دود، بخارها، اسپری‌ها، هوای سرد و رطوبت بیش از حد - خودداری نمایید.

قبل از خواب دوش بگیرید یا حمام کنید تا مواد حساسیت‌زا را از روی پوست و موهای خود بردارید.

رختخواب خود را تمییز نگاه دارید چون یک فرد عادی حداقل $\frac{1}{3}$ از روز را آنجا به سر می‌برد.

۱ - گزینه‌ی (۳) B1 ۲ - گزینه‌ی (۳) ۳ - گزینه‌ی (۴)

A2 معنی متن:

مواد حساسیت‌زا که درون خانه وجود دارند به همان تعداد مواد آلرژی‌زای خارج از خانه هستند. به همین دلیل است که از (داروی) بنادریل استفاده می‌شود. این یک داروی ضد حساسیت است که متخصصین اطفال آن را برای کم کردن علائم آلرژی، چه با منشاء داخل خانه و چه خارج خانه، توصیه می‌کنند.

۱ - گزینه‌ی (۱) B2 ۲ - گزینه‌ی (۴)

پاسخ سوال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: دکترها توصیه می‌کنند که این وضعیت فقط باید با استراحت کافی بهبود پیدا کند.

* فعل recommend یعنی «توصیه کردن»:

Which restaurant did he recommend to go?

او توصیه کرد به چه رستورانی برویم؟

The teacher recommended this book for final exam.

معلم این کتاب را برای مطالعه جهت آزمون نهایی توصیه کرد.

۴ - تمرکز کردن

۳ - محدود کردن

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - تأثیر گذاشتن

۲- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** افراد معلول گاهی از **عهده‌ی** (استفاده از) وسایل حمل و نقل عمومی **برآمدن** را امری دشوار می‌یابند.

* فعل cope (with) یعنی «از عهده‌ی یک وضعیت دشوار برآمدن، دست و پنجه نرم کردن با یک مشکل و ...»:

او نمی‌تواند از عهده‌ی آن همه فشار در محیط کارش برآید. She can't cope with all the pressure in her work.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پر کردن یک فرم ۲- افزایش دادن ۳- از هم جدا کردن

۳- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** متأسفانه معنی این واژه را نمی‌دانم. دانش انگلیسی من نسبتاً **محدود** (کم) است.

* صفت limited به معنی «محدود، کم» از فعل limit به معنی «محدود کردن» مشتق شده است. سایر مشتقات مهم این فعل عبارتند از:

اسم limit (محدوده، حد) و اسم limitation (محدودیت)؛ چند مثال:

In China families are limited to just one child. در چین (تعداد افراد) خانواده‌ها محدود به داشتن فقط یک بچه هستند.

speed limit محدوده مجاز سرعت (حداکثر سرعت مجاز)

There are certain limitations to what we can do. برای آن چه می‌توانیم انجام دهیم محدودیت‌های خاصی وجود دارد.

It is important to know your limitations. مهم است که از محدودیت‌های خود آگاه باشی (قابلیت‌ها و نقاط ضعف خود را بدانی).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- اضافی ۳- تدریجی ۴- رایج، جاری

۴- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** انگشت شست خود را درون آب سرد بگذار. این کار کمک می‌کند که درد سوختگی **تسکین پیدا کند**.

* relieve یعنی «تسکین دادن، کم کردن درد و رنج، آسایش یافتن». اسم relief (آرامش، تسکین، راحتی) از همین فعل مشتق شده است:

I was so relieved when my doctor told me it was nothing serious. وقتی دکتر به من گفت که هیچ مشکل جدی‌ای ندارم، خیالم راحت شد.

It was a relief to leave that terrible job. ترک کردن آن شغل وحشتناک باعث آرامش و راحتی من شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پوسیدن، خراب شدن ۲- امتناع کردن ۳- مشخص کردن

۵- **گزینه‌ی (ب)** **معنی جمله:** دکتر یک بار دیگر به مارتا خاطر نشان کرد که وزنش **بیش از حد زیاد** و در نتیجه برای سلامتی‌اش خطرناک است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- منظم، عادی ۲- پزشکی، طبی ۴- مضطرب

۶- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** هوا در تابستان مرطوب‌تر از زمستان است برای این که هوای گرم می‌تواند **رطوبت** بیش تری را نسبت به هوای سرد حمل

کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- اتمسفر ۳- ماده‌ی محرک ۴- فعالیت

۷- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** اکنون که فهمیده‌ام نسبت به توت فرنگی **حساس** هستم مطمئناً دیگر از آن نخواهم خورد.

* صفت allergic یعنی «دارای حساسیت و آلرژی به چیزی». هم‌خانواده‌های آن عبارتند از allergy (حساسیت، آلرژی) و allergen (ماده‌ی حساسیت‌زا).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- ناتوان ۳- متأثر، مبتلا ۴- پزشکی

۸- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** یک رژیم غذایی **متعادل** که حاوی مقدار زیادی میوه و سبزیجات سبز است، برای تمام کودکان در حال رشد ضروری

است.

* صفت balanced به معنی «متعادل و متوازن» با اسم balance (تعادل، توازن) هم‌خانواده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- تکراری ۳- جدی ۴- واقعی

۹- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** واضح بود که او چندین هفته اتاقتش را تمیز نکرده است برای این که لایه‌ی ضخیمی از **گرد و غبار** روی همه چیز وجود

داشت (صفت obvious در این سؤال یعنی «واضح، آشکار»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مه دود ۳- بخار ۴- بخار آب

۱۰- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** همه‌ی دوستانش به نسبت خبر موفقیت عظیمش به صورت **ترکیبی** از احساس تحیر و تحسین واکنش نشان دادند.

* اسم mixture به معنی «مخلوط، آمیزه، ترکیب» از فعل mix به دست آمده است:

This album is a mixture of his new and old songs.

این آلبوم آمیزه‌ای از آهنگ‌های جدید و قدیمی اوست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - قصد، هدف ۳ - دوره ۴ - علامت بیماری

۱۱- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** دکتر هاریس از من خواست **علائم** (بیماری) خود را برایش شرح دهم تا بتواند علت بیماری‌ام را پیدا کند.

* symptom یعنی «علامت و نشانه‌ی یک بیماری»:

symptoms of flu

علائم آنفلوانزا

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - دلیل ۳ - علاقه ۴ - عضو بدن

۱۲- **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** با این همه **گاز** ناشی از آگروز ماشین‌ها مشکل آلودگی هوا هر روز باعث نگرانی بیش‌تری می‌شود.

* اسم fume که بیش‌تر در حالت جمع به کار می‌رود به «گاز و غبار مضر و بدبو» اشاره می‌کند؛ در ضمن توجه داشته باشید که steam یعنی «بخار آب» و

vapor هم به هر نوع «بخار» اطلاق می‌شود؛ fog هم یعنی «مه» و در ضمن smog به معنی «مه دود» و ترکیبی از fog و smoke می‌باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - بخار ۲ - مه ۴ - گرده‌ی گیاهان

۱۳- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** خانواده‌اش ترجیح دادند که در زادگاه خود **بمانند** در حالی که او تصمیم گرفت در ایالت دیگری به دنبال کار بگردد.

* فعل remain یعنی «ماندن، باقی ماندن»:

Nothing remains the same forever.

هیچ چیز همیشه به همان شکل نمی‌ماند.

اسم remains هم یعنی «باقی مانده»:

the remains of the meal.

باقی‌مانده‌ی غذا

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - برداشتن، جابه‌جا کردن ۲ - تسکین دادن ۳ - واکنش نشان دادن

۱۴- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** دندان‌پزشکم بعد از این که کاملاً پوسیدگی دندان عقلم را بررسی کرد پیشنهاد **کشیدن** آن را ارائه کرد.

* اسم removal که به معنی «برداشتن، حذف، عزل» است از فعل remove مشتق می‌شود:

the removal of cancer cells

برداشتن سلول‌های سرطانی

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - وضع، حالت ۲ - حرکت، اقدام ۳ - آسیب

۱۵- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** مبتلا شدن به این بیماری به طرز شگفت‌انگیزی دشوار است زیرا اکثر افراد نسبت به آن دارای **مقاومت** طبیعی هستند.

* اسم resistance به معنی «مقاومت» از فعل resist یعنی «مقاومت کردن، پایداری کردن، مخالفت کردن» مشتق شده است. از این خانواده صفت

resistant (مقاوم) هم یاد بگیرید:

If the enemy attacks, we will resist.

اگر دشمن حمله کند (در برابرش) مقاومت خواهیم کرد.

I couldn't resist reading his letter.

نتوانستم در برابر خواندن نامه‌اش مقاومت کنم (نتوانستم جلوی خود را بگیرم که نامه‌اش را نخوانم).

resistant to change

مقاوم به تغییر

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مخلوط ۳ - رطوبت ۴ - ماده‌ی محرک

۱۶- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** بیش از نیمی از مرگ‌های **قابل اجتناب** در کشور ما در اثر تصادف اتومبیل‌ها ایجاد می‌شود.

* با فعل avoid به معنی «اجتناب کردن، خودداری کردن» قبلاً آشنا شده‌اید. صفت avoidable به معنی «قابل اجتناب، قابل پیش‌گیری» از همین فعل مشتق شده است.

avoidable mistakes / errors

اشتباهات / خطاهای قابل اجتناب

۴ - محافظ

۳ - منطقی

۲ - پیش‌گیرانه: معنی سایر گزینه‌ها:

۱۷- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: مسئولین فرودگاه تصمیم گرفتند که به علت وجود مه غلیظ تمام پروازها را لغو کنند.

dense / thick fog

مه غلیظ

۴ - گرده‌ی گیاهان

۳ - باد

۱ - بخار: معنی سایر گزینه‌ها:

۱۸- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: از آن‌جا که به علت بیماری ریوی تحت درمان بود به او اجازهٔ ورزش سنگین داده نشد.

۴ - جذب / جاذبه

۳ - شرایط، وضع

۲ - عملکرد: معنی سایر گزینه‌ها:

1. Actually, it was very hard to see what was going on with the wind blowing into our faces.

- 1) dust 2) moisture 3) ray 4) steam

2. You must use a piece of cloth in order to the hole in that wall.

- 1) wrap 2) relieve 3) protect 4) block

3. Having so little money to spend on a new apartment does you in your choice.

- 1) strand 2) limit 3) match 4) create

4. The doctor has put me on a low-salt to reduce my blood pressure.

- 1) vessel 2) support 3) organ 4) diet

5. As we drove further north, we could notice a(n) change in climate.

- 1) surrounding 2) gradual 3) equivalent 4) flexible

6. When she entered the kitchen, she noticed the unpleasant smell of meat.

- 1) storing 2) warning 3) containing 4) decaying

7. During the recent rainstorms, all of the southern parts of our country have been by terrible floods.

- 1) removed 2) distracted 3) limited 4) affected

8. In general, as the distance from the sun increases, the planet are more widely separated.

- 1) layers 2) surfaces 3) columns 4) paths

9. On a good night, the is soon so crowded with fish that it turns silver.

- 1) cottage 2) smog 3) beach 4) humidity

10. At first his classmates paid no attention to him but soon his personal made everyone like him.

- 1) magnetism 2) navigation 3) agreement 4) direction

11. That's only a(n) estimate of the likely cost, but it will help us to manage our money.

- 1) limited 2) active 3) balanced 4) rough

12. I know she's very inexperienced, but I'm sure she can very well with her new position.

- 1) rely 2) cope 3) carry 4) limit

13. I was very worried about the examination and it was a great to hear that I had passed.

- 1) mood 2) pressure 3) fact 4) relief

14. I suggest you try some relaxation methods; sleep drugs are not in this case.

- 1) forbidden 2) stranded 3) recommended 4) affected

15. Doctors have developed a device which can who is at more risk from sudden death following a mild heart attack.

- 1) recommend 2) prepare 3) remain 4) detect

16. A(n) description of what you're searching for will help us to find it more easily and quickly.

- 1) gradual 2) accurate 3) familiar 4) conscious

17. As a professional athlete, she must exercise regularly to her physical strength.

- 1) build up 2) give out 3) grow up 4) get away

18. He's been HIV positive for six years, but just recently he's started to develop the of AIDS.

- 1) researches 2) occasions 3) symptoms 4) medicines

19. Any decision which increases unemployment is much likely to meet with strong

- 1) observation 2) appointment 3) discussion 4) resistance

20. Because of the improvements in international media and the Internet, news is available almost everywhere.

- 1) gradual 2) current 3) separate 4) reasonable

پاسفنامہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 6

Part I Reading Comprehension

A Reading

Counting Wheat

About 10,000 years ago, the first farmers grew wheat, which they bundled into sheaves. Sheaves could be counted by tallying. The farmer might meet a herdsman who would exchange a goat for some wheat. How many sheaves of wheat would be exchanged for an animal? Perhaps the herdsman would hold up five fingers ... five sheaves for a goat.

Fingers provided a useful way of showing small numbers. But there was no way of writing numbers down or adding them together.

B Comprehension Check

- 1. It can be understood from the passage that tallying was a way of numbers or items.**
1) growing 2) counting 3) exchanging 4) farming
- 2. Which ten sentence is not true?**
1) The first farmers grew barley 10000 years ago.
2) Fingers were used to show small numbers.
3) The first people did not know how to write numbers down.
4) Adding numbers was a problem for ancient people.
- 3. The word 'exchange' in line 2 means:**
1) find the total number of 2) raise animals such as goat
3) give sth and get sth else in return 4) count numbers with fingers

Part II

Vocabulary Test

- 1. This part is safe and shallow. How about swimming from our boat to the ?**
1) current 2) path 3) shore 4) cottage
- 2. They the boy's hands to a tree with a piece of rope and ran away.**
1) bundled 2) exchanged 3) raised 4) tied
- 3. Nowadays many farmers are using scientific methods to grow more**
1) wheat 2) marks 3) dust 4) shelves
- 4. She gave aof old clothes to a charity organization for homeless people.**
1) sheaf 2) herd 3) bundle 4) band
- 5. When you are, it's often hard to resist staying in bed all morning.**
1) frightened 2) exhausted 3) involved 4) balanced
- 6. After the party we telephone numbers and promised not to lose contact with each other.**
1) provided 2) counted 3) recommended 4) exchanged
- 7. He the money and surprisingly found that its amount was much more than he'd been promised.**
1) held 2) counted 3) cost 4) coped
- 8. When the thief his hands, the police discovered that he was carrying a gun.**
1) got off 2) gave up 3) went on 4) held up
- 9. All they had grown was totally destroyed when a of elephants passed their farm.**
1) shelf 2) tie 3) sheaf 4) herd
- 10. It's strongly recommended that young babies' diet should contain no salt or sugar.**
1) useful 2) active 3) harmless 4) added

word study
بررسی واژگان درس ۹

add	جمع کردن	* percent	درصد
barley	(گیاه) جو	* provide	فراهم کردن
bundle	دسته، دسته‌بندی کردن	sheaf	دسته (گندم، جو و ...)، بافه
* count	شمردن	shelf	قفسه
* exchange	مبادله کردن	* shore	ساحل
* exhaust	خسته کردن، تمام کردن	tally	چوب خط کشیدن، یکی یکی شمردن
goat	بز	* tie	بستن، گره زدن
get off	پیاده شدن	useful	مفید
herdsman	چوپان، گله‌دار	wheat	گندم
* hold up	بالا بردن، نگاه داشتن، به تأخیر انداختن		

پاسخ سوالات درس ۶

A معنی متن:

شمارش گندم

حدود ده هزار سال پیش، کشاورزان اولیه گندم پرورش می دادند و آن را به صورت بافه (دسته‌هایی دسته‌بندی می کردند. این دسته‌ها به وسیله‌ی چوب‌خط کشیدن شمرده می شدند. کشاورز ممکن بود چوبانی را ببیند که بخواهد یک بز را با مقداری گندم معاوضه کند. چند دسته‌ی گندم می بایست در ازای یک حیوان مبادله می شد؟ شاید چوپان ۵ انگشت خود را بالا می برد ... (یعنی) ۵ دسته برای یک بز. استفاده از انگشتان راهی مفید را برای نشان دادن اعداد کوچک فراهم می کرد. اما (در آن زمان) هیچ راهی برای نوشتن اعداد یا جمع کردنشان وجود نداشت.

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۲)

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱ - گزینه‌ی (۳) معنی جمله: این قسمت (از دریا) کم عمق و امن است. چطور است از قایق تا ساحل شنا کنیم؟

* shore یعنی «خشکی، ساحل»:

The sailors went on shore.

ملوانان به خشکی (ساحل) رفتند.

۴ - کلبه

۲ - مسیر، راه

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جریان

۲ - گزینه‌ی (۴) معنی جمله: آن‌ها دستان آن پسر را با یک طناب به درخت بستند و فرار کردند.

* فعل tie یعنی «بستن با یک طناب، ریسمان و ... ، گره زدن»:

He bent down to tie his shoelaces.

او خم شد تا بند کفشش را ببندد.

۳ - بالا بردن، پرورش دادن

۲ - معاوضه کردن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - دسته‌بندی کردن

۳ - گزینه‌ی (۱) معنی جمله: این روزها تعداد زیادی از کشاورزان از روش‌های علمی استفاده می کنند تا گندم بیش تری پرورش دهند.

۴ - قفسه

۳ - گرد و غبار

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - نمره، علامت

۴ - گزینه‌ی (۳) معنی جمله: او دسته‌ای از لباس‌های کهنه به موسسه‌ای خیریه برای افراد بی‌خانمان داد.

* bundle در حالت فعلی یعنی «دسته‌بندی کردن، به صورت یک دسته در آوردن» و در حالت اسمی یعنی «دسته».

I bundled up the old newspapers and threw them away.

من روزنامه‌های کهنه را دسته‌بندی کرده و دور ریختم.

۴ - باند، نوار

۲ - گله

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - بافه، دسته‌ی گندم، جو و ...

۵ - گزینه‌ی (۲) معنی جمله: وقتی شما بسیار خسته هستید اغلب سخت است که بتوانید جلوی خود را بگیرید که تمام صبح را در رختخواب ننماید.

* فعل exhaust هم به معنی «بسیار خسته کردن، تمام کردن انرژی و توان» است و هم به معنی «تا آخر مصرف کردن و تمام کردن چیزی». صفت

exhausted هم یعنی «بسیار خسته»:

We were exhausted after climbing the high mountain.

بعد از صعود از آن کوه مرتفع بسیار خسته بودیم.

All supplies of food was exhausted.

تمام ذخیره‌ی غذایی تمام شد.

۴ - متعادل

۳ - مشغول، درگیر

۱ - ترسیده

۶ - **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** بعد از مهمانی شماره تلفن‌هایمان را با هم **مبادله کردیم** و قول دادیم که تاسمان را با یکدیگر قطع نکنیم.

* فعل exchange یعنی «تبادل کردن، معاوضه و مبادله کردن»:

Some shops always exchange unsuitable goods.

بعضی از مغازه‌ها همیشه اجناس نامطلوب را تعویض می‌کنند.

exchange ideas / information

تبادل نظر / اطلاعات کردن

۳ - توصیه کردن

۲ - شمردن

۱ - فراهم کردن

۷ - **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** او پول را **شمرد** و به طرز شگفت‌آوری متوجه شد که مقدارش از آنچه به او قول داده شده بود بیش‌تر است.

* علاوه بر فعل count که به معنی «شمردن» است، بد نیست با count on به معنی «حساب کردن روی کسی، متکی بودن به» (مترادف با rely on) آشنا شوید.

We can count on him for help.

ما می‌توانیم برای کمک روی او حساب کنیم.

۴ - از عهده‌ی چیزی برآمدن

۳ - هزینه داشتن

۱ - نگه داشتن

۸ - **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** وقتی دزد دستانش را **بالا برد** پلیس‌ها فهمیدند که او یک اسلحه حمل می‌کند.

* از معانی دیگر hold up عبارتند از: «نگه‌داشتن و حمایت کردن، به تأخیر انداختن، سرقت کردن»:

Her legs were too weak to hold her up.

پاهایش برای سر پا نگه‌داشتنش خیلی ضعیف بودند.

I was late because my flight was held up.

چون پروازم تأخیر داشت دیر رسیدم.

۳ - ادامه دادن

۲ - ترک کردن

۱ - پیاده شدن

۹ - **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** وقتی **گله‌ای** از فیل‌ها از مزرعه‌شان عبور کردند تمام آن چه کاشته بودند کاملاً از بین رفت.

* herd یعنی «یک گله یا دسته از حیوانات، گروه و جماعتی از مردم». واژه مرتبط دیگر flock (گله گوسفند، بز، پرنده) است.

a herd of cattle

یک گله‌ی گاو

۳ - دسته‌ی گندم و ...

۲ - گره

۱ - قفسه

۱۰ - **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** شدیداً توصیه شده است که رژیم غذایی کودکان کم سن و سال حاوی شکر یا نمک **اضافی** نباشد.

* added یعنی «اضافه شده» که از فعل add (جمع کردن، اضافه کردن) به دست آمده است.

۳ - بی‌ضرر

۲ - فعال

۱ - مفید

English Lesson 7

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Watery You

Did you know that you could live without water for only about a week? You probably think your body feels firm and solid because it is full of strong bones and muscles. But in fact 65 percent of your body is made up of water. Because we lose water, we need to keep topping up the amount of water in our bodies. We need between two and three liters of water each day.

B Comprehension Check

1. Which sentence is not true?

- 1) Our bodies feels strong because of strong muscles. 2) Since we lose water we must drink more water.
3) We could live without water only for a short time. 4) 35 percent of the human body is not made up of water.

2. The word 'it' in line 2 refers to

- 1) water 2) body 3) bone 4) solid

Part II

Vocabulary Test

- 1. Although a lot has been done for it recently, unemployment is likely to rising this year.**
1) go on 2) look up 3) get off 4) find out
- 2. This large model is for home-use only, but there's a(n) design which is highly suitable for travel.**
1) accurate 2) rough 3) compact 4) firm
- 3. The government is expected to take action to reduce air pollution in big cities.**
1) firm 2) concerned 3) smooth 4) safe
- 4. They lost another match today and this killed any hopes of their reaching the final.**
1) gradual 2) compact 3) excessive 4) remaining
- 5. After his stomach operation, the old man was unable to eat food for several weeks.**
1) smooth 2) fresh 3) active 4) solid
- 6. All the children had been by their father into helping their mother with housework.**
1) limited 2) pressed 3) yielded 4) exchanged
- 7. The fat boy jumped into the swimming pool with a great**
1) splash 2) case 3) shore 4) pressure
- 8. As water vapor rises it becomes colder and finally it to form clouds.**
1) wraps 2) resists 3) condenses 4) yields
- 9. In the end he to the pressure and accepted the new plan.**
1) refused 2) remained 3) exchanged 4) yielded
- 10. He had to do extra jobs at weekends in order to his earnings.**
1) give up 2) top up 3) look up 4) wake up

V **بررسی واژگان درس** word study

* compact	فشرده کردن، فشرده	press	تحت فشار قرار دادن
condense	مایع کردن یک گاز	* remaining	باقی، باقی مانده
* firm	سفت، محکم	salty	شور
* fortunately	خوشبختانه	* smooth	نرم، آرام
* fresh	(در این درس) (آب) شیرین	splash	آب پاشیدن، شلاپ شلاپ کردن
* go on	ادامه دادن، اتفاق افتادن	top up	پر کردن، افزایش دادن
make up	تشکیل دادن	unable	ناتوان
mostly	اکثراً	yield	تسلیم شدن، ایجاد کردن

پاسخ سوالات درس V

A معنی متن:

بدن پر از آب شما

آیا می‌دانستید که بدون آب فقط یک هفته می‌توانید زنده می‌مانید؟ شما احتمالاً به این دلیل احساس می‌کنید که بدنتان سفت و محکم است که پر از استخوان‌ها و عضلات قوی می‌باشد. اما در واقع ۶۵ درصد از بدن شما از آب تشکیل شده است. از آن‌جا که (دائماً) آب از دست می‌دهیم، نیازمندیم که مقادیر آب بدنمان را افزایش دهیم (جایگزین کنیم). ما هر روز بین ۲ تا ۳ لیتر آب نیاز داریم.

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۱)

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** اگرچه اخیراً کارهای زیادی در مورد مشکل بیکاری انجام داده شده است، احتمال دارد که امسال افزایش آن **ادامه یابد**.

* فعل go on یعنی «ادامه دادن» که با carry on و keep on مترادف است:

He went on playing.

او به بازی کردن ادامه داد.

معنی مهم دیگر این فعل «اتفاق افتادن» است:

What's going on in their room?

در اتاقشان چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

۴ - فهمیدن

۳ - پیاده شدن

۲ - دنبال معنی لغت گشتن

۲- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** این مدل بزرگ فقط برای استفاده در منزل است اما مدلی **جمع و جور** هم وجود دارد که برای استفاده در سفر مناسب است.

* compact اگر صفت باشد به معنی «کوچک، جمع و جور، فشرده» و اگر فعل باشد یعنی «فشرده کردن»:

a compact car / camera

یک اتومبیل / دوربین کوچک و جمع و جور

a compact bundle / mass

یک دسته / توده‌ی به هم فشرده و متراکم

۴- سفت، محکم

۲ - خشن، تقریبی

۱ - دقیق

۳- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** از دولت انتظار می‌رود که برای کاهش آلودگی در شهرهای بزرگ اقدام **قاطع** انجام دهد.

* معانی صفت firm عبارتند از «سفت و محکم، استوار، قطعی، قاطعانه و ...»:

a firm ripe tomato

یک گوجه فرنگی سفت و رسیده

a firm decision

یک تصمیم قاطع

۴ - ایمن

۳ - نرم و آرام

۲ - نگران، مربوط

۴- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** آن‌ها امروز یک بازی دیگر را هم باختند و این امیدهای **باقی‌مانده** برای رسیدن آن‌ها به فینال را از بین برد.

* remaining یعنی «باقی‌مانده» که از فعل remain (ماندن، باقی ماندن) به دست آمده است:

The remaining issues will be discussed tomorrow.

راجع به موضوعات باقی مانده فردا بحث خواهد شد.

۳ - اضافی

۲ - فشرده، جمع و جور

۱ - تدریجی

۵- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: آن پیرمرد بعد از عمل جراحی روی معده‌اش تا چند هفته نمی‌توانست غذای جامد بخورد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نرم، آرام ۲- تازه ۳- فعال ۳- مبادله کردن

۶- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: تمام بچه‌ها از سوی پدرشان برای کمک کردن به مادرشان در کارهای منزل تحت فشار قرار گرفتند.

* فعل press یعنی «فشار دادن، فشار آوردن»:

Press this button to ring the bell.

این دکمه را فشار بده که زنگ به صدا درآید.

He was pressed to leave his apartment.

او برای ترک آپارتمان‌ش تحت فشار قرار داده شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- محدود کردن ۳- تسلیم شدن ۴- مبادله کردن

۷- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: آن پسر چاق با صدای شالاپ زیادی به داخل استخر پرید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مورد ۳- ساحل ۴- فشار

۸- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: همان‌طور که بخار آب بالاتر می‌رود سردتر می‌شود و سرانجام تبدیل به مایع می‌شود و ابرها را تشکیل می‌دهد.

* condense یعنی «تبدیل شدن یک گاز به مایع»:

Steam condenses to water when it touches a cold surface.

بخار وقتی به یک سطح سرد برخورد می‌کند به آب تبدیل می‌شود.

معنی دیگر این فعل «کوتاه و خلاصه کردن به ویژه در مورد یک دوره، صحبت، نوشته و ...» است:

We'll have to condense these three pages into one.

ما باید این سه صفحه را به یک صفحه خلاصه کنیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پیچیدن ۲- مقاومت کردن ۴- تسلیم شدن

۹- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: سرانجام او مجبور شد که تسلیم فشارها شود و طرح جدید را بپذیرد.

* فعل yield یعنی «تسلیم شدن، واگذار کردن، ایجاد کردن (یک چیز مفید)»

He yielded the control of the company to his son.

او اداره‌ی شرکت را به پسرش واگذار کرد.

yield results

نتیجه دادن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- امتناع کردن ۲- باقی‌ماندن ۳- مبادله کردن

۱۰- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: او مجبور بود که برای افزایش دادن درآمدش آخر هفته‌ها اضافه‌کاری کند.

* top up یعنی «پر کردن یک ظرف از مایع، افزایش دادن تا حد مطلوب»:

Let me top up your glass.

بگذارید لیوانتان را پر کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- رها کردن ۳- پیدا کردن معنی لغت ۴- بیدار شدن

English Lesson 8

Part I Reading Comprehension

A Reading

The Ozone Layer

Around 1970 scientists began to notice something strange happening in the earth's atmosphere. They were surprised to see a hole appearing each spring in a layer of gas that surrounds the earth. This layer of gas is called the ozone layer.

The scientists noticed that the ozone layer appeared to be getting thinner and thinner. The problem was most serious over Antarctica. Here they found the ozone layer was thinner each spring. Now the ozone layer is beginning to get thinner over Europe, Asia and North America. Though these holes are smaller, it is enough to worry the scientists.

The ozone layer lies in the stratosphere between 16 and 50 kilometers above the Earth's surface. This layer shields us from some of the ultraviolet rays from the sun. These are the rays which make pale human skins become darker in sunlight. But too many ultraviolet rays can be bad for us.

B Comprehension Check

1. The ozone layer protects us by

- 1) blocking some of the sun's heat
- 2) making our skins pale
- 3) stopping some of ultraviolet rays
- 4) preventing the atmosphere from getting thin

2. The largest hole in the ozone layer is over the

- 1) stratosphere
- 2) south pole
- 3) Asia
- 4) North America

3. Which sentence is false according to the passage?

- 1) The hole in the ozone layer was discovered in 20th century.
- 2) The ozone layer is thinnest in the spring.
- 3) Small holes in ozone layer are not important to pay attention to.
- 4) Nowhere on Earth is free from the problem of ozone layer.

Part II**Vocabulary Test****1. At most public , people have to take a shower before they enter them.**

- 1) beaches
- 2) pools
- 3) paths
- 4) islands

2. These plants must be from direct sunlight or they'll die soon.

- 1) relieved
- 2) detected
- 3) disturbed
- 4) shielded

3. He emphasized that people should immediately contact the police if they've any strangers in the area recently.

- 1) noticed
- 2) resisted
- 3) yielded
- 4) mentioned

4. He'd lost a lot of blood and that made him look

- 1) pale
- 2) facial
- 3) light
- 4) firm

5. After their wonderful performance, they found themselves by an admiring crowd.

- 1) limited
- 2) wrapped
- 3) surrounded
- 4) exhausted

6. You'd better change the place of your computer because while here, the causes a hurting reflection on its screen.

- 1) result
- 2) hole
- 3) path
- 4) light

7. It is estimated that Iran's population will probably reach 80 million by the turn of the

- 1) nation
- 2) century
- 3) period
- 4) future

8. The doctor was helpful, and offered constructive as to how I could improve my diet.

- 1) situations
- 2) protection
- 3) suggestions
- 4) recognition



word study
بررسی واژگان درس

Antarctica	قطب جنوب	pool	استخر
appear	ظاهر شدن، به نظر رسیدن	* ray	اشعه
century	قرن	* shield	محافظت کردن
hole	حفره، سوراخ	strange	عجیب
light	نور	* suggest	پیشنهاد کردن
line	خط	* surround	احاطه کردن، در بر گرفتن
* notice	توجه کردن، متوجه شدن	* worry	نگران کردن
* pale	کم‌رنگ، رنگ پریده		

پاسخ سوالات درس ۸

A معنی متن:

لایه‌ی ازون

در حدود سال ۱۹۷۰ توجه دانشمندان به اتفاق عجیبی که در جو زمین رخ می‌داد جلب شد. آن‌ها از ظهور حفره‌ای در هر بهار در لایه‌ای از گاز که زمین را در بر گرفته است، شگفت زده شدند. این لایه‌ی گاز، لایه‌ی ازون نامیده می‌شود. دانشمندان متوجه شدند که به نظر می‌رسد لایه‌ی ازون در حال نازک‌تر شدن می‌باشد. این مشکل در ناحیه‌ی قطب جنوب از همه جا جدی‌تر بود. در آن‌جا دانشمندان دریافتند که لایه‌ی ازون هر بهار نازک‌تر می‌شود. در حال حاضر لایه‌ی ازون موجود بر روی اروپا، آسیا و آمریکای شمالی هم شروع به نازک‌تر شدن کرده است. اگر چه این حفره‌ها کوچک‌تر هستند، (اندازه‌شان) برای نگران کردن دانشمندان کفایت می‌کنند. لایه‌ی ازون در استراتوسفر و بین ۱۶ تا ۵۰ کیلومتری بالای سطح زمین قرار دارد. این لایه از ما در برابر اشعه‌ی ماورای بنفش خورشید محافظت می‌کند. این اشعه همان اشعه‌ای است که باعث می‌شود پوست افراد روشن در نور آفتاب تیره‌تر شود. اما مقدار بیش از حد اشعه‌ی ماورای بنفش برای ما مضر است.

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)

پاسخ سؤال‌های واژگان

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: مردم در بسیاری از استخرهای عمومی باید قبل از ورود به آن‌ها دوش بگیرند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ساحل ۳ - مسیر، راه ۴ - جزیره

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: این گیاهان باید از اشعه‌ی مستقیم خورشید محافظت شوند و گرنه خیلی زود پژمرده می‌شوند.

* فعل shield یعنی «محافظت کردن» که البته حالت اسمی هم دارد (به معنی «محافظت، محافظ»).

پرنده‌ی مادر از تخم‌هایش زیر پرهایش محافظت کرد. Mother hen shielded the eggs under its wings.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تسکین دادن ۲ - مشخص کردن ۳ - مزاحم شدن

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: او تأکید کرد که اگر مردم اخیراً متوجه غریبه‌ای در آن ناحیه شده‌اند فوراً با پلیس تماس بگیرند.

* فعل notice به معنی «متوجه شدن، توجه کردن» می‌باشد. در ضمن اسم notice هم به معنی «توجه» است و هم به معنی «اعلان، اطلاعیه». از این

خانواده صفت noticeable به معنی «قابل توجه، چشمگیر» را هم یاد بگیرید:

یک تغییر / افزایش / افت قابل توجه a noticeable change / increase / drop

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مقاومت کردن ۳ - تسلیم شدن ۴ - اشاره کردن

۴- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: او مقدار زیادی خون از دست داده بود و این باعث شد که رنگ پریده به نظر بیاید.

* pale هم به معنی «کم‌رنگ» است و هم به معنی «رنگ پریده (در مورد انسان)»:

a pale blue آبی کم‌رنگ

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مربوط به چهره ۳ - سبک، روشن ۴ - سفت و سخت

۵- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: بعد از اجرای بسیار خوبشان خود را در محاصرهٔ جمعیتی تحسین کننده دیدند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - محدود ۲ - پیچیده در ، پوشیده در ۳ - بسیار خسته ۴ - بسیار خسته

۶- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: بهتر است که جای رایانه‌ها را عوض کنی برای این‌که این‌جا نور باعث ایجاد انعکاسی آزار دهنده روی صفحه نمایش می‌شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - سپر، نتیجه ۲ - سوراخ ۳ - مسیر

۷- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: تخمین زده شده است که جمعیت ایران تا پایان قرن احتمالاً به ۸۰ میلیون نفر خواهد رسید.

* century یعنی «قرن»:

the turn of the century

پایان قرن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ملت ۲ - دوره‌ی زمانی ۳ - آینده ۴ - آینده

۸- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: آن دکتر خیلی کمک کرد و پیشنهادهایی سازنده برای بهبود رژیم غذایی‌ام ارائه داد.

* suggestion به معنی «پیشنهاد» از فعل suggest مشتق شده است. از همین ریشه با صفت suggestive به معنی «نشان دهنده‌ی، گویای، حاکی از» آشنا شوید:

symptoms suggestive of an allergy

علائم نشان دهنده‌ی یک حساسیت

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - وضعیت ۲ - محافظت ۳ - شناسایی ۴ - شناسایی

English Lesson 9

Part I Reading Comprehension

A Reading

Why Do We Count?

Can you imagine a time when people did not use numbers? The first people on earth lived by hunting wild animals and collecting fruit and nuts. They had no need to count. Numbers did not matter to them.

Then about 11000 years ago herdsmen began to keep flocks of sheep and goats. They had to be able to count so that they would know if any of their animals were missing. The first calculations were made by counting in ones – '1 and 1 and 1' and so on.

This method of counting is called tallying. One way herdsmen used to tally was to put a stone on a pile for each animal. Other ways were to tie knots in a length of rope or scratch on a piece of wood. Each knot or scratch represented one sheep or goat.

B Comprehension Check

1. Why did early man need to be able to count?

- 1) to hunt wild animals
- 2) to collect wild fruits and nuts
- 3) to know if his animals were missing
- 4) to tie knots in a length of rope

2. Numbers did not matter to

- 1) people living 11000 years ago
- 2) people who kept sheep and goats
- 3) the first people on the earth
- 4) any of our ancestors

۹ بررسی واژگان درس word study

ancestor	جد، نیاکان	* missing	گم، جا افتاده، کم
* calculation	محاسبه	nuts	مغز میوه‌ها، آجیل
* collect	جمع کردن	pile	توده، تل
flock	گله	* represent	نشان دادن، علامت چیزی بودن
herdsman	گله‌دار، چوپان	rope	طناب
* hunt	شکار کردن	* scratch	خراش، شیار
* imagine	تصور کردن	tallying	یکی یکی شمردن، چوب‌خط کشیدن
knot	گره	* tie	بستن، گره زدن
* matter	مهم بودن	wild	وحشی

پاسخ سوالات درس ۹

A معنی متن:

چرا می‌شماریم؟

آیا می‌توانید زمانی را تصور کنید که مردم از اعداد استفاده نمی‌کردند؟ انسان‌های اولیه بر روی زمین از طریق شکار حیوانات وحشی و جمع‌آوری میوه‌ها و مغز آن‌ها گذران زندگی می‌کردند. آن‌ها نیازی به شمردن نداشتند. اعداد برای آن‌ها اهمیتی نداشت. پس از آن در حدود یازده هزار سال پیش گله‌داران شروع به نگهداری از گله‌های گوسفند و بز کردند. آن‌ها برای این‌که متوجه گم شدن یکی از حیواناتشان شوند مجبور بودند که بتوانند آن‌ها را بشمارند. محاسبات اولیه از طریق یکی یکی شمردن - یعنی یک و یک و یک و به همین ترتیب - انجام می‌شد. این شیوه‌ی شمارش، یکی یکی شمردن (چوبخط کشیدن) نامیده می‌شود. یکی از راه‌های یکی یکی شمردن که گله‌دار از آن استفاده می‌کرد این بود که در ازای هر حیوان یک سنگ را روی توده‌ای از سنگ‌ها می‌گذاشتند. راه‌های دیگر عبارت بودند از: گره زدن در طول یک طناب یا خراش دادن یک تکه چوب. هر گره یا خراش (شمار) نمایانگر یک گوسفند یا بز بود.

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۱ - گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: کارگران موافقت کردند تا او را انتخاب کنند که در جلسه‌ی بعدی نماینده‌ی آن‌ها باشد.

* فعل represent یعنی «نمایندگی چیزی یا کسی بودن، بیانگر و نشان‌دهنده‌ی موضوعی بودن»:

The yellow lines on the map represent main roads. خطوط زرد روی نقشه نشان‌دهنده‌ی جاده‌های اصلی هستند.

در ضمن کلمه‌ی representative هم یک اسم به معنی «نماینده» و هم یک صفت به معنی «نمایانگر، نشان‌دهنده، نمونه» می‌باشد:

He was elected to be their representative. او برای نمایندگی از طرف آن‌ها انتخاب شد.

These rude boys are not representative of the majority of our students.

این پسرهای بی‌ادب نشان‌دهنده (نمونه‌ی) اکثریت دانش‌آموزان ما نیستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - اشاره کردن ۳ - جمع‌آوری کردن ۴ - توصیه کردن

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در بهار دسته‌های بزرگی از پرندگان بعد از سپری کردن زمستان در آفریقا به اروپا باز می‌گردند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پستاندار ۲ - جریان ۳ - گره

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: اگر می‌خواهی با ماشین به خرید بروی، ممکن است لطفاً بچه‌ها را هم از مدرسه برداری و بیاوری؟

* با فعل collect در کتاب درسی به معنی «جمع کردن، جمع‌آوری کردن» آشنا شده‌اید. این کلمه در این سؤال به معنی «برداشتن و آوردن» به کار رفته است.

بعضی از هم‌خانواده‌های مهم این فعل عبارتند از اسم collection (مجموعه، کلکسیون)، صفت collective (دسته جمعی، جمعی) و قید collectively (جمعاً، مجموعاً، به طور دسته جمعی):

a stamp collection

یک مجموعه‌ی تمبر

a collective work / decision

یک کار / تصمیم دسته‌جمعی (گروهی)

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - رها کردن ۳ - آماده کردن ۴ - مطلع کردن

۴- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: هنوز هم در بسیاری از نقاط آسیا ببرها به خاطر پوست زیبایشان شکار می‌شوند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - اثر گذاشتن، مبتلا کردن ۲ - هشدار دادن ۴ - ترساندن

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ناگهان کپه‌ای از سنگ تنها مسیر ما را به سوی رهایی سد کردند.

* pile یعنی «توده، کپه، تل» و هم‌چنین «مقدار زیاد»:

a pile of dirty clothes

کپه‌ای از لباس‌های کثیف

I have piles of work to do.

مقدار زیادی کار برای انجام دادن دارم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - گله ۳ - هسته ۴ - سطح، میزان

۶- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: بعد از ۳ روز جستجو آن مرد ثروتمند را مرده با طنابی به دور گردنش یافتند.

* rope یعنی «طناب». بد نیست که با کلمات thread (نخ) و string (ریسمان) هم آشنا شوید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - حس ۳ - اشعه ۴ - خط

۷- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: او وقتی دید که اتومبیل جدیدش دچار خراش شده است (خط افتاده است) بسیار عصبانی شد. به احتمال زیاد اتومبیل

دیگری از پهلو به آن زده بود.

* scratch یعنی «خراش دادن، چنگ زدن، خط انداختن» که البته حالت اسمی هم دارد.

The cat scratched her face.

گرچه صورتش را چنگ زد (خراش داد).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - شکست خوردن ۳ - پرت کردن حواس ۴ - امتناع کردن

۸- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: در واقع اهمیتی ندارد که چگونه به آن مسأله نگاه کنی، (هر طور نگاه کنی) این مشکل به همان صورت باقی است.

* کلمه‌ی matter در حالت فعلی یعنی «اهمیت داشتن» و در حالت اسمی یعنی «موضوع»:

Money is the only thing that matters to him.

پول تنها چیزی است که برای او اهمیت دارد.

What's the matter?

موضوع چیست؟

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تصور کردن ۳ - آماده کردن ۴ - قبول کردن

۹- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: من فقط می‌توانم یک تخمین کلی و غیر دقیق از مقدار پولی را که باید پرداخت کنی به تو بگویم زیرا محاسبه‌ی دقیق

هزینه‌ها غیرممکن است.

* اسم calculation از فعل calculate به معنی «محاسبه کردن» مشتق شده است. از این خانواده با اسم calculator به معنی «ماشین حساب» و صفت

calculated به معنی «حساب شده» هم آشنا شوید:

It's hard to calculate how long the project will take.

محاسبه‌ی مدت زمانی که این پروژه به طول می‌انجامد دشوار است.

a calculated attempt

اقدامی حساب شده

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - تولید ۳ - عملکرد ۴ - تشکیل

۱۰- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: جسد دختری که طی یک گردش خانوادگی خارج از شهر به کوه اسنودون مفقود شده بود، در کنار کوه پیدا شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - آسیب رسان ۲ - نگران کننده ۳ - تکان دهنده

English Lesson 10

Part I Reading Comprehension

A Reading

Why We Need Computers

Every day of your life, you use a kind of computer – your brain. Your brain tells you when you are hungry. It helps you to move to work and to remember things.

Our brains can also solve complicated mathematical problems or calculations. But sometimes we need to calculate far more quickly than our brains can manage and be sure that the answer is correct. This is when we need computers which can solve problems and carry out the most difficult calculations with amazing speed and accuracy.

Computers are specially useful for storing a lot of information. They can keep words, pictures and sounds in their memory and give you the information you need within seconds.

Even the most advanced computers are often easy to use. They communicate with you by flashing messages or pictures into a screen or sometimes they talk to you. You can play games with them too.

B Comprehension Check

1. Something that helps you to work, to move and to remember is your

- 1) computer
- 2) body
- 3) brain
- 4) memory

2. Computers can

- 1) work without the help of human
- 2) store a lot of information
- 3) be used easily only if they are advanced
- 4) tell you when you are hungry

3. Which one is false according to the passage?

- 1) Brain is a kind of computer.
- 2) Computers can talk to people.
- 3) People can play games with computers.
- 4) Computers cannot give people the information they need.

Part II**Vocabulary Test**

- 1. Many have been made in the field of communication through the use of fiber optics.**
1) observations 2) experiences 3) capacities 4) advances
- 2. It's easy to write down a plan for losing weight, but much harder to**
1) top it up 2) carry it out 3) give it up 4) give it back
- 3. By a(n) stroke of luck, all the people of the village survived that terrible earthquake.**
1) worrying 2) amazing 3) frightening 4) amusing
- 4. If you've finished yours, could you please help me to fill in this really form?**
1) complicated 2) limited 3) exhausted 4) calculated
- 5. We couldn't make a correct decision in that unexpected situation because all the things happened in a**
1) point 2) sense 3) flash 4) limit
- 6. The plan is highly recommended since it's been drawn with a surprising degree of**
1) accuracy 2) resistance 3) capacity 4) support
- 7. Studies suggest that regular intake of vitamins can considerably enhance our brain**
1) experience 2) decision 3) transfer 4) function
- 8. In this course you will be taught some basic relaxation techniques for stress.**
1) detecting 2) affecting 3) advancing 4) managing
- 9. Being an excellent teacher, John is able to successfully his knowledge to his students.**
1) concentrate 2) encourage 3) communicate 4) realize

word study بررسی واژگان درس ۱۰

* accuracy	دقت	function	کار، عملکرد
* advanced	پیشرفته	* manage	اداره کردن، موفق شدن
* amazing	شگفت‌آور	mathematical	مربوط به ریاضی
* calculate	محاسبه کردن	message	پیام
* carry out	انجام دادن	* screen	صفحه نمایش (کامپیوتر، تلویزیون)
* communicate	ارتباط برقرار کردن	specially	مخصوصاً
* complicated	پیچیده	* store	ذخیره کردن
far	(در این درس) خیلی	within	در مدت، در ظرف
flashing	چشمک زدن، کوتاه و فوری		

پاسخ سوالات درس ۱۰

A معنی متن:

چرا ما به کامپیوترها نیاز داریم؟

شما در هر روز از زندگی خود از یک نوع کامپیوتر - یعنی مغزتان - استفاده می‌کنید. مغزتان به شما می‌گوید که چه وقت گرسنه هستید. مغز به شما کمک می‌کند که برای کار کردن حرکت کنید و چیزها را به خاطر بیاورید. مغز ما هم چنین می‌تواند از عهده‌ی مسایل و محاسبات پیچیده‌ی ریاضی برآید. اما گاهی ما نیاز داریم محاسبات را خیلی سریعتر از آنچه مغز ما می‌تواند، انجام دهیم و (در عین حال) مطمئن باشیم که محاسبه‌ی ما درست بوده است. در این زمان است که به رایانه‌هایی احتیاج پیدا می‌کنیم که می‌توانند مسائل را حل کنند و دشوارترین محاسبات را با سرعت و دقتی شگفت‌آور انجام دهند. رایانه‌ها به ویژه برای ذخیره کردن مقدار زیادی از اطلاعات مفید هستند. آن‌ها می‌توانند کلمات، تصاویر و صداها را در حافظه‌ی خود نگاه دارند و اطلاعات مورد نیازتان را ظرف چند ثانیه در اختیارتان قرار دهند. حتی کار کردن با پیشرفته‌ترین رایانه‌ها هم ساده و راحت می‌باشد. آن‌ها توسط پیام‌های کوتاه یا تصاویری که روی مانیتور ظاهر می‌شوند، با شما ارتباط برقرار می‌کنند یا گاهی با شما حرف می‌زنند. شما هم چنین می‌توانید با آن‌ها بازی کنید.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان

۱- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: از طریق استفاده از تارهای (مصوب فرهنگستان) نوری پیشرفت‌های زیادی در زمینه‌ی ارتباطات حاصل شده است.

* فعل advance یعنی «پیشرفت کردن، پیش‌روی کردن»؛ در ضمن اسم advancement و advance هم یعنی «پیشرفت». صفت advanced به معنی «پیشرفته» هم از این خانواده است:

advances in computer technology

پیشرفت‌هایی در تکنولوژی کامپیوتر

an advanced English class

کلاس پیشرفته انگلیسی

۳ - ظرفیت

۲ - تجربه

۱ - مشاهده، بررسی

۲- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: نوشتن یک برنامه برای کاهش وزن بسیار آسان است ولی انجام دادن آن دشوار است.

۴ - پس دادن

۳ - ترک کردن

۱ - پر کردن، افزایش دادن

۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: با خوش‌شانسی حیرت‌انگیزی تمام مردم روستا از آن زمین لرزه‌ی وحشتناک جان سالم به در بردند.

* فعل amaze یعنی «متحیر کردن». این فعل دارای دو صفت amazed یعنی «متحیر» برای انسان و amazing (حیرت‌آور) برای غیر انسان می‌باشد:

I was amazed at his behavior.

از رفتار او متحیر شدم.

۴ - سرگرم کننده

۳ - ترسناک

۱ - نگران کننده

۴- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: اگر کار خودتان را تمام کرده‌اید ممکن است به من کمک کنید تا این فرم واقعاً پیچیده را پر کنم؟

* صفت complicated به معنی «پیچیده، دشوار» و با complex مترادف است:

Computers can perform complicated tasks.

کامپیوترها می‌توانند وظایفی پیچیده را انجام دهند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - محدود ۳ - به شدت خسته ۴ - حساب شده

۵- **گزینه‌ی (۳)** معنی جمله: ما نتوانستیم در آن وضعیت غیر منتظره تصمیمی درست بگیریم زیرا همه چیز در یک چشم به هم زدن اتفاق افتاد.

* flash یعنی «برق، نور ناگهانی». عبارت in a flash به معنی «به سرعت، در یک چشم به هم زدن»:

a flash of lightning

یک جرقه‌ی رعد و برق

We'll get there in a flash.

ما در یک چشم به هم زدن به آن‌جا خواهیم رسید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - نقطه، نکته ۲ - حس ۳ - محدود

۶- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: انجام این نقشه به شدت توصیه می‌شود زیرا با دقت بسیار زیادی طراحی شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مقاومت ۳ - ظرفیت ۴ - پشتیبانی

۷- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: مطالعات نشان می‌دهند که مصرف منظم ویتامین‌ها می‌تواند به طرز چشمگیری عملکرد مغز ما را بهبود بخشد

(considerably) در این سؤال یعنی «به مقدار زیاد، به طور چشمگیر و قابل ملاحظه».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تجربه ۲ - تصمیم ۳ - انتقال

۸- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: در این دوره تعدادی از تکنیک‌های پایه جهت کنترل کردن (اداره کردن) استرس به شما تعلیم داده خواهد شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مشخص کردن ۲ - تأثیر گذاشتن ۳ - پیشرفت کردن

۹- **گزینه‌ی (۳)** معنی جمله: جان یک معلم بسیار خوب است و قادر است که دانش خود را به خوبی به دانش‌آموزانش انتقال دهد.

* فعل communicate علاوه بر این که به معنی «ارتباط برقرار کردن» می‌باشد در معنی «انتقال دادن و رساندن مفاهیم، احساسات و ...» هم به کار می‌رود:

He could communicate a feeling of excitement to his audience.

او توانست احساس هیجان را به حضار منتقل کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تمرکز کردن ۲ - تشویق کردن ۴ - فهمیدن

1. The cook had to the number of diners to see whether he could decrease his order for meat.
1) calculate 2) compare 3) recommend 4) represent
2. After his death, all his clothes and belongings were wrapped in a and were given to his parents.
1) bundle 2) flock 3) herd 4) partner
3. It's such a relief to hear that there has been a improvement in her health.
1) collective 2) reasonable 3) preventive 4) noticeable
4. The police were at the survival of the five children after a night out in freezing temperatures.
1) advanced 2) amazed 3) frightened 4) related
5. A: Can you see the from the ship?
B: Yes. There's a crowd of tourists on the beach.
1) shore 2) knot 3) rope 4) path
6. This system has been designed to provide a against probable enemy attack.
1) shield 2) ray 3) band 4) magnet
7. My uncle bought me this shirt as a present but I don't like the color, so is it possible to it for a different one?
1) match 2) exchange 3) yield 4) handle
8. The hospital is blood tests to find out what's wrong with my father.
1) taking away 2) building up 3) carrying out 4) getting back
9. His clothes were old and dirty but his behavior was of a highly educated person.
1) suggestive 2) preventive 3) collective 4) effective
10. In the end they chose to buy a(n) radar warning system to detect enemy planes.
1) advanced 2) sudden 3) previous 4) useless
11. I strongly recommend you to buy a(n) car mainly because it's more economical as it uses less fuel.
1) fashionable 2) compact 3) available 4) complicated
12. Taking a length of, the robbers tied the clerks' hands and feet and then ran away.
1) aid 2) rope 3) metal 4) layer
13. By the time they reached their destination, they were too, but they were also relieved to be there.
1) disabled 2) advanced 3) involved 4) exhausted
14. She turned on the hot water and put another of dirty dishes into the sink.
1) pile 2) task 3) meal 4) site

15. We missed our flight because the directions to the airport were toofor us.

- 1) efficient 2) complicated 3) particular 4) distant

16. Some people in the audience tried to distract him, but he just ignored them and with his presentation.

- 1) gave up 2) turned on 3) held up 4) went on

17. Doctors recommend that people who have skins should avoid lying in the sun for too long.

- 1) mild 2) pale 3) excess 4) rough

18. After a while it was impossible to see myself in the bathroom mirror as steam from the shower had on its cold surface.

- 1) contained 2) radiated 3) condensed 4) reflected

19. My letter took a month to get to its destination. It must have been in the post office strike.

- 1) relied on 2) tied up 3) counted on 4) held up

20. This report the current situation in our schools which is more worrying than it is expected.

- 1) supposes 2) enhances 3) affects 4) represents

پاسفنامہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 11

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Two More Things to Know

Regulate your body heat. Even small ups and downs in body temperature play a large role in your biological rhythms. Sleep generally follows the cooling phase of your body's temperature cycle. Normally peaks and troughs in temperature parallel exposure to light and darkness, but if your inner thermostat is following its own independent schedule, your sleep may be disrupted. One way to control body temperature is with exercise. You might also try a hot bath well before bedtime since it can influence body temperature.

Screen out nocturnal noises. While you may get used to soft rhythmic sounds, louder sporadic noises from traffic or aircraft can destroy sleep more than you expect. If you cannot eliminate the noises try muffling its sound. Carpeting and draperies help.

B Comprehension Check

1. This passage mainly talks about ways to

- 1) sleep better 2) screen out noises 3) control temperature 4) reduce body heat

2. Which sentence is not true?

- 1) We sleep before the cooling phase of body temperature cycle.
2) Exercise helps us control our body temperature.
3) Our inner thermostat responds to light.
4) In order to have a good sleep we need to regulate our body heat.

15. He was taken to hospital suffering from sudden heartbeats.

- 1) irregular 2) parallel 3) general 4) amazed

16. I've taken a number of medications for my constant headache, but none of them have helped me it.

- 1) get used to 2) get into 3) get rid of 4) get to

17. In addition to reducing the exhaust gases from vehicles, trees are useful for the sound of traffic.

- 1) beating 2) muffling 3) proceeding 4) flowing

18. Duringperiods, especially in the summer, reservations are difficult to make at most of the hotels in this area.

- 1) basic 2) regular 3) fresh 4) peak

19. According to this study, the change in smoking is by a change in the number of cases affected by lung cancer.

- 1) exposed 2) treated 3) paralleled 4) calculated

20. Upsetting the normal of sleep is one of the unwanted side effects of this drug.

- 1) beats 2) rhythms 3) pulses 4) valves

21. Fortunately, our bank's shares have risen by twenty percent since their last October.

- 1) resistance 2) limit 3) accuracy 4) trough

22. After one week of continuous fighting, last night was in total silence except for gun fires.

- 1) dependent 2) sporadic 3) excessive 4) missing

11 بررسی واژگان درس word study

as far as	تا آن جا که	muffle	کم کردن صدا
* beat	ضربان، تپش	nocturnal	شبانه
carpeting	فرش، موکت	* normally	به طور طبیعی، معمولاً
* cycle	چرخه	parallel	همزمان بودن، همانند بودن
cool	خنک کردن	* particular	مخصوص، بخصوص
* concerned	مربوطه، درگیر	* peak	اوج
* disrupt	مختل کردن	* phase	مرحله
drapery	پرده	* proceed	پیش رفتن
* eliminate	از بین بردن	* pulse	نبض
* exposure	در معرض چیزی قرار داشتن	* regulate	تنظیم کردن
* flow	جریان، جریان داشتن	rhythm	ریتم، ضرب آهنگ
* generally	عموماً، به طور کلی	* screen out	مانع ورود چیزی شدن
* get rid of	خلاص شدن از	schedule	برنامه، جدول زمانی
* get used to	عادت کردن به	sporadic	منقطع، پراکنده
* independent	مستقل	trough	افت، رکود
inner	داخلی، درونی	unwanted	ناخواسته، نامطلوب
* instance	مورد، نمونه	ups and downs	فراز و نشیب
* interval	وقفه	valve	دریچه
* irregular	نامنظم، بی قاعده		

پاسخ سوالات درس ۱۱

معنی متن:



دو نکته‌ی بیش‌تر برای دانستن

گرمای بدن خود را تنظیم کنید. حتی افزایش یا کاهش اندک در دمای بدن نقشی مهم در ریتم بیولوژیک (آهنگ‌زیستی) شما بازی می‌کند. خوابیدن عموماً به دنبال مرحله‌ی سرد شدن از چرخه‌ی حرارتی بدن شما رخ می‌دهد. به طور معمول افزایش و کاهش درجه حرارت به موازات (متقارن با) قرار گرفتن در معرض نور و تاریکی می‌باشد ولی اگر ترموستات درونی شما از برنامه‌ی مستقل خود پیروی کند خواب شما ممکن است مختل شود. یک راه کنترل درجه حرارت بدن، ورزش کردن است. هم‌چنین حمام کردن با آب گرم را قبل از خوابیدن امتحان کنید چون می‌تواند بر درجه حرارت بدن تأثیر بگذارد. سروصداهاى شبانه را از بین ببرید. هرچند ممکن است به صداهاى موزون ملایم عادت کنید، (ولی) صداهاى منقطع بلندتر که از ترافیک (راه‌بندان) یا هواپیماها ناشی می‌شوند می‌توانند بیش از آن چه انتظار دارید خواب شما را مختل کنند. اگر نمی‌توانید سروصداها را از بین ببرید، کم کردن شدت آن‌ها را امتحان کنید. (برای این کار استفاده از فرش و پرده‌ها کمک کننده هستند.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۱)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱ - گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** دانش‌آموزان معمولاً اجازه ندارند که در امتحانات فرهنگ لغت به همراه بیاورند اما در این مورد از آن‌ها خواسته شده که چنین کنند.

* instance یعنی «مورد، نمونه»:

for instance = for example

به عنوان مثال

In most instances, the drug has no side effects.

در بسیاری از موارد این دارو هیچ عارضه‌ی جانبی‌ای ندارد.

۴ - شیء

۲ - زمینه، حوزه

۱ - وقفه، آنتراکت

۲ - گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** آن نمایش آن قدر خسته کننده بود که بیش‌تر حضار طی آنتراکت سالن را ترک کردند.

* interval هم به معنی «وقفه، فاصله‌ی زمانی یا مکانی» است و هم به معنی «آنتراکت و وقت استراحت در نمایش و ...»:

These trees should be planted at intervals of two meters.

این درختان باید در فواصل ۲ متری از همدیگر کاشته شوند.

۳ - تجربه

۲ - واکنش

۱ - عمل

۳ - گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** موضوع اصلی صحبت آن سخنران این بود که چگونه می‌شود گرسنگی را در این دنیا از بین برد.

* eliminate یعنی «حذف کردن، از بین بردن»:

Because of your disease, you should eliminate fatty foods from your diet.

به خاطر بیماری‌ات باید غذاهای پرچرب را از رژیم غذایی‌ات حذف کنی.

۴ - فراهم کردن

۳ - تنظیم کردن

۲ - پیش‌رفتن

۴ - **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** او می‌تواند در هر بخشی از این قسمت کار کند و برای او فرق نمی‌کند که به صورت مستقل (انفرادی) کار کند یا به عنوان بخشی از یک تیم.

* صفت independent به معنی «مستقل» از اضافه شدن پیشوند منفی ساز -in به صفت dependent به معنی «وابسته» ایجاد شده است. در ضمن اسم independence هم یعنی «استقلال».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - به طور منقطع ۲ - به طور منظم ۳ - عموماً ۴ - عموماً

۵ - **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** دو نفر از هنر پیشه‌ها دیر کرده بودند و نمایش مجبور بود که بدون حضور آن‌ها پیش برود.

* فعل proceed یعنی «به پیش رفتن، ادامه دادن»:

ادامه دادن به کار proceed with the work

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مقارن بودن با ۲ - مختل کردن ۳ - نماینده و بیانگر چیزی بودن ۴ - نماینده و بیانگر چیزی بودن

۶ - **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** ما نمی‌توانیم تقاضای کمک کنیم زیرا طوفان تمامی خطوط تلفن را در سراسر این ناحیه دچار اختلال کرده است.

* فعل disrupt یعنی «دچار اختلال کردن»:

اعتصاب باعث اختلال در تمامی پروازها شده است. The strike has disrupted all the flights.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - خسته کردن ۲ - خراش دادن ۳ - تنظیم کردن ۴ - تنظیم کردن

۷ - **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** سربازانی که در فضای باز می‌جنگند در معرض آتش گلوله‌ی دشمن هستند.

* exposure یعنی در «معرض» که فعل expose به معنی «در معرض چیزی قرار داشتن» حاصل شده است:

در معرض تشعشع قرار گرفتن radiation exposure

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مورد، نمونه ۲ - مقاومت ۳ - وضعیت قرارگیری بدن ۴ - وضعیت قرارگیری بدن

۸ - **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** لطفاً در مورد تغییر برنامه‌ی کلاس‌هایت فکر و بررسی کن تا بتوانی عصرها روی پروژه‌ات کار کنی.

* schedule یعنی «برنامه‌ی زمانی، جدول زمان بندی» که مترادف timetable است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - در پیچ ۲ - افت، رکود ۳ - چرخه، سیکل ۴ - چرخه، سیکل

۹ - **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** اگر ضربان قلبت به کم‌تر از ۶۰ ضربان در دقیقه رسید این دارو را مصرف نکن.

* beat در حالت فعلی یعنی «تپیدن، ضربان داشتن» و در حالت اسمی یعنی «ضربان، تپش»:

او حس کرد که قلبش دارد تندتر می‌زند. He felt his heart was beating faster.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - افت، رکود ۲ - سیکل، چرخه ۳ - مرحله، فاز ۴ - مرحله، فاز

۱۰ - **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** سه ساعت بعد از تصادف طول کشید تا این که ترافیک ماشین‌ها به طور طبیعی جریان یافت.

* فعل flow یعنی «جریان داشتن، جاری بودن، روان بودن». این کلمه حالت اسمی هم دارد:

جریان آب flow of water

خون از زخمش جاری شد. Blood flowed from his wound.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - محتوی چیزی بودن ۲ - اداره کردن ۳ - کم کردن صدا ۴ - کم کردن صدا

۱۱ - **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** هرچه پیرتر می‌شویم، سازوکارهایی که دمای بدنمان را تنظیم می‌کنند ناکارآمدتر می‌شوند.

* فعل regulate یعنی «تنظیم کردن، مرتب کردن، اداره کردن». در ضمن اسم regulation به معنی «نظم، تنظیم، (در حالت جمع) مقررات» می‌باشد:

قانونی برای کنترل آلودگی a law to regulate pollution

قوانین و مقررات laws and regulations

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - از بین بردن ۲ - جهت یابی کردن ۳ - به خواب زمستانی رفتن ۴ - به خواب زمستانی رفتن

۱۲ - گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** این ماسک‌ها برای **جلوگیری کردن** از (استنشاق) گازهای زیان‌بار در نواحی شهری آلوده طراحی شده‌اند.

* screen out یعنی «مانع ورود چیزی (معمولاً مضر) شدن»:

screen out unwanted noise

جلوی سروصدای ناخواسته را گرفتن

۴ - افزایش دادن

۳ - انجام دادن

۲ - پر کردن فرم

۱۳ - گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** وقتی که پزشک متوجه شد **نبض** بچه بسیار ضعیف است، نگرانش افزایش یافت.

۳ - ریتم، ضرب آهنگ

۲ - اوج

۱ - افت، رکود

۱۴ - گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** او به درمان پاسخی نشان نداد و وضعیتش بدتر شد بنابراین از پزشکش درخواست شد یک ویزیت **شبانه** انجام دهد.

* nocturnal یعنی «شبانه، حین شب»:

nocturnal animals

حیوانات شب‌رو

۳ - نگران کننده

۲ - تدریجی

۱ - حیرت‌آور

۱۵ - گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** او به خاطر این‌که دچار تپش قلب ناگهانی و **نامنظم** شده بود به بیمارستان برده شد.

* irregular یعنی «بی‌نظم، بی‌قاعده»:

irregular intervals

فاصل زمانی نامنظم

irregular verbs

افعال بی‌قاعده

۴ - شگفت‌زده

۳ - کلی، عمومی

۲ - موازی، مقارن

۱۶ - گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** من برای این سردرد مداوم خود چندین دارو مصرف کرده‌ام ولی هیچ‌کدام از آن‌ها کمک نکرده‌اند که از **دست آن**

خلاص شوم.

* get rid of یعنی «از شر چیزی خلاص شدن»:

It took me five days to get rid of the cold.

پنج روز طول کشید تا از شر سرماخوردگی خلاص شوم.

get rid of old furniture

از دست اثاثیه‌ی کهنه راحت شدن

۴ - رسیدن

۲ - شروع کردن

۱ - تدریجاً به چیزی عادت کردن

۱۷ - گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** درختان علاوه بر کاستن از مقدار گازهای ناشی از آگروز وسایل نقلیه در **کم کردن صدای** حاصل از ترافیک مفید هستند.

* فعل muffle یعنی «گرفتن و خفه کردن یک صدا»:

She put her hand over the child's mouth to muffle her cries.

او دستش را روی دهان آن بچه گذاشت تا جلوی صدای فریادهایش را بگیرد.

a muffled voice

صدایی خفه و گرفته

۴ - جاری بودن

۳ - پیش‌رفتن

۱ - تپیدن

۱۸ - گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** طی دوره‌های **اوج** (حضور مسافران) به ویژه در تابستان، رزرو کردن بیش‌تر هتل‌ها در این ناحیه بسیار سخت است.

* peak یعنی «اوج، قله، حداکثر»:

peak hours

ساعات اوج (مصرف)

۳ - تازه

۲ - منظم

۱ - پایه، اساس

۱۹ - گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** بر طبق این مطالعه، تغییر در میزان سیگار کشیدن با تغییر در موارد ابتلا به سرطان ریه **همخوانی دارد.**

* فعل parallel یعنی «موازی بودن، مقارن و هم‌زمان بودن، همخوانی داشتن، مشابه بودن، معادل و مساوی بودن». این کلمه در نقش صفت یا اسم هم به

کار می‌رود (به معنی «موازی، مقارن، مشابه، معادل»):

parallel lines

خطوط موازی

We have parallel jobs in different companies.

ما در شرکت‌های مختلف شغل‌هایی مشابه داریم.

parallel efforts by both sides

تلاش‌هایی همزمان از هر دو طرف

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - در معرض چیزی قرار دادن ۲ - درمان کردن ۳ - محاسبه کردن ۴ - دریاچه

۲۰ - گزینه‌ی (۲) معنی جمله: یکی از عوارض جانبی نامطلوب این دارو به هم زدن **آهنگ** طبیعی خواب است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ضربان، تپش ۲ - ضربان، نبض ۳ - دریاچه ۴ - دریاچه

۲۱ - گزینه‌ی (۴) معنی جمله: خوشبختانه سهام بانک ما بعد از **رکودش** در اکتبر گذشته بیست درصد افزایش پیدا کرده است.

* اسم trough یعنی «رکود، افت، کاهش»:

a trough in the economy / employment

رکود و کاهش در اقتصاد / اشتغال

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مقاومت ۲ - محدوده، حد ۳ - دقت

۲۲ - گزینه‌ی (۲) معنی جمله: بعد از یک هفته جنگ مداوم، دیشب به جز مواردی از شلیک‌های **پراکنده** در سکوت کامل گذشت.

* sporadic یعنی «پراکنده، گاهگاهی، متفرق»:

sporadic fighting / violence

جنگ / خشونت پراکنده و گاه به گاه

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - وابسته ۲ - اضافی ۳ - کم، کم شده ۴ - گم شده

English Lesson 12

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Space Sickness

Up in orbit, it is fun floating about and performing somersaults and other gymnastics. But your body isn't used to it and you will probably feel sick. At least, half of all astronauts suffer from space sickness. But after two or three days your body gets used to the strange state and the sickness stops.

On a long trip in space, weightlessness causes more serious problems. When there is no gravity to battle against, your muscles become weak and start to waste away. To prevent this, you must take regular exercise. On the battle, you can use a treadmill for exercise. On Russian Space Stations, the cosmonauts exercise on bikes that are fixed to the floor.

B Comprehension Check

- The second paragraph of this passage is mainly about**
 - how to perform somersaults in space
 - what's going on in Russian space stations
 - complications of weightlessness and how to prevent them
 - having fun and entertainment in space
- Weakness of our muscles in space is due to lack of**
 - enough food
 - weightlessness
 - air
 - gravity
- The word "battle" in line 4 is closest in meaning to**
 - exercise
 - fight
 - prevent
 - waste

Part II

Vocabulary Test

1. This mostly affects children and its first symptom is a sudden stomachache.
1) treatment 2) disease 3) reality 4) medication
2. No agreement was reached and both sides prepared to go on their for control of the market.
1) shield 2) exposure 3) battle 4) power
3. You can easily in this sea even if you're a beginner because it's too salty.
1) float 2) raise 3) flow 4) remain
4. Actually a great deal of energy is needed to launch a spacecraft against the force of
1) universe 2) density 3) pole 4) gravity
5. All the astronauts seemed to enjoy being in a environment and floating around.
1) balanced 2) weightless 3) surrounding 4) physical
6. Even famous doctors were not certain at first what disease it was which was her strength.
1) taking apart 2) wasting away 3) carrying out 4) screening out
7. Having measured the new bed, we realized that there wasn't enough space to fit it in our room.
1) floor 2) load 3) support 4) effect
8. The new space station is designed to remain in much longer than the old ones.
1) satellite 2) planet 3) gravity 4) orbit
9. The complex engine had many different parts, each a different function.
1) affecting 2) creating 3) performing 4) exchanging

۱۲ بررسی واژگان درس word study

* astronaut	فضانورد	gymnastics	ژیمناستیک
* at least	حداقل	* orbit	مدار
* battle	مبارزه کردن، دست و پنجه نرم کردن	* perform	انجام دادن
* be used to	عادت داشتن به	somersault	معلق، پشتک
bike	دوچرخه	* state	حالت، وضعیت
cosmonaut	فضانورد	station	ایستگاه
* disease	بیماری	* suffer	مبتلا شدن، رنج بردن
fix	ثابت و بی حرکت کردن، نصب کردن	treadmill	(وسیله‌ی ورزشی) تردمیل، نوار غلتان
* float	شناور بودن، معلق بودن	trip	سفر
* floor	کف (زمین)	* waste away	تحلیل رفتن، نحیف شدن
* get used to	به تدریج عادت کردن به	weightlessness	بی وزنی
* gravity	نیروی جاذبه	wood	چوب

پاسخ سوالات درس ۱۲

A معنی متن:

حالت تهوع در فضا

آن بالا در مدار، معلق بودن در فضا و انجام پشتک و دیگر حرکات ژیمناستیک بسیار جالب است. اما بدن‌تان به آن محیط عادت ندارد و احتمالاً دچار حالت تهوع خواهید شد. حداقل نیمی از فضانوردان دچار حالت تهوع ناشی از بودن در فضا می‌شوند. اما بعد از ۲ یا ۳ روز بدن شما به تدریج به این وضعیت عجیب و غریب عادت می‌کند و این حالت تهوع متوقف می‌شود.

در سفرهای طولانی در فضا، بی‌وزنی باعث ایجاد مسائل خیلی جدی‌تر می‌شود. وقتی که نیروی جاذبه‌ای وجود ندارد که بدن شما با آن مقابله کند، عضلات شما شروع به ضعیف شدن می‌کنند و به تدریج تحلیل می‌روند. برای جلوگیری از این امر، باید به طور مرتب ورزش کنید. در مبارزه با این مسأله، شما می‌توانید از یک ترمپل (نوار غلتان) برای ورزش کردن استفاده کنید. در ایستگاه‌های فضایی روسی فضانوردان از دوچرخه‌هایی که به کف آن‌جا نصب شده‌اند استفاده می‌کنند.

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۳)

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: این بیماری اکثراً بچه‌ها را مبتلا می‌کند و اولین علامتش یک دل‌درد ناگهانی است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - درمان ۳ - واقعیت ۴ - درمان

۲- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: هیچ توافقی حاصل نشد و هر دو طرف برای ادامه‌ی جنگ برای کنترل بازار آماده شدند.

* اسم battle یعنی «جنگ» که البته حالت فعلی هم دارد:

برادرش در جنگ کشته شد. His brother was killed in battle.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - سپر، حفاظ ۲ - در معرض چیزی بودن ۴ - قدرت

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: شما حتی اگر یک (شناگر) مبتدی باشید به آسانی می‌توانید در این دریا روی آب بمانید برای این که آب آن بسیار شور است.

* فعل float یعنی «شناور بودن، روی آب ماندن، در آب یا هوا معلق بودن»:

یک بالن در هوا می‌رفت. A balloon was floating in the sky.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - بالا بردن ۳ - جریان داشتن ۴ - باقی ماندن

۴- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در واقع برای پرتاب یک سفینه فضایی بر ضد نیروی جاذبه نیاز به انرژی زیادی است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جهان، کائنات ۲ - تراکم ۳ - قطب

۵- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: به نظر می‌رسید که همه‌ی فضانوردان از بودن در محیطی بی‌وزن و شناور بودن (در فضا) لذت می‌برند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - متعادل، متوازن ۳ - پیرامون ۴ - جسمی

۶- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** حتی پزشکان معروف هم در ابتدا مطمئن نبودند که این چه بیماری است که دارد توان او را تحلیل می‌برد.

* waste away یعنی «به تدریج ضعیف شدن، نحیف شدن»:

افرادی که از سرطان می‌میرند لاغر می‌شوند و به طرز واضحی نحیف می‌شوند. People dying from cancer grow thin and visibly waste away.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- از هم جدا کردن ۳- انجام دادن ۴- مانع ورود چیزی شدن

۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** بعد از این که تخت جدید را اندازه گرفتیم فهمیدیم که در کف اتاقمان فضای کافی برای قرار دادنش وجود ندارد.

* floor هم به معنی «کف اتاق و زمین» است و هم «طبقه‌ی ساختمان».

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- بار ۳- پشتیبانی ۴- اثر

۸- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** ایستگاه فضایی جدید طوری طراحی شده است که نسبت به ایستگاه‌های قدیمی‌تر مدت بیش‌تری در مدار بماند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- ماهواره ۲- سیاره ۳- جاذبه

۹- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** آن موتور پیچیده اجزای مختلف زیادی داشت که هریک وظیفه‌ای خاص را اجرا می‌کردند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تأثیر گذاشتن ۲- خلق کردن ۴- مبادله کردن

English Lesson 13

Part I

Reading Comprehension

A Reading

The Force of the Wind

One of the problems that engineers face when designing a skyscraper is the strength of the wind. A skyscraper may sway in a strong wind, so it must be held in place by a strong frame and deep foundations.

Steel and concrete are the two most important materials used in building skyscrapers. Neither material is strong enough on its own to support the building, but steel is strong under tension and concrete is strong under compression. Inside the steel framework is the core. This is a hollow, reinforced concrete rectangle. The core is the building's backbone or spine. It is very strong. Many of the services in the building, such as the lift or the water supply may be built into the core.

B Comprehension Check

1. Inside the steel framework is

- 1) the building's spine 2) the concrete 3) the foundation 4) water supply

2. Both steel and concrete are necessary in a building because

- 1) together they support the building 2) they are both strong under tension and compression
3) neither material can support the building 4) they support the core of the building

3. Many of the services in a building are built in

- 1) a concrete rectangle 2) a deep foundation 3) a hollow place 4) the core of the building

Part II

Vocabulary Test

- 1. As the was out of order, we had to walk all the stairs to the top floor.**
1) frame 2) lift 3) steel 4) force
- 2. Even the most developed countries in the world are economic problems these days.**
1) causing 2) facing 3) adding 4) lifting
- 3. Some scientists are studying ways of bringing the oceans' hugeof water to the dry deserts of the world.**
1) frame 2) vapor 3) floor 4) supply
- 4. Some restaurants allow diners to smoke only in certain**
1) meals 2) reasons 3) flats 4) sections
- 5. The dog found a at the base of a tree to hide in from the wind.**
1) hollow 2) frame 3) spine 4) path
- 6. We are going to paint our table to match the window in the bedroom.**
1) view 2) bundle 3) knot 4) frame
- 7. The latest observations the view that the economic growth in this country is slowing.**
1) reinforce 2) compare 3) suppose 4) handle
- 8. We're looking for someone who has the inner to take on such a difficult job.**
1) pressure 2) strength 3) instance 4) effect
- 9. The construction workers have just started to lay the of the new school.**
1) foundation 2) limitation 3) compression 4) calculation
- 10. No formal agreement was reached on ways of reducing the between the neighboring countries.**
1) compression 2) protection 3) decision 4) tension
- 11. The plan may be changed, but it will provide a on which we can build.**
1) concrete 2) framework 3) rectangle 4) research

word study بررسی واژگان درس ۱۳

* affect	تحت تأثیر قرار دادن	* lift	آسانسور
backbone	ستون فقرات	neither	هیچ کدام
century	قرن	rectangle	مستطیل
* compression	فشار	* reinforce	تقویت کردن
concrete	بتون	reinforced concrete	بتون آرمه
* core	مرکز، (فولاد) مغزه	* section	بخش، قسمت
designer	طراح	skyscraper	آسمان خراش
engineer	مهندس	spine	ستون فقرات
face	روبه رو بودن	steel	فولاد
* flat	آپارتمان	* strength	استحکام، قدرت
force	نیرو	such as	از جمله، مثل
frame	چهارچوب	* supply(n)	منبع، ذخیره، موجودی
* framework	سازه، اسکلت	* support	نگهداشتن، حمایت کردن
* foundation	پایه، پایه	sway	تاب خوردن، تکان خوردن
hollow	توخالی، حفره	* tension	کشش، تنش
* island	جزیره	wind	باد

پاسخ سوالات درس ۱۳

معنی متن:



نیروی باد

یکی از مشکلاتی که مهندسين هنگامی طراحی آسمان‌خراش‌ها با آن روبرو هستند، قدرت باد است. یک آسمان‌خراش ممکن است در اثر یک باد شدید تاب بخورد، بنابراین باید توسط چهارچوبی قوی و پایه‌هایی عمیق سر جای خود قرار گیرد. فولاد و بتون، مهم‌ترین مصالحی هستند که در ساختن آسمان‌خراش‌ها به کار برده می‌شوند. هیچ‌کدام از این دو به تنهایی برای نگه‌داشتن ساختمان کافی نیستند، اما فولاد در برابر کشش و بتون در برابر فشار مقاوم هستند. درون اسکلت فولادی، مغزه قرار دارد. مغزه یک مستطیل توخالی از جنس بتون‌آرمه است. مغزه ستون فقرات یک ساختمان است و بسیار محکم می‌باشد. بسیاری از سرویس‌های داخل ساختمان از جمله آسانسور و منبع آب ممکن است درون مغزه قرار داده شوند.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۱)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** چون آسانسور خراب بود مجبور شدیم که تمام پله‌ها را تا طبقه‌ی آخر راه برویم (اصطلاح out of order یعنی «خراب»).

* کلمه‌ی lift اگر اسم باشد به معنی «آسانسور» و مترادف با elevator است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - چهارچوب، اسکلت‌بندی ۳ - فولاد ۴ - نیرو، فشار

۲- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** حتی پیشرفته‌ترین کشورها هم این روزها با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند.

* فعل face به معنی «رو به چیزی بودن، روبه‌رو شدن با» می‌باشد:

I can't face my father after I broke his glasses.

از وقتی عینک پدرم را شکستم نمی‌توانم با او رو در رو شوم.

He should face the fact.

او باید با واقعیت روبه‌رو شود (واقعیت را بپذیرد).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - باعث شدن ۳ - اضافه کردن ۴ - بلند کردن

۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** تعدادی از دانشمندان در حال مطالعه در مورد روش‌های آوردن ذخیره‌ی عظیم آب اقیانوس‌ها به بیابان‌های خشک جهان هستند (صفت huge یعنی «عظیم، بسیار بزرگ»).

* supply در حالت اسمی یعنی «تهیه، تدارک، تأمین، موجودی، ذخیره». این کلمه اگر فعل باشد به معنی «تأمین کردن، تدارک دیدن، پشتیبانی کردن» است:

The lake supplies the town with water.

دریاچه آب شهر را تأمین می‌کند.

In many parts of our country water is in short supply.

در بسیاری از مناطق کشور ما موجودی آب کم است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - چهارچوب ۲ - بخار ۳ - کف زمین، طبقه

۴- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** برخی از رستوران‌ها فقط در بخش‌های خاصی از خود اجازه می‌دهند که مشتریان سیگار بکشند.

the sports section of a newspaper

قسمت ورزشی یک روزنامه

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - وعده‌ی غذا ۲ - دلیل ۳ - آپارتمان

۵- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** آن سگ پایین یک درخت **حفره‌ای** یافت که (برای فرار) از باد داخل آن مخفی شود.

* hollow در حالت اسمی یعنی «حفره». این کلمه اگر صفت باشد به معنی «تو خالی» می‌باشد:

The trunk of the tree was hollow.

تنه‌ی درخت تو خالی بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- چهارچوب ۳- ستون مهره ۴- مسیر

۶- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** ما قصد داریم که میزمان را رنگ بزنیم تا با **چهارچوب** پنجره‌ی اتاق خواب جور در بیاید.

* اسم frame یعنی در «چهارچوب، قاب، اسکلت‌بندی، بدنه»:

the frame of a bicycle

بدنه‌ی (اصلی) یک دوچرخه

a silver picture frame

یک قاب عکس نقره‌ای

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- منظره، دیدگاه ۲- دسته ۳- گره

۷- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** آخرین بررسی‌ها این نظر را که رشد اقتصادی در این کشور در حال شدن است **قوت می‌بخشند**.

* فعل reinforce یعنی «تقویت کردن، قوت بخشیدن، مستحکم کردن»:

Workers are trying to reinforce the damaged bridge.

کارگران در تلاشند تا پل صدمه دیده را مستحکم کنند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مقایسه کردن ۳- فرض کردن ۴- از عهده‌ی **کاری** برآمدن

۸- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** ما داریم دنبال کسی می‌گردیم که دارای **توان** درونی برای انجام چنین کار دشواری باشد. (فعل take on در این جا یعنی

«بر عهده گرفتن یک کار یا مسئولیت»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فشار ۳- مورد، نمونه ۴- اثر

۹- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** کارگران ساختمانی به تازگی شروع به گذاشتن **پی** ساختمان مدرسه‌ی جدید کرده‌اند.

* foundation یعنی «پی و فونداسیون ساختمان، پایه، اساس»:

We believe that religion is the foundation of our society.

ما اعتقاد داریم که دین پایه و اساس جامعه‌ی ما را تشکیل می‌دهد.

What they say is without foundation.

آن چه می‌گویند حرف‌هایی بی‌پایه و اساس است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- محدودیت ۳- فشار ۴- محاسبه

۱۰- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** هیچ توافق رسمی‌ای در جهت کاهش **تنش** بین دو کشور همسایه حاصل نشد.

* اسم tension را در این درس به معنی «کشش» دیده‌اید اما معنی مهمتر این کلمه «تنش، اضطراب و استرس، فشار روحی» می‌باشد:

Physical exercise is proven to relieve tension.

ثابت شده است که ورزش تنش را کاهش می‌دهد.

در مورد گزینه‌ی اول (کلمه‌ی compression) باید بدانید که این کلمه از فعل compress به معنی «فشرده کردن یک جسم یا خلاصه کردن یک مطلب»

مشقت شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فشار، عمل فشرده کردن ۲- محافظت ۳- تصمیم

۱۱- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** این نقشه ممکن است تغییر یابد اما **ملاک و مبانی** فراهم خواهد کرد که براساس آن می‌توانیم (طرح‌های جدیدی را) بنا

نهمیم.

* framework یعنی «اسکلت، بدنه، ساختار، چهارچوب، پایه و اساس، ملاک و مبنا»:

The building had a metal framework.

ساختمان دارای اسکلت‌بندی فلزی بود.

the democratic framework of the society

ساختار دموکراتیک جامعه

wooden shelves on a steel framework

قفسه‌های چوبی روی چهارچوبی فولادی

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- بتون ۳- مستطیل ۴- تحقیق

English Lesson 14

Part I

Reading Comprehension

A Reading

News from the World of Medicine

According to a recent study, critically ill premature babies can be rescued from almost certain death by filling their underdeveloped lungs with an oxygen-rich liquid called "perflubron".

In infant respiratory distress syndrome, the lungs lack enough of a chemical that keeps the air sacs open so oxygen and carbon dioxide can be exchanged.

Doctors trickle the liquid down the baby's breathing tube until it partly fills the lungs. The perflubron gently opens and stabilizes the collapsed air sacs. A respirator then refills the oxygen in the liquid as the oxygen moves through the air sacs into the bloodstream. The liquid then carries the carbon dioxide away.

The same technique is being tested on older children and adults with a variety of other life-threatening lung illnesses and injuries, including infections, near-drowning and smoke inhalation.

B Comprehension Check

1. In infant respiratory distress syndrome

- 1) oxygen and carbon dioxide cannot be dissolved 2) the lungs suffer from the lack of carbon dioxide
3) oxygen and carbon dioxide can be easily exchanged 4) the lungs lack enough of a chemical

2. A respirator can provide the in the process of saving the babies who suffer from lung illnesses.

- 1) carbon dioxide 2) oxygen 3) perflubron 4) fresh liquid

3. Which of the following can be a suitable title for the passage rather than the one which exists?

- 1) Infant Respiratory Distress Syndrome 2) Babies' Illnesses
3) Saving Premature Babies 4) Air Sacs of the Lung

Part II

Vocabulary Test

1. It's not reasonable to jump into the water to somebody when you don't know how to swim yourself.
1) float 2) rescue 3) carry 4) supply
2. Traveling is very comfortable now, but our ancestors could hardly move out of their houses for of adequate means of transportation.
1) path 2) lack 3) pile 4) tool
3. This powder should be in half a glass of water and taken at least twice a day.
1) dissolved 2) leaned 3) treated 4) exposed
4. The existence of large armies and terrible weapons the world peace.
1) reinforces 2) drowns 3) hunts 4) threatens
5. Three cars fell into the river when the old bridge suddenly
1) collapsed 2) followed 3) disrupted 4) spoiled
6. Our teacher got by the poor performance of our class on the final examination.
1) stranded 2) threatened 3) developed 4) distressed
7. The brave man put his life in danger by trying to save the boy from
1) scratching 2) drowning 3) affecting 4) ignoring
8. In this department, students have a wide choice and will be offered a great of courses.
1) equivalent 2) limit 3) frame 4) variety
9. First I need to talk to my wife about selling this house because it is owned by her.
1) gently 2) closely 3) partly 4) likely
10. I don't feel our son is old enough to make such a(n) important decision by himself.
1) accurately 2) critically 3) gradually 4) efficiently
11. It's not good for you to your food so quickly. Eat slowly so you can digest it well.
1) take in 2) top up 3) carry away 4) build up
12. Car accidents are still the number-one cause of disability and deaths for Americans.
1) smooth 2) probable 3) medical 4) premature
13. Some vitamins are assumed to reduce the risk of caused by bacteria or viruses.
1) treatments 2) infections 3) medications 4) observations
14. Although her illness is quite serious, her condition is beginning to
1) collapse 2) threaten 3) stabilize 4) exhaust
15. Two small join together at the bottom of the village, forming a big river.
1) beaches 2) pools 3) fields 4) streams
16. Having seen my assignments, the teacher smiled at me and asked me to do it over.
1) actively 2) gently 3) mainly 4) partly
17. In their first few weeks, are not able to see properly the objects surrounding them.
1) infants 2) syndromes 3) senses 4) reactions

18. A mask provides a simple, useful protection against infectious particles from patients suffering from respiratory diseases.

- 1) inhaling 2) remaining 3) dissolving 4) exchanging

word study بررسی واژگان درس ۱۴

* adult	فرد بالغ	* partly	تا حدی ، نسبتاً
bloodstream	جریان خون	premature	(نوزاد) نارس، پیش از موعد
carry away	دور کردن، بردن	* process	روند، فرآیند
* collapse	فرو ریختن، پایین افتادن	* refer	اشاره کردن
* critically	به شدت	refill	دوباره پر کردن
* dissolve	حل کردن	* rescue	نجات دادن
* distress	زجر، عذاب	respirator	دستگاه تنفس مصنوعی
* drown	غرق شدن	respiratory	تنفسی
* exchange	مبادله کردن	rich	(در این درس) غنی، سرشار
* flow	جریان داشتن، جاری بودن	sac	کیسه، محفظه
* gently	به آرامی، باملایمت	stabilize	تثبیت کردن
* infant	نوزاد	study	مطالعه، تحقیق
infection	عفونت	syndrome	نشانه‌های بیماری
inhale	استشمام کردن	* take in	(هوا، غذا، ...) فرو بردن
* lack	فاقد بودن، نداشتن	trickle	چکاندن، قطره قطره ریختن در
* life-threatening	تهدید کننده‌ی حیات	tube	لوله
lung	ریه، شش	underdeveloped	رشد نکرده
* particular	خاص، ویژه	* variety	تنوع

پاسخ سوالات درس ۱۴

A معنی متن:

خبرهایی از جهان پزشکی

براساس یک مطالعه‌ی جدید، نوزادان نارس و به شدت بیمار را می‌توان با پر کردن ریه‌های تکامل نیافته‌شان با مایعی غنی از اکسیژن به نام «پرفلوبرن» نجات داد.

در سندرم (نشانگان) زجر تنفسی نوزادان، ریه‌ها دچار کمبود یک نوع ماده‌ی شیمیایی هستند که باعث می‌شود کیسه‌های هوایی باز بمانند تا تبادل اکسیژن و دی‌اکسید کربن انجام شود.

پزشکان مایع را قطره قطره درون لوله‌ی تنفسی نوزاد می‌چکانند تا این‌که ریه‌ها را تا حدی پر کند. پرفلوبرن به آرامی کیسه‌های هوایی جمع شده را باز کرده و وضعیت آن‌ها را تثبیت و پایدار می‌سازد. سپس یک دستگاه تنفس مصنوعی هنگامی که اکسیژن از طریق کیسه‌های هوایی وارد جریان خون می‌شود، دوباره اکسیژن را درون مایع پر می‌کند. سپس مایع دی‌اکسید کربن را خارج می‌کند.

روش مشابهی در حال آزمایش شدن بر روی بچه‌های بزرگ‌تر و نیز افراد بالغی است که دچار انواع دیگری از صدمات و بیماری‌های تهدیدکننده‌ی حیات در ریه‌های خود – از جمله عفونت، غرق شدگی و استنشاق دود – شده‌اند.

۳ – گزینه‌ی (۱)

۲ – گزینه‌ی (۲)

۱ – گزینه‌ی (۴) B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: منطقی نیست که وقتی خودت شنا بلد نیستی برای نجات دادن کسی به داخل آب بپری.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ – شناور بودن ۳ – حمل کردن ۴ – تدارک دیدن، تأمین کردن

۲- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: مسافرت امروزه کار راحتی است اما اجداد ما به خاطر نبود وسایل حمل و نقل مناسب به سختی می‌توانستند از خانه خارج شوند (adequate در صورت سوال یعنی «کافی»).

* lack یعنی «کمبود، نبود». این کلمه حالت فعلی هم دارد (به معنی «فاقد بودن، کمبود داشتن»):

کمبود (نبود) پول / غذا / ... lack of money / food / ...

به نظر می‌رسد که او فاقد اراده برای موفق شدن می‌باشد (اسم will یعنی «اراده»).

She seems to lack the will to succeed.

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: این پودر باید در نصف لیوان آب حل شود و حداقل روزی ۲ بار مصرف شود.

* dissolve یعنی «حل شدن در یک محلول»:

شکر در آب حل می‌شود. Sugar dissolves in water.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ – خم شدن ۳ – درمان کردن ۴ – در معرض چیزی قرار دادن

۴- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: وجود ارتش‌های بزرگ و سلاح‌های وحشتناک صلح جهانی را تهدید می‌کند.

* threaten یعنی «تهدید کردن». این فعل دارای دو صفت threatening (تهدید کننده) و threatened (تهدید شده، ترسیده) می‌باشد. اسم threat به

معنی «تهدید» هم از این ریشه است.

a life-threatening disease

یک بیماری تهدید کننده‌ی حیات

Under threat of death, he did as they asked.

وقتی به مرگ تهدید شد، کاری را کرد که آن‌ها می‌خواستند.

۳ - شکار کردن

۲ - غرق کردن

۱ - تقویت کردن

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: وقتی که آن پل کهنه به طور ناگهانی فرو ریخت، سه اتومبیل به درون رودخانه سقوط کردند.

* فعل collapse یعنی «فرو ریختن، خراب شدن»:

A lot of houses collapsed in the earthquake.

تعداد زیادی خانه در زمین‌لرزه فرو ریخت.

در ضمن اسم collapse هم به معنی «ریزش، فرو ریختن» است و هم به معنی «فروپاشی، سقوط، شکست».

economic collapse

فروپاشی اقتصادی

۴ - فاسد شدن، گندیدن

۳ - دچار اختلال کردن

۲ - بیرون کردن

۶- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: معلم ما با (دیدن) عملکرد ضعیف دانش‌آموزان کلاس در امتحان نهایی ناراحت شد.

* اسم distress یعنی «ناراحتی، رنج، محنت، فلاکت». این کلمه حالت فعلی هم دارد.

۳ - توسعه یافته

۲ - تهدید شده، ترسیده

۱ - گیر افتاده

۷- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: آن مرد شجاع جانش را به خطر انداخت تا آن پسر را از غرق شدن نجات دهد.

* فعل drown هم به معنی «غرق شدن» است و هم «غرق کردن»:

Ten people were drowned in the flood.

در جریان سیل ۲۰ نفر غرق شدند.

۴ - نادیده گرفتن

۳ - اثر گذاشتن، دچار کردن

۱ - خراش دادن

۸- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در این بخش دانشجویان حق انتخاب گسترده‌ای دارند و مجموعه‌ی بسیار متنوعی از درس‌ها به آن‌ها ارائه می‌شود.

* variety یعنی «تنوع، گوناگونی، مجموعه‌ی متنوع»:

There's so much variety in my new job.

در شغل جدیدم تنوع (کاری) زیادی وجود دارد.

for a variety of reasons

به دلایل متنوعی

سایر هم خانواده‌های مهم این کلمه عبارتند از فعل vary (تفاوت داشتن، متغیر بودن)، صفت various (گوناگون، مختلف)، صفت varied (متنوع) و variable (متغیر):

The fruits vary greatly in size.

این میوه‌ها از نظر اندازه بسیار با هم فرق دارند.

a varied diet

یک رژیم غذایی متنوع

۳ - چهارچوب

۲ - حد، محدوده

۱ - معادل

۹- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: من اول باید با همسر در مورد فروش این خانه صحبت کنم زیرا بخشی از آن متعلق به اوست.

* قید partly یعنی «تا حدی، قسمتی، بخشی»:

His attractiveness is partly because of his gentle manner.

جذابیت او تا حدی به دلیل رفتار موقرش است.

۴ - متحمل، احتمالاً

۲ - به دقت

۱ - به آرامی

۱۰- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: احساس نمی‌کنم پسرمان به مقدار کافی بزرگ شده باشد که بتواند در مورد چنین مسأله‌ی به شدت مهمی به تنهایی تصمیم‌گیری کند.

* critical علاوه بر این که به معنی «بسیار شدید، وخیم، بحرانی» است در معنای «انتقادآمیز، عیب‌جویانه» هم به کار می‌رود:

Her father was a critical man.

پدر او مردی عیب‌جو بود.

۴ - به خوبی

۳ - به تدریج

۱ - به دقت

۱۱- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** برای‌ت خوب نیست که این قدر سریع غذایت را **فرو ببری** (بخوری). آهسته غذا بخور تا بتوانی آن را خوب هضم کنی.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- پر کردن ۳- دور کردن ۴- افزایش دادن

۱۲- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** سوانح رانندگی هنوز هم علت اول معلولیت و مرگ‌های **پیش از موعد** در آمریکا می‌باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نرم و ملایم و صاف ۲- احتمالی ۳- پزشکی

۱۳- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** تصور می‌شود که بعضی ویتامین‌ها می‌توانند خطر **عفونت‌های** حاصل از ویروس‌ها یا باکتری‌ها را کاهش دهند.

* اسم infection از فعل infect یعنی «آلوده کردن، عفونت کردن» مشتق شده است:

Clean the wound before it becomes infected. آن زخم را قبل از این که عفونت کند تمیز کن.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- درمان ۳- دارو ۴- مشاهدات

۱۴- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** اگرچه بیماری او نسبتاً خیلی شدید است، وضعیت او رو به **ثبات شدن** (ثبات) است.

* فعل stabilize یعنی «ثبات کردن (شدن)». کلمه‌ی stable (با ثبات، دائم) صفت هم ریشه با این فعل می‌باشد:

The government tried to stabilize the prices. دولت سعی کرد قیمت‌ها را تثبیت کند.

The patient is in stable condition. وضعیت بیمار پایدار است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فرو ریختن ۲- تهدید کردن ۴- خسته کردن

۱۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** دو **نهر** کوچک در انتهای روستا باهم ادغام می‌شوند و یک رودخانه‌ی بزرگ را تشکیل می‌دهند.

* اسم stream یعنی «جریان آب، هوا، دود و ... ، نهر و رودخانه‌ی کوچک، گروهی متناوب و متعدد از افراد یا اشیاء»:

a stream of cool air جریانی از هوای خنک

a stream of cars / people تعداد متعددی از ماشین‌ها / مردم

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- ساحل ۲- استخر ۳- زمین، زمینه

۱۶- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** معلم بعد از این که تکالیفم را دید به من لبخند زد و با **مهربانی** از من خواست که آن‌ها را دوباره انجام بدهم.

* gentle یعنی «نرم، ملایم، آرام، مهربان، باوقار»:

He has a gentle voice. او صدایی آرام و ملایم دارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فعالانه ۳- عمدتاً ۴- تاحدی

۱۷- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** **نوزادان** در چند هفته‌ی اول قادر نیستند به خوبی اشیای پیرامون خود را ببینند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- سندرم، بیماری ۳- حس ۴- عکس‌العمل‌ها

۱۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** یک ماسک محافظتی ساده و مفید در برابر **استشمام** ذرات عفونی از بیمارانی که دچار بیماری‌های تنفسی هستند فراهم

می‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- باقی‌ماندن ۳- حل کردن ۴- مبادله کردن

English Lesson 15

Part I

Reading Comprehension

A Reading

PRAVACHOL

PRAVACHOL, when used with diet, is proven to reduce the risk of a first heart attack, lower the risk of death from heart disease, and lessen the risk of heart surgery. PRAVACHOL is a prescription drug, so you should ask your doctor if PRAVACHOL is right for you. Some side effects, such as slight rash or mild stomach upset, occur in about 2-4% of patients. PRAVACHOL should not be taken by women who are pregnant or nursing, people who are allergic to any of its ingredients or by anyone with liver disease. Be sure to mention any medications you are taking so any possible serious drug interactions can be avoided.

B Comprehension Check

1. PRAVACHOL is a drug for

- | | |
|--------------------------------|--|
| 1) a pregnant woman | 2) people with a risk of liver disease |
| 3) men with mild stomach upset | 4) people with a risk of heart attack |

2. PRAVACHOL can be bought in

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------|
| 1) all drugstores | 2) all grocery stores |
| 3) a drugstore, with a prescription | 4) some hospitals |

3. Slight rash is

- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| 1) one of this drug's effects | 2) highly likely to happen |
| 3) a kind of stomach upset | 4) a side effect of this drug |

Part II

Vocabulary Test

1. Don't laugh at her. She is very about her appearance.

- 1) sensitive 2) amazed 3) gentle 4) particular

2. The on the old woman has scared many of the older people in the town.

- 1) resistance 2) fear 3) destruction 4) attack

3. You should mix up the well before you put them in the pan.

- 1) symptoms 2) ingredients 3) foundations 4) mechanisms

4. I'm allergic to tomatoes. They bring me out in a

- 1) cell 2) rash 3) state 4) sense

5. This fire-prevention system is activated by any increase in temperature.

- 1) slight 2) mutual 3) straight 4) main

6. I know he stole the money but I can't it because I didn't actually see him.

- 1) proceed 2) threaten 3) prove 4) assume

7. A feeling of hate and anger built up between them after only two years of marriage.

- 1) calculated 2) qualified 3) former 4) mutual

8. There is a need for more between parents and teachers if we want our children to make more progress.

- 1) interaction 2) observation 3) calculation 4) composition

9. He is used to a lot of attention from his wife which will certainly when the baby is born.

- 1) evaluate 2) represent 3) distress 4) lessen

10. As we are short of money, it is unlikely that the project will be finished on time.

- 1) mainly 2) highly 3) gently 4) actively

11. A: How did you get those green on your shirt?

B: I fell on the grass during a football game.

- 1) spots 2) rays 3) dates 4) cases

12. The knee injury was a serious to her chances of being selected for the school team.

- 1) function 2) upset 3) quality 4) exposure

13. According to his physical examination and blood test results, he was a course of antibiotics.

- 1) relieved 2) warned 3) prescribed 4) operated

14. The degree of psychological support the patient needs depends on the type of the performed on him .

- 1) condition 2) surgery 3) section 4) symptom

بررسی واژگان درس ۱۵

word study

allergic	دارای حساسیت به	mutual	متقابل
along with	همراه با	nurse(v)	در این درس) شیردادن
* attack	حمله، حمله کردن	* patient	بیمار
* avoid	اجتناب کردن	* pregnant	حامله
* diet	رژیم غذایی	* prescribe	(دارو) تجویز کردن
* disease	بیماری	prescription	نسخه، تجویز
drugstore	داروخانه	* prove	ثابت کردن
grocery store	خواربار فروشی	rash	حساسیت پوستی
* highly	به مقدار زیاد	* reduce	کاهش دادن
* ingredient	ماده‌ی سازنده	* sensitive	حساس
* interaction	تداخل، اثر متقابل	side effect	عارضه‌ی جانبی
liver	کبد	* sign	علامت، نشانه
* lessen	کاهش دادن	* slight	خفیف، جزئی
lower	پایین آوردن	* spot	لک، لکه، نقطه، محل
medication	دارو، درمان	stomach	شکم، معده
* mention	ذکر کردن	surgery	جراحی
* mild	خفیف، ملایم	upset	ناراحت

پاسخ سوالات درس ۱۵

A معنی متن:

داروی پراواکل

ثابت شده است که مصرف پراواکل با رژیم غذایی باعث کاهش خطر اولین حمله‌ی قلبی، کاهش خطر مرگ ناشی از بیماری قلبی و نیز کاهش خطر جراحی روی قلب می‌شود. پراواکل یک داروی نسخه‌ای است، بنابراین شما باید از پزشک خود سوال کنید که آیا مصرف این دارو برای شما مناسب است (یا نه). تعدادی عوارض جانبی مانند حساسیت‌های پوستی خفیف یا ناراحتی جزئی در معده در حدود ۲ تا ۴ درصد از بیماران رخ می‌دهد. پراواکل نباید توسط زنان باردار یا شیرده یا کسانی که به یکی از ترکیبات این دارو حساسیت دارند یا افراد مبتلا به بیماری کبدی، مصرف شود. برای اجتناب از بروز هر گونه تداخل دارویی شدید، نام هر داروی دیگری را که در حال مصرف آن هستید ذکر کنید.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۱ - گزینه‌ی (۴)

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: به او نهند. او نسبت به ظاهر خود بسیار حساس است.

۴ - مخصوص

۳ - نرم و ملایم

۲ - متحیر، شگفت زده

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: حمله به آن خانم پیر باعث ترس بسیاری از افراد مسن در شهر شده است.

* attack هم حالت اسمی و هم حالت فعلی دارد.

He was attacked by wild animals.

او توسط حیوانات وحشی مورد حمله قرار گرفت.

۳ - تخریب، ویرانی

۲ - ترس

۱ - مقاومت

۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: تو باید تمام مواد اولیه را خوب مخلوط کنی قبل از این که آن‌ها را درون ماهی تابه بریزی.

* ingredients یعنی «مواد و اجزای اولیه‌ی چیزی»:

The main ingredient of this drink is sugar.

مهم‌ترین جزء این نوشیدنی شکر است.

۴ - مکانیسم

۳ - پایه و اساس

۱ - علامت بیماری

۴- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: من به گوجه فرنگی حساسیت دارم - (خوردنش) باعث می‌شود دچار حساسیت پوستی شوم.

۴ - حس

۳ - وضع، حالت

۱ - سلول

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: این سیستم ضد حریق با هر تغییر خفیف در درجه حرارت فعال می‌شود.

* slight یعنی «خفیف، جزئی»:

a slight change / increase / improvement

یک تغییر / افزایش / پیشرفت جزئی

She was slightly injured.

او مختصری آسیب دید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- دو طرف، متقابل ۳- مستقیم ۴- عمده، اصلی

۶- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** من می‌دانم که او آن پول را دزدیده است ولی نمی‌توانم این مطلب را ثابت کنم چون در واقع او را (حین انجام آن کار) ندیده‌ام.

* فعل prove یعنی «ثابت کردن یک موضوع»:

Can the students prove this rule by means of a simple experiment?

آیا دانش‌آموزان می‌توانند این (قانون) را با استفاده از یک آزمایش ساده اثبات کنند؟

در ضمن اسم proof به معنی «دلیل، مدرک، اثبات» می‌باشد:

What proof do we have that what he says is true?

چه مدرک و دلیلی داریم که آن چه او می‌گوید راست است؟

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پیش رفتن ۲- تهدید کردن ۴- فرض کردن

۷- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** تنها پس از گذشت دو سال از ازدوچشان احساس متقابل از خشم و نفرت بین آن‌ها شکل گرفته بود.

* صفت mutual یعنی «متقابل، دو طرفه، نسبت به هم، مشترک بین دو نفر»:

mutual agreement

توافق دو جانبه

He's a mutual friend of ours.

او دوست هر دوی ماست (دوست مشترک ماست).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حساب شده ۲- واجد شرایط ۳- قبلی، سابق

۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** اگر می‌خواهیم فرزندانمان بیش‌تر پیشرفت کنند نیاز به **تعامل** (همکاری) بیش‌تری بین والدین و آموزگاران وجود دارد.

* اسم interaction یعنی «تداخل، تقابل، اثر متقابل بر هم، تعامل، همکاری». هم‌خانواده‌های مهم آن عبارتند از فعل interact و صفت interactive:

Addictive substances interact with the chemicals in the brain.

مواد اعتیادآور با مواد شیمیایی موجود در مغز تداخل دارند.

interaction between management and staff

تعامل و همکاری بین مدیریت و کارکنان

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مشاهده ۳- محاسبه ۴- انشاء

۹- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** او عادت دارد که توجه زیادی از سوی همسرش دریافت کند که قطعاً با تولد فرزندشان از میزان آن کم خواهد شد.

* فعل lessen یعنی «کم کردن، کاهش دادن»:

This will lessen your pain.

این درد را کاهش خواهد داد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- ارزیابی کردن ۲- نماینده‌ی چیزی بودن ۳- دچار ناراحتی کردن

۱۰- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** چون پول کم داریم بسیار نامتحمل است که بتوانیم پروژه را سر وقت به پایان برسانیم.

* قید highly یعنی «خیلی، بسیار» و مترادف با very است:

The film was highly entertaining.

فیلم بسیار سرگرم کننده بود.

a highly-paid job

شغلی با درآمد بالا

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- عمدتاً ۳- به آرامی ۴- فعالانه

۱۱- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** نفر اول: چگونه این لکه‌های سبزرنگ روی پیراهنت به وجود آمد؟

نفر دوم: حین فوتبال بازی کردن روی چمن افتادم.

* معانی مهم اسم spot عبارتند از «لک، لکه، نقطه، محل»:

a red dress with black spots on it

لباس قرمز با نقطه‌هایی سیاه در آن

It's a very pretty spot.

آن‌جا محلی بسیار زیبا است.

۴ - مورد

۳ - تاریخ، قرار

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - اشعه

۱۲- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** آسیب‌دیدگی زانویش اختلالی (مشکلی) جدی در شانس او برای انتخاب شدن در تیم مدرسه بود.

* کلمه‌ی upset اگر صفت باشد به معنی «ناراحت و غمگین» و اگر اسم باشد به معنی «ناراحتی، به هم ریختگی، اختلال» می‌باشد:

He was really upset about the way his father treated him.

او به خاطر شیوه‌ای که پدرش با او رفتار کرد واقعاً ناراحت شد.

۴ - در معرض چیزی بودن

۳ - کیفیت

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - عملکرد

۱۳- **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** بر طبق نتایج حاصل از معاینات جسمی و تست‌های آزمایشگاهی‌اش، برای او یک دوره آنتی‌بیوتیک تجویز شد.

* فعل prescribe یعنی «تجویز کردن یک دارو یا دستور پزشکی». اسم prescription هم به معنی «نسخه یا تجویز پزشک» می‌باشد:

a prescription drug

دارویی که باید با نسخه‌ی پزشک تهیه شود

۴ - عمل کردن

۲ - هشدار دادن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تسکین دادن

۱۴- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** مقدار حمایت روانی مورد نیاز بیمار بستگی به نوع عمل جراحی‌ای دارد که روی او انجام می‌شود.

۴ - علامت بیماری

۳ - قسمت، بخش

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - شرایط

15. The pediatrician recommended me to introduce different vegetables to add to my child's diet.

- 1) instance 2) medication 3) result 4) variety

16. After we probed into the researcher's scientific theory, it was that it was entirely correct.

- 1) directed 2) proved 3) handled 4) exchanged

17. The show's success was mainly due to the way the comedians with each other.

- 1) interacted 2) evaluated 3) assumed 4) provided

18. First you have to salt in water, then add the water to other ingredients.

- 1) drown 2) float 3) dissolve 4) condense

19. I have seen many of cigarette smokers who have finally died of lung diseases.

- 1) decisions 2) instances 3) relations 4) syndromes

20. Diplomats have expressed hopes that the meeting will build trust between their governments.

- 1) sporadic 2) previous 3) mutual 4) available

پاسفنامہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 16

Part I Reading Comprehension

A Reading

Challenge Negative Thoughts

Suppose you're late getting to work. Rather than berating yourself – "I'm always late" – keep your self-appraisal accurate. Try to remember when you were last late. Yesterday? No, eight weeks ago. Are you late because you lazed in bed? No, your teenager emptied the car's tank last night, so you had to stop for gas.

Imagine the worst-case scenario, but then picture the best. "I'm going to get fired", you moan. Not likely. Maybe the boss gets caught in traffic and arrives even later than you.

Finally, look for a solution. Work through lunch or leave the house ten minutes earlier to allow for unforeseen delays. Maybe it is better to think of failure as the result of a faulty strategy, not some character flaw. Then, instead of feeling helpless, you can take action.

B Comprehension Check

- 1. If some day you're late to work, you'd better**
 - 1) make a good excuse
 - 2) look for a solution
 - 3) wait for getting fired
 - 4) criticize yourself
- 2. An optimist usually when he faces a failure.**
 - 1) takes action
 - 2) takes a faulty strategy
 - 3) thinks negatively
 - 4) thinks of failure
- 3. In line 4 "the best" describes the**
 - 1) scenario
 - 2) boss
 - 3) picture
 - 4) teenager

Part II

Vocabulary Test

1. So far, 51 blood samples have been taken and fortunately all of them have been
1) sensitive 2) negative 3) effective 4) preventive
2. Excuse me, I have a(n) to make. The wrist watch I bought here keeps stopping.
1) instance 2) delay 3) failure 4) complaint
3. His is quite different from his wife's; however, they are having a happy life with each other.
1) relation 2) character 3) schedule 4) interaction
4. I'm terribly sorry. The broken window is my I hit it with my ball.
1) excuse 2) purpose 3) upset 4) fault
5. It is believed that solar energy will provide a low cost to our fuel problems.
1) solution 2) foundation 3) situation 4) decision
6. Social services were strongly for not taking more actions to protect the children at risk.
1) recommended 2) forbidden 3) criticized 4) eliminated
7. Mr Brown left his office late because a last minute phone call him.
1) lazed 2) fired 3) removed 4) delayed
8. You must be really if you think that the bank is going to lend you all that money.
1) optimistic 2) financial 3) negative 4) popular
9. When carrying out the experiments, scientists faced problems for a variety of technical reasons.
1) unforeseen 2) soluble 3) accurate 4) gradual
10. I got really surprised when our kind teacher talked to us so for being late to class.
1) sharply 2) slightly 3) gently 4) commonly
11. The teacher didn't accept their excuse and them for not doing their assignments.
1) disrupted 2) berated 3) lessened 4) battled
12. He's got a very confident personality and new never frighten him.
1) challenges 2) discoveries 3) solutions 4) attractions
13. One of the abilities of computers is that they can store and repeat of instructions.
1) conditions 2) experiments 3) inventions 4) sequences
14. We finally found some time to swim and about on the beach.
1) flow 2) view 3) drown 4) laze
15. If he hadn't been so good at the rest of his job, I would probably have him
1) delayed 2) affected 3) fired 4) supplied
16. Our boss was a gentle, reasonable person. He never raised his voice or us unfairly.
1) scolded 2) detected 3) separated 4) distracted

17. Games can teach children many useful things although some parents may them as a waste of time.

- 1) view 2) create 3) direct 4) exhaust

18. She doesn't want to listen to your ; she already has enough to cope with.

- 1) moaning 2) ignoring 3) affecting 4) reacting

19. His inability to admit that he's wrong is the only in his character.

- 1) tension 2) flaw 3) excuse 4) disease

20. Actually, what is needed in such cases is a calm of the situation which you are in.

- 1) occasion 2) exposure 3) appraisal 4) failure

21. The government has been heavily criticized for its to reduce unemployment in urban areas.

- 1) capacity 2) failure 3) measure 4) activity



berate	ملامت کردن	laze	تنبلی کردن، استراحت کردن
* challenge	به مبارزه طلبیدن	* moan	آه و ناله کردن
* character	شخصیت	* negative	منفی
* complain	شکایت کردن	optimist(v)	خوش بین
container	ظرف	picture	مجسم کردن
* criticize	انتقاد کردن	scenario	سناریو، فیلم نامه
* delay	تأخیر	scold	سرزنش کردن
describe	توصیف کردن	self-appraisal	ارزیابی از خود، خودسنجی
empty(v)	خالی کردن	sequence	توالی، ترتیب
event	واقعه، رخداد	* sharply	به تندی، با لحن تند
* excuse(n)	پهانه	* solution	راه حل، چاره
* failure	شکست، ناکامی	strategy	تدبیر، سیاست، برنامه ریزی
* fault	عیب، تقصیر	* suppose	تصور کردن، فرض کردن
faulty	نادرست، ناقص	tank	مخزن، باک (ماشین)
flaw	ضعف، نقطه ضعف	teenager	نوجوان
* get fired	اخراج شدن	* unexpected	غیرمنتظره
* had better	بہتر است کہ	* unforeseen	پیش بینی نشده، غیرمترقبه
helpless	درمانده	view(v)	تلقی کردن، نگاه کردن

پاسخ سوالات درس ۱۶

A معنی متن:

با افکار منفی مبارزه کنید

فرض کنید که شما دیر به سرکار می‌رسید. به جای این که خود را سرزنش کنید و بگویید: «من همیشه دیر می‌کنم»، سعی کنید ارزیابی دقیقی از خود داشته باشید. سعی کنید به یاد بیاورید که آخرین بار کی دیر کرده‌اید. دپروز؟ نه، هشت هفته قبل. آیا شما به خاطر تنبلی در بیدار شدن دیر کرده‌اید؟ نه، (به این خاطر) که فرزند نوجوانتان دیشب (باک) بنزین ماشین را تمام کرده بود و شما مجبور شدید توقف کنید و بنزین بزنید. بدترین داستانی را که ممکن است رخ دهد تصور کنید، اما بعد از آن بهترین داستان ممکن را به تصویر بکشید. شما با آه و ناله می‌گویید: «من اخراج خواهم شد.» ولی این امر نامحتمل است. ممکن است رئیس‌تان در ترافیک (راه‌بندان) گیر کرده باشد و حتی دیرتر از شما سرکار برسد. سرانجام به دنبال راه حلی بگردید. هنگام ناهار کار کنید یا برای تأخیرهای پیش‌بینی نشده ده دقیقه زودتر از خانه حرکت کنید. شاید بهتر باشد که شکست را نتیجه‌ی یک برنامه‌ریزی غلط تلقی کنید و نه به عنوان یک نقص شخصیتی. سپس به جای این که احساس درماندگی کنید، دست به اقدامی مناسب بزنید.

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۲)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: تا کنون ۵۷ نمونه‌ی خون (جهت آزمایش) گرفته شده است که خوشبختانه‌ی نتیجه‌ی همه آن‌ها منفی بوده است.

* negative یعنی «منفی» که با positive (مثبت) متضاد است:

افکار / پاسخ / نگرش ... منفی
negative thoughts / answer / attitude ...

۴ - پیش‌گیرانه

۳ - مؤثر

۱ - حساس

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: ببخشید می‌خواهم شکایتی را مطرح کنم. ساعتی که این جا خریدم مرتباً از کار می‌افتد.

* اسم complaint از فعل complain یعنی «شکایت کردن، ابراز نارضایتی کردن» مشتق شده است:

مردم دائماً از دولت ابراز نارضایتی می‌کنند.
People always complain about the government.

۳ - شکست

۲ - تأخیر

۱ - مثال، نمونه

۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: شخصیت او کاملاً با شخصیت همسرش متفاوت است؛ با این حال، آن‌ها زندگی بسیار شادی در کنار هم دارند.

۴ - تداخل

۳ - برنامه‌ی زمانی

۱ - رابطه

۴- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: خیلی متأسفم. این پنجره‌ی شکسته تقصیر من است. توپ من به آن خورد.

* fault یعنی «خطا، تقصیر، عیب و نقص»:

تصادف تقصیر او بود.
The accident is his fault.

عیبی در ترمزهای ماشین
a fault in the car's brakes

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - بهانه ۲ - قصد، عمد ۳ - ناراحتی

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: این اعتقاد وجود دارد که انرژی خورشید خواهد توانست راه‌حلی کم هزینه برای مشکل سوخت ما فراهم نماید.

* solution هم به معنی «راه حل، چاره» است و هم «محلول»:

راه حلی مسالمت آمیز برای آن موضوع

محلول رقیق (آب و) شکر

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - پی، پایه و اساس ۳ - وضعیت ۴ - تصمیم

۶- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: سازمان‌های خدمات اجتماعی به خاطر عدم انجام اقدامات بیش‌تر برای حفاظت از کودکان در معرض خطر به شدت مورد

انتقاد قرار گرفتند.

* فعل criticize یعنی «انتقاد کردن». اسم criticism به معنی «انتقاد» هم ریشه با این فعل است:

او از جان به خاطر زیاد حرف زدنش انتقاد کرد.

انتقاد سازنده

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - توصیه کردن ۲ - ممنوع کردن ۴ - حذف کردن

۷- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: آقای براون دیر از اداره خارج شد برای این که یک تماس تلفنی در آخرین دقیقه باعث تأخیر او شد.

* delay هم یک فعل به معنی «باعث تأخیر شدن، دیر کردن» و هم یک اسم به معنی «تأخیر» است:

یک تأخیر به دلیل ترافیک سنگین

پرواز به دلیل شرایط بدجوی به تأخیر افتاد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - استراحت کردن ۲ - اخراج کردن ۳ - برداشتن، حذف کردن

۸- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: تو باید خیلی خوش‌بین باشی که فکر کنی که بانک قرار است آن همه پول را به تو بدهد.

* صفت optimistic به معنی «خوش‌بین، خوش‌بینانه» از اسم optimist (فرد خوش‌بین) مشتق شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مالی ۳ - منفی ۴ - محبوب

۹- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: دانشمندان هنگام انجام آزمایش‌ها بنا به دلایل فنی به تعدادی مشکلات پیش‌بینی نشده برخورد کردند.

* با استفاده از قوانین مربوط به Word Formation می‌توانید حدس بزنید که صفت unforeseen از فعل foresee (به معنی «پیش‌بینی کردن») مشتق

شده است:

هیچکس نمی‌توانست نتیجه‌ی انتخابات را پیش‌بینی کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - محلول، قابل حل (مواد در مایعات) ۳ - دقیق ۴ - تدریجی

۱۰- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: وقتی معلم مهربان ما به خاطر دیر کردنمان به تندی با ما صحبت کرد واقعاً متحیر شدم.

* صفت sharp یعنی «تیز، تند، ناگهانی، باهوش»:

یک چاقوی تیز

افزایش ناگهانی قیمت بنزین

او پسر تند و تیزی (زرنگی) است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - به‌طور جزئی ۳ - به ملامت و مهربانی ۴ - به‌طور رایج

۱۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: معلم عذر و بهانه‌ی آن‌ها را نپذیرفت و آن‌ها را به خاطر انجام ندادن تکالیفشان سرزنش کرد.

* berate یعنی «کسی را سرزنش و ملامت کردن»:

من او را به خاطر سر و صدایی که ایجاد کرد سرزنش کردم (دعوا کردم).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - دچار اختلال کردن ۳ - کاهش دادن ۴ - جنگیدن

۱۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** او دارای شخصیتی با اعتماد به نفس می‌باشد و چالش‌های جدید هرگز باعث هراس او نمی‌شوند.

* کلمه‌ی challenge در حالت فعلی یعنی «به مبارزه و رقابت طلبیدن، به چالش کشیدن، مخالفت کردن» و در حالت اسمی به معنی «مبارزه طلبی، چالش، مخالفت، اعتراض» می‌باشد:

آن‌ها ما را برای یک بازی فوتبال دعوت کردند. They challenged us to a football game.

شروع به کار کردن برای خودم یک مبارزه و چالش واقعی (حسابی) بود. Starting my own business was a real challenge.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - کشف / اکتشاف ۳ - راه حل ۴ - جذابیت

۱۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** یکی از توانایی‌های رایانه‌ها این است که آن‌ها می‌توانند **سلسله‌ای** از دستورالعمل‌ها را ذخیره و تکرار کنند.

* اسم sequence یعنی «سلسله، توالی، زنجیره و رشته، ترتیب، سکانس»:

آن کلمات بایستی به ترتیب درست مرتب می‌شدند. The words had to be put into the right sequence.

سلسله حوادث the sequence of events

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - شرایط ۲ - آزمایش ۳ - اختراع

۱۴- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** ما بالاخره زمانی را برای شنا کردن و استراحت کردن در ساحل به دست آوردیم.

* فعل laze یعنی «استراحت کردن، لم دادن و تنبلی کردن». صفت lazy (تنبلی) از همین ریشه است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جریان داشتن ۲ - تلقی کردن، نگاه کردن ۳ - غرق شدن

۱۵- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** اگر او در ادامه‌ی کارش آن قدر خوب نمی‌شد، احتمالاً او را **اخراج کرده بودم**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - به تأخیر انداختن ۲ - تأثیر گذاشتن ۴ - تأمین کردن

۱۶- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** رئیس ما فردی باوقار و منطقی بود. هیچ وقت صدایش را بلند نمی‌کرد و یا به طور غیرمنطقی با ما **اوقات تلخی**

نمی‌کرد.

* فعل scold یعنی «سرزنش کردن، پرخاش کردن، اوقات تلخی کردن»:

او به خاطر دیر آمدنمان ما را سرزنش کرد. He scolded us for being late.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - تشخیص دادن ۳ - جدا کردن ۴ - پرت کردن حواس

۱۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** بازی‌ها می‌توانند چیزهای مفید زیادی به بچه‌ها یاد بدهند اگرچه بعضی والدین ممکن است آن‌ها را وقت تلف کردن **تلقی**

کنند.

* فعلی view یعنی «تلقی کردن، نگاه کردن». این کلمه در حالت اسمی یعنی «چشم‌انداز، منظره، نظر و عقیده»:

چشم‌انداز موجود در بالای تپه بسیار عالی بود. The view from top of the hill was wonderful.

نظر شما درباره‌ی این موضوع چیست؟ What's your view on this issue?

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - خلق کردن ۳ - هدایت کردن، دستور دادن ۴ - خسته کردن

۱۸- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** او نمی‌خواهد (مرتب) **نال** کردن تو را بشنود، او به اندازه‌ی کافی مشکل دارد که با آن‌ها دست و پنجه نرم کند.

* moan یعنی «نال، ناله کردن، نق زدن»:

آن‌ها همیشه راجع به حقوق کمشان آه و ناله می‌کنند. They're always moaning about their low wages.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - نادیده گرفتن ۳ - تأثیر گذاشتن ۴ - واکنش نشان دادن

۱۹- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** ناتوانی او در پذیرش این که اشتباه کرده است تنها ایراد در شخصیت او است.

* flaw یعنی «نقص، عیب، نقطه ضعف، ایراد»:

All of these studies have serious flaws.

تمامی این مطالعات دارای نقایصی جدی هستند.

۴ - بیماری

۳ - بهانه

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تنش، استرس

۲۰- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** در واقع آن چه به آن در چنین مواردی نیاز است یک ارزیابی خونسردانه از وضعیتی است که در آن قرار دارید.

* appraisal به معنی «ارزیابی، قیمت‌گذاری» از فعل appraise (قیمت‌گذاری کردن، ارزیابی کردن) مشتق شده است:

We had an appraisal made on the house.

ما دادیم خانه را قیمت‌گذاری کنند.

self-appraisal

خودسنجی (ارزیابی از خود)

۴ - شکست

۲ - در معرض چیزی بودن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مناسبت زمانی

۲۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** دولت به خاطر عدم موفقیت در کاستن از میزان بیکاری در مناطق شهری به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

* اسم failure به معنی «شکست، عدم موفقیت» از فعل fail مشتق شده است.

۴ - فعالیت

۳ - اندازه، اقدام

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ظرفیت

English Lesson 17

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Water for People

Without enough water the human body is soon unable to go on working. Our blood is mostly made of water. Blood carries oxygen from our lungs and nutrients from our intestines to all parts of our bodies. Nutrients are the usual chemicals that we take from our food. Water also helps to keep our muscles and joints running smoothly.

Some of this water is lost because we breathe it out. In cold weather we can see the water vapour condensing in the cold air as it comes out of our mouths. We lose water when we sweat and when we go to the toilet. If we are ill, we often have a fever and sweat more than usual. This is why, if we are ill, the doctor may tell us to drink plenty of water.

B Comprehension Check

1. Which of the followings is not mentioned in the text as a way of water loss?

- 1) breathing 2) fever 3) sweating 4) bleeding

2. According to the passage our body is mostly made up of

- 1) blood 2) water 3) nutrients 4) muscles and joints

3. Drinking plenty of water when we are ill help us

- 1) sweat less 2) replace water loss 3) absorb more nutrients 4) condense more vapour

Part II

Vocabulary Test

- 1. If you feel any symptoms of this disease including high and weight loss, you must immediately phone your doctor.**
1) syndrome 2) patient 3) attack 4) fever
- 2. It was so hot and humid that by the time we'd climbed to the top of the hill we were completely covered in**
1) sweat 2) distress 3) smog 4) heat
- 3. The novel was too long so the magazine asked me to it for the readers.**
1) represent 2) suppose 3) classify 4) condense
- 4. This cream is recommended by many doctors to help keep your skin soft and**
1) smooth 2) compact 3) sensitive 4) primary
- 5. Check that any medication you're taking no risk for your developing baby.**
1) supplies 2) challenges 3) carries 4) eliminates
- 6. The new government is planning effective measures to keep the economy well.**
1) viewing 2) running 3) causing 4) fixing
- 7. The content of any food is all the substance in it which help you to remain healthy.**
1) appropriate 2) critical 3) straight 4) nutritional
- 8. After a while, all that unknown liquid and formed a huge cloud of gas.**
1) condensed 2) dissolved 3) vaporized 4) flowed

word study بررسی واژگان درس ۱۷

* carry	حمل کردن	* nutrient	ماده‌ی غذایی
condense	تبدیل به مایع کردن (یک گاز)، خلاصه کردن	* remain	باقی ماندن
fever	تب	run	کار کردن
form	شکل	smoke	دود
* go on	ادامه دادن	* smoothly	به نرمی، به آرامی
intestine	روده	steam	بخار
joint	مفصل	sweat	عرق کردن
* mostly	عمدتاً، اکثراً	vapor	بخار

پاسخ سوالات درس ۱۷

معنی متن:



آب برای مردم

بدون وجود آب کافی، بدن انسان خیلی زود قادر به ادامه کار کردن نخواهد بود. خون ما عمدتاً از آب تشکیل شده است. خون اکسیژن را از ریه‌های ما و مواد مغذی را از روده‌هایمان به تمام بخش‌های بدن حمل می‌کند. مواد مغذی همان مواد شیمیایی معمولی هستند که از غذا به دست می‌آوریم. آب همچنین کمک می‌کند تا عضلات و مفاصل ما به خوبی کار کنند.

مقدار از این آب به خاطر عمل تنفس از دست می‌رود. در هوای سرد می‌توانیم بخار آب را ببینیم که وقتی از دهانمان خارج می‌شود به حالت مایع (آب) درمی‌آید. ما وقتی عرق می‌کنیم یا به توالی می‌رویم مقداری آب از دست می‌دهیم. اگر بیمار شویم، غالباً تب می‌کنیم و در نتیجه بیش‌تر از معمول عرق می‌کنیم. به همین دلیل است که وقتی بیمار هستیم دکتر ممکن است به ما بگوید که مقدار زیادی آب بنوشیم.

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۴)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** اگر هریک از نشانه‌های این بیماری از جمله تب بالا یا کاهش وزن را در خود احساس کردید، سریع به دکتر خود تلفن بزنید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - سندرم، بیماری ۲ - بیمار ۳ - حمله

۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** هوا آنقدر گرم و مرطوب بود که وقتی به بالای تپه رسیدیم کاملاً غرق در عرق بودیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ناراحتی ۳ - مه‌دود ۴ - حرارت

۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** آن رمان خیلی بلند بود بنابراین مجله از من خواست که آن را برای خوانندگان خلاصه کنم.

* گفتیم که فعل condense علاوه بر «تبدیل به مایع شدن یک گاز» به معنی «خلاصه و کوتاه‌تر کردن» هم هست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - نماینده‌ی گروهی بودن ۲ - فرض کردن ۳ - طبقه‌بندی کردن

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** این کرم توسط بسیاری از پزشکان برای کمک به نرم نگه‌داشتن پوست شما توصیه شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - فشرده، جمع و جور ۳ - حساس ۴ - ابتدایی، اولیه

۵- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** بررسی کن که هر دارویی که در حال مصرف آن هستی خطری برای بچه‌ی در حال تکامل در بر نداشته باشد.

* carry علاوه بر «حمل کردن، انتقال دادن» به معنی «در برداشتن، داشتن» هم می‌باشد:

قرار گرفتن در معرض نور خورشید خطر ایجاد سرطان پوست را در بردارد. Exposure to the sun carries the risk of developing skin cancer.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تدارک دیدن، مهیا کردن ۲ - به مبارزه طلبیدن ۴ - از بین بردن

۶- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: دولت جدید در تدارک اقداماتی موثر برای حفظ کردن اقتصاد در وضعیت خوب (کار کردن) می‌باشد.

* فعل run می‌تواند به معنی «عمل کردن، کار کردن، اداره کردن» هم باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - نگاه کردن ۳ - باعث شدن ۴ - ثابت و بی‌حرکت کردن

۷- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: محتوای غذایی یک غذا یعنی تمام مواد موجود در آن که به شما کمک می‌کنند سالم بمانید.

* nutrition یعنی «تغذیه»؛ صفت‌های nutritional (غذایی) و nutritious (مغذی، دارای ارزش غذایی) از این اسم مشتق می‌شوند.

یک رژیم متعادل از نظر غذایی a nutritionally balanced diet

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مناسب ۲ - بحرانی، شدید ۳ - مستقیم

۸- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: پس از مدتی تمام آن مایع ناشناخته تبخیر شد و ابری عظیم از گاز را تشکیل داد (huge یعنی «عظیم، بسیار بزرگ»).

* فعل vaporize به معنی «تبخیر کردن (شدن)» با vapor (بخار) هم خانواده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تبدیل به مایع شدن ۲ - حل کردن ۴ - جاری شدن

English Lesson 18

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Tom and Danny

Tom and Danny will both sit for the General Certificate of Education (GCE), Advanced Level, next June. Tom has already taken the examination once. He sat for it last year, but he had not worked hard enough and he failed. If he had worked harder, he would have passed it. If he had passed, he would have been admitted to the university last October. His failure has made him work harder this year. He must get a place at the university this year. If he fails to do so, he will have to leave school and find a job. He knows that his parents will be disappointed if he has to give up hope of a university course.

Danny is certain to pass the examination, although he will be taking it for the first time. He is a clever student. He passed the Ordinary Level Examination two years ago with distinctions in six subjects. With this record, if Danny failed the Advanced Level Examination, everyone would be very surprised.

B Comprehension Check

1. Which sentence is not true?

- 1) Tom has already taken the exam twice. 2) Tom and Danny are going to sit for GCE next June.
3) People who know Danny are sure about his success. 4) Failing for Tom means leaving school.

2. The word "disappointed" in line 5 is the opposite of

- 1) pleased 2) desired 3) annoyed 4) dissatisfied

3. It can be concluded from the text that

- 1) Tom's parents are already proud of their son. 2) Danny is a smarter student than Tom.
3) Tom can find a job if he passes the exam. 4) Tom was admitted to the university last October.

Part II**Vocabulary Test****1. Just put on your and informal clothes because it's not a special occasion.**

- 1) satisfied 2) ordinary 3) advanced 4) primary

2. Please make sure the legs of the table are all in length.

- 1) faulty 2) smooth 3) straight 4) equal

3. After the bomb's, the terrified children were taken to shelters and safe places.

- 1) explosion 2) appointment 3) invention 4) experiment

4. There's no reason to be so As a matter of fact, this could be rather amusing.

- 1) interested 2) disappointed 3) limited 4) distinguished

5. The old man and his assistants took hundreds of photographs of the war which then formed a valuable historical

- 1) record 2) lecture 3) order 4) measure

6. Passing this exam will enhance your chances of being to our college.

- 1) dropped 2) admitted 3) recognized 4) located

7. There was a strong feeling of with the way the government was running the country.

- 1) exaggeration 2) distinction 3) explosion 4) dissatisfaction

8. You need a medical to prove that you were too ill to work.

- 1) interaction 2) certificate 3) patient 4) surgery

9. Professor Smith is not available right now, but he's going to deliver a on the history of art at 11 o'clock.

- 1) stage 2) desire 3) mention 4) lecture

10. It's not a(n) to say that without your useful information we would have never been able to find our missing son.

- 1) exaggeration 2) admission 3) distinction 4) satisfaction

11. All her marks were average except her favorite, mathematics, in which she got a distinction.

- 1) quality 2) subject 3) record 4) basis

12. Scientists have developed a test to detect the presence of cancer in the body at an early

- 1) scene 2) event 3) stage 4) instance

13. At tonight's celebration we have several guests so I expect all of you to be on your best behaviour.

- 1) distinguished 2) disappointed 3) dissatisfied 4) distressed

14. The teacher's angry words achieved the effect and made the lazy students work harder.

- 1) negative 2) desired 3) ordinary 4) mutual

۱۸ بررسی واژگان درس word study

* admit	پذیرفتن	exaggeration	مبالغه، اغراق
* advanced	پیشرفته	* explode	منفجر شدن
* appointment	قرار ملاقات	give up	دست کشیدن از
* certificate	مدرک، گواهی	* lecture	سخنرانی
course	دوره، واحد درسی	* ordinary	معمولی، عادی
* desired	مطلوب	perfect	تکمیل کردن
* disappoint	مأیوس کردن	quality	کیفیت، ویژگی
* dissatisfied	ناراضی	record	(در این درس) سابقه
* distinction	افتراق، تمایز، (در این درس) نمره ممتاز	sit for an exam	امتحان دادن
* distinguished	برجسته، عالی	* stage	مرحله
drop	پرت کردن، انداختن	subject	(در این جا) درس، مبحث
* equal to	مساوی با	take an exam	امتحان دادن

پاسخ سوالات درس ۱۸

A معنی متن:

تام و دنی

تام و دنی هر دو در ماه ژوئن آینده در امتحان GCE (امتحان پایان دوره‌ی اول متوسطه) در سطح پیشرفته شرکت خواهند کرد. تام قبلاً یک بار در این امتحان شرکت کرده است. او در سال گذشته در این امتحان شرکت کرد ولی به اندازه‌ی کافی تلاش نکرده بود و در امتحان مردود شد. اگر بیش‌تر تلاش می‌کرد، قبول می‌شد. اگر در امتحان قبول می‌شد، در ماه اکتبر سال گذشته در دانشگاه پذیرفته می‌شد. عدم موفقیت او باعث شد که امسال بیش‌تر تلاش کند. او امسال باید از دانشگاه پذیرش بگیرد و اگر نتواند این کار را انجام دهد، مجبور خواهد شد که مدرسه را ترک کرده و برای خود شغلی بیابد. او می‌داند که اگر مجبور شود از امید رفتن به دانشگاه دست بکشد پدر و مادرش بسیار مأیوس خواهند شد.

دنی مطمئن است که در امتحان قبول خواهد شد، اگر چه برای بار اول است که در آن شرکت می‌کند. او دانش‌آموز زرنگی است. او دو سال پیش در امتحانات سطح مقدماتی با نمره‌ی عالی در شش مبحث قبول شد. با چنین سابقه‌ای، اگر دنی در امتحان سطح پیشرفته مردود شود، همه شگفت‌زده خواهند شد.

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۱)

B

پاسخ سوال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: فقط لباس معمولی و غیر رسمی بپوش چون این یک مراسم رسمی نیست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - راضی ۳ - پیشرفته ۴ - ابتدایی

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: اطمینان حاصل کن که تمام پایه‌های آن میز از نظر ارتفاع، مساوی هستند.

* equal یعنی «مساوی، برابر»:

Woman want equal pay to men.

زنان خواستار پرداخت حقوق مساوی با مردان هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - معیوب، ناقص ۲ - نرم و هموار ۳ - صاف، مستقیم

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: بعد از انفجار بمب بچه‌های وحشت‌زده به پناهگاه و اماکن امن برده شدند (صفت terrified یعنی «وحشت زده،

ترسیده»).

* explosion از فعل explode به معنی «منفجر شدن» به دست آمده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - قرار ملاقات ۳ - اختراع ۴ - آزمایش علمی

۴- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: دلیلی برای ناامید بودن وجود ندارد. در واقع این موضوع حتی می‌تواند نسبتاً جالب هم باشد.

* فعل disappoint یعنی «مأیوس و ناامید» کردن. مشتقات مهم آن عبارتند از اسم disappointment و دو صفت disappointing (مأیوس کننده) و

disappointed (مأیوس، ناامید، ناراحت):

He was deeply disappointed at not being chosen for the team.

او عمیقاً از این که برای تیم انتخاب نشده است ناراحت شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - علاقه‌مند ۳ - محدود ۴ - برجسته، شناخته شده

۵- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** آن مرد پیر و دستیارانش صدها عکس از جنگ گرفتند که بعدها اثر تاریخی ارزشمندی را تشکیل دادند.

* اسم record دارای معانی متعددی مثل «ثبت، ضبط، سابقه، اثر، سند یا مدرک» می‌باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- کنفرانس درسی ۳- دستور، سفارش ۴- اندازه، اقدام

۶- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** قبول شدن در این آزمون شانس پذیرفته شدن شما را در کالج ما افزایش خواهد داد.

* فعل admit هم به معنی «پذیرفتن کسی در یک محل مثل مدرسه، دانشگاه، بیمارستان و ...» است و هم «پذیرفتن یک خطا و اشتباه و ...». اسم admission (پذیرش) از این فعل مشتق شده است.

او در بیمارستان پذیرش شد. He was admitted to hospital.

تو باید اشتباه خود را قبول کنی. You should admit your mistake.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- انداختن ۳- شناختن ۴- قرار داشتن (در حالت مجهول)

۷- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** احساس نارضایتی شدیدی از روش اداره‌ی کشور توسط دولت وجود داشت.

* اسم dissatisfaction از فعل dissatisfy مشتق شده است. با برداشتن پیشوند منفی‌ساز dis از این کلمه به فعل satisfy به معنی «راضی کردن، خشنود کردن» می‌رسیم. هم‌خانواده‌های مهم این فعل عبارتند از: صفت satisfied (به معنی «راضی، خشنود» و مترادف با دو صفت pleased و content به همین معنی)، صفت satisfactory (رضایت بخش) و اسم satisfaction.

ما از غذای آن رستوران خیلی ناراضی بودیم. We were very dissatisfied with the food at the restaurant.

من از کار کردن با بچه‌ها بسیار خشنود می‌شوم. I get great satisfaction from working with children.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- اغراق، مبالغه ۲- افتراق، تمایز، نمره‌ی عالی ۳- انفجار

۸- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** تو برای این که ثابت کنی آن قدر مریض بوده‌ای که نمی‌توانستی کار کنی باید یک گواهی پزشکی داشته باشی.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تداخل - تقابل ۳- بیمار ۴- عمل جراحی

۹- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** پروفسور اسمیت در حال حاضر این‌جا نیست ولی قرار است که ساعت ۱۱ کنفرانسی درباره‌ی تاریخ هنر ارائه کند.

* lecture یعنی «درسی که به صورت کنفرانس و سخنرانی ارائه» می‌شود.

ارایه کردن یک کنفرانس درسی deliver /give a lecture

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مرحله ۲- میل، خواسته ۳- اشاره

۱۰- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** اغراق نیست اگر بگویم بدون اطلاعات مفید شما هرگز قادر به یافتن پسر گمشده‌مان نبودیم.

* exaggerate یعنی «زیاده روی کردن، اغراق کردن»:

اغراق نکن. من فقط دو دقیقه دیر کردم نه بیست دقیقه. Don't exaggerate. I was only two minutes late, not twenty.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- پذیرش ۳- تمایز، افتراق ۴- رضایت، خشنودی

۱۱- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** تمام نمرات او در حد متوسط بودند به جز درس مورد علاقه‌اش یعنی ریاضی که در آن نمره‌ی عالی کسب کرد (صفت

favorite یعنی «مورد علاقه»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- کیفیت ۳- ثبت، ضبط ۴- پایه و اساس

۱۲- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** دانشمندان آزمایشی ابداع کرده‌اند که وجود سرطان را در بدن در مراحل اولیه تشخیص دهد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- صحنه ۲- رخداد، واقعه ۴- مورد، نمونه

۱۳- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** در جشن امشب چندین مهمان برجسته داریم بنابراین از شما انتظار داریم که بهترین رفتار را داشته باشید.

* صفت distinguished یعنی «شاخص، شناخته شده، برجسته». این صفت خود از فعل distinguish به معنی «شناختن و افتراق دادن دو چیز از هم» مشتق شده است:

He isn't able to distinguish between what's important and what isn't.

او قادر نیست چیزهایی را که مهم هستند از آن‌هایی که مهم نیستند تشخیص دهد.

۴ - ناراحت

۳ - ناراضی

۲ - ناامید

۱۴- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** کلمات خشمگینانه‌ی معلم اثری **مطلوب** داشت و دانش‌آموزان تنبل را وادار کرد بیش‌تر تلاش کنند.

* صفت desired یعنی «مورد نظر، مطلوب». سایر هم‌خانواده‌های مهم آن عبارتند از: فعل desire (میل داشتن، آرزو داشتن)، اسم desire (میل، خواسته) و صفت desirable (مطلوب، ارزشمند):

Experience is desirable but not essential for this job.

داشتن تجربه برای این کار مطلوب است ولی ضروری نیست.

۴ - متقابل

۳ - معمولی

۱ - منفی

English Lesson 19

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Computers Everywhere

You will find computers almost everywhere. In large supermarkets, a computer is connected to the tills. It keeps a record of money taken and goods in stock. It can also work out the staff's wages and print their pay slips. Hospitals use computers for storing and looking up patients' records. Design offices can use them instead of drawing boards and pencils to prepare all their plans. In car factories, computers run the machines which do the drilling and paint-spraying. Computers control all the flights coming in and out of large airports like Mehrabad. They can work things out faster than humans. The people who decide how to use a computer to do a particular job are called system analysts. The people who write the programs are called programmers.

B Comprehension Check

1. Which of the followings is not mentioned as a use of computers in supermarkets?

- | | |
|--------------------------------|--------------------------|
| 1) keeping the record of money | 2) printing pay slips |
| 3) doing paint-spraying | 4) working out the wages |

2. Which sentence is true according to the passage?

- 1) The main use of computers in supermarkets is to keep a record of staff's names.
- 2) In car factories computers do the drilling and paint-spraying.
- 3) Programmers are those who decide how to use a computer.
- 4) Computers can be used instead of drawing boards.

3. The underlined word "particular" in line 6 is a synonym of

- 1) special 2) intelligent 3) artificial 4) reasonable

Part II

Vocabulary Test

1. My boss had to fire many of the when the company faced financial problems.

- 1) employees 2) orders 3) payments 4) tills

2. Our experts are trying to the substance to see what it is made of.

- 1) connect 2) input 3) estimate 4) analyze

3. In most countries there is a vast difference between the income of the rich and the of ordinary people.

- 1) wages 2) forms 3) slips 4) stages

4. A: Where does the company plan to for oil?

B: Most probably in the ocean.

- 1) sort 2) rely 3) drill 4) fill

5. Students in this class are in three ability groups in order to receive appropriate teaching.

- 1) added 2) designed 3) proved 4) sorted

6. Before you start delivering your lecture, make sure all your notes are in

- 1) aspect 2) order 3) focus 4) point

7. I don't recommend you to get a job here because the management makes too many demands on its and pays no attention to their needs.

- 1) staff 2) formation 3) respect 4) stock

8. I got Tom to the total cost of repairs but I don't think his calculations are accurate.

- 1) work out 2) carry out 3) call out 4) run out

9. I'm afraid two items on your shopping list are out of at the moment.

- 1) stock 2) till 3) data 4) reach

10. Let's start today's meeting by the decisions which were made in our previous meeting.

- 1) going through 2) filling in 3) building up 4) logging on

word study بررسی واژگان درس ۱۹

alphabetical	الفبایی	* patient	بیمار
analyst	تحلیل‌گر	paint-spraying	پاشیدن رنگ
* analyze	تجزیه و تحلیل کردن	payment	پرداخت
* connect	متصل کردن	pay slip	فیش حقوقی
* data	داده‌ها، اطلاعات	print	چاپ کردن
drawer	کشو	programmer	برنامه‌نویس
drawing board	تخته‌ی طراحی	run	(در این درس) به کار انداختن، کنترل کردن
drill	سوراخ کردن، حفاری کردن	* screen	صفحه نمایش (کامپیوتر، تلویزیون و ...)
* employee	کارمند	slip	تکه‌ی کاغذ
go through	بررسی کردن	sort	مرتب کردن
* input	وارد کردن	* staff	کارکنان
keep a record of	حساب چیزی را داشتن	* stock	موجودی کالا، انبار
* look up	پیدا کردن اطلاعات از یک مرجع	till	صندوق، دخل
* order	(در این درس) ترتیب	* wage	دستمزد
* particular	خاص، به‌خصوص	* work out	حساب کردن

پاسخ سوالات درس ۱۹

A معنی متن:

رایانه‌ها در همه جا

شما تقریباً همه جا می‌توانید رایانه‌ها را ببینید. در فروشگاه‌های بزرگ یک رایانه به صندوق وصل شده است که پول دریافتی و نیز اجناس موجود را ثبت می‌کند. هم‌چنین می‌تواند دستمزد کارکنان را حساب کرده و فیش حقوقی آن‌ها را چاپ کند. بیمارستان‌ها از رایانه برای ذخیره و جستجوی سوابق بیماران استفاده می‌کنند. در دفاتر طراحی از آن‌ها به جای تخته‌ی طراحی و مداد برای آماده کردن نقشه‌ها استفاده می‌شود. در کارخانه‌های اتومبیل‌سازی، رایانه‌ها ماشین‌هایی که کار مته زدن یا رنگ پاشیدن را انجام می‌دهند کنترل می‌کنند. رایانه‌ها تمام پروازهایی را که از فرودگاه‌های بزرگ مثل مهرآباد، خارج یا به آن داخل می‌شوند کنترل می‌کنند. آن‌ها سریع‌تر از انسان می‌توانند محاسبه کنند. افرادی که چگونگی استفاده از رایانه را برای یک کار خاص تعیین می‌کنند، تحلیل‌گر سیستم نامیده می‌شوند. افرادی که برنامه‌های رایانه را می‌نویسند، برنامه‌نویس نام دارند.

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: وقتی شرکت ما با مشکلات مالی روبه‌رو شد رئیس ما مجبور شد که بسیاری از کارمندان را اخراج کند.

* employee یعنی «کارمند» و employer یعنی «کارفرما».

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - سفارش، دستور، ترتیب ۳ - پرداخت ۴ - دخل

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: کارشناسان ما در تلاش برای تجزیه و تحلیل کردن آن ماده هستند تا بفهمند که از چه ساخته شده است.

* فعل analyze یعنی «تجزیه و تحلیل کردن، بررسی کردن». مشتقات مهم آن عبارتند از اسم analysis (تحلیل، بررسی) و analyst (تحلیل‌گر، کارشناس):

تحلیل او از این وضعیت با مال من متفاوت است. His analysis of the situation is different from mine.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - متصل کردن ۲ - وارد کردن ۳ - تخمین زدن

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: در بسیاری از کشورها بین درآمد ثروتمندان و دستمزد مردم عادی تفاوت بسیار زیادی وجود دارد (صفت vast یعنی

«عظیم، بسیار بزرگ»).

* wage یعنی «دستمزد و حقوقی که معمولاً در قبال انجام کارهای فیزیکی و کارگری به صورت ساعتی، روزانه یا هفتگی پرداخت می‌شود»:

هر هفته او تمام دستمزدش را به همسرش می‌داد. Every week he handed all his wages to his wife.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - شکل، فرم ۳ - تکه‌ی کاغذ ۴ - مرحله

- ۴- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** نفر اول: شرکت قصد دارد کجا را برای یافتن نفت **حفر کند**? نفر دوم: به احتمال زیاد در اقیانوس.
 ۱- مرتب کردن ۲- وابسته بودن ۳- پر کردن
 ۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** دانش‌آموزان در این کلاس از نظر توانایی‌هایشان به سه گروه **دسته‌بندی** می‌شوند تا آموزشی مناسب دریافت کنند.
 * فعل soft یعنی «مرتب کردن، دسته‌بندی کردن». این کلمه اگر اسم باشد به معنی «نوع، جور» می‌باشد.
 ۱- اضافه کردن ۲- طراحی کردن ۳- ثابت کردن
 ۶- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** قبل از این که کنفرانس خود را شروع کنی اطمینان حاصل کن که تمام یادداشت‌هایت را به **ترتیب** قرار داده باشی.
 * اسم order علاوه بر معنی «سفارش، دستور» به معنی «ترتیب» هم هست:

Write the names in alphabetical order.

اسامی را به ترتیب حروف الفبا بنویس.

در ضمن بد نیست با دو اصطلاح in working order به معنی «در وضعیتی (خوب یا بد) بودن از نظر کارکرد» و out of order به معنی «خراب» آشنا شوید.

The lift is out of order.

آسانسور خراب است.

My car is very old but it's still in good working order.

ماشین من خیلی قدیمی است ولی هنوز خوب کار می‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- جنبه، بعد ۲- تمرکز، توجه ۳- نقطه، نکته

- ۷- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** من توصیه نمی‌کنم که در این‌جا به کار مشغول شوید زیرا مدیریت آن انتظارات بسیار زیادی از **کارکنان** دارد و هیچ توجهی هم به نیازهایشان ندارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- تشکیل، شکل‌گیری ۳- احترام ۴- موجودی کالا

۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** من **محاسبه کردن** کل هزینه‌ی تعمیرات را به تام سپردم ولی فکر نمی‌کنم که محاسبات او دقیق باشند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- انجام دادن ۳- فرا خواندن ۴- تمام کردن

۹- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** متأسفانه دو قلم جنس از فهرست خرید شما در حال حاضر (در فروشگاه) **موجود نیست**.

* stock یعنی «ذخیره و موجودی یک فروشگاه از نظر کالا»؛ in stock یعنی کالایی که برای فروش موجود است و out of stock هم یعنی کالاهایی که موجود نیستند یا تمام شده‌اند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- صندوق، دخل ۳- داده‌ها ۴- دسترس

۱۰- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** بگذارید جلسه‌ی امروز را با **بررسی کردن** تصمیماتی که در جلسه‌ی گذشته اتخاذ کردیم آغاز کنیم.

* از معانی go through «بررسی کردن، جستجو کردن» است:

They went through all my pockets.

آن‌ها همه‌ی جیب‌های مرا جست‌وجو کردند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- پر کردن فرم ۳- افزایش دادن ۴- وصل شدن به شبکه

English Lesson 20

Part I Reading Comprehension

A Reading

Skyscraper

About six million people live in Hong Kong, a city on the coast of China. There is very little space between the mountain and the sea. So people live in tall blocks of apartments, one family above another. These **skyscrapers**, as they are called, allow people to live and work together wherever space is limited. The cities of New York and Chicago in the United States, Tokyo in Japan, and Sao Paulo in Brazil are all famous for their skyscrapers.

The first skyscraper was built about 100 years ago in Chicago, in the United States. It had only 10 floors but it was the first building to have a framework of steel beams. The framework supports the floors of the building rather than the walls. The use of steel was an important advance in building skyscrapers. Steel is stronger than iron. This makes it possible to build very tall steel structures. The steel framework is covered with panels called **cladding**.

B Comprehension Check

1. People in skyscrapers

- 1) live and work together
- 2) work together but lived separately
- 3) are limited in population
- 4) live in unlimited spaces

2. The first skyscraper

- 1) had only 10 floors
- 2) was built 1000 years ago
- 3) had framework of iron
- 4) was built in Hong Kong

3. Steel beams in skyscrapers support the

- 1) walls
- 2) floors
- 3) ceilings
- 4) doors

۲۰ بررسی واژگان درس word study

* advancement	پیشرفت	outer	بیرونی، خارجی
beam	تیر (آهن)، پرتوی نور	panel	قالب، قاب
block	بلوک (ساختمان)	* population	جمعیت
cladding	نما، روکار، روکش	* protective	محافظ
* coast	ساحل	* separately	جداگانه
covering	پوشش	* shore	ساحل
* floor	طبقه (ساختمان)	steel	فولاد
frame	چارچوب	structure	سازه، بنا
framework	اسکلت، چهارچوب	* support	حمایت کردن، نگه داشتن

پاسخ سوالات درس ۲۰

معنی متن:



آسمان خراش

حدود شش میلیون نفر در هنگ کنگ، شهری در ساحل چین، زندگی می‌کنند. در آن‌جا فضای بسیار کمی بین کوه و دریا وجود دارد. بنابراین مردم در آپارتمان‌هایی در ساختمان‌های بلند، یعنی هر خانواده بالای خانواده‌ی دیگر، زندگی می‌کنند. این آسمان‌خراش‌ها، همان‌طور که از اسمشان پیداست، به مردم این امکان را می‌دهند که در هر کجا که فضا محدود است در کنار یکدیگر کار و زندگی نمایند. شهرهای نیویورک و شیکاگو در ایالات متحده، توکیو در ژاپن و ساوپائولو در برزیل به داشتن چنین آسمان‌خراش‌هایی معروف هستند.

اولین آسمان‌خراش در حدود صد سال پیش در شیکاگو در ایالت متحده ساخته شد. این آسمان‌خراش فقط ۱۰ طبقه داشت اما اولین ساختمانی بود که چهارچوبی با تیرهای فولادی داشت. این چهارچوب به جای دیوارها، طبقات ساختمان را نگه می‌دارد. استفاده از فولاد یک پیشرفت مهم در زمینه‌ی ساختن آسمان‌خراش‌ها بود. فولاد از آهن قوی‌تر است که این امر، ساختن بناهایی بسیار بلند را با فولاد امکان‌پذیر می‌سازد. چهارچوب فولادی با قاب‌هایی به نام روکش پوشیده می‌شود.

۴ - گزینه‌ی (۱)

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۱)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** سربازان بعد از به اتمام رساندن مأموریتشان پس از یک **جدایی** دو ساله از خانواده‌هایشان در حال بازگشت به خانه هستند.

۳ - وابستگی

۲ - ناامیدی

۱ - مقاومت

۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** به طور گسترده‌ای تصور می‌شود که چنین رژیمی می‌تواند علیه سرطان‌های خاصی بویژه سرطان روده **محافظت** ایجاد نماید.

۴ - تداخل

۳ - نسخه، تجویز

۲ - نتیجه‌گیری

۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** اگر به بندرعباس بروید می‌توانید از **ساحل** آن تعدادی جزیره را مشاهده کنید.

۳ - سطح

۲ - مسیر

۱ - زمین، زمینه، حوزه

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** یک معمار باید از مواد اولیه‌ای که در **بنای** او مورد استفاده قرار خواهند گرفت شناخت خوبی داشته باشد.

* structure هم به معنی «سازه، ساختمان، بنا» است و هم به معنی «ساختار، پیکربندی»:

The new hospital will be a very tall structure.

بیمارستان جدید بنایی بسیار بلند خواهد بود.

۴ - آرایه، سخنرانی

۲ - ویژگی

۲ - سازمان، تشکیلات

۵- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** بمب‌ها در پایین دو ستون بزرگی که سقف را **نگه داشته بودند** کار گذاشته شده بودند. بنابراین وقتی که منفجر شدند

سقف ناگهان فرو ریخت.

* support در این جمله به معنی «نگه‌داشتن، حمایت کردن» به کار رفته است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - به مبارزه طلبیدن ۳ - تهیه کردن ۴ - جمع‌آوری کردن

۶- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: پرتو نور خطی از نور است که از یک جسم نورانی مثل یک چراغ قوه یا خورشید تابش می‌شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - قاب ۳ - جریان ۴ - چهارچوب

۷- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: چون او خواننده‌ی پرطرفداری است عاقلانه است که بلیت کنسرت او را پیشاپیش تهیه کنیم.

* همان‌طور که در دروس قبل ذکر شد فعل advance به معنی «پیش‌روی، پیشرفت» و اسم advancement به معنی «پیشرفت» می‌باشد. در این سوال با عبارت in advance که به معنی «از قبل، پیش از موعد، پیشاپیش» است آشنا می‌شوید:

Parents will be sent a letter two weeks in advance of the school year.

برای والدین دو هفته پیش از موعد شروع سال تحصیلی نامه‌ای ارسال خواهد شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - برنامه زمانی ۲ - وقفه، آنتراکت ۳ - تأخیر

۸- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: حین طوفان کشتی در نزدیکی ساحل غرق شد ولی همه‌ی ملوانان توانستند که تا ساحل شنا کنند (فعل sink یعنی

«غرق شدن»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - کف زمین ۲ - اقیانوس ۳ - موج

1. After a while the fog lifted, and the beautiful mountain suddenly came into
1) stage 2) vapor 3) spot 4) view
2. I don't mind constructive but there's no need to be so unpleasant.
1) criticism 2) exposure 3) attack 4) character
3. I feel with you. I thought I could rely on you but obviously I can't.
1) distinguished 2) amazed 3) disappointed 4) exhausted
4. I'm afraid the fact that he's having difficulty breathing is a sign.
1) negative 2) global 3) preventive 4) general
5. Peter is always about something, which is stupid because he has a very pleasant life.
1) relieving 2) attacking 3) moaning 4) threatening
6. The President declared himself with the progress of the talks and expressed hopes to reach an agreement with the unions in the near future.
1) distinguished 2) advanced 3) distressed 4) satisfied
7. But soon he discovered that trying to be a famous scientist is quite a
1) mixture 2) solution 3) method 4) challenge
8. I have to make a about your poor service and the rudeness of your staff.
1) complaint 2) failure 3) conclusion 4) summary
9. Lightweight concrete is used on many skyscrapers and other large all over the world.
1) functions 2) experiments 3) contents 4) structures
10. The problem he was facing seemed quite, but actually he didn't know how to solve it.
1) amazing 2) ordinary 3) critical 4) advanced
11. This chair is well made, apart from this small in its back.
1) fault 2) sort 3) quality 4) state
12. A to the problem of unemployment in villages is to encourage the development of small businesses there.
1) construction 2) distinction 3) solution 4) position
13. We were by heavy traffic a lot; however, we managed to catch the last train.
1) attacked 2) refused 3) located 4) delayed
14. Not all parts of a magnet have attractive force; it's middle part has less than the poles.
1) equal 2) direct 3) particular 4) primary

15. The president decreased the size of our from 36 to 24 people due to growing costs.

- 1) wage 2) stock 3) till 4) staff

16. When she agreed to marry him, he felt that he had achieved his heart's

- 1) desire 2) trough 3) event 4) action

17. At the police station he eventually stealing the money but denied taking the credit card.

- 1) resisted 2) disrupted 3) supposed 4) admitted

18. To our great disappointment, there was a number of apartments in that area which were worth living in.

- 1) advanced 2) limited 3) desired 4) calculated

19. An ocean current off the eastern of Japan brings warm water from near the equator.

- 1) humidity 2) bundle 3) coast 4) sequence

20. She was about her chances of being admitted to university although she hadn't studied hard.

- 1) optimistic 2) dissatisfied 3) nervous 4) effective

پاسفنامہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 21

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Public Spirit

Each nation has its own peculiar character which distinguishes it from others. But the peoples of the world have more points in which they are all like each other than points in which they are different. One type of person that is common in every country is the one who always tries to do as little as he possibly can and to get as much in return as he can. His opposite, the man who is in the habit of doing more than is strictly necessary and who is ready to accept what is offered in return, is rare everywhere.

Both these types are usually unconscious of their character. The man who avoids effort is always talking about his "rights": he appears to think that society owes him a pleasant easy life. The man who is always doing more than his share talks of his "duties": he feels that every individual is in debt to the society, and not society to the individual. As a result of their views, neither of these men thinks that he behaves at all strangely.

B Comprehension Check

1. What type of people is common in every country?

- 1) Those who always talk about their rights.
- 2) Those who talk about their duties.
- 3) Those who do not care about life.
- 4) Those who always try to do their best.

2. Which group feels they are behaving strangely?

- 1) Those who feel that the individual is in debt to society.
- 2) They both believe their behavior are completely normal.
- 3) Those who feel that society owes him a pleasant life.
- 4) Those who feel that society is in debt of the individual.

3. Those who avoid effort think that

- 1) society owes him an easy life
- 2) they are unconscious of their character
- 3) individuals are in debt to the society
- 4) they are rare in the world

Part II**Vocabulary Test****1. My brother knows everything about his private life because he is one of his friends.**

- 1) ordinary
- 2) intimate
- 3) efficient
- 4) proper

2. He has to break the world record many times, but he hasn't succeeded yet.

- 1) advanced
- 2) exaggerated
- 3) evaluated
- 4) attempted

3. If I had already been informed that he never pays his, I wouldn't have lent him any money.

- 1) tills
- 2) wages
- 3) shares
- 4) debts

4. The primitive man faced many because he had not learned how to use the natural resources.

- 1) discomforts
- 2) centuries
- 3) solutions
- 4) attempts

5. This job cannot be done by an individual. It needs collective

- 1) appointments
- 2) tasks
- 3) efforts
- 4) territories

6. The heavy rains we have here each spring serious flooding and a lot of damage.

- 1) bring about
- 2) carry out
- 3) go on
- 4) hold up

7. The president the meeting. He talked about different political issues.

- 1) recommended
- 2) addressed
- 3) complained
- 4) hypothesized

8. The stress caused by each animal's personal being decreased makes them react.

- 1) territory
- 2) mechanism
- 3) compression
- 4) challenge

9. There's no in continuing with the game if you won't obey the rules.

- 1) point
- 2) choice
- 3) loss
- 4) sort

10. Parents should their children to be responsible members of their society.

- 1) work out
- 2) look for
- 3) screen out
- 4) bring up

11. They have established a new company and have asked us to them up.

- 1) bring
- 2) stand
- 3) pick
- 4) back

12. It's my first time that I am having a Chinese dish. It has a(n) taste that I don't recognize.

- 1) equal
- 2) peculiar
- 3) ordinary
- 4) limited

13. Since his blood cholesterol was too high, his doctor recommended him to go on a diet.

- 1) strict
- 2) gentle
- 3) poor
- 4) close

14. You have no choice but to admit writing that offensive letter; everybody's sure that the handwriting to you.
 1) scolds 2) belongs 3) creates 4) owes
15. I chose music as my favorite field of art because I strongly believe that there's something about music that it from all other art forms.
 1) represents 2) distinguishes 3) parallels 4) stabilizes
16. I am sure a bit of exercise can help you lessen your distress and lift your
 1) spirit 2) desire 3) flaw 4) upset
17. You are not allowed to hunt these birds because they are very, and protected by law.
 1) slight 2) rough 3) excess 4) rare
18. He's always wearing expensive clothes because he believes our clothes reflects our
 1) personality 2) appraisal 3) mention 4) instance
19. If someone is a(n) of a country, they are legally accepted as belonging to that country.
 1) member 2) employee 3) spirit 4) citizen
20. The boy was an addict and as a result a lot of people money for drugs.
 1) saved 2) filled 3) owed 4) carried
21. They both began to from the man holding a knife, aware that the situation was getting out of hand.
 1) back away 2) bring up 3) back up 4) bring about

Part III

Cloze Test

Our territory can be divided into four zones. The most important one is the intimate zone. People who are emotionally(1)..... to us enter this zone without causing(2)..... . When a person who does not(3)..... to this group comes into this territory, our heart may(4)..... faster. We usually(5)..... , to get out of this situation as soon as possible. The next zone is the personal zone which is the(6)..... at which we feel comfortable having a(n)(7)..... friendly conversation, for example at a party. After that comes the social zone, the distance we like to keep from(8)..... and people we don't know very well. Finally, there is the public zone, which shows the distance we would choose when(9)..... a large group.

1. 1) strange 2) close 3) social 4) public
2. 1) effort 2) criticism 3) behavior 4) discomfort
3. 1) belong 2) refuse 3) remain 4) agree
4. 1) supply 2) beat 3) increase 4) treat
5. 1) back away 2) bring about 3) back up 4) bring up
6. 1) activity 2) character 3) distance 4) emotion
7. 1) peculiar 2) satisfied 3) ordinary 4) intimate
8. 1) structures 2) citizens 3) relatives 4) strangers
9. 1) amazing 2) addressing 3) advancing 4) attempting

۲۱ بررسی واژگان درس word study

address(v)	مورد خطاب قرار دادن، صحبت کردن برای	* manner	شیوه
* attempt	تلاش	* ordinary	معمولی
back away	عقب نشستن	* owe	بدهکار بودن، مدیون بودن
* back up	حمایت و پشتیبانی کردن	peculiar	عجیب، مخصوص، ویژه
* beat	تپیدن، زدن	* personality	شخصیت
* belong to	متعلق بودن به	* pleasant	مطبوع، خوشایند
* bring about	باعث شدن	point	نکته، مورد
* bring up	بزرگ کردن و تربیت کردن (بچه)	public spirit	روحیه‌ی خیرخواهی
* care about	اهمیت دادن به	* rare	نادر، کمیاب
citizen	شهروند، تبعه	* responsibility	مسئولیت
close	صمیمی، نزدیک	share	سهم، قسمت
* debt	قرض، بدهی	spirit	روح، روحیه
discomfort	ناراحتی	* strictly	سختگیرانه، به طور جدی
distinguish	تمایز قابل شدن، متمایز کردن	* territory	ناحیه، قلمرو
duty	وظیفه	unconscious	ناهشیار، ناآگاه
* effort	تلاش	* view	دیدگاه
in return	در عوض	* zone	منطقه
* intimate	صمیمی، خصوصی		

پاسخ سوالات درس ۲۱

معنی متن:

A

روحیه‌ی اجتماعی

هر ملتی دارای شخصیتی مخصوص به خود است که باعث تمایز آن از سایر ملل می‌شود. اما مواردی که مردم دنیا در آن شبیه به هم هستند نسبت به موارد تفاوتشان بیش‌تر است. یک نوع از افراد که در هر کشوری هم وجودشان شایع است افرادی هستند که هرچه می‌توانند تلاش کم‌تری انجام می‌دهند ولی در عوض سعی می‌کنند هرچه بیش‌تر به دست بیاورند. متضاد با این نوع اشخاص، افرادی هم وجود دارند که عادت دارند بیش‌تر از آن‌چه جداً نیاز است انجام دهند و آماده‌ی پذیرش آن چیزی هستند که در عوض به ایشان داده می‌شود که تعداد این نوع افراد خیلی کم است.

هر دوی این افراد معمولاً نسبت به شخصیت خود ناآگاه هستند. فردی که از تلاش کردن اجتناب می‌ورزد همیشه در حال صحبت کردن راجع به «حق و حقوق» خود می‌باشد و فکر می‌کند که جامعه به او یک زندگی راحت و خوشایند بدهکار است. فردی هم که همیشه بیش‌تر از سهمش (وظیفه‌اش) انجام می‌دهد از «وظایف» سخن می‌گوید، او فکر می‌کند که همه‌ی افراد به جامعه بدهکار هستند نه این‌که جامعه به افراد بدهکار باشد. در نتیجه‌ی دیدگاهشان، هیچ‌کدام از این دو گمان نمی‌کنند که رفتارشان اصلاً عجیب و غریب باشد.

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** برادر من همه چیز را درباره‌ی زندگی خصوصی او می‌داند زیرا یکی از دوستان صمیمی اوست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - معمولی، عادی ۳ - کارآمد ۴ - درست و مناسب

۲- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** او بارها برای شکستن رکورد جهانی اقدام کرده است ولی تا به حال موفق نشده است.

* فعل attempt یعنی «اقدام کردن، تلاش کردن». این کلمه حالت اسمی هم دارد:

Their attempt to climb that mountain failed.

اقدام آن‌ها برای بالا رفتن از آن کوه با شکست مواجه شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پیشرفت کردن ۲ - اغراق کردن ۳ - ارزیابی کردن

۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** اگر از قبل می‌دانستم که او هرگز بدهی‌هایش را پرداخت نمی‌کند به او پول قرض نمی‌دادم.

* debt یعنی «قرض، بدهی»:

be in debt to sb

به کسی بدهکار بودن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - صندوق، دخل ۲ - دستمزد ۳ - سهم

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** انسان اولیه با ناراحتی‌های زیادی مواجه بود برای این‌که نمی‌دانست چگونه از منابع طبیعی استفاده کند (صفت

primitive یعنی «ابتدایی، اولیه»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - قرن ۳ - راه حل ۴ - تلاش، اقدام

۵- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** این کار تنها توسط یک نفر قابل انجام نیست بلکه به **تلاش** دسته‌جمعی نیاز دارد.

* effort یعنی «سعی، تلاش»:

Please put more effort into your school work.

لطفاً در کار مدرسه‌تان تلاش بیشتری به خرج دهید.

He pushed the door open with a great effort.

او با تلاش زیادی در را فشار داد و باز کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- قرار ملاقات ۲- وظیفه ۳- قلمرو ۴- قلمرو

۶- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** باران‌های شدیدی که هر سال بهار در این‌جا داریم سیلابی شدید و خساراتی زیاد را **باعث می‌شود**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- انجام دادن ۳- ادامه دادن ۴- بالا بردن، به تأخیر انداختن

۷- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** رئیس جمهور در آن جلسه **سخنرانی کرد**. او درباره‌ی موضوعات سیاسی مختلفی صحبت کرد.

* فعل address علاوه بر این‌که به معنی «نوشتن آدرس» است به معنی «ایراد کردن یک سخنرانی رسمی» و مخاطب **قرار** دادن هم می‌باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- توصیه کردن ۳- شکایت کردن ۴- حدس زدن

۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** استرسی که در اثر کاهش اندازه‌ی **قلمروی** شخصی حیوانات ایجاد می‌شود باعث عکس‌العمل نشان دادن آن‌ها می‌شود.

* اسم territory یعنی «حریم، قلمرو»:

This island is British territory.

این جزیره جزو قلمروی انگلستان است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مکانیسم، ساز و کار ۳- فشار ۴- مبارزه، چالش

۹- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** اگر مقررات بازی را رعایت نکنید **دلیلی** برای ادامه‌ی بازی وجود نخواهد داشت.

* point را در معانی مختلفی مثل «نکته، مورد، موضوع اصلی، نقطه و ...» دیده‌اید. در این سوال این کلمه به معنی «دلیل» به کار رفته است:

There's no point in telling my parents my personal problems.

دلیلی وجود ندارد که مشکلات شخصی‌ام را به والدینم بگویم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- حق انتخاب، چاره ۳- شکست، فقدان ۴- نوع

۱۰- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** والدین باید فرزندان‌شان را طوری **بزرگ و تربیت کنند** که افرادی مسئولیت‌پذیر در جامعه شوند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حساب کردن ۲- جستجو کردن ۳- مانع ورود چیزی شدن

۱۱- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** آن‌ها شرکت جدیدی تأسیس کرده‌اند و از ما خواسته‌اند که آن‌ها را **پشتیبانی کنیم** (فعل establish یعنی «تأسیس

کردن»).

All the evidence backed up what he'd said.

تمام شواهد به نفع گفته‌های او بود.

معنی سایر گزینه‌ها با up: ۱- بزرگ کردن بچه ۲- بلند شدن ۳- برداشتن

۱۲- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** این اولین باری است که غذای چینی می‌خورم. این غذا طعم **عجیبی** دارد که آن را نمی‌شناسم.

* صفت peculiar هم به معنی «عجیب و غریب» است و هم «مخصوص»:

He has some peculiar habits.

او تعدادی عادت عجیب دارد.

a problem peculiar to this type of car

مشکل خاص این نوع ماشین

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مساوی ۳- عادی ۴- محدود

۱۳- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** از آن‌جا که کلسترول خون او بسیار بالا بود دکتر به او توصیه کرد که رژیم **سفت و سختی** بگیرد.

* صفت strict یعنی «آدم جدی و خشک، سخت‌گیر، سفت و سخت»:

They are very strict with their children.

آن‌ها نسبت به بچه‌های خود خیلی خشک و سخت‌گیر هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- نرم، مهربان ۳- ضعیف ۴- نزدیک

۱۴- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** تو هیچ چاره‌ای نداری جز این که نوشتن آن نامه‌ی توهین‌آمیز را به گردن بگیری، همه مطمئن هستند که آن دست‌خط به تو تعلق دارد.

* فعل belong که با حرف اضافه‌ی to می‌آید یعنی «متعلق بودن به»:

This car belongs to me.

این ماشین متعلق به من است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - سرزنش کردن ۳ - خلق کردن ۴ - مدیون بودن

۱۵- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** من موسیقی را به عنوان رشته‌ی هنری مورد علاقه‌ام انتخاب کردم برای این که به شدت اعتقاد دارم چیزی در آن وجود دارد که آن را از تمام اشکال دیگر هنر متمایز می‌کند.

* فعل distinguish یعنی «تمایز کردن، فرق قایل شدن، افتراق دادن، تشخیص دادن»:

distinguish good from bad

خوب را از بد تشخیص دادن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - نماینده‌ی گروهی بودن ۳ - موازی و مقارن بودن ۴ - تثبیت کردن

۱۶- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** من مطمئنم که کمی ورزش می‌تواند ناراحتی‌ات را کاهش دهد و روحیه‌ات را تقویت کند.

* اسم spirit یعنی «روح، روحیه». صفت spiritual (روحی) با این اسم هم خانواده است:

the spirit of dead people

ارواح مردگان

We were physically and spiritually exhausted.

ما از نظر جسمی و روحی بسیار خسته بودیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - میل، خواسته ۳ - ایراد، عیب ۴ - ناراحتی

۱۷- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** شما اجازه ندارید این پرندگان را شکار کنید برای این که آن‌ها خیلی کمیاب هستند و توسط قانون محافظت می‌شوند.

* صفت rare یعنی «کمیاب، نادر». قید rarely به معنی «ندرت» جزو قیود منفی ساز (مثل hardly) است.

This stamp is one of the rarest ones in my collection.

این تمبر یکی از کمیاب‌ترین تمبرهای کلکسیون من است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جزئی، خفیف ۲ - خشن، زبر، تقریبی ۳ - اضافی

۱۸- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** او همیشه لباس‌های گران‌قیمت می‌پوشد زیرا اعتقاد دارد لباس‌های ما نشان دهنده (منعکس کننده)ی شخصیت ماست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - قیمت‌گذاری، سنجش ۳ - اشاره ۴ - مثال، مورد

۱۹- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** اگر کسی تبعه‌ی کشوری باشد یعنی این که از نظر قانونی پذیرفته شده است که به آن کشور تعلق دارد.

* citizen هم به معنی «شهروند یک شهر» است و هم «تبعه‌ی یک کشور».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - عضو ۲ - کارمند ۳ - روح، روحیه

۲۰- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** آن پسر، معتاد بود و در نتیجه به افراد زیادی به خاطر تهیه‌ی پول لازم برای مواد مخدر، بدهکار بود.

* فعل owe یعنی «مقروض و بدهکار بودن، مدیون بودن»:

We owed him our lives.

ما زندگی‌مان را مدیون او هستیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پس‌انداز کردن ۲ - پر کردن ۴ - حمل کردن

۲۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** هر دوی آن‌ها با آگاهی از این که اوضاع دارد از کنترل خارج می‌شود شروع به عقب رفتن (فاصله گرفتن) از مردی که چاقو در دست داشت کردند.

* back away یعنی «پس کشیدن، عقب رفتن و فاصله گرفتن از موقعیتی خطرناک»:

He slowly began to back away from the dog.

او آرام آرام از آن سگ فاصله گرفت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - بزرگ کردن بچه ۳ - پشتیبانی کردن ۴ - باعث شدن

English Lesson 22

Part I Reading Comprehension

A Reading

Ancient Civilizations

In the history of the world there have been many great civilizations, that is, many nations have built up a particular way of life for themselves with men living and working together, each at his own trade or skill, to make a shelter and prosperous existence. These nations, which were formed when families and tribes drew together to live in communities, built fine towns and cities where artists and craftsmen, priests and statesmen gradually brought about the new way of living and thinking that made up what is often called the civilization of a nation. People living today also belong to a civilization and will one day be given a name.

The names of some of these great civilizations are given below: Sumerian, Egyptian, Babylonian, Assyrian, Persian, Hittle, Hebrew, Aegean, Phoenician, Greek, Roman, Moqul, Chinese, Aztec and Inca.

B Comprehension Check

1. Most civilizations were formed by nations

- 1) building up a particular way of life
- 2) choosing their own skill and trade
- 3) just finding shelter for themselves
- 4) having a powerful government

2. The people of a nation

- 1) were all relatives
- 2) weren't living and working alone
- 3) didn't have their own skill
- 4) couldn't build shelters

3. People living today

- 1) don't belong to civilization 2) don't have a civilized nation
3) don't have a particular name for their civilization 4) don't have a particular nation

4. usually make up the civilization of a nation.

- 1) Artists and priests 2) Priests and statesmen 3) Living styles 4) Ways of living and thinking

Part II**Vocabulary Test****1. When men became organized into groups, and developed, protection against danger got easier.**

- 1) civilization 2) discomfort 3) challenge 4) agreement

2. A: Were you by her impoliteness?

B: Not really. But I didn't expect her to shout at me.

- 1) ignored 2) distracted 3) offended 4) presented

3. It is predicted that this region will have a(n) future because of its valuable natural resources.

- 1) prosperous 2) critical 3) regular 4) ordinary

4. Without their key players, the team suffered a heavy in the cup final. The final score was 4-1.

- 1) attack 2) effort 3) scratch 4) defeat

5. Primitive man depended on nature for protection because he hadn't learned to build

- 1) flocks 2) shelters 3) sections 4) abilities

6. The government has made plans to the railway to the north of the country.

- 1) parallel 2) recommend 3) regulate 4) extend

7. Nowadays the police are being heavily criticized for not being able to find the man who did several attacks on defenseless old people in the city.

- 1) savage 2) private 3) actual 4) negative

8. International organizations have spent a lot of money to civilize those savage in the jungles of Central Africa.

- 1) islands 2) stages 3) beasts 4) tribes

Part III

Cloze Test

We usually study about great generals and soldiers in history books. On the other hand, the people who really help human(1)..... make progress are seldom(2)..... . People respect these fighters by placing their(3)..... in great cities around the world. Many people think that the most(4)..... nations are the ones who have defeated other countries and(5)..... over them. But people must understand that fighting(6)..... killing innocent human beings so they should learn to(7)..... fighting and killing. As individuals we have learned to behave in a way not to(8)..... others. However, countries have not learned to do this yet, and still behave like(9)..... . We can only hope that some day man becomes(10)..... and ends his(11)..... behavior as soon as possible.

- | | | | |
|--------------------|------------------|---------------|----------------|
| 1. 1) framework | 2) civilization | 3) dependence | 4) territory |
| 2. 1) estimated | 2) supposed | 3) extended | 4) mentioned |
| 3. 1) statues | 2) tribes | 3) priests | 4) regions |
| 4. 1) limited | 2) successful | 3) faulty | 4) sensitive |
| 5. 1) ruled | 2) berated | 3) resisted | 4) battled |
| 6. 1) permits | 2) involves | 3) manages | 4) matches |
| 7. 1) back up | 2) draw together | 3) give up | 4) bring about |
| 8. 1) defeat | 2) offend | 3) satisfy | 4) express |
| 9. 1) artists | 2) citizens | 3) beasts | 4) statesmen |
| 10. 1) interesting | 2) extensive | 3) intimate | 4) civilized |
| 11. 1) former | 2) savage | 3) excess | 4) strict |

word study

بررسی واژگان درس ۲۲

artist	هنرمند	priest	کشیش، روحانی
* attack	حمله کردن	* progress	پیشرفت
* civilization	تمدن	prosperous	باشکوه، پر رونق
* community	جامعه، گروه	respect	احترام گذاشتن
craftsman	صنعتگر	rove	پرسه زدن، ول گشتن
* defeat	شکست دادن	rule(v)	فرمانروایی کردن، سلطه داشتن
draw together	گرد هم آوردن	savage	وحشی
* extend	گسترش دادن	* seldom	به ندرت
general(n)	(در این درس) ژنرال	* shelter	سرنپناه، پناهگاه
* gradually	به تدریج	skillful	ماهر
* grateful	سپاسگزار، ممنون	stateman	سیاستمدار
nation	قوم، ملت	statue	مجسمه
* offend	ناراحت کردن	tribe	قبیله

پاسخ سوالات درس ۲۲

معنی متن:



تمدن‌های باستانی

در تاریخ بشر، تمدن‌های بزرگ بسیاری وجود داشته‌اند، یعنی این که بسیاری از اقوام یک شیوه‌ی خاص زندگی برای خودشان به وجود آورده‌اند که در آن افراد در کنار هم مشغول به کار و زندگی هستند و هرکسی به حرفه و کار خود می‌پردازد تا بتواند برای خود سرپناه و زندگی پررونقی بسازد. این اقوام، که از گرد هم آمدن خانواده‌ها و قبیله‌ها برای زندگی در یک جامعه به وجود آمده بودند، شهرک‌ها و شهرهایی زیبا ساختند که در آن‌جا هنرمندان، صنعتگران، روحانیون و سیاستمداران به تدریج شیوه‌ای جدید برای زندگی و تفکر پدید آوردند که (این شیوه) تمدن آن ملت نامیده می‌شود. مردمی هم که امروز زندگی می‌کنند به یک تمدن تعلق دارند که روزی نامی بر آن نهاده خواهد شد.

نام تعدادی از این تمدن‌های بزرگ در این جا آورده شده است: تمدن سومری، مصری، بابلی، آشوری، ایرانی، هیتل، عبری، اژه، فنیقی، یونانی، رومی، مغول، چینی، آرتک و اینکا.

۴ - گزینه‌ی (۴)

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۱)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** وقتی انسان به صورت گروه‌هایی سازمان یافت و تمدن پیشرفت کرد، حفاظت در برابر خطرات آسان‌تر شد.

* اسم civilization یعنی «تمدن». فعل civilize (تمدن کردن) و صفت civilized (متمدن) با آن هم خانواده‌اند:

the civilization of ancient Greece

تمدن یونان باستان

۴ - توافق

۳ - چالش، مبارزه

۲ - ناراحتی

۲- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** نفر اول: آیا به خاطر بی‌ادبی او ناراحت شدی؟ نفر دوم: نه واقعاً. ولی از او انتظار نداشتم که سرم داد بزند.

* فعل offend یعنی «ناراحت کردن، آزار دادن». هم‌خانواده‌های مهم آن عبارتند از: اسم offense (ناراحتی، توهین، جرم) و صفت offensive (توهین‌آمیز، ناراحت کننده):

Be careful what you say to her – she takes offense very easily.

مواظب باش به او چه می‌گویی – او به راحتی ناراحت می‌شود.

offensive behavior / words / ...

رفتار / کلمات / ... توهین‌آمیز

۴ - ارائه کردن

۲ - پرت کردن حواس

۱ - نادیده گرفتن

۳- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** پیش‌بینی می‌شود که این ناحیه به دلیل داشتن منابع طبیعی ارزشمند خود آینده‌ای پر رونق داشته باشد.

۴ - عادی

۳ - منظم، معمولی

۲ - بحرانی، شدید

۴- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** تیم در مسابقه‌ی فینال جام بدون حضور بازیکنان کلیدی‌اش، متحمل شکست سختی شد. نتیجه‌ی نهایی چهار بر یک بود.

* defeat یعنی «شکست». این کلمه حالت فعلی هم دارد که با فعل beat (در معنی «شکست دادن») مترادف است.

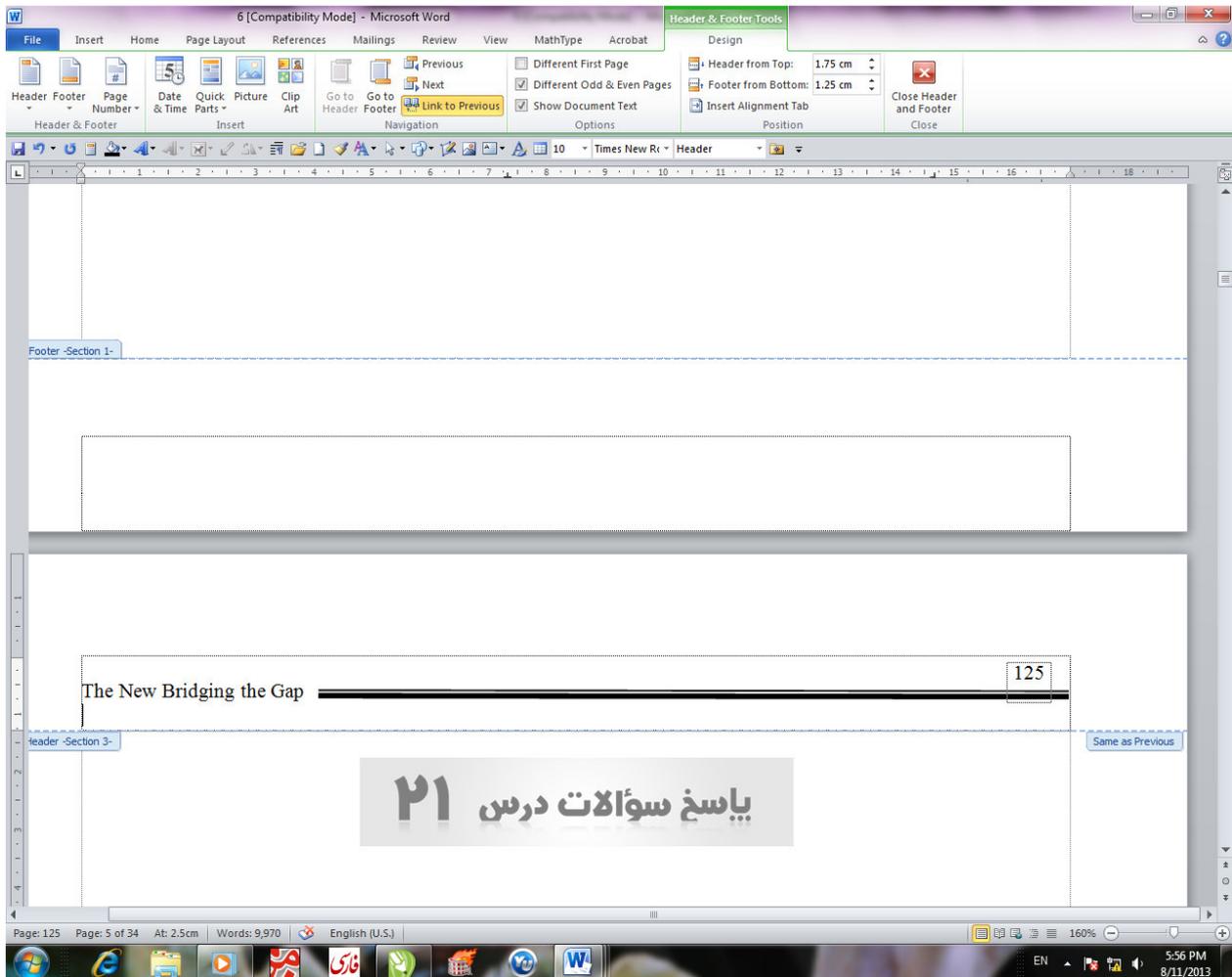
We've had two victories and three defeats.

ما دو پیروزی و سه شکست داشته‌ایم.

۳ - خراش

۲ - تلاش

۱ - حمله



۵- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** انسان اولی‌ه برای حفاظت از خود به طبیعت وابسته بود زیرا یاد نگرفته بود که پناهگاه بسازد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - گله ۳ - قسمت، بخش ۴ - توانایی

۶- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** دولت تصمیم دارد که راه‌آهن را به شمال کشور گسترش دهد.

* فعل extend یعنی «تمدید کردن، گسترش دادن، دراز کردن، امتداد داشتن»:

I extended my visa for 6 months.

من ویزایم را ۶ ماه تمدید کردم.

The garden extends all the way to the river.

این باغ تا رودخانه امتداد دارد.

هم خانواده‌های این فعل عبارتند از اسم extension (تمدید، امتداد، گسترش) و صفت extensive (وسیع، گسترده):

The school has extensive playing fields.

مدرسه زمین‌های بازی وسیعی دارد.

an extension to their visa

تمدید مدت ویزایشان

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - موازی یا مقارن بودن ۲ - توصیه کردن ۳ - منظم کردن

۷- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** این روزها پلیس به خاطر ناتوانی در پیدا کردن کسی که چندین حمله‌ی وحشیانه به افراد پیر بی‌دفاع انجام داده است به

شدت مورد انتقاد است (اسم defense یعنی «دفاع» و defenseless یعنی «بی‌دفاع»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - خصوصی ۳ - واقعی ۴ - منفی

۸- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** سازمان‌های بین‌المللی پول زیادی خرج کرده‌اند تا بتوانند قبایل وحشی وجود در جنگل‌های آفریقای مرکزی را متمدن

کنند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جزیره ۲ - مرحله ۳ - چهارپا، حیوان وحشی

پاسخ بختن Cloze

معنی:

ما معمولاً در کتاب‌های تاریخ راجع به سربازان و ژنرال‌های بزرگ مطالعه می‌کنیم. از طرف دیگر (در کتاب‌های تاریخ) به افرادی که حقیقتاً به پیشرفت تمدن‌ها کمک کرده‌اند به ندرت اشاره شده است. مردم با قرار دادن مجسمه‌های این جنگجویان در شهرهای بزرگ در سراسر جهان برای آن‌ها احترام قایل می‌شوند. بسیاری از مردم فکر می‌کنند موفق‌ترین کشورها آنهایی هستند که به کشورهای دیگر غلبه کرده‌اند و بر آن‌ها سلطه یافته‌اند. اما مردم باید بفهمند که جنگ مستلزم کشتن انسان‌های بی‌گناه است پس مردم باید از جنگ و کشتار دست بردارند. همه ما به عنوان افراد مجزا، یاد گرفته‌ایم که طوری رفتار کنیم که باعث ناراحتی دیگران نشویم. علیرغم این موضوع، کشورها یاد نگرفته‌اند که این‌گونه رفتار کنند و هنوز هم مانند حیوانات وحشی رفتار می‌کنند. ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که انسان در آینده متمدن شود و هرچه سریعتر به رفتارهای وحشیانه‌ی خود خاتمه دهد.

پاسخ‌ها:

- | | | | |
|-----------------|------------------|------------------|-----------------|
| ۱ - گزینه‌ی (۲) | ۲ - گزینه‌ی (۴) | ۳ - گزینه‌ی (۱) | ۴ - گزینه‌ی (۲) |
| ۵ - گزینه‌ی (۱) | ۶ - گزینه‌ی (۲) | ۷ - گزینه‌ی (۳) | ۸ - گزینه‌ی (۲) |
| ۹ - گزینه‌ی (۳) | ۱۰ - گزینه‌ی (۴) | ۱۱ - گزینه‌ی (۲) | |

English Lesson 23

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Gary's Adventure

Gary Smith yesterday celebrated his 18th birthday, and he is so happy to be alive. In March this year, he was climbing Ben Nevis, Britain's highest mountain, when he lost his way and spent three days in freezing air.

"My friends laughed at me for having so much equipment, but it saved my life." On the first night the weather was so bad that he moved into a nearby house for the night. He left the house at 10:00 the next morning, but he was soon in trouble. "I fell off a rock and hurt my knees. I couldn't move."

Mountain rescue teams went out to look for Gary, and found him at 1:00 in the morning. A helicopter took him to hospital, where he had several operations. "Next time I'll go with my friends not on my own," he said.

B Comprehension Check

1. Gary Smith believes his survival is because of his

- 1) happiness 2) equipment 3) fitness 4) bravery

2. Which sentence is not true according to the passage?

- 1) Gary was happy because he survived in freezing air. 2) He couldn't move due to knee injury.
3) Several operations were done on him. 4) He was lost because he didn't have enough equipment.

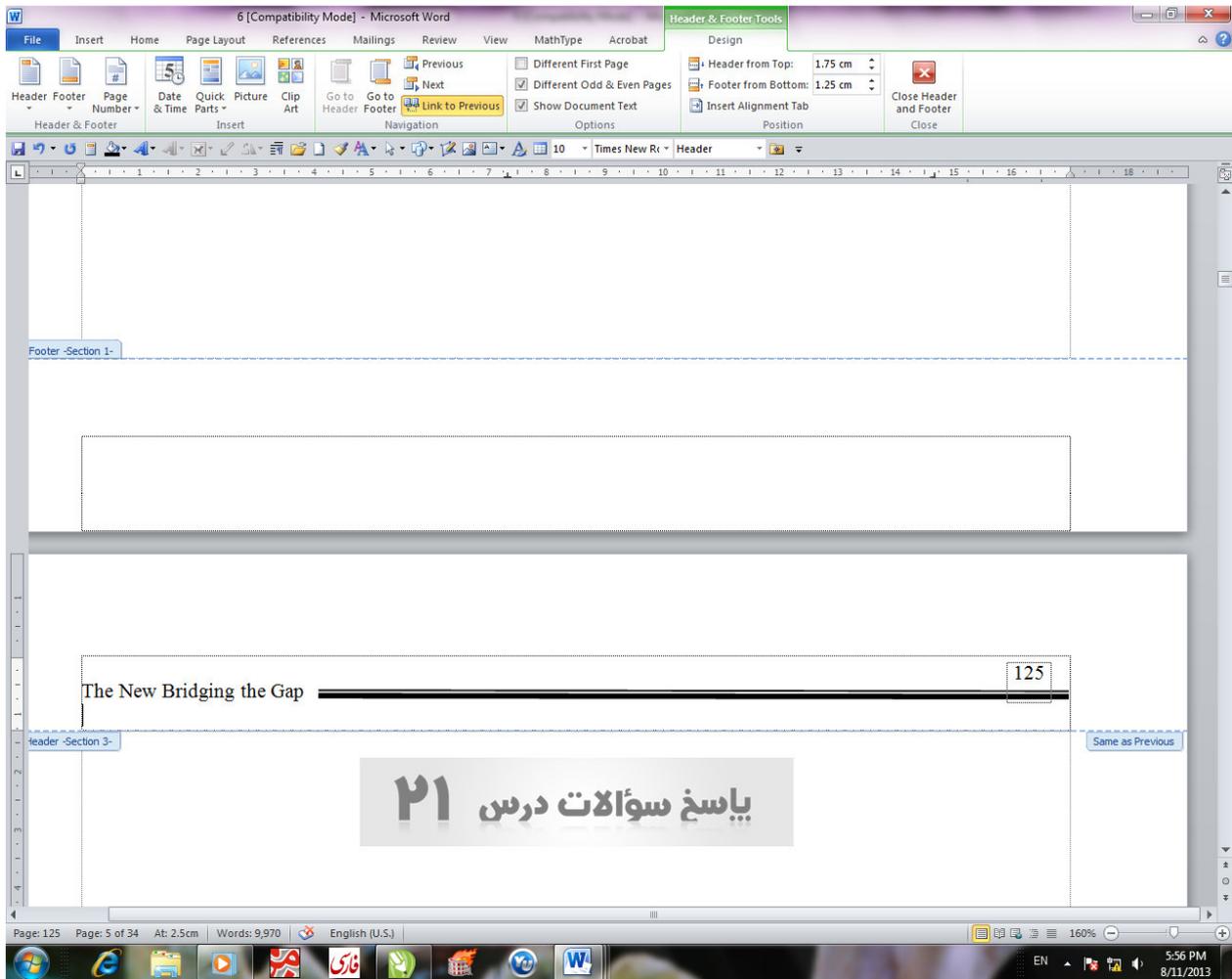
3. The word "rescue" in line 6 is closest in meaning to

- 1) save 2) equipment 3) injury 4) adventure

Part II

Vocabulary Test

1. Hoping for excitement and , all the group were in agreement with me to try mountain climbing.
1) adventure 2) equipment 3) operation 4) resistance
2. In the old days, all the farming was made and repaired in the village.
1) furniture 2) support 3) exposure 4) equipment
3. All the children got at seeing how skillfully the old craftsman worked.
1) fascinated 2) disappointed 3) exhausted 4) dissatisfied
4. It was only a mild heart attack, but enough to give him a
1) decay 2) failure 3) scare 4) defeat
5. Everything was excellent in the hotel. The only annoying thing was the servant.
1) rude 2) keen 3) slight 4) firm
6. The company pays the to return the empty cans, which are then melted down and reused.
1) customers 2) wages 3) characters 4) supplies
7. When he was last operated on, the doctors tried to remove all the cancer cells.
1) desirable 2) negative 3) invasive 4) critical
8. They invited me for dinner in a Chinese restaurant but I wasn't to join them.
1) keen 2) afraid 3) rude 4) gentle
9. I didn't know anybody at the party, but the host came to my by introducing me to a few people.
1) stage 2) desire 3) fault 4) rescue



word study بررسی واژگان درس ۲۳

alive	زنده	freezing	(سرمای) منجمد کننده
* adventure	ماجرا	* invasive	تهاجمی، مهاجم
* advertise	آگهی دادن، تبلیغ کردن	* keen	(اسم) سوگواری، شبن، (صفت) مشتاق
* celebrate	جشن گرفتن	* operation	عمل، عمل جراحی
* customer	مشتری	* rescue	نجات
* equipment	تجهیزات	* rude	بی ادب، گستاخ
fall off	از جایی افتادن	scare	ترساندن، ترس
* fairly	نسبتاً	* undesirable	نامطلوب، ناخواسته
* fascinating	جذاب		

پاسخ سوالات درس ۲۳

A معنی متن:

ماجراجویی گری

دیروز گری تولد ۱۸ سالگی اش را جشن گرفت، در حالی که از زنده بودنش بسیار خوشحال است. در ماه مارس امسال، وقتی داشت از بن نریس که مرتفع‌ترین کوه در انگلستان است، بالا می‌رفت، راهش را گم کرد و سه روز را در سرمای منجمد کننده به سر برد. او گفت: «دوستانم به خاطر داشتن این همه تجهیزات به من می‌خندیدند، ولی همین تجهیزات بود که جانم را نجات داد.» در شب اول هوا آن قدر بد بود که شب را در خانه‌ای در همان نزدیکی به سر برد. او آنجا را در ساعت ۱۰ صبح ترک کرد، اما خیلی زود دچار مشکل شد: «از یک صخره پایین افتادم و زانوهایم صدمه دید. نمی‌توانستم حرکت کنم.» تیم‌های نجات کوهستان به جستجوی گری پرداختند و او را در ساعت ۱ بامداد پیدا کردند. یک هلی‌کوپتر او را به بیمارستان انتقال داد که در آنجا چندین عمل جراحی بر روی او انجام شد. او گفت: «دفعه‌ی آینده با دوستانم خواهیم رفت نه به تنهایی.»

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۲)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: با امید به (تجربه‌ی) هیجان و ماجراجویی همه‌ی گروه با هم موافق بودند که کوهنوردی را امتحان کنیم.

* adventure یعنی «ماجرا، ماجراجویی». صفت adventurous هم به معنی «ماجراجو، پرماجرا» است:

an adventurous vacation

سفری ماجراجویانه

۴ - مقاومت

۳ - عمل

۲ - تجهیزات

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در زمان قدیم تمام تجهیزات کشاورزی در خود روستا ساخته و تعمیر می‌شد.

* اسم غیرقابل شمارش equipment یعنی «تجهیزات، وسایل»:

office / sport equipment

تجهیزات و وسایل اداری / ورزشی

این اسم از فعل equip به معنی «مجهز کردن، آماده کردن» مشتق شده است:

Our school will be equipped with new computers.

مدرسه‌ی ما به کامپیوترهای جدید مجهز خواهد شد.

۳ - در معرض چیزی بودن

۲ - پشتیبانی

۱ - مبلمان، اثاث منزل

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: تمام بچه‌ها از دیدن این که آن صنعتگر پیر چه ماهرانه کار می‌کند مجذوب شده بودند.

* فعل fascinate یعنی «مجذوب کردن»؛ این فعل دارای دو صفت fascinating (جذاب، بسیار جالب) و fascinated (مجذوب) می‌باشد:

a fascinating movie

یک فیلم جذاب

۴ - ناراضی

۳ - بسیار خسته

۲ - مابوس

۴- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: آن فقط یک حمله‌ی ضعیف قلبی بود. اما همین کافی بود که او را **بترساند**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خرابی، پوسیدگی ۲- شکست ۳- شکست ۴- شکست

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: همه چیز در هتل عالی بود. تنها چیز ناراحت کننده پیشخدمت بی‌ادب آن بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مشتاق ۳- جزئی، ضعیف ۴- محکم، قاطع

۶- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: شرکت به مشتریان برای بازگردان قوطی‌های خالی پول پرداخت می‌کند و این قوطی‌ها سپس ذوب می‌شوند و مورد استفاده‌ی مجدد قرار می‌گیرند.

* به مشتری و خریدار یک فروشگاه یا شرکت customer می‌گویند. توجه داشته باشید که به مشتری و دریافت کننده‌ی خدمات از یک فرد حرفه‌ای مثل یک وکیل یا حسابدار client می‌گویند نه customer.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- دستمزد ۳- شخصیت ۴- موجودی، تدارکات

۷- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: در آخرین عملی که بر روی او انجام شد، دکترها سعی کردند تمام سلول‌های مهاجم سرطانی را خارج کنند.

* صفت invasive به معنی «مهاجم، متجاوز، تهاجمی» که از فعل invade (تهاجم کردن، هجوم بودن، حمله کردن) مشتق شده است. اسم این فعل، کلمه‌های invasion (تهاجم) و invader (مهاجم) می‌باشند:

Iraqi soldiers invaded our country. سربازان عراقی به کشور ما حمله کردند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مطلوب ۲- منفی ۴- شدید، بحرانی

۸- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: آن‌ها مرا به شام در یک رستوران چینی دعوت کردند اما من مشتاق نبودم به آن‌ها ملحق شوم.

* صفت keen که معمولاً با حرف اضافه‌ی on می‌آید به معنی «علاقه‌مند، مشتاق» و مترادف با interested، willing و eager است:

He's keen on playing tennis. او به تنیس بازی کردن خیلی علاقه‌مند است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- ترسو، متأسف ۳- بی‌ادب ۴- موقر، ملایم

۹- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: من هیچکس را در مهمانی نمی‌شناختم ولی میزبان با معرفی کردن من به چند نفر به نجات من آمد (کمکم کرد).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مرحله ۲- میل، خواسته ۳- اشتباه، تقصیر

English Lesson 24

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Work Laws

People in factories often work under difficult conditions or have to do jobs that put a severe strain on them. It has, therefore, been found necessary to have laws making sure that they do not come to any harm because of their work.

The early laws of the 19th century were made at a time when children still worked in factories, and they limited the number of hours that children were allowed to work. The man who did most to bring in these laws was the 7th Earl of Shaftsbury who was shocked by the conditions in which women and children had to work in factories.

Today the laws cover safety, health and welfare, as well as working hours. As Britain was the country where the system first grew up of producing goods in factories instead of in craftsmen's cottages, it was Britain that first brought in factory laws. Factories are clean and properly heated and lighted. They must protect their workers by fencing dangerous machinery. Places for washing and first aid must be provided and hours must be reasonable.

B Comprehension Check

1. The word "severe" in the first line is closest in meaning to

- 1) satisfying 2) serious 3) limited 4) reasonable

2. The 7th Earl of shaftsbury

- 1) put a severe strain on workers 2) forced children and women to work harder
3) was shocked by early work laws 4) helped a lot to improve working conditions

3. Which sentence is not true?

- 1) The first work laws were made for children.
- 2) Workers' safety and welfare is included in recent laws.
- 3) Britain was the first country that brought in work laws.
- 4) Today, the number of work hours for children is limited.

Part II**Vocabulary Test****1. Up to now, we've received a number of complaints from your staff; they believe you don't care about their at all.**

- 1) employees
- 2) equipment
- 3) supplies
- 4) welfare

2. Not having reached any agreements, the two neighboring countries are now beginning to themselves for war.

- 1) hunt
- 2) arm
- 3) resist
- 4) battle

3. When a government or an organization a new law or system, they introduce it.

- 1) brings in
- 2) brings up
- 3) brings about
- 4) brings back

4. Strong walls protected us and helped our soldiers to our city for many days.

- 1) attack
- 2) defend
- 3) challenge
- 4) defeat

5. After two hours at the police station, the man admitted that he was guilty.

- 1) eventually
- 2) gratefully
- 3) severely
- 4) efficiently

6. The worries that he faced each day in his job caused him great

- 1) income
- 2) position
- 3) support
- 4) strain

7. His chest pain was so that he was forced to call his doctor in the middle of the night.

- 1) severe
- 2) negative
- 3) sufficient
- 4) effective

8. Jack went wrong while calculating the Now he must do it all again.

- 1) features
- 2) decisions
- 3) expenses
- 4) interactions

9. I took me two days to put up a new in the back garden after it fell down in the high winds last week.

- 1) shelter
- 2) foundation
- 3) fence
- 4) solution

10. These new measures are designed so as to improve and guarantee our children's in schools.

- 1) possibility
- 2) quality
- 3) variety
- 4) safety

word study

بررسی واژگان درس ۲۴

* arm(v)	مسلح کردن	fence	حصار کشیدن، حصار، حفاظ، نرده
armor	زره، سپر	glove	دستکش
bring in	(لایحه‌ای را) تقدیم مجلس کردن	law	قانون
* care for	دولت داشتن، مراقبت کردن از	machinery	ماشین آلات
coming(adj)	آینده، بعد	safety	امنیت
* defend	دفاع کردن	* severe	شدید
* device	وسیله	* shelter	پناهگاه، سرپناه
earl	لقبی اشرافی (معادل با کنت)	* strain	فشار روحی
* eventually	سرانجام، در نهایت	uniform	یونیفرم، لباس فرم
* expense	هزینه	* welfare	رفاه، آسایش

پاسخ سوالات درس ۲۴

معنی متن:

A

قوانین مربوط به کار

افرادی که در کارخانه‌ها مشغول به کارند اکثراً تحت شرایط دشوار کار می‌کنند یا مجبورند کارهایی را انجام دهند که فشار بسیار زیادی به آن‌ها وارد می‌آورد. بنابراین لازم دیده شده است که برای اطمینان از این که صدمه‌ای در محیط کار به آن‌ها وارد نمی‌شود قوانینی وضع شوند. قوانین اولیه در این مورد در قرن نوزدهم و در زمانی که کودکان همچنان در کارخانه‌ها کار می‌کردند وضع شد و آن‌ها تعداد ساعات کاری مجاز برای کودکان را محدود کردند. شخصی که بیش‌ترین نقش را برای به مجلس بردن این قوانین داشت، کنت هفتم شفتس‌بوری بود که از وضعیتی که زنان و کودکان در آن کارخانه کار می‌کردند، شوکه شده بود. قوانین امروزی علاوه بر ساعات کاری، امنیت، سلامت و رفاه کارگران را هم تحت پوشش قرار می‌دهند. از آن‌جا که بریتانیا اولین کشوری بود که در آن تغییر سیستم تولید اجناس از کلبه‌های صنعتگران به کارخانه‌ها متداول شد، بریتانیا اولین کشوری بود که در آن قوانین مربوط به کارخانه‌ها وضع شد. (امروزه) کارخانه‌ها تمیزند و از گرما و نور مناسبی برخوردارند. آن‌ها موظف هستند که با حفاظ‌گذاری به دور ماشین‌آلات خطرناک از کارگران خود محافظت کنند. مکان‌هایی برای شستشو و کمک‌های اولیه باید فراهم شود و میزان ساعات کاری نیز باید منطقی باشند.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۲)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** ما تا به حال تعدادی شکایت از طرف کارکنان شما دریافت کرده‌ایم. آن‌ها اعتقاد دارند که شما به **آسایش** آن‌ها اصلاً اهمیت نمی‌دهید.

۳ - ذخیره، موجودی

۲ - تجهیزات

۱ - کارمند

۲- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** دو کشور همسایه بعد از این که به هیچ توافقی نرسیدند در حال حاضر خود را برای جنگ **مسلح آماده می‌کنند.**

* فعل arm یعنی «مسلح کردن، به سلاح مجهز کردن»؛ صفت armed (مسلح) و armor (زره، سپر) از این خانواده‌اند.

یک سرقت مسلحانه

۴ - جنگ کردن

۳ - مقاومت کردن

۱ - شکار کردن

۳- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** وقتی یک دولت قانونی جدید را **تقدیم مجلس می‌کند** یا سازمانی سیستمی جدید را **ارائه می‌دهد**، یعنی این که آن‌ها را (به مجلس یا عموم) معرفی می‌کنند.

* فعل bring in یعنی «قانونی را تقدیم مجلس کردن، ارائه کردن»:

The government has brought in a new law on seat belts in cars.

دولت قانونی جدید در مورد کمربند ایمنی ماشین‌ها را تقدیم مجلس کرده است.

۴ - پس دادن

۳ - باعث شدن

۲ - بزرگ کردن بچه

۴- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** دیوارهای مستحکم از ما محافظت کردند و به سربازانمان کمک کردند تا روزها از شهرمان دفاع کنند.

* فعل defend یعنی «دفاع کردن، حمایت کردن». هم خانواده‌های مهم آن عبارتند از: اسم defendant (موکل، متهم)، اسم defender (مدافع، در یک تیم ورزشی)، اسم defense (دفاع) و صفت‌های defensive (تدافعی) و defenseless (بی‌دفاع):

حمله‌ای به یک کودک بی‌دفاع
وضعیتی تدافعی

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - حمله کردن ۳ - به مبارزه طلبیدن ۴ - شکست دادن

۵- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** آن مرد پس از دو ساعت در پاسگاه پلیس **سرانجام** پذیرفت که گناهکار بوده است.

* eventually با at last, finally و in the end مترادف است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - با امتنان و سپاس ۳ - به شدت ۴ - به طور خوب و کارآمد

۶- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** نگرانی‌هایی که هر روز در کار خود با آن‌ها مواجه بود **فشار روحی** زیادی به او وارد می‌کرد.

* اسم strain علاوه بر این که در معنی «فشار روحی و استرس» به کار می‌رود به معنی «کشیدن بیش از حد، کشیدگی و آسیب به جایی از بدن در اثر استفاده زیاد یا ناگهانی» هم می‌باشد:

طناب بالاخره در اثر کشیدن زیاد پاره شد.
با گرم کردن خود از کشیدگی و آسیب عضلات جلوگیری کن.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - درآمد ۲ - وضعیت، وضعیت شغلی ۳ - پشتیبانی

۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** درد سینه‌ی او آن قدر **شدید** بود که مجبور شد نیمه‌شب به دکتر خود زنگ بزند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - منفی ۳ - کافی ۴ - موثر، سودمند

۸- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** جک هنگام محاسبه‌ی **هزینه‌ها** دچار اشتباه شد. حالا باید همه‌ی آن‌ها را دوباره انجام بدهد.

* اسم expense با اسم cost مترادف است:

ما هزینه‌ی سفر شما را پرداخت خواهیم کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ویژگی ۲ - تصمیم ۴ - تداخل، تعامل

۹- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** دو روز طول کشید تا **حصار** باغ پشت‌خانه را که در بادهای شدید هفته‌ی پیش فرو ریخته بود دوباره برپا کنیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پناهگاه ۲ - پایه، اساس ۴ - راه‌حل

۱۰- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** این اقدامات جدید به این دلیل طراحی شده‌اند که **امنیت** بچه‌هایمان را در مدارس بهبود بخشند و آن‌را تضمین نمایند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - احتمال ۲ - کیفیت ۳ - تنوع، گوناگونی

English Lesson 25

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Newspapers

The first job of a newspaper is to give some news, and in national newspapers this has to be collected from all over the world. Social and provincial newspapers, of course, are mainly concerned with news of local interest.

To collect and organize the news, the editor of a national newspaper has under his supervision a news editor who is concerned with all the news happening in the country, a foreign editor whose business is news in the rest of the world, and a sports editor.

Work begins for the news editor when he opens his diary, looks at the program of events for that day, and decides where to send his reporters. Many reporters are experts in their particular jobs. If a particularly important and exciting event has to be covered, the news editor will send out a descriptive reporter who can write in an expressive and lively way.

B Comprehension Check

1. The editor of a newspaper

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| 1) supervises some editors | 2) gathers local news |
| 3) supervises national events | 4) reports exciting events |

2. The provincial newspaper has

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| 1) news from the rest of the world | 2) news of the local interest |
| 3) special sports edition | 4) an special edition |

3. For the editor, work begins every day.

- | | |
|-------------------------------------|--|
| 1) sending out reporters | 2) sending out descriptive reporters |
| 3) deciding where to send reporters | 4) deciding to write expressive and lively news. |

Part II

Vocabulary Test

1. Every year the photography club at the state park to photograph birds that migrate south for the winter.

- | | | | |
|------------|------------|---------------|---------------|
| 1) locates | 2) gathers | 3) broadcasts | 4) fascinates |
|------------|------------|---------------|---------------|

2. The public high school near your house is attended almost completely by children.

- | | | | |
|------------|----------|-----------|----------|
| 1) primary | 2) total | 3) severe | 4) local |
|------------|----------|-----------|----------|

3. Having spent many years of his life in Africa, he has a very wide knowledge of their political

- | | | | |
|------------|-------------|--------------|-----------|
| 1) affairs | 2) expenses | 3) solutions | 4) stages |
|------------|-------------|--------------|-----------|

4. What he was saying was not enough to give a good picture of the event.

- | | | | |
|-------------|--------------|---------------|---------------|
| 1) positive | 2) sensitive | 3) expressive | 4) repetitive |
|-------------|--------------|---------------|---------------|

5. The is now in the newspaper room trying to find a particular article about the new system of education.

- | | | | |
|-----------|-------------|--------------|-----------|
| 1) volume | 2) magazine | 3) broadcast | 4) editor |
|-----------|-------------|--------------|-----------|

6. A: My wife and I are relatives. Do you think our baby will have any genetic problem?

B: I don't know. You should get the advice of a(n)

- | | | | |
|-----------|-----------|-------------|--------------|
| 1) safety | 2) expert | 3) medicine | 4) character |
|-----------|-----------|-------------|--------------|

7. We couldn't get a ticket but we watched a live of the concert on giant video screens outside the stadium.

- | | | | |
|--------------|----------------|--------------|------------|
| 1) broadcast | 2) description | 3) adventure | 4) edition |
|--------------|----------------|--------------|------------|

8. You should display new books in a position at the front of the shop where they can be easily seen.

- | | | | |
|-------------|----------------|----------------|--------------|
| 1) cultural | 2) fashionable | 3) descriptive | 4) prominent |
|-------------|----------------|----------------|--------------|

9. The source of fresh water in the region is this small lake.

- | | | | |
|------------|------------|-----------|-------------|
| 1) primary | 2) extreme | 3) formal | 4) intimate |
|------------|------------|-----------|-------------|

10. How a person perceives or experiences the world around him is a matter many psychologists are trying to

- | | | | |
|------------|--------------|-------------|------------|
| 1) suggest | 2) determine | 3) consider | 4) combine |
|------------|--------------|-------------|------------|

11. Students are not allowed to carry out any chemical experiment without their teacher's

- | | | | |
|----------------|--------------|--------------|----------------|
| 1) supervision | 2) equipment | 3) exception | 4) appointment |
|----------------|--------------|--------------|----------------|

12. Both sides expressed hopes that the and educational exchanges between their countries will increase in the near future.

- 1) satisfied 2) gradual 3) expressive 4) cultural

13. Normally my brother wore formal clothes, but this evening was clearly a(n)

- 1) condition 2) expression 3) description 4) exception

14. The President repeatedly the need for calm in TV and radio broadcasts during the disturbance.

- 1) attracted 2) concerned 3) affected 4) stressed

15. If you look at many of the problems in society, you'll find that they're due to poverty.

- 1) closely 2) directly 3) mostly 4) probably

16. As it was expected, the increase in gas price made a great on the economy and people's lifestyle.

- 1) peak 2) offense 3) stock 4) impact

Part III

Cloze Test

News give us information to help us understand the world around us. Generally, newspapers and(1)..... stations stress what affect us – news of government, cultural(2)....., business activities, etc. We are also(3)..... in learning about usual events and daily activities of(4)..... known people.

The news(5)..... of an event can be judged by its(6)..... on people, its unusual nature, and the(7)..... of the people involved. The first(8)..... a writer takes before writing a news story is to(9)..... its focus or main point.

- | | | | |
|-----------------|-----------------|---------------|----------------|
| 1. 1) treatment | 2) broadcast | 3) research | 4) employment |
| 2. 1) centuries | 2) abilities | 3) customers | 4) affairs |
| 3. 1) advanced | 2) surprised | 3) distressed | 4) interested |
| 4. 1) widely | 2) sharply | 3) firmly | 4) partly |
| 5. 1) cost | 2) fact | 3) value | 4) wage |
| 6. 1) mood | 2) impact | 3) aspect | 4) field |
| 7. 1) district | 2) civilization | 3) prominence | 4) description |
| 8. 1) step | 2) impact | 3) result | 4) edition |
| 9. 1) collocate | 2) determine | 3) mention | 4) reinforce |

word study

بررسی واژگان درس ۲۵

* affairs	امور، مسائل	* gather	دوره‌م جمع شدن، جمع آوری کردن
* attraction	جذابیت	* impact	تأثیر
* broadcast	(برنامه) پخش کردن	lively	زنده، واقعی
closely	با دقت	* local	محلی
concerned with	در مورد، مربوط به	* nature	طبیعت، ذات
* cultural	فرهنگی	* primary	اولیه، ابتدایی، اصلی
descriptive	توصیفی	prominence	اهمیت، برجستگی
* determine	تعیین کردن، مشخص کردن	provincial	استانی، ایالتی
diary	دفتر یادداشت روزانه	rest	(در این درس) بقیه
* district	ناحیه	* specific	خاص، مخصوص
* edition	(روزنامه) شماره، چاپ	step	گام، قدم
editor	سردبیر، ویراستار	stress(v)	تأکید کردن
exception	استثناء	* supervision	نظارت، سرپرستی
* expert	متخصص، کارشناس	total	کلی
* expressive	گویا، معنی دار	widely	به طور گسترده، زیاد

پاسخ سوالات درس ۲۵

A معنی متن:

روزنامه‌ها

اولین وظیفه‌ی یک روزنامه ارائه اخبار است و در یک روزنامه‌ی ملی این اخبار باید از سرتاسر جهان جمع‌آوری شود. البته روزنامه‌های اجتماعی یا استانی بیش‌تر با علایق و موضوعات محلی سر و کار دارند.

برای جمع‌آوری و سازماندهی اخبار، سردبیر یک روزنامه‌ی ملی یک سردبیر خبری که با کلیه‌ی اتفاقات داخلی کشور سر و کار دارد و یک سردبیر (اخبار) خارجی که با اخبار بقیه جهان سر و کار دارد و هم‌چنین یک سردبیر ورزشی را تحت نظر و سرپرستی خود دارد.

روز کاری یک سردبیر خبری وقتی شروع می‌شود که او دفتر یادداشت روزانه‌ی خود را باز می‌کند، به برنامه وقایع آن روز نگاه می‌کند و تصمیم می‌گیرد که گزارشگرانش را کجا بفرستد. بسیاری از گزارشگران در کاری خاص کارشناس و متخصص هستند. اگر یک واقعه‌ی مهم و هیجان‌انگیز باید پوشش داده شود، سردبیر خبری یک گزارشگر توصیفی را که می‌تواند به روشی گویا و واقعی گزارش بنویسد به آن‌جا می‌فرستد.

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۱)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: هر سال (اعضای) باشگاه عکاسی در پارک دولتی دور هم جمع می‌شوند تا از پرندگانی که برای گذراندن زمستان به جنوب مهاجرت می‌کنند عکس بگیرند.

* فعل gather هم به معنی «جمع‌آوری کردن» است و هم «دور هم جمع شدن»:

In the summer they gather the fruit.

آن‌ها در تابستان میوه‌ها را جمع‌آوری می‌کنند.

۴ - مجذوب کردن

۳ - پخش کردن (یک برنامه)

۱ - تعیین کردن محل چیزی

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: دبیرستان دولتی موجود در نزدیکی خانه‌ی شما تقریباً به طور کامل توسط بچه‌های محلی (همین محل) مورد استفاده قرار می‌گیرد (فعل attend یعنی «حاضر شدن در جایی، رفتن به جایی»).

* صفت local یعنی «محلی، موضعی، مربوط به جایی خاص»:

local newspapers

روزنامه‌های محلی

۳ - شدید

۲ - کلی

۱ - ابتدایی، اصلی

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: چون او سال‌های زیادی از عمرش را در آفریقا به سر برده است اطلاعات گسترده‌ای در مورد مسائل سیاسی مربوط به آفریقا دارد.

* کلمه‌ی affair (بویژه در حالت جمع) به معنی «امور، مسائل» است:

political / cultural / personal affairs

امور سیاسی / فرهنگی / شخصی

بد نیست در همین‌جا با دو فعل meddle و interfere (هر دو به معنی «دخالیت کردن، فضولی کردن» که به کرات با affairs همراه می‌شوند، آشنا شوید:

والدینم همیشه در امور و مسائل شخصی من دخالت می‌کنند. My parents always interfere/meddle in my personal affairs.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - هزینہ ۳ - راه‌حل ۴ - مرحله

۴- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: آن چه او داشت می‌گفت به اندازه‌ی کافی گویا نبود که بشود تصویری (ذهنی) خوب از آن واقعه به دست آورد.

* صفت expressive یعنی «واضح، گویا، رساننده‌ی یک مقصود یا احساس، پرمعنی، پراحساس»:

He gave us an expressive description of his childhood experiences.

او تجارب دوران کودکی‌اش را به طرز واضح و گویا برایمان تشریح کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مثبت ۲ - حساس ۴ - تکراری

۵- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: سردبیر الان در اتاق روزنامه است و در تلاش است که یک مقاله‌ی ویژه در مورد سیستم جدید آموزشی بیاید.

* editor هم به معنی «سردبیر» است و هم «ویراستار، ویرایشگر». هم‌خانواده‌ی این کلمه عبارتند از فعل edit (ویرایش کردن، چاپ کردن)، اسم editorial

(سر مقاله) و edition به معنی «چاپ (یک کتاب، مجله، روزنامه)».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - چاپ یا شماره‌ی یک کتاب یا مجله ۲ - مجله ۳ - پخش (برنامه)

۶- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: نفر اول: من و همسر فامیل هستیم. آیا فکر می‌کنی که فرزندان دچار مشکل ژنتیکی خواهد شد؟

نفر دوم: نمی‌دانم. تو باید از یک کارشناس توصیه‌ی لازم را دریافت کنی.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - امنیت ۳ - دارو ۴ - شخصیت

۷- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ما نتوانستیم بلیت تهیه کنیم ولی پخش زنده‌ی کنسرت را روی تلویزیون‌های بسیار بزرگ بیرون استادیوم مشاهده کردیم.

* broadcast یعنی «پخش کردن یک برنامه از تلویزیون، رادیو و ...»:

The local radio station broadcasts 24 hours a day.

ایستگاه رادیویی محلی ۲۴ ساعته برنامه پخش می‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - توصیف، تشریح ۳ - ماجرا ۴ - چاپ

۸- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: شما باید کتاب‌های جدید را در محلی معلوم (قابل رویت) در جلوی مغازه به نمایش بگذارید تا به آسانی دیده شوند.

* صفت prominent هم به معنی «معلوم، واضح، قابل رویت، برجسته» است و هم به معنی «ممتاز، عالی، برجسته». اسم prominence (اهمیت، برجستگی)

با این صفت هم‌خانواده است:

He has a prominent nose.

او دماغی برجسته (بزرگ) دارد.

a prominent politician

یک سیاستمدار برجسته و ممتاز

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - فرهنگی ۲ - مد، مرسوم ۳ - توصیفی

۹- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: منبع اصلی آب شیرین در منطقه این دریاچه‌ی کوچک است.

* صفت primary هم به معنی «اولیه، ابتدایی» است و هم «عمده، اصلی». قید primarily هم به معنی «عمدتاً، بیش‌تر» و مترادف با mainly می‌باشد:

The body is made up primarily of bone, muscle, and fat.

بدن انسان عمدتاً از استخوان، عضله و چربی تشکیل شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - نهایی، بسیار شدید، افراطی ۳ - رسمی ۴ - صمیمی

۱۰- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: این که چگونه یک شخص دنیای اطراف خود را درک می‌کند موضوعی است که روان‌شناسان بسیاری در تلاشند تا آن را

مشخص کنند.

* فعل determine یعنی «تعیین کردن، مشخص کردن، معلوم کردن»:

The result of tests will determine what treatment you will need.

نتایج آزمایش‌ها مشخص خواهند کرد که به چه درمانی نیاز دارید.

دو هم‌خانواده‌ی مهم این فعل عبارتند از: صفت determined به معنی «مصمم، با اراده» و اسم determination به معنی «عزم، اراده»:

All of us are determined to win.

همه‌ی ما مصممیم که برنده شویم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پیشنهاد کردن ۳ - در نظر گرفتن ۴ - ترکیب کردن

۱۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** دانش‌آموزان اجازه ندارند بدون **نظارت** معلمشان هیچ نوع آزمایش شیمیایی انجام دهند.

* supervision به معنی «نظارت، سرپرستی» از فعل supervise (نظارت کردن) مشتق شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - وسایل، تجهیزات ۳ - استثنا ۴ - قرار ملاقات

۱۲- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** هر دو طرف اظهار امیدواری کردند که تبادلات **فرهنگی** و آموزشی بین کشورهاشان در آینده‌ای نزدیک افزایش یابد.

* صفت cultural یعنی «فرهنگی» و اسم culture هم به معنی «فرهنگ» است:

the nation's cultural diversity

تنوع فرهنگی در کشور

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - راضی ۲ - تدریجی ۳ - گویا، پرمعنی

۱۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** برادرم معمولاً لباس‌های رسمی می‌پوشید ولی امشب کاملاً یک **استثناء** بود.

* اسم exception یعنی «استثناء». در ضمن با صفت exceptional (استثنایی، عالی) هم آشنا شوید:

There's an exception to every rule.

برای هر قانونی استثنایی وجود دارد.

children with exceptional abilities

بچه‌هایی با توانایی‌های استثنایی

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - شرایط ۲ - بیان، اصطلاح ۳ - توصیف

۱۴- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** رئیس‌جمهور مکرراً بر لزوم حفظ آرامش در برنامه‌های رادیو و تلویزیون طی دوره‌های آشوب و اغتشاش **تأکید کرد**.

* کلمه‌ی stress در حالت فعلی به معنی «تأکید کردن» و مترادف با emphasize می‌باشد.

They stressed the need for a peaceful solution.

آن‌ها بر لزوم یافتن راه حلی مسالمت‌آمیز تأکید کردند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جذب کردن ۲ - نگران کردن ۳ - تأثیر گذاشتن

۱۵- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** اگر با **دقت** به بسیاری از مشکلات جامعه نگاه کنی خواهی دید که علت نشان فقر است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مستقیماً ۳ - اکثراً ۴ - احتمالاً

۱۶- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** همان‌طور که انتظار می‌رفت افزایش بهای بنزین **تأثیری** بزرگ بر اقتصاد و همچنین نحوه‌ی زندگی مردم گذاشت.

* اسم impact مترادف با effect است:

His speech made a great impact on the audience.

سخنرانی او تأثیر زیادی بر حضار گذاشت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - اوج ۲ - توهین، رنجش ۳ - موجودی

پاسخ بختن Cloze

معنی:

اخبار به ما اطلاعاتی می‌دهند که به ما کمک می‌کند دنیای اطرافمان را بهتر درک کنیم. به طور کلی، روزنامه‌ها و ایستگاه‌های پخش برنامه برای چیزهایی اهمیت قابل می‌شوند که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد مثل اخبار مربوط به دولت، امور فرهنگی، فعالیت‌های اقتصادی و غیره. ما همچنین علاقمندیم که درباره‌ی وقایع عادی و فعالیت‌های روزمره‌ی زندگی افرادی که زیاد مشهور هستند، بدانیم.

ارزش خبری یک واقعه را می‌توان از روی اثری که روی مردم می‌گذارد، ماهیت غیرطبیعی آن، و اهمیت افرادی که در آن دخیل هستند مورد قضاوت قرار داد. اولین قدمی که یک نویسنده قبل از نوشتن یک خبر برمی‌دارد این است که کانون یا همان نکته‌ی اصلی آن را مشخص و معلوم کند.

پاسخ‌ها:

- | | | |
|-----------------|-----------------|-----------------|
| ۱ - گزینه‌ی (۲) | ۲ - گزینه‌ی (۴) | ۳ - گزینه‌ی (۴) |
| ۴ - گزینه‌ی (۱) | ۵ - گزینه‌ی (۳) | ۶ - گزینه‌ی (۲) |
| ۷ - گزینه‌ی (۳) | ۸ - گزینه‌ی (۱) | ۹ - گزینه‌ی (۲) |

1. **Would you please turn down the radio? Because these sounds the ear.**
 - 1) challenge
 - 2) berate
 - 3) distract
 - 4) offend
2. **Although the president knew many people, he had few friends.**
 - 1) general
 - 2) familiar
 - 3) intimate
 - 4) ordinary
3. **The enemy soldiers wanted to attack our borders, but all their were useless.**
 - 1) conditions
 - 2) excuses
 - 3) interactions
 - 4) attempts
4. **I paid back all the money I had borrowed from him because I didn't like to be in**
 - 1) payment
 - 2) cost
 - 3) expense
 - 4) debt
5. **While the telescope has man's vision in space, the microscope has made him aware of small living things.**
 - 1) extended
 - 2) exchanged
 - 3) explored
 - 4) exemplified
6. **A: How can you recognize good students?**
B: They always make an to use the knowledge they get in school.
 - 1) instruction
 - 2) effort
 - 3) experiment
 - 4) adventure
7. **Students find newspaper publishing a business and often ask to develop a classroom newspaper.**
 - 1) developing
 - 2) threatening
 - 3) disappointing
 - 4) fascinating
8. **To maintain the and services we have built up, new energy resources must be found.**
 - 1) civilization
 - 2) determination
 - 3) satisfaction
 - 4) elimination
9. **These worrying climatic changes are mainly by the greenhouse effect.**
 - 1) brought about
 - 2) backed up
 - 3) brought up
 - 4) worked out
10. **How do you manage to have current knowledge of political when you're so busy working?**
 - 1) equipment
 - 2) affairs
 - 3) furniture
 - 4) impacts
11. **All the staff must be aware that we've had lots of complaints from annoyed about our bad services.**
 - 1) customers
 - 2) transfers
 - 3) comments
 - 4) employees
12. **He got fired from the company because he had caused loss and disorganization .**
 - 1) severe
 - 2) limited
 - 3) mutual
 - 4) missing
13. **The manager refuses to consider any possibility of He expects his players to win the match easily.**
 - 1) offense
 - 2) result
 - 3) fault
 - 4) defeat

14. I am a little worried. I fear our may fall down if the storm comes back.

- 1) solution 2) shelter 3) territory 4) culture

15. I have found all the staff extremely helpful and I'd be if you would thank them for me.

- 1) amazed 2) grateful 3) desirable 4) sensitive

16. He made loud offensive noises in the street which a lot of people around him.

- 1) gathered 2) decreased 3) constructed 4) assumed

17. Human beings show symptoms of stress when their personal territory is

- 1) defended 2) instructed 3) developed 4) invaded

18. So well-liked was the speaker that the stadium was filled to capacity when he began his speech.

- 1) prominent 2) invasive 3) frequent 4) talkative

19. The of the three-hour examination almost brought Sue to a state of collapse.

- 1) lack 2) strain 3) skill 4) manner

20. We miss seeing all our old friends now that we've left the

- 1) contact 2) district 3) occasion 4) appointment

پاسفنامہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 26

Part I Reading Comprehension

A Reading

The History of Alphabets

The alphabet we know well is not the only one – there have been many others in the past, and there are many now. The Persian alphabet and the Russian alphabet, for example, are very different from English.

The ancient Egyptians used a mixture of picture writing and idea writing, called hieroglyphic, but among their pictures they included 24 signs which stood for separate letters or words. This was a kind of alphabet, though the Egyptians did not use it very much.

About 3500 years ago, the people who lived near the eastern shore of the Mediterranean had the idea which has led to modern alphabets. They realized that there are only a certain number of different sounds making up all the words in a language and that the same sign can always be used for a sound. For example, the letter n is written exactly the same whenever the n sound comes into a word, as in the words "nut" and "end". These people used a number of signs, which stood for the sounds men made when they spoke.

B Comprehension Check

1. Hieroglyphic writing

- 1) only had 24 signs
- 2) was shown by words and letters
- 3) was only idea writing
- 4) consisted of pictures and signs

2. Which statement is true?

- 1) There is more alphabet now than there has been before.
- 2) Persian and Russian alphabets are alike but are different from English.
- 3) The known alphabet is only one.
- 4) There has been many different kinds of alphabet since the beginning of the history.

13. I hope my explanations would help to this complex mechanism and make it easier for you to understand.

- 1) proceed 2) simplify 3) reinforce 4) represent

14. On the American flag, each star one of its fifty states.

- 1) looks after 2) calls out 3) brings about 4) stands for

15. Eventually, they had to close down that small chemical factory because a great number of local had complained about the unpleasant smell coming from it.

- 1) districts 2) employers 3) customers 4) residents

Part III

Cloze Test

Louis Braille, who had become(1)..... blind as a child, invented a new system of reading and writing for the blind. Before him the books for the blind were(2)..... in big raised letters and thus were difficult to use and in(3)..... it was impossible for the blind to write.

In his system, Braille used six raised dots(4)..... of raised letters. The letters,(5)..... marks and numbers were represented by various(6)..... of these six dots. This method(7)..... reading and writing. Moreover, he invented a(8)..... similar to a typewriter to write.

Many modern inventions like the radio and computer have been(9)..... to the blind; however, Braille's system is still(10)..... . It has helped the blind so that they no longer have to spend their lives in(11)..... as well as darkness.

- | | | | |
|--------------------|-----------------|------------------|-----------------|
| 1. 1) particularly | 2) currently | 3) creatively | 4) accidentally |
| 2. 1) printed | 2) combined | 3) extended | 4) reviewed |
| 3. 1) nevertheless | 2) maddition | 3) moreover | 4) indeed |
| 4. 1) except | 2) indeed | 3) despite | 4) instead |
| 5. 1) punctuation | 2) preposition | 3) pronunciation | 4) presentation |
| 6. 1) recognitions | 2) publications | 3) combinations | 4) exceptions |
| 7. 1) exemplified | 2) simplified | 3) classified | 4) diversified |
| 8. 1) device | 2) sign | 3) effort | 4) mark |
| 9. 1) expressive | 2) determined | 3) ordinary | 4) beneficial |
| 10. 1) advanced | 2) separate | 3) useful | 4) sufficient |
| 11. 1) mixture | 2) welfare | 3) province | 4) ignorance |

۲۶ word study بررسی واژگان درس

acceptable	قابل قبول	mark	علامت، نشانه
accidentally	تصادفی، برحسب اتفاق	moreover	به علاوه
* beneficial	مفید، سودمند	mixture	مخلوط
* capable	قادر، توانا	nevertheless	علیرغم این
* classify	طبقه‌بندی کردن	preposition	حرف اضافه
* combination	ترکیب	pronunciation	تلفظ
* creation	ایجاد، خلق	* publication	انتشار
* discovery	کشف، اکتشاف	punctuation	نقطه‌گذاری
diversify	متنوع کردن	raised	برجسته
dot	نقطه	* recognize	شناختن
* exemplify	مثالی زدن، مثالی بودن برای	* resident	ساکن، مقیم
* ignorance	جهل، نادانی	* revise	تصحیح کردن، بازبینی کردن
indeed	واقعاً، در واقع	selectable	قابل انتخاب
* inquiry	پرسش، پرس و جو، تحقیق	* simplify	ساده‌تر کردن
* lead to	منجر شدن به	* stand for	علامت چیزی بودن
* legible	خوانا، قابل خواندن	* temporary	موقتی
letter	حرف (در الفبا)	typewriter	دستگاه تایپ

پاسخ سوالات درس ۲۶

A معنی متن:

تاریخچه‌ی الفبا

الفبایی که آن را به خوبی می‌شناسیم تنها (الفبا) نیست - تعداد زیادی الفبا در گذشته وجود داشته و اکنون هم تعداد زیادی موجود است. به عنوان مثال، الفبای زبان فارسی و روسی نسبت به الفبای زبان انگلیسی بسیار متفاوتند. مصریان باستان برای نوشتن ترکیبی از کشیدن شکل‌ها یا نوشتار مفهومی به نام هیروگلیف را به کار می‌بردند، اما در بین تصویرهایشان ۲۴ علامت را که نشان‌دهنده‌ی حروف یا کلماتی جداگانه بود، گنجانده بودند. این، یک نوع الفبا به شمار می‌رفت، اگرچه مصری‌ها زیاد از آن استفاده نمی‌کردند. حدود ۳۵۰۰ سال پیش مردمی که در سواحل شرقی دریای مدیترانه زندگی می‌کردند، طرحی داشتند که به پیدایش الفبای امروزی منجر شد. آن‌ها فهمیدند که تنها تعداد مشخصی از اصوات متفاوت تشکیل دهنده‌ی تمام کلمات موجود در یک زبان است و این که یک علامت خاص می‌تواند همیشه برای نشان دادن آن صوت استفاده شود. به عنوان مثال، حرف n در تمام کلمات، مثلاً در کلمات nut یا end دقیقاً به یک صورت نوشته می‌شود. این افراد از تعدادی علامت که هر کدام نشان‌دهنده‌ی یکی از اصواتی بود که مردم حین صحبت به کار می‌بردند، استفاده می‌کردند.

۴ - گزینه‌ی (۲)

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۴)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: فقط یک هفته تا شروع رقابت‌ها باقی‌مانده است اما سرمربی می‌گوید که هنوز ترکیب مناسب بازیکنان تیم را پیدا نکرده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ارائه، سخنرانی ۳ - خلق، آفرینش ۴ - تجدید نظر، مرور

۲- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: جان اغلب قادر به انجام دادن کار خوب در کلاس است، ولی به ندرت تمایل به این کار دارد.

* capable of به معنی «قادر، توانا» که مترادف با able to می‌باشد.

او اگر بیش‌تر تلاش کند قادر به قبول شدن در امتحان خواهد بود. He is capable of passing the test if he tries harder.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - خوانا ۳ - منطقی ۴ - قابل قبول

۳- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: بعد از این که بارندگی شدید برای آخر هفته پیش‌بینی شد، خانواده‌ام در برنامه‌ی خود برای آخر هفته تجدیدنظر کرد.

* فعل revise یعنی «در چیزی تجدید نظر کردن، چیزی را اصلاح و بازنگری کردن، مرور کردن درس‌ها». اسم آن revision است.

تمام هفته مشغول مرور کردن درس‌هایم (برای امتحانات) بوده‌ام. I've been revising all week.

او مشغول بازنگری مطلبی بود که نوشته بود. He was revising what he'd written.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مایوس کردن ۲ - اقدام کردن ۳ - جمع کردن

۴- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: مسلماً یک رژیم غذایی متعادل حاوی مقدار زیادی میوه و سبزیجات است که این مسأله برای بدن مفید است.

* beneficial (to) یعنی «سودمند، مفید». این صفت با اسم و فعل benefit به معنی «سود، سود بردن» هم‌خانواده است:

تأثیری سودمند بر اقتصاد
a beneficial influence on the economy

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - خلاق ۳ - نامطلوب ۴ - قادر

۵- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: این بچه‌ها تازه شروع به یادگیری نوشتن کرده‌اند. نمی‌توانی از آن‌ها انتظار داشته باشی که به صورت **خوش خط و خوانا** بنویسند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - به طور تصادفی ۲ - موقتاً ۳ - شدیداً

۶- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ما برای جذب کردن دانش‌آموزان بیش‌تر باید سعی کنیم به مطالب آموزشی **تنوع ببخشیم**.

* فعل diversify یعنی «تنوع و گوناگونی بخشیدن به چیزی». اسم آن کلمه‌ی diversity (تنوع، گوناگونی) می‌باشد.

گوناگونی و تنوع فرهنگی
cultural diversity

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ناراضی کردن ۳ - نشان دهنده و نماینده‌ی چیزی بودن ۴ - محکوم کردن

۷- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: هنوز مقدار زیادی تکلیف برای انجام دادن دارم، اما الان دوست دارم **موقتاً** از کار دست بکشم.

* temporary یعنی «موقتی». متضاد آن صفت permanent (دائمی) است.

یک تغییر موقتی
temporary change

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - به طور سودمند ۲ - خلاقانه ۴ - به طور تصادفی

۸- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: علیرغم انجام جستجو و **تحقیقات** توسط بانک، هرگز معلوم نشد که چه بر سر پول گم شده یا مفقود شده، آمده است.

* inquiry هم به معنی «پرسش، پرس و جو» است و هم به معنی «یک تحقیق و رسیدگی رسمی»:

تحقیقات درباره‌ی یک سانحه‌ی **هواپیمایی**
an inquiry into a plane crash

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جهل و نادانی ۲ - کشف ۳ - راه‌حل

۹- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: بعد از این که مقاله‌ام ویرایش شد در یک روزنامه‌ی محلی **به چاپ رسید**.

* فعل publish یعنی «چاپ کردن، منتشر کردن». هم‌خانواده‌های مهم آن عبارتند از publication (چاپ، نشر، انتشار) و publisher (ناشر).

آخرین کتاب او به تازگی برای انتشار مورد موافقت قرار گرفته است.
His latest book has just been accepted for publication.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - پخش کردن برنامه ۳ - شناختن ۴ - تولید کردن

۱۰- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: رژیم غذایی او عمدتاً از غذاهای پرچرب تشکیل شده است. چنین رژیم نامناسبی قطعاً به **بیماری منجر خواهد شد**.

* فعل lead با حرف اضافه‌ی to یعنی «منجر شدن به، باعث شدن». مترادف‌های مهم آن عبارتند از end in, result in, cause:

جراحتهای شدید او باعث مرگش شد.
His severe injuries led to his death.

فعل lead بدون حرف اضافه معمولاً به معنی «راهنمایی کردن، رهبری کردن، پیش بودن» است:

او ما را به مرکز شهر راهنمایی کرد.
He led us to the city center.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - اثبات کردن ۲ - واکنش نشان دادن ۳ - مزاحم شدن، مختل کردن

۱۱- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: در بسیاری از کتابخانه‌های عمومی کتاب‌ها براساس موضوعشان **طبقه‌بندی می‌شوند**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ساده‌تر کردن ۲ - تنوع بخشیدن ۴ - نمونه و مثالی از چیزی بودن

۱۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** گزارش‌ها حاکی از این بودند که دو سرباز آمریکایی توسط شلیک **اتفاقی** (اشتباهی) نیروهای خودی کشته شدند.

* accidental یعنی «تصادفی، اتفاقی، غیرعمدی، اشتباهی»:

وقتی به عقب برگشتم به صورت اتفاقی دستم به صورتش برخورد کرد. As I turned around, I accidentally hit him in the face.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- قابل انتخاب ۳- مصنوعی ۴- قابل اجتناب

۱۳- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** امیدوارم توضیحاتم به **ساده‌تر کردن** (توضیح) این سازوکار پیچیده کمک کند و فهمیدن آن را برای شما آسان‌تر نماید.

* فعل simplify یعنی «ساده‌تر کردن و قابل فهم و درک کردن یک موضوع».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پیش رفتن ۳- تقویت کردن ۴- نماینده‌ی چیزی بودن

۱۴- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** در پرچم آمریکا هر ستاره، یکی از پنجاه ایالت آن را **نشان می‌دهد**.

* فعل stand for یعنی «نشان‌دهنده و علامت چیزی بودن، مخفف چیزی بودن». البته این فعل در حالت منفی به معنی «تحمّل نکردن، اجازه ندادن» است.

کلمه‌ی ایدز مخفف کلمات سندرم نقص ایمنی اکتسابی است. AIDS stands for Acquired Immune Deficiency Syndrome.

هیچ‌کس نمی‌تواند مرا دست ببندازد! (هرگز) اجازه نخواهم داد! Nobody can make a fool of me! I won't stand for it!

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مراقبت کردن ۲- فرا خواندن ۳- باعث شدن

۱۵- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** سرانجام آن‌ها مجبور به تعطیل کردن آن کارخانه‌ی کوچک شیمیایی شدند زیرا تعداد زیادی از **ساکنان** آن محل راجع به

بوی ناخوشایندی که از آن می‌آمد شکایت کردند.

* resident یعنی «فرد ساکن و مقیم در یک جا»:

منطقه‌ی مسکونی residential area

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- ناحیه ۲- کارفرما ۳- مشتری

پاسخ بختن Cloze

معنی:

لویی بریل که در بچگی به طور اتفاقی نابینا شده بود، سیستم خواندن و نوشتن برای نابینایان ابداع کرد. کتاب‌هایی که قبل از او برای نابینایان نوشته می‌شد به صورت حروف برجسته‌ی بزرگ چاپ می‌شدند و استفاده از آن‌ها دشوار بود و علاوه بر این، نابینایان قادر به نوشتن نبودند. بریل در سیستم خود به جای حروف برجسته از شش نقطه‌ی برجسته استفاده کرد. حروف، علائم نقطه‌گذاری و شماره‌ها توسط ترکیب‌های مختلفی از همین شش نقطه داده می‌شدند. این روش، خواندن و نوشتن را ساده‌تر کرد. به علاوه، او وسیله‌ای شبیه به ماشین تایپ را برای نوشتن اختراع کرد. اختراعات جدید زیادی مانند رادیو و رایانه برای نابینایان سودمند بوده‌اند، با این وجود سیستم بریل هنوز هم برای آن‌ها پرفایده است. این سیستم به نابینایان کمک کرده است که دیگر مجبور نباشند علاوه بر تاریکی (نابینایی) در جهل هم به سر ببرند.

پاسخ‌ها:

- | | | | |
|-----------------|------------------|------------------|-----------------|
| ۴ - گزینه‌ی (۴) | ۳ - گزینه‌ی (۲) | ۲ - گزینه‌ی (۱) | ۱ - گزینه‌ی (۴) |
| ۸ - گزینه‌ی (۱) | ۷ - گزینه‌ی (۲) | ۶ - گزینه‌ی (۳) | ۵ - گزینه‌ی (۱) |
| | ۱۱ - گزینه‌ی (۴) | ۱۰ - گزینه‌ی (۳) | ۹ - گزینه‌ی (۴) |

English Lesson 27

Part I

Reading Comprehension

A Reading

What Your Feet are Telling You

Lynn Pierce has a real pain in her foot. Actually, she has several and each tells a story. One is in her heel and may be related to walking. Another is in the ball of her foot and may have been aggravated by years of playing racquetball. The 46-year-old Lynn is far from alone in having to cope with foot pain. Most people have some sort of foot problem. The average person walks or runs about 70,000 miles during a lifetime, much of that on hard surface, in ill-fitting shoes and sometimes accompanied by the burden of excess weight.

When we do have problems, just getting off our feet won't necessarily lead to permanent relief. For one thing foot pain does not always begin in the foot. Even though you are feeling the pain there, a tight Achilles' tendon or calf muscle may be the actual source of your problem. Either may restrict ankle motion causing you to put painful stress on the front of foot. Rest may help, but what's often needed is a change in the way you care for your feet.

B Comprehension Check

1. Which sentence is true?

- 1) Lynn pierce has only one real pain in her foot.
- 2) Getting off our feet will lead to permanent relief of pain.
- 3) A tight Achilles tendon may cause feeling pain in the foot.
- 4) It's impossible to find the real cause of foot pain.

2. The verb "aggravate" in line 2 is closest in meaning to
- 1) make worse 2) feel better 3) cope with 4) rely on
3. According to the passage the best solution to foot pain is
- 1) just getting off our feet 2) enough rest
3) restricting its motion 4) changing to way of foot care

Part II

Vocabulary Test

1. Population growth has affected most of the countries in the world. That's why governments try to it.
- 1) calculate 2) accompany 3) aggravate 4) restrict
2. He shouldn't have his sore, injured elbow by trying to play tennis.
- 1) aggravated 2) operated 3) reinforced 4) attempted
3. The dog's main duties will be to the police officers on long nocturnal walks.
- 1) accompany 2) connect 3) belong 4) threaten
4. All our efforts to open the door were useless; it was shut.
- 1) closely 2) tightly 3) partly 4) sharply
5. It is now proved that pollution caused by industrial chemicals can injure a person's health
- 1) basically 2) economically 3) permanently 4) efficiently
6. There was a big traffic jam on the highway when a truck broke down in the middle
- 1) burden 2) lane 3) motion 4) vehicle
7. According to our agreement, the financial of this project must be evenly shared between all members.
- 1) solution 2) burden 3) development 4) economy
8. Calm down, Jack! Anger is not the most useful or acceptable reaction to such events.
- 1) originally 2) actively 3) necessarily 4) accidentally
9. The swaying of the ship in that rough sea made most of passengers feel sick.
- 1) motion 2) lane 3) removal 4) source

۲۷ **بررسی واژگان درس** word study

* accompany	همراهی کردن	necessarily	لزوماً، همیشه
* aggravate	بدتر کردن	* permanent	دائمی، ماندگار
ankle	قوزک (مچ) پا	racquetball	(ورزش) راکتبال
* burden	بار، فشار	* related to	مربوط به
* calculate	محاسبه کردن	relief	تسکین
calf	ساق پا	* restrict	محدود کردن
* cope with	از عهده‌ی چیزی برآمدن	* source	منبع، سرچشمه
* excess	اضافی	* temporarily	موقتاً
ill-fitting	نامناسب	tendon	تاندون
lane	خط عبوری (در خیابان)	tight	محکم، سفت
motion	حرکت		

پاسخ سوالات درس ۲۷

A معنی متن:

آن چه پاهایتان به شما می‌گویند

لین پیرس دردی شدید در پایش احساس می‌کرد. در واقع، او دارای درد در چند قسمت پای خود است که هر کدام دارای دلیلی می‌باشند. یکی از دردها در پاشنه‌اش است که احتمالاً مربوط به (زیاد) راه رفتن است. درد دیگری در قسمت برآمدگی پایش وجود دارد که احتمالاً به خاطر سال‌ها راکت‌بال بازی کردن بدتر شده است. لین ۴۶ ساله تنها کسی نیست که مجبور است با درد پا دست و پنجه نرم کند. بیش‌تر افراد به نوعی دارای مشکلی در پایشان هستند. یک فرد معمولی در طول عمر خود مسافتی حدود ۷۰۰۰۰ مایل راه رفته یا می‌دود که بیش‌تر این مسافت روی سطحی سخت، با کفش‌هایی نامناسب و گاهی نیز همراه با فشار اضافه وزن طی می‌شود.

وقتی دچار چنین مشکلاتی هستیم، استراحت دادن به پاها لزوماً منجر به ایجاد تسکین و آرامش دائمی نمی‌شود. یکی از دلایل این امر آن است که دردی که در پا احساس می‌شود همیشه از خود پا منشأ نمی‌گیرد. اگر چه ممکن است شما درد را آن‌جا احساس کنید، ممکن است علت درد شما کشیدگی بیش از حد در تاندون آشیل یا عضله‌ی ساق پایتان باشد. هر کدام از این‌ها ممکن است با محدود کردن حرکات مچ پای شما باعث شود که فشاری دردناک را به قسمت جلویی پایتان وارد کنید. استراحت ممکن است برای کاهش درد کمک کننده باشد، اما آن‌چه اغلب مورد نیاز است ایجاد تغییر در روش مراقبت از پاهایتان است.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: مسأله‌ی رشد جمعیت بیش‌تر کشورهای جهان را گرفتار کرده است. به همین دلیل دولت‌ها تلاش می‌کنند آن را محدود کنند.

* فعل restrict یعنی «محدود کردن، منحصر کردن، جلوگیری کردن». صفت restricted (محدود، انحصاری)، اسم restriction (محدودیت، ممنوعیت) و صفت restrictive (محدود کننده، جلوگیری کننده) هم‌خانواده‌های آن هستند:

ممنوعیت پارک در مرکز شهر restriction on parking in the city center

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - محاسبه کردن ۲ - همراهی کردن ۳ - بدتر کردن

۲- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: او نباید با تنیس بازی کردن وضعیت آرنج مصدوم و دردناک خود را بدتر می‌کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - عمل کردن ۳ - تقویت کردن ۴ - اقدام کردن

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: از وظایف اصلی این سگ‌ها این است که ماموران پلیس را در گشت‌های طولانی شبانه‌شان همراهی کنند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - وصل کردن ۳ - متعلق بودن ۴ - تهدید کردن

۴- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: تمام تلاش ما برای باز کردن آن در بی‌فایده بود چون محکم بسته شده بود.

* صفت tight یعنی «محکم، تنگ، سفت و سخت، محکم کشیده شده»:

a tight knot / control

یک گره‌ی سفت / کنترل سفت و سخت

These shoes are too tight.

این کفش‌ها تنگ است.

۴ - به تندی

۳ - تاحدی

۱ - با دقت

۵- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** اکنون ثابت شده است که آلودگی ایجاد شده توسط مواد شیمیایی صنعتی می‌تواند به **طور دائم** باعث ایجاد صدمه به سلامتی اشخاص شود.

۴ - خوب و کارآمد

۲ - از نظر اقتصادی

۱ - اساساً، در واقع

۶- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** وقتی که یک کامیون در **خط** وسط بزرگراه خراب شد، راهنمدان بزرگی به وجود آورد.

۴ - وسیله‌ی نقلیه

۳ - حرکت

۱ - بار

۷- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** طبق توافق‌مان، **فشار** مالی این پروژه باید به طور مساوی بین تمام اعضاء تقسیم شود.

* اسم burden یعنی «بار و فشار ناشی از یک مشکل یا وضعیت دشوار»:

His father's death will be an impossible burden on Paul.

برای پل مرگ پدرش فشاری غیرقابل تحمل خواهد کرد.

۴ - اقتصاد

۳ - توسعه

۱ - راه حل

۸- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** جک! خونسرد باش - **خشم لزوماً** (همیشه) مفیدترین یا قابل قبول‌ترین واکنش به چنین وقایعی نیست.

* قید necessarily یعنی «همیشه، لزوماً»:

A higher fee does not necessarily mean a better service.

دستمزد و هزینه‌ی بالاتر لزوماً به معنای ارائه خدماتی بهتر نیست.

۴ - تصادفاً

۲ - به طور فعال

۱ - در اصل، در ابتدا

۹- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** **حرکت** نوسانی کشتی در دریای طوفانی باعث شد تمامی مسافرین حالشان بد شود.

۴ - منبع

۳ - حذف، برداشتن

۲ - خط (خیابان)

English Lesson 28

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Ahmad's Bicycle

Ahmad's bicycle has a flat tire. He cannot ride it. He has to repair a puncture. He does not need to pay the man at the bicycle shop to mend it. He can repair it himself. He has taken out the inner tube. He has tested it and he has found the puncture. The test is easy. You get a bucket of water. You blow up the inner tube with a bicycle pump and put the tube into the water, bit by bit. You move the tube round till you see a stream of air bubbles coming up through the water. You mark the place where the air is coming out with a special pencil. Ahmad has one of these pencils. His father has given him a repair outfit. The pencil is in the outfit. He has marked the place where the puncture is. When the inner tube is dry he is going to stick a rubber patch on the puncture. He is going to stick it on with rubber solution. There are some patches and a tube of rubber solution in the repair outfit. When Ahmad has repaired his bicycle, he is going to ride it again.

B Comprehension Check

1. Which sentence is true according to the passage?

- 1) Ahmad is going to learn how to repair his bike.
- 2) Ahmad doesn't know how to mark the place of puncture.
- 3) Ahmad is going to stick the patch with rubber solution.
- 4) Ahmad's father has a bicycle shop and repairs bikes.

2. The verb "mend" in line 2 means:

- 1) ride 2) repair 3) pay 4) blow

3. The repair outfit given to Ahmad doesn't contain

- 1) a tire 2) rubber solution 3) a pencil 4) some patches

Part II

Vocabulary Test

1. I missed the first lecture today because my alarm clock didn't this morning.

- 1) go off 2) lay off 3) take off 4) get off

2. The coach himself several of the players' soccer balls that were too soft.

- 1) extended 2) floated 3) inflated 4) splashed

3. The baby fell asleep while it was milk from its bottle.

- 1) sucking 2) filling 3) growing 4) searching

4. I hope you won't be offended if I ask you to your cigarette; I have asthma.

- 1) die out 2) put out 3) get out 4) give out

5. I had to push my bike home from school today as it had a in the front wheel.

- 1) upset 2) failure 3) motion 4) puncture

6. Don't throw your coat on the floor. Please it up on the wall.

- 1) hang 2) make 3) grow 4) bring

7. An unknown disease reduced the farmer's herd of from 90 to 65 cows.

- 1) cattle 2) bucket 3) flock 4) colony

8. Sales were down so they had to some of their experienced staff.

- 1) work out 2) lay off 3) get rid 4) bring about

9. In order to prevent any other strikes, the management tried to relations with the unions.

- 1) flow 2) mend 3) mark 4) involve

10. This car tire isn't something you can with a foot pump, you need compressed air.

- 1) stand for 2) blow up 3) switch on 4) put out

11. When we reached there, we saw a huge crater which the spot where that terrible explosion had happened.

- 1) marked 2) discovered 3) threatened 4) extended

word study بررسی واژگان درس ۲۸

bit by bit	ذره ذره، کم کم	* mass	توده، جرم
blow up	باد کردن، منفجر کردن	* mend	تعمیر کردن
bubble	حباب	nectar	شهد، شیر
bucket	سطل	outfit	ابزار، تجهیزات
* cattle	گله‌ی گاو	* patch	وصله
colony	مجموعه (حیوانات)	puncture	(لاستیک) پنچر
container	ظرف، جا	* put out	خاموش کردن (سیگار، آتش ...)
die out	منقرض شدن	rubber	لاستیک
* flow	جریان	* solution	محلول
* flat	(لاستیک) پنچر	stick	چسباندن
* go off	زنگ زدن ساعت، منفجر شدن	* stream	جریان، دسته
* hang up	آویزان کردن، قطع کردن تلفن	suck up	مکیدن، جذب کردن
inflate	باد کردن	tire	لاستیک (ماشین، دوچرخه، ...)
* lay off	اخراج کردن، دست از سرکسی برداشتن		
mark	علامتگذاری کردن		

پاسخ سوالات درس ۲۸

معنی متن:



دوچرخه‌ی احمد

دوچرخه‌ی احمد یک لاستیک پنچر دارد. او نمی‌تواند سوار آن شود. او باید آن سوراخ را تعمیر کند. لازم نیست که برای تعمیر آن به مردی که در مغازه‌ی دوچرخه سازی است پولی بدهد چون خودش می‌تواند آن را درست کند. او لاستیک توپی (تیوب داخلی) را درآورده است، آن را بررسی کرده و سوراخ را پیدا نموده است. این امتحان کردن، کار ساده‌ای است. شما یک سطل را پر از آب می‌کنید و تیوب را با استفاده از تلمبه‌ی دوچرخه باد می‌کنید و سپس آرام آرام آن را داخل آب فرو می‌برید. شما تیوب را این طرف و آن طرف می‌چرخانید تا این که دسته‌ای از حباب‌های هوا را که بالا می‌آیند بتوانید ببینید. سپس محلی را که حباب‌های هوا از آن خارج می‌شوند با یک مداد مخصوص علامت‌گذاری کنید. احمد یکی از این مدادها را دارد. پدرش به او جعبه ابزاری شامل لوازم تعمیر داده است. این مداد در آن جعبه قرار دارد. او محل آن سوراخ را علامت‌گذاری کرده است. وقتی که تیوب داخلی خشک شود قصد دارد که وصله‌ای از جنس لاستیک روی قسمت سوراخ شده بچسباند. برای چسباندن آن از محلول چسب لاستیک استفاده خواهد کرد. تعدادی وصله‌ی لاستیکی و یک چسب لاستیک در جعبه لوازم تعمیر وجود دارد. بعد از این که احمد دوچرخه‌اش را تعمیر کرد، دوباره سوارش خواهد شد.

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** من امروز اولین کنفرانس درسی را از دست دادم برای این که صبح ساعت زنگ نزد.

* معانی مهم go off عبارتند از: «منفجر شدن، زنگ زدن، رفتن برق»:

Two soldiers were killed when the bomb went off.

وقتی بمب منفجر شد دو سرباز کشته شدند.

I was taking a shower when the light went out.

داشتم دوش می‌گرفتم که برق رفت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - اخراج کردن، استراحت کردن ۳ - درآوردن لباس ۴ - پیاده شدن

۲- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** مربی خودش تعدادی از توپ‌های فوتبال را که بیش از حد کم باد شده بودند، باد کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - امتداد دادن ۲ - شناور و معلق بودن ۴ - آب پاشیدن

۳- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** بچه موقعی که داشت از بطری‌اش شیر می‌مکید به خواب فرو رفت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - پر کردن ۳ - رشد کردن ۴ - جستجو کردن

۴- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** امیدوارم ناراحت نشوید اگر خواهش کنم که سیگارتان را خاموش کنید. من تنگی نفس دارم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - منقرض شدن ۳ - ترک کردن، بیرون رفتن ۴ - متقاعد کردن (گرما، نور و ...)

۵- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** من امروز مجبور شدم دوچرخه‌ام را از مدرسه تا خانه هل بدهم چون چرخ جلویی‌اش پنچر شده بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- ناراحتی، ناخوشی ۲ - شکست ۳ - حرکت، جنبش

۶- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: کتت را روی زمین نینداز. لطفاً آن را به دیوار آویزان کن.

* hang up علاوه بر «آویزان کردن لباس» به معنی «گذاشتن گوشی تلفن بعد از انجام مکالمه‌ی تلفنی» یا قطع کردن مکالمه هم هست:

لطفاً! خبر مهمی برایت دارم. Don't hang up! I have important news for you.

معنی سایر گزینه‌ها با up: ۲- تشکیل دادن ۳- بزرگ و بالغ شدن ۴- بزرگ کردن بچه

۷- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: یک بیماری ناشناخته تعداد گله‌ی گاوهای کشاورز را از ۹۰ گاو به ۶۵ کاهش داد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- سطل ۳- دسته، گله ۴- دسته‌ی حیوانات

۸- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: میزان فروش پایین آمده بود بنابراین آن‌ها مجبور شدند که تعدادی از کارکنان با تجربه‌شان را اخراج کنند.

* معنی مهم دیگر lay off علاوه بر «اخراج کردن»، «دست از سرکسی برداشتن است»:

Can't you lay off me for a little while? نمی‌توانی برای مدت کوتاهی دست از سرم برداری؟

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حل کردن، محاسبه کردن ۳- خلاص شدن از چیزی (بعد آن of می‌آید) ۴- باعث شدن

۹- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: برای جلوگیری از بروز اعتصابی دیگر مدیریت تلاش کرد تا روابط خود را با اتحادیه‌های (کارگری) بهبود بخشد.

* فعل mend یعنی «تعمیر کردن یا درست کردن چیزهایی مثل یک کفش، یک سوراخ و ...، مرمت کردن و بهبود بخشیدن»:

I asked my mother to mend the hole in my shirt. از مادرم خواستم سوراخی که در پیراهنم ایجاد شده بود را درست کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- جاری کردن ۳- علامت‌گذاری کردن ۴- شامل شدن

۱۰- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: این لاستیک ماشین چیزی نیست که بتوانی آن را با یک تلمبه‌ی پای بادکنی، برای این کار نیاز به پمپ هوای فشرده

(کمپرسور) داری.

* blow up علاوه بر معنی «پر از باد کردن» که در این درس دیده به معنی «منفجر کردن» هم هست:

He was arrested when trying to blow up an airplane. او وقتی داشت تلاش می‌کرد یک هواپیما را منفجر کند، دستگیر شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مخفف چیزی بودن ۳- روشن کردن ۴- خاموش کردن

۱۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: وقتی آن‌جا رسیدیم، حفره‌ی بسیار بزرگی را دیدیم که محل وقوع آن انفجار وحشتناک را مشخص می‌کرد.

* از معانی فعل mark عبارتند از: «علامت‌گذاری کردن، مشخص کردن، نمره دادن»:

This river marks our border. این رودخانه مشخص کننده‌ی مرز کشور ماست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- کشف کردن ۳- تهدید کردن ۴- گسترش دادن

English Lesson 29

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Going to the Moon

The most exciting thing astronauts have done so far is to travel to the moon. They went in Apollo spacecraft, three men at a time. Each Apollo spacecraft was made of three parts. The first part, the command module, carried the crew. The second, the service module, carried equipment and a rocket motor. The third, the lunar module, carried the astronauts down to the moon's surface. The spacecraft was launched by the mighty Saturn V Rocket, the tallest rocket there has ever been. The journey to the Moon took about three days. The first astronauts landed on the Moon on July 20th, 1969. They were Neil Armstrong and Edwin Aldrin from Apollo 11. Armstrong was the first person to set foot on the Moon. As he stepped on to the Moon he said that he was taking a small step but it was a great leap forward for mankind.

Altogether, twelve astronauts from six Apollo spacecraft have landed on the Moon. They collected rocks, took photographs, and carried out experiments. The astronauts also set up scientific stations, which radioed back their results to Earth. The stations carried on working long after the astronauts had returned to Earth.

B Comprehension Check

1. The equipment was carried in the module of Apollo.

- 1) spacecraft 2) lunar 3) service 4) motor

2. The word "mighty" in line 4 is a synonym of

- 1) scientific 2) giant 3) experimental 4) ancient

3. Which sentence is true according to the passage?

- 1) The third part of Apollo carried the crew.
- 2) The first person who launched the Apollo to the moon was Armstrong.
- 3) Altogether twelve Apollo spacecraft have landed on the moon.
- 4) Space stations can continue their job even without astronauts.

Part II**Vocabulary Test****1. You have to good relations with local residents if you need their support.**

- | | | | |
|--------------|------------|----------|-------------|
| 1) establish | 2) command | 3) equip | 4) conclude |
|--------------|------------|----------|-------------|

2. When the police arrived, the thief from a small window in the building and escaped.

- | | | | |
|-----------|-----------|------------|-----------|
| 1) placed | 2) leaped | 3) carried | 4) joined |
|-----------|-----------|------------|-----------|

3. The bicycle hit me just as I into the crosswalk to cross the street.

- | | | | |
|------------|----------|-----------|------------|
| 1) stepped | 2) faced | 3) landed | 4) existed |
|------------|----------|-----------|------------|

4. The business associates decided to their discussion in the hotel instead of the conference center.

- | | | | |
|---------------|------------|--------------|-------------|
| 1) get rid of | 2) put out | 3) stand for | 4) carry on |
|---------------|------------|--------------|-------------|

5. The home was awful and tiring. The roads were so busy that I had to concentrate all the time.

- | | | | |
|------------|------------|---------------|-------------|
| 1) journey | 2) welfare | 3) discomfort | 4) interval |
|------------|------------|---------------|-------------|

6. The soldiers were threatened to be shot if they refused to obey the

- | | | | |
|------------|-------------|------------|------------|
| 1) defeats | 2) commands | 3) attacks | 4) efforts |
|------------|-------------|------------|------------|

7. Our manager a committee to look into the causes of production errors in the factory.

- | | | | |
|---------------|-----------|--------------|------------|
| 1) brought up | 2) set up | 3) looked up | 4) hung up |
|---------------|-----------|--------------|------------|

8. After their vehicle was hit by an enemy rocket, the soldiers had to carry all their on their backs for miles.

- | | | | |
|--------------|-------------|-----------|------------|
| 1) equipment | 2) commands | 3) travel | 4) battles |
|--------------|-------------|-----------|------------|

9. The plane crashed shortly after take-off and everyone on board, including the pilot and his, was killed.

- | | | | |
|------------|--------------|-------------|---------|
| 1) flights | 2) furniture | 3) journies | 4) crew |
|------------|--------------|-------------|---------|

10. According to legends, he was a man and could easily lift heavy objects such as trees.

- | | | | |
|-------------|------------|-------------|-----------|
| 1) personal | 2) primary | 3) critical | 4) mighty |
|-------------|------------|-------------|-----------|

word study بررسی واژگان درس ۲۹

* carry on	ادامه دادن	* leap	پرش، جهش
* carry out	انجام دادن	lunar	قمری
* command	فرماندهی، دستور	* mighty	عظیم، بزرگ
* crew	کارکنان و خدمه (کشتی و ..)	module	قسمت مجزا
* equipment	تجهیزات	set foot	قدم نهادن، رفتن
* establish	تأسیس کردن، برپا کردن	* set up	تأسیس کردن، برپا کردن
* journey	سفر	step	قدم زدن، گام برداشتن

پاسخ سوالات درس ۲۹

A معنی متن:

رفتن به کره‌ی ماه

هیجان‌انگیزترین کاری که تا به حال فضانوردان انجام داده‌اند، سفر به کره‌ی ماه است. این مسافرت توسط سه نفر به طور همزمان به وسیله‌ی فضاپیماهای آپولو انجام گرفت. هر فضاپیمای آپولو از سه قسمت تشکیل شده بود. قسمت اول بخش فرماندهی بود که کارکنان فضاپیما را حمل می‌کرد. قسمت دوم، بخش خدمات بود که تجهیزات و همچنین موتور راکت را حمل می‌نمود. قسمت سوم، بخش قمری (ماه نشین) بود که قرار بود فضانوردان را بر سطح ماه فرود بیاورد. این فضاپیما توسط راکت بسیار قدرتمند زحل ۵، که بلندترین راکتی است که تا به حال ساخته شده است، به فضا پرتاب شد. سفر حدوداً سه روز طول کشید. اولین فضانوردان در تاریخ ۲۰ جولای سال ۱۹۶۹ بر سطح ماه فرود آمدند. نام آن‌ها نیل آرمسترانگ و ادوین آلدین از فضاپیمای آپولوی ۱۱ بود. آرمسترانگ اولین انسانی بود که بر سطح ماه پای گذاشت. او وقتی بر ماه قدم نهاد گفت که تنها قدمی کوچک برداشته است اما آن قدم در واقع پرشی بزرگ رو به جلو برای بشریت بوده است.

در مجموع، از شش فضاپیمای آپولو دوازده فضانورد بر سطح ماه فرود آمده‌اند. آن‌ها نمونه‌هایی از سنگ‌ها جمع‌آوری کردند، عکسبرداری کردند و آزمایش‌هایی انجام دادند. فضانوردان همچنین در آن‌جا ایستگاه‌های علمی برپا کردند که نتایج کارهایشان را به زمین مخابره می‌نمود. این ایستگاه‌ها مدت‌ها بعد از این‌که آن فضانوردان به زمین بازگشتند، به کار خود در ماه ادامه دادند.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: اگر به پشتیبانی ساکنین محلی نیاز دارید باید روابط خوبی با آن‌ها برقرار کنید.

* فعل establish یعنی «تأسیس کردن، برقرار کردن، برپا کردن»:

The school was established in 1980.

این مدرسه در سال ۱۹۸۰ تأسیس شد.

۴ - نتیجه‌گیری کردن

۳ - مجهز کردن

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - دستور دادن

۲- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: وقتی پلیس سر رسید، آن دزد از یک پنجره‌ی کوچک در ساختمان پرید و فرار کرد (فعل escape یعنی «فرار کردن»).

* فعل leap یعنی «جهیدن، پریدن، افزایش یافتن». این کلمه نقش اسمی هم دارد (به معنی «جهش، پرش، افزایش ناگهانی»).

With a great leap he crossed the stream.

او با پرشی بلند از روی نهر گذشت.

Prices have leaped up recently.

اخیراً قیمت‌ها به طور ناگهانی افزایش پیدا کرده‌اند.

۴ - ملحق شدن

۳ - حمل کردن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - قرار دادن

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: درست وقتی که برای عبور از خیابان به محل عبور عابر پیاده قدم گذاشتیم یک دوچرخه به من زد.

* step در حالت فعلی به معنی «گام برداشتن، قدم گذاشتن» و در حالت اسمی به معنی «گام، قدم» می‌باشد:

take steps to reduce unemployment

گام برداشتن (اقدام کردن) برای کاهش بیکاری

۴ - وجود داشتن

۳ - فرود آمدن

۲ - مواجه شدن

۴- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: شرکای کاری تصمیم گرفتند که گفتگوشان را به جای مرکز کنفرانس در هتل **ادامه دهند** (associate یعنی «شریک، همکار»).

۳ - نشان‌دهنده‌ی چیزی بودن

۲ - خاموش کردن

۱ - خلاص شدن از

۵- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: **سفرم** تا خانه بسیار بد و خسته کننده بود. جاده‌ها آن قدر شلوغ بودند که مجبور بودم تمام راه به شدت حواسم را جمع کنم. * اسم قابل شمارش journey به معنی «سفر (نسبتاً طولانی)» است:

How long is the journey to the coast?

مسافرت تا ساحل چقدر طول می‌کشد؟

۴ - وقفه

۳ - ناراحتی

۲ - رفاه

۶- **گزینه‌ی (۲)** معنی جمله: سربازان تهدید شدند که اگر از تبعیت از **دستورات** امتناع کنند به آن‌ها شلیک خواهد شد.

* command در حالت فعلی به معنی «دستور دادن، فرمان دادن» و در حالت اسمی به معنی «دستور، فرمان» است:

A general is a man who commands a large number of soldiers. یک ژنرال کسی است که تعداد بسیار زیادی از سربازان را تحت فرمان دارد.

۴ - تلاش

۳ - حمله

۱ - شکست

۷- **گزینه‌ی (۲)** معنی جمله: مدیران برای بررسی علل ایجاد اشتباهات در تولید کارخانه کمیته‌ای **تشکیل داده است**.

* set up یعنی «تأسیس کردن، برپا کردن، تشکیل دادن»:

The company has set up a new branch in Atlanta.

شرکت در شهر آتلانتا شعبه‌ای جدید تأسیس کرده است.

۴ - آویزان کردن

۳ - پیدا کردن معنی لغت

۱ - بزرگ کردن بچه

۸- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: بعد از این که وسیله‌ی نقلیه‌شان توسط موشک دشمن مورد اصابت قرار گرفت، سربازان مجبور شدند که **تجهیزات** خود را مایل‌ها بر پشتشان حمل کنند.

۴ - جنگ

۳ - سفر

۲ - دستور

۹- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: هواپیما مدت کوتاهی بعد از برخاستن دچار سانحه شد و همه‌ی افرادی که سوار آن بودند از جمله خلبان و **خدمه‌ی** پرواز، کشته شدند.

* crew یعنی «خدمه و کارکنان یک کشتی، هواپیما یا سفینه»:

The ship had a crew of 40 people and 230 passengers.

کشتی دارای ۴۰ خدمه و ۲۳۰ مسافر بود.

۳ - سفر

۲ - مبلمان، اسباب منزل

۱ - پرواز

۱۰- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: طبق افسانه‌ها او مردی **بسیار قوی** بود و به آسانی می‌توانست اجسام بسیار سنگین مانند درخت را بلند کند (legend یعنی «افسانه»).

* صفت mighty یعنی «بسیار بزرگ، بسیار قوی، عظیم»:

a mighty explosion / army

یک انفجار / ارتش عظیم و بسیار بزرگ

۳ - شدید، بحرانی

۲ - اصلی، ابتدایی

۱ - شخصی

English Lesson 30

Part I Reading Comprehension

A Reading

Allergies

You may not think allergies are serious until you become a sufferer. Use this information to understand your allergy and keep symptoms in check. *What causes allergies?* Allergies result from a reaction to an “allergen” – a substance that causes the human immune system to respond in an unusual way to a foreign object in the body. Frequently found allergens include pollen, mold, dust, food and chemicals.

What are the signs? The most common signs and symptoms are sneezing, a runny stopped-up nose, watery eyes, ear fullness and popping, and a burning palate and throat. Asthma is sometimes a complication.

What can I do if I suspect I have allergies? Check with your doctor, who will take a detailed history of your symptoms, general health, diet and living conditions at home and work as well as administer tests to provide a diagnosis. *How can allergies be treated?* Your doctor can help with medical treatment, but often the most effective treatment is the removal of the allergen from your environment.

B Comprehension Check

1. According to the passage, the best cure for Allergies is
1) medical treatment 2) allergen removal 3) balanced diet 4) seeing a doctor
2. Which of the followings is not a common symptom of allergies?
1) watery eyes 2) ear fullness 3) sneezing 4) fever

3. Which of these sentences is true?

- 1) Everybody admits that allergies are quite serious.
- 2) Allergens cause body's immune system to respond in a usual way.
- 3) Medication is often useless for treating allergies.
- 4) Some foods can cause allergic reactions.

Part II**Vocabulary Test****1. I've written three letters to the firm about their low-quality products, but they've made no**

- 1) identity
- 2) response
- 3) relief
- 4) supply

2. I'm not sure, but I that he was the boy who stole my bike.

- 1) admit
- 2) identify
- 3) suspect
- 4) administer

3. The police are now trying to the body found in the lake.

- 1) administer
- 2) represent
- 3) determine
- 4) identify

4. I didn't really enjoy the vacation because I spent most of the time and blowing my nose due to a common cold.

- 1) sneezing
- 2) removing
- 3) reacting
- 4) muffling

5. Since I've got married, I no longer go swimming as as I used to.

- 1) temporarily
- 2) frequently
- 3) eventually
- 4) particularly

6. After a thorough examination which included several blood tests, the doctor was able to make a

- 1) symptom
- 2) complication
- 3) identity
- 4) diagnosis

7. I got a fish bone stuck in my and had to be taken to hospital.

- 1) throat
- 2) spine
- 3) ankle
- 4) joint

8. We need as much information about the case as possible before we can make the final decision.

- 1) affected
- 2) complicated
- 3) detailed
- 4) restricted

9. Nowadays attempts to hold global warning in are being made by many countries.

- 1) purpose
- 2) order
- 3) flaw
- 4) check

10. The new management is still dealing with the problems from the errors made in the past.

- 1) resulting
- 2) leading
- 3) causing
- 4) relating

11. A further unexpected in the project was a two-week delay in receiving the raw materials.

- 1) complication
- 2) suspicion
- 3) identification
- 4) administration

12. When the patient regained his consciousness after the operation, his doctor him pain-killing drugs to lessen his headache.

- 1) administered
- 2) diagnosed
- 3) stabilized
- 4) aggravated

word study بررسی واژگان درس ۳۰

* administer	اداره کردن، به کار بستن، تجویز کردن، دادن	pop(v)	گرفتن (گوش) (ناشی از تغییر فشار)
asthma	آسم، تنگی نفس	* reaction	واکنش، عکس‌العمل
* complication	عارضه، مشکل	* removal	برداشتن، حذف
* detailed	مفصل، مشروح	* respond	پاسخ دادن
diagnosis	(پزشکی) تشخیص	* result from	ناشی شدن از
dust	گرد و غبار	runny	(بینی) دچار آبریزش
* frequently	اغلب، مکرراً	sneeze	عطسه کردن
* identify	شناسایی کردن، تعیین هویت کردن	* substance	ماده
immune	ایمن، ایمنی	* suspect	مشکوک بودن
keep in check	متوقف کردن	throat	گلو
mold	کپک، خاک گیاه	treatment	درمان
palate	کام، سقف دهان		

پاسخ سوالات درس ۳۰

A معنی متن:

حساسیت

تا زمانی که به آلرژی (حساسیت) مبتلا نشده باشید ممکن است فکر کنید که بیماری شدیدی نیست. این اطلاعات را مورد استفاده قرار دهید تا این بیماری را بهتر درک کنید و علائم آن را مهار کنید. چه چیزی باعث بروز آلرژی می‌شود؟ آلرژی در اثر واکنش بدن نسبت به یک ماده‌ی حساسیت‌زا - یعنی ماده‌ای که باعث می‌شود سیستم ایمنی بدن پاسخی غیر عادی به جسمی خارجی در بدن بروز دهد - ایجاد می‌شود. موادی که اغلب دارای مواد حساسیت‌زا هستند عبارتند از: گرده‌ی گیاهان، کپک، گردو خاک، (بعضی) غذاها و مواد شیمیایی.

علائم حساسیت چیست؟ شایع‌ترین علائم و نشانه‌های آن عبارتند از: عطسه، گرفتگی و آبریزش بینی، اشک‌ریزش از چشم‌ها، گرفتگی و وزوز گوش و احساس سوزش در کام و گلو. گاهی آسم هم یکی از عوارض حساسیت است.

اگر شک دارم میادا دچار آلرژی شده باشم چه کار می‌توانم بکنم؟ با پزشک خود این موضوع را بررسی کنید، که در این صورت او از شما تاریخچه‌ای مفصل درباره‌ی علائمتان، وضعیت کلی سلامتتان، رژیم غذایی و شرایط زندگی‌تان در منزل و محیط اخذ خواهد کرد و هم‌چنین آزمایش‌هایی را تجویز خواهد کرد تا بتواند (از مجموع آن‌ها) به تشخیص برسد. آلرژی چگونه درمان می‌شود؟ پزشک شما می‌تواند با دادن درمان دارویی به شما کمک کند ولی اغلب موثرترین راه درمان حذف کردن مواد حساسیت‌زا از محیط اطرافتان است.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۲)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: من تا به حال سه نامه به آن شرکت راجع به محصولات بی‌کیفیتشان نوشته‌ام اما آن‌ها هیچ پاسخی نداده‌اند.

* اسم response از فعل respond (پاسخ دادن) مشتق شده است.

The patient didn't respond to treatment.

بیمار به درمان پاسخی نداد.

۴ - ذخیره، موجودی

۳ - تسکین

۱ - هویت

۲- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: مطمئن نیستم ولی گمان می‌کنم او همان پسری است که دوچرخه‌ام را دزدید.

* فعل suspect یعنی «مشکوک بودن، مظنون بودن، گمان کردن». این کلمه در حالت اسمی یعنی «مظنون».

I suspect John of taking the money.

من نسبت به جان در مورد برداشتن آن پول مشکوک هستم.

سایر هم خانواده‌های آن‌ها عبارتند از: اسم suspicion (شک، ظن) و suspicious (مشکوک):

suspicious death / behavior

مرگ / رفتار مشکوک

۴ - اداره کردن، دادن (دارو)

۲ - تعیین هویت کردن

۱ - پذیرفتن

۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** پلیس اکنون در تلاش است تا جسدی را که در دریاچه پیدا شده است، شناسایی (تعیین هویت) کند.

* فعل identify یعنی «شناسایی کردن، هویت کسی را مشخص کردن». هم‌خانواده‌های مهم آن عبارتند از دو اسم identity (هویت) و identification (شناسایی، تعیین هویت، مدرک شناسایی):

کارت شناسایی
او به طور رسمی جسد را شناسایی کرد.
identity card
He made a formal identification of the body.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - کنترل کردن، دادن (دارو) ۲ - نشان‌دهنده و نماینده‌ی چیزی بودن ۳ - مشخص کردن

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** من واقعاً از تعطیلات لذت نبردم برای این که به علت سرماخوردگی بیش‌تر وقت در حال عطسه کردن و تمیز کردن بینی‌ام بودم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - حذف کردن ۳ - واکنش نشان دادن ۴ - گرفتن صدا

۵- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** چون ازدواج کرده‌ام، دیگر مثل گذشته مکرراً (زیاد) به شنا نمی‌روم.

* frequently یعنی «غالباً، مکرراً، به دفعات، زیاد»؛ اسم آن frequency (تناوب، تکرار، فرکانس) است.

بچه‌های ما مکرراً به ما سر می‌زنند.
Our children frequently visit us.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - موقتاً ۳ - سرانجام ۴ - مخصوصاً

۶- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** بعد از یک معاینه‌ی کامل که شامل انجام چندین آزمایش خون هم بود، دکتر توانست که (بیماری مریض را) تشخیص دهد.

* اسم diagnosis یعنی «تشخیص یک بیماری». فعل آن کلمه‌ی diagnose (تشخیص دادن یک بیماری) است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - علامت بیماری ۲ - عارضه ۳ - هویت

۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** یک استخوان ماهی در گلویم گیر کرده بود بنابراین به ناچار مرا به بیمارستان بردند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - (ستون) مهره ۳ - مچ پا ۴ - مفصل

۸- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** ما قبل از این که بتوانیم تصمیم نهایی را درباره‌ی این مورد بگیریم به اطلاعاتی هرچه بیشتر مشروح درباره‌ی آن نیاز داریم.

* صفت detailed یعنی «مشروح، مفصل، دقیق»:

Following this detailed instruction, anyone could bake a cake.

هر کسی با دنبال کردن (انجام دادن) این دستورات مفصل و جامع می‌تواند یک کیک بپزد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مبتلا ۲ - پیچیده ۴ - محدود

۹- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** این روزها تلاش‌هایی برای مهار پدیده‌ی گرم شدن زمین از سوی بسیاری از دولت‌ها در حال انجام است.

* از معانی check «مهار، توقف» است. keep / hold in check هم یعنی «مهار کردن، متوقف کردن»:

دولت باید برای مهار تورم اقداماتی انجام دهد.
The government should take action to keep inflation in check.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - قصد، منظور ۲ - دستور، ترتیب ۳ - عیب، ایراد

۱۰- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** مدیریت جدید هنوز مشغول به رسیدگی کردن به مشکلاتی است که از اشتباهات انجام شده در گذشته ناشی شده است.

* فعل result from به معنی «ناشی شدن از» است. ولی result in به معنی «باعث شدن، منجر شدن به» و مترادف با lead to و cause می باشد:

His injuries resulted in his death. جراحات او باعث مرگش شد.

Many health problems result from what you eat. بسیاری از مشکلات در سلامت شما از نوع غذایی که می خورید ناشی می شوند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - باعث شدن ۳ - باعث شدن ۴ - ربط دادن

۱۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: یک مشکل غیرمنتظره‌ی دیگر در اجرای پروژه تأخیر دو هفته‌ای در دریافت کردن مواد خام بود (raw یعنی «خام»).

* اسم complication یعنی «مشکل، عارضه». هم خانواده‌های آن عبارتند از فعل complicate به معنی «مشکل‌تر کردن، پیچیده‌تر کردن» و صفت complicated به معنی «مشکل، پیچیده»:

a complicated mathematical calculation یک محاسبه‌ی پیچیده‌ی ریاضی

the complications of an operation عوارض یک عمل جراحی

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - شک، گمان ۳ - تعیین هویت ۴ - کنترل، اداره

۱۲- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: وقتی که بیمار بعد از عمل جراحی هوشیاری خود را دوباره به دست آورد، دکتر برای کاهش سردردش برای او داروهای

مسکن تجویز کرد.

* فعل administer هم به معنی «کنترل و اداره کردن» است و هم «تجویز کردن و دادن یک دارو»:

administer a country / company اداره و کنترل کردن یک کشور / شرکت

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - تشخیص دادن ۳ - تثبیت کردن ۴ - بدتر کردن

1. The average woman in Britain is usually restricted in a lower-paid job and she doesn't have the same as men.
1) products 2) tensions 3) transfers 4) benefits
2. John wanted to carry the huge box by himself, but he found it too much of a
1) burden 2) subject 3) defeat 4) motion
3. His dog is so well-trained that it responds to every he gives it.
1) effort 2) command 3) territory 4) process
4. A: I'm better at figures than you are. Let me add the bill up.
B: I'm quite of doing it myself, thank you.
1) complicated 2) conscious 3) capable 4) critical
5. The man's was being kept secret while he was helping the police with information about the serial murders.
1) identity 2) discovery 3) territory 4) variety
6. The man standing in line told me that the of the bus service was one every ten minutes.
1) frequency 2) variety 3) accuracy 4) diversity
7. This society was in 1970 and the membership has been growing ever since.
1) brought about 2) carried out 3) set up 4) turned on
8. I spent the whole weekend for my final exam. I didn't go out even once.
1) revising 2) marking 3) referring 4) including
9. When the rain started, I had to cover the roof with a plastic sheet as a measure until we got it completely fixed.
1) popular 2) temporary 3) severe 4) economical
10. All the things necessary to your flat tire can be found in this repair outfit.
1) mend 2) fence 3) save 4) beat
11. To protect the environment, trees in our forests shouldn't be cut down without proper
1) extension 2) civilization 3) pollution 4) supervision
12. Because of the falling profits, the company has been forced to staff. At least fifty will have to go.
1) care for 2) lay off 3) get out 4) build up

13. I'm sorry, I must ask you to leave. This is a area – you need a pass to enter.

- 1) restricted 2) complicated 3) determined 4) fascinated

14. I was prescribed this medicine to help clear up the rash on my arm, but it only the condition.
The rash became redder and now it's spread to my neck.

- 1) administered 2) aggravated 3) criticized 4) diagnosed

15. Would you please the light for me? I'm trying to sleep.

- 1) put out 2) switch on 3) take off 4) top up

16. The book has already been selling well for five years. Now the are going to bring out a new edition with illustrations.

- 1) employees 2) adventures 3) inquiries 4) publishers

17. After years of exposure to the sun and rain, the sign over the shop had become completely

- 1) descriptive 2) illegible 3) permanent 4) exhausted

18. The emergency services thought that the bomb might at any moment.

- 1) set up 2) bring in 3) back away 4) go off

19. The new trains are much faster. They are going to cut an hour off the time.

- 1) failure 2) district 3) journey 4) action

20. He entered the United States in 1994 as a(n) resident because of his marriage to a U.S. citizen.

- 1) intimate 2) provincial 3) effective 4) permanent

پاسخنامه کلیدی

- 1 2 3 4
1
2
3
4
5

- 1 2 3 4
6
7
8
9
10

- 1 2 3 4
11
12
13
14
15

- 1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 31

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Why Does the Sky Look Blue?

What color is the sky? On a sunny day, the sky looks blue. Sometimes, early in the morning and just before sunset, it looks a greenish-yellow, or even an orange-red. The sky actually has no color at all. It is a great ocean of air called the atmosphere, which is made up of colorless gasses. The sky looks colored to us because of what happens to sunlight which passes through it.

All kinds of particles such as dust, smoke and ash float in the air. Many of these particles come from human activities such as burning fuels to provide energy. Other particles are the result of natural happenings. Sometimes, strong winds whip up particles of sand. When volcanoes erupt, they send clouds of smoke and ash into the air.

When light strikes the tiny particles that are found in the air and water, the light is scattered in all directions. When the sun is high in the sky, its light is scattered by the particles in the atmosphere. The light photons with the highest energy – violet and blue – are scattered more readily than those with a lower energy – red and orange. It is this scattered color which makes the sky appear to be blue.

B Comprehension Check

1. The sky looks colored because of

- 1) the atmosphere 2) colorful gasses 3) scattering light 4) burning fuels

2. Which sentence is not true?

- 1) The sky is actually colorless.
2) Only the particles which are the result of natural happenings can float in the air.
3) The more energy the light photons have, the more readily they scatter.
4) Red photons have lower energy than that of violet ones.

3. The verb "scatter" in this passage is a synonym of

- 1) strike 2) restrict 3) command 4) spread

Part II

Vocabulary Test

1. A: The flower I planted two days ago is now dead.

B: I'd told you that it wouldn't grow in the of a tree.

- 1) desert 2) eclipse 3) branch 4) shadow

2. In contrast to my brother who is very sociable, I can't make friends at all.

- 1) partly 2) readily 3) sharply 4) slightly

3. In areas, cold nights are very important to the survival of plants and animals.

- 1) residential 2) island 3) nocturnal 4) desert

4. When my brother switched on the fan, all my papers everywhere.

- 1) scattered 2) erupted 3) struck 4) launched

5. The light was so that I couldn't make out who was delivering the lecture.

- 1) dim 2) rough 3) rare 4) tight

6. Everyone was asleep when I returned home so I had to to my room without making a noise.

- 1) creep 2) gather 3) remain 4) relate

7. The tree caught fire and fell to the ground after lightning it.

- 1) bent 2) erupted 3) struck 4) offended

8. If the are extremely small, they require a more powerful microscope in order to be seen.

- 1) particles 2) endeavours 3) proportions 4) characters

9. There are various treatments for this complaint – surgery is just one, but it all depends on the individual patient.

- 1) complication 2) option 3) combination 4) exception

10. When a volcano, it throws out a lot of hot, melted rock, called lava, as well as ash and steam.

- 1) erupts 2) disperses 3) extends 4) strikes

11. Eventually the police were forced to the crowd with tear gas since they'd begun destroying cars.

- 1) command 2) defeat 3) disperse 4) suspect

word study بررسی واژگان درس ۳۱

* ash	خاکستر	* partial	نسبی، جزئی، جانبدار
colored	رنگی	* particle	ذره
colorless	بی‌رنگ	photon	فوتون (نور)
creep	خزیدن، بی‌صدا راه رفتن	* readily	به‌راحتی، به سرعت
* desert	بیابان	sand	ماسه، شن
dim	کم‌سو، کم‌رنگ	* scatter	پراکنده کردن
* disperse	پراکنده کردن	shadow	سایه
eclipse	کسوف، خسوف	* stage	سن، صحنه (نمایش)
erupt	فوران کردن (آتشفشان)	* strike	برخورد کردن، دچار کردن
* float	شناور بودن، معلق بودن	* volcano	آتشفشان
greenish	مایل به سبز	whip up	به هوا بلند کردن، تحریک کردن
* option	انتخاب		

بیاسخ سوالات درس ۳۱

معنی متن:

A

چرا آسمان آبی به نظر می‌رسد؟

آسمان به چه رنگ است؟ آسمان در یک روز آفتابی، آبی به نظر می‌رسد. گاهی اوقات در اوایل صبح درست قبل از طلوع آفتاب رنگش زرد مایل به سبز یا حتی قرمز مایل به نارنجی به نظر می‌رسد. در واقع آسمان هیچ رنگی ندارد. آسمان اقیانوسی بزرگ از هوا به نام اتمسفر است که از گازهای بی‌رنگ تشکیل شده است. آسمان به دلیل اتفاقی که برای نور خورشید حین عبور از آن رخ می‌دهد رنگی به نظر می‌رسد. تمامی ذرات ریز موجود در هوا مثل گرد و غبار، دود و خاکستر در هوا معلق هستند. بسیاری از این ذرات از فعالیت‌های انسانی مثل سوزاندن سوخت برای فراهم کردن انرژی منشاء می‌گیرند. ذرات دیگر نتیجه‌ی اتفاقات طبیعی‌اند. گاهی اوقات بادهای قوی ذرات شن را به هوا بلند می‌کنند. وقتی آتشفشان‌ها فوران می‌کنند ابرهایی از دود و خاکستر را به هوا می‌فرستند. وقتی نور به ذرات ریز موجود در هوا یا آب برخورد می‌کند، در تمام جهات پراکنده می‌شود. وقتی خورشید در بالای آسمان است، نورش توسط ذرات ریز موجود در اتمسفر متفرق می‌شود. فوتون‌های نور با بالاترین سطح انرژی یعنی امواج بنفش و آبی سریع‌تر و راحت‌تر از فوتون‌های کم انرژی‌تر یعنی نارنجی و قرمز پراکنده می‌شوند. به خاطر این رنگ‌های متفرق شده است که آسمان آبی به نظر می‌رسد.

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: نفر اول: گلی که دو روز پیش کاشتم پژمرده شده است.

نفر دوم: به تو گفته بودم که این گل زیر سایه‌ی یک درخت رشد نخواهد کرد.

* اسم shadow به معنی «سایه، تاریکی» می‌باشد:

We decided to rest in the shadow of a tree.

ما تصمیم گرفتیم زیر سایه‌ی یک درخت استراحت کنیم.

۳ - شاخه

۲ - کسوف، خسوف

۱ - بیابان

۲- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: بر خلاف برادرم که بسیار اجتماعی است، من اصلاً نمی‌توانم به راحتی با کسی دوست شوم.

* قید readily هم به معنی «به آسانی، به راحتی و به سرعت» است و هم به معنی «بامیل، با اشتیاق» و مترادف با willingly:

He readily accepted our invitation.

او با اشتیاق دعوتمان را پذیرفت.

Computers are readily available these days.

این روزها رایانه به راحتی (همه‌جا) در دسترس است.

۴ - به طور جزئی

۳ - به تندی، با لحن بد

۱ - تاحدی

۳- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در مناطق بیابانی، شب‌های سرد برای بقای گیاهان و جانوران اهمیت زیادی دارد.

۳ - شبانه

۲ - جزیره

۱ - مسکونی

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** وقتی برادرم پنکه را روشن کرد تمام کاغذهایم همه‌جا پخش شد.

* scatter یعنی «پراکنده کردن (شدن)، متفرق کردن (شدن)»:

The crowd scattered when it began to rain.

وقتی باران شروع به باریدن کرد جمعیت متفرق شدند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- فوران کردن ۳- اصابت کردن ۴- پرتاب کردن (سفینه)

۵- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** نور آنقدر کمسو (کم) بود که نتوانستم ببینم چه کسی داشت کنفرانس درسی را ارائه می‌داد.

فعل make out یعنی «دیدن و تشخیص دادن».

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- خشن، تقریبی ۳- نادر ۴- محکم، کشیده

۶- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** وقتی به خانه برگشتم همه خواب بودند بنابراین مجبور شدم بدون ایجاد کردن هیچ صدایی **آهسته** داخل اتاقم بروم.

* فعل creep یعنی «آرام و بی‌صدا رفتن»:

The cat crept silently toward the bird.

گره آرام و بی‌صدا به سمت پرند می‌رفت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- جمع کردن ۳- باقی‌ماندن ۴- ربط دادن

۷- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** وقتی رعد و برق به آن درخت اصابت کرد آتش گرفت و به زمین افتاد (lightning یعنی «رعد و برق»).

* معانی مهم فعل strike عبارتند از «زدن، برخورد کردن، اصابت کردن، اعتصاب کردن»:

The stone struck me on my face.

آن سنگ به سرم برخورد کرد.

The workers are on strike.

کارگران در حال اعتصاب هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خم کردن ۲- فوران کردن ۴- ناراحت کردن

۸- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** اگر آن ذرات بسیار کوچک باشند، در آن صورت برای دیده شدن به میکروسکوپی قوی‌تر نیاز خواهند داشت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- تلاش ۳- نسبت، تناسب ۴- شخصیت

۹- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** درمان‌های مختلفی برای این مشکل وجود دارد - جراحی فقط یکی از آن **انتخاب‌هاست**، انتخاب روش درمانی کاملاً

بستگی به وضعیت هر بیمار دارد.

* option یعنی «اختیار انتخاب، حق انتخاب، چاره»:

You have no option but to go.

چاره‌ای جز رفتن ندارید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- عارضه، مشکل ۳- ترکیب ۴- استثناء

۱۰- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** وقتی یک آتشفشان **فوران می‌کند**، مقدار زیادی سنگ‌های ذوب‌شده به نام گدازه و همچنین خاکستر و بخار را به بیرون

پرتاب می‌کند.

* فعل erupt هم به معنی «فوران کردن آتشفشان» است و هم «شروع و بروز ناگهانی یک مشکل»:

Heavy fighting erupted there today after a two-day cease-fire.

امروز بعد از یک آتش‌بس دو روزه جنگی شدید ناگهان آغاز شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- پراکنده شدن ۳- گسترش یافتن، تمدید کردن ۴- اصابت کردن

۱۱- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** سرانجام پلیس مجبور شد که برای **متفرق کردن** جمعیت از گاز اشک‌آور استفاده کند زیرا آن‌ها شروع به تخریب

ماشین‌ها کرده بودند.

* فعل disperse با scatter مترادف است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فرمان دادن ۲- شکست دادن ۴- مشکوک بودن

English Lesson 32

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Graduating with Honor

I met Eileen my brother John's wife, when I was seven. The first time she came for dinner, I loved her immediately. This was back in the days of formal meals. Eileen dropped two peas in her lap. She thought nobody saw. After dinner I told her, "I saw the peas but I won't tell." Thirty one years have passed, and this is the first time I've said anything.

It's okay – she said I could. We were talking on the phone, right around her 50th birthday. She was describing what 50 felt like. For my sisters and me, the natural order of things was High School, College. But Eileen worked while John went through medical school. She went to college afterward but dropped out her junior year. By then she had had babies, and she chose to be a full-time mother. You never saw a happier mom.

Then just a few years ago, Eileen started talking about going back to college. So she signed up for two courses at the college she had left 18 years before. She got books, tests and assignments. She thought, "*There is no way I can do this.*"

Last spring she graduated. She said that she hadn't been this happy since she was 19. The happiness, she explained, was only incidentally about a college degree. She told me about her sons, Joe and John, cooking dinner while she was off at class. About her daughter, Alyson, cleaning the house so mom could study. About her husband, John, tutoring her in chemistry.

Because of her family, not despite it, she made it. And this circle of give and take has made 50 the greatest age to be.

B Comprehension Check

1. What did Eileen do after high school?

- | | |
|-------------------------|--------------------------------|
| 1) She went to college. | 2) She started medical school. |
| 3) She had babies. | 4) She started working. |

2. Eileen described being 50 as the happiest age because

- | | |
|---------------------------------------|--|
| 1) she started college by then. | 2) she chose to be a full-time mother. |
| 3) she continued her college studies. | 4) she finally graduated. |

3. Which sentence is not true?

- 1) Eileen went to college immediately after she got married.
- 2) John gave credit for his wife's studies at a college.
- 3) Eileen was able to continue her studies because her family approved of it.
- 4) Eileen was really happy about being a full-time mother.

Part II

Vocabulary Test

1. John began to practice medicine as soon as he from medical university.

- | | | | |
|---------------|----------------|--------------|--------------|
| 1) classified | 2) dropped out | 3) graduated | 4) signed up |
|---------------|----------------|--------------|--------------|

2. We all completely of the way the celebrations had been organized.

- | | | | |
|-------------|--------------|----------------|--------------|
| 1) approved | 2) satisfied | 3) recommended | 4) estimated |
|-------------|--------------|----------------|--------------|

3. With her outstanding grades in her studies and wonderful ability in sports, she was a for her school.

- | | | | |
|-----------|---------|----------|-----------|
| 1) degree | 2) sign | 3) limit | 4) credit |
|-----------|---------|----------|-----------|

4. It was absolutely an unbelievable for the young artist to have one of his paintings hanging in the National Museum.

- | | | | |
|----------|-----------|-----------|----------|
| 1) field | 2) effort | 3) degree | 4) honor |
|----------|-----------|-----------|----------|

5. When we asked them to join us for voluntary work over the weekend, they accepted it with the greatest interest and

- | | | | |
|-------------|---------------|----------------|----------------|
| 1) creation | 2) discomfort | 3) certificate | 4) willingness |
|-------------|---------------|----------------|----------------|

6. About ninety percent of our students graduate from university with degrees. Unfortunately, the remaining ten percent after their first year.

- | | | | |
|-------------|------------|------------|-----------|
| 1) drop out | 2) sign up | 3) run out | 4) set up |
|-------------|------------|------------|-----------|

7. When you for something, you arrange to do a particular course of study by adding your name to the list of people doing it.

- | | | | |
|------------|--------------|------------|-------------|
| 1) sign up | 2) stand for | 3) back up | 4) look for |
|------------|--------------|------------|-------------|

8. Judging from your school report, all your teachers are well with your progress.

- 1) formal 2) willing 3) satisfied 4) accurate

9. She had been too ill to attend school so he studied at home with a private

- 1) graduation 2) tutor 3) degree 4) lecture

10. This built-in safety device is designed to for any fall in water pressure.

- 1) disperse 2) approve 3) exchange 4) compensate

۳۲ **بررسی واژگان درس** word study

afterward	بعد از آن	* honor	افتخار
* approve	موافق بودن، تأیید کردن	* incidentally	ضمناً، اتفاقاً
assignment	مشق، تکلیف	junior	دانشجوی سال سوم
circle	چرخه	lap	چین دامن
* compensate	جبران کردن	* marry	ازدواج کردن با
* credit	اعتبار، افتخار، باور	mom	مادر
* degree	مدرک تحصیلی	pea	نخود فرنگی
despite	علیرغم	restart	دوباره شروع کردن
drop out	ترک (تحصیل) کردن	* satisfied	راضی
* formal	رسمی	* sign up	ثبت نام کردن
go through	تجربه کردن، چک کردن، گذشتن از	* tutor	تدریس (خصوصی) کردن، معلم خصوصی
* graduate	فارغ التحصیل شدن	willingness	میل، اشتیاق

پاسخ سوالات درس ۳۲

معنی متن:



فارغ التحصیل شدن با افتخار

من وقتی هفت ساله بودم، آیلین را که همسر برادرم بود دیدم. اولین باری که برای شام پیش ما آمد به سرعت به او علاقمند شدم. این مربوط به گذشته و روزهایی است که صرف غذا امری رسمی بود. موقع غذا دو عدد نخودفرنگی روی دامن آیلین افتاد و او فکر کرد که کسی او را ندیده است. بعد از شام به او گفتم: «من نخودها را دیدم ولی این موضوع را به کسی نخواهم گفت». اکنون سی و یک سال از آن ماجرا گذشته است و این اولین باری است که من راجع به این موضوع چیزی می‌گویم.

اشکالی ندارد – او گفت می‌توانم بگویم. وقتی درست حول و حوش تولد ۵۰ سالگی‌اش داشتیم با او صحبت می‌کردم، این را به من گفت. او داشت برایم تشریح می‌کرد که رسیدن به سن ۵۰ سالگی چه حسی دارد. برای من و خواهرانم ترتیب معمول رخدادهای زندگی رفتن به دبیرستان و سپس کالج بود. اما آیلین زمانی که جان به دانشکده‌ی پزشکی می‌رفت، کار می‌کرد. سپس او به کالج رفت ولی در سال سوم ترک تحصیل کرد. در آن موقع بچه‌دار شده بود و تصمیم گرفت که مادری تمام وقت باشد. شما نمی‌توانستید مادری شادتر از او ببینید.

اما درست چند سال پیش آیلین شروع به صحبت راجع به برگشتن به کالج کرد. بنابراین او در دو درس در کالژی که هجده سال پیش آن‌را ترک کرده بود ثبت نام کرد. او کتاب‌های مورد نیاز را تهیه کرد و آزمون‌هایی داد و تکالیفی برای انجام دادن داشت. او با خود فکر می‌کرد که به هیچ طریقی نمی‌تواند از عهده‌ی آن برآید.

او در بهار گذشته فارغ‌التحصیل شد. او گفت از موقعی که نوزده ساله بوده تا حالا این قدر خوشحال نبوده است. او توضیح داد که این خوشحالی به طور ضمنی به خاطر اخذ مدرک از کالج بوده است. او راجع به پسرانش، جو و جان، گفت که آن‌ها وقتی او سرکلاس بود، شام می‌پختند. راجع به دخترش آلیسون گفت که او خانه را تمیز می‌کرد تا مادرش بتواند درس بخواند و در مورد همسرش، جان، که به او شیمی درس می‌داد. به خاطر همکاری خانواده‌اش و نه مشکل تراشی آن‌ها، او موفق شد. و به خاطر این چرخه‌ی همکاری بود که ۵۰ سالگی‌اش بهترین سال زندگی‌اش شد.

۳ – گزینه‌ی (۱)

۲ – گزینه‌ی (۴)

۱ – گزینه‌ی (۴)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: جان به محض این‌که از دانشکده‌ی پزشکی فارغ‌التحصیل شد شروع به کار طبابت کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ – طبقه‌بندی کردن ۲ – ترک (تحصیل) کردن (با of می‌آید) ۳ – ثابت نام کردن

۲- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ما کاملاً طریقه‌ی سازماندهی آن جشن‌ها را پسندیدیم.

* فعل approve که معمولاً بعد از آن حرف اضافه‌ی of می‌آید به معنی «تأیید کردن، موافق بودن، پسندیدن» است. متضاد آن disapprove و اسم آن

approval (تأیید، تصویب) است:

I don't approve of smoking.

من سیگار کشیدن را نمی‌پسندم.

۴ – تخمین زدن

۳ – توصیه کردن

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ – راضی کردن

۳- گزینه‌ی (ع) معنی جمله: او با داشتن نمراتی برجسته در درس‌هایش و همچنین مهارتی عالی در ورزش، مایه‌ی افتخار مدرسه‌اش بود (صفت

outstanding یعنی «برجسته، عالی».)

* معانی مهم credit عبارتند از: «اعتبار، افتخار، مایه‌ی افتخار و اعتبار»:

credit card

کارت اعتباری

We both made the machine, but Jame was given the credit for it.

ما هر دو با هم آن ماشین را ساختیم ولی افتخار آن فقط نصیب جیم شد.

۳ - حد، محدوده

۲ - نشانه

۱ - درجه، مدرک

۴- گزینه‌ی (ع) معنی جمله: برای آن هنرمند جوان این موضوع که یکی از نقاشی‌هایش در موزه‌ی ملی آویخته می‌شد، قطعاً افتخاری باور نکردنی به

حساب می‌آمد.

* اسم honor یعنی «افتخار، شرافت»:

with honors

با نمره ممتاز

Would you do me the honor of having lunch with me?

ممکن است به من افتخار بدهید و نهار را با من صرف کنید؟

۳ - درجه، مدرک

۲ - تلاش

۱ - زمین، حوزه

۵- گزینه‌ی (ع) معنی جمله: وقتی از آن‌ها خواستیم برای انجام کارهای داوطلبانه در آخر هفته به ما ملحق شوند آن‌ها دعوتمان را با نهایت اشتیاق و

علاقه پذیرفتند.

* اسم willingness (اشتیاق، علاقه) با صفت willing هم‌خانواده است.

Mary's willingness to help others is one of her best qualities.

اشتیاق ماری برای کمک به دیگران یکی از بهترین ویژگی‌های اوست.

۳ - مدرک

۲ - ناراحتی

۱ - خلق، آفرینش

۶- گزینه‌ی (ا) معنی جمله: حدود نود درصد از دانشجویان ما با کسب مدرک از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند. متأسفانه ده درصد باقیمانده بعد از اولین

سال حضورشان ترک تحصیل می‌کنند.

* drop out یعنی «بول کردن و ترک کردن مدرسه، دانشگاه، یک مسابقه و ...»:

His injury forced him to drop out of the competitions.

آسیب دیدگی‌اش او را مجبور کرد که از رقابت‌ها کناره‌گیری کند.

۴ - تأسیس کردن

۳ - تمام کردن

۲ - ثبت نام کردن

۷- گزینه‌ی (ا) معنی جمله: وقتی شما برای چیزی ثبت نام می‌کنید بدین معنی است که شما برای سپری کردن یک دوره‌ی آموزشی خاص با اضافه

کردن اسمتان به لیست افرادی که (مثل شما) می‌خواهند آن‌را انجام دهند، اقدام می‌کنید.

۴ - جستجو کردن

۳ - پشتیبانی کردن

۲ - نشان‌دهنده‌ی چیزی بودن

۸- گزینه‌ی (ب) معنی جمله: اگر از روی گزارش مدرسه‌ات (کارنامه‌ات) بخواهم قضاوت کنم همه‌ی معلمات از پیشرفتت راضی هستند.

۴ - دقیق

۲ - مشتاق

۱ - رسمی

۹- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: او مریض‌تر از آن بود که بتواند به مدرسه برود بنابراین با یک معلم خصوصی در منزل درس می‌خواند (فعل attend یعنی

«حاضر شدن در جایی، رفتن به جایی»).

* کلمه‌ی tutor هم یک فعل به معنی «تدریس (خصوصی) کردن» است و هم یک اسم به معنی «تدریس (خصوصی)».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فارغ‌التحصیلی ۳- درجه، مدرک ۴- کنفرانس

۱۰- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: این وسیله‌ی ایمنی که درون دستگاه قرار داده شده است به این منظور طراحی شده است که هرگونه کاهش فشار آب را به

وضع طبیعی برگرداند.

* فعل compensate یعنی «جبران کردن، به وضع طبیعی برگرداندن». اسم آن compensation (جبران، غرامت) می‌باشد:

ضرری را جبران کردن compensate a loss

She demanded compensation from the company for the injury she had suffered while working there.

او از آن شرکت به خاطر صدمه‌ای که حین کار در آن‌جا دیده بود درخواست غرامت کرد (فعل demand یعنی «تقاضا کردن»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- متفرق کردن ۲- تأیید کردن ۳- مبادله کردن

English Lesson 33

Part I

Reading Comprehension

A Reading

History of Earthquake Study

Questions regarding the nature of earthquakes have occupied the minds of people living in earthquake-prone areas since ancient times. Some of the ancient Greek philosophers attributed quakes to underground winds, whereas others blamed them on fires in the depth of the earth. Around A.D. 130 the Chinese scholar Ghang Heng, reasoning that waves must ripple through the earth from the source of an earthquake, constructed an elaborate bronze vessel to record the passage of such waves. Eight balls were delicately balanced in the mouth of eight dragons placed around the circumference of the vessel; a passing earthquake wave would cause one or more of the balls to drop.

Earthquake waves were observed in this and other ways for centuries, but more scientific theories about the causes of quakes were not proposed until modern times. One such concept was advanced in 1850 by the Irish engineer Robert Mallet. Perhaps drawing on his knowledge of the strength and behavior of construction materials subjected to strain, Mallet proposed that earthquakes occurred "either by sudden bending and constraint of elastic materials forming a portion of the earth's crust or by their giving way and becoming fractured."

Later, in 1870s the English geologist John Milne devised a forerunner of today's earthquake-recording device, or seismograph. A simple pendulum and needle suspended above a smoked-glass plate, it was the first instrument to allow discrimination of primary and secondary earthquake waves. The modern seismograph was invented in the early 20th century by the Russian seismologist Prince Boris Golitzyn. His device, using a magnetic pendulum suspended between the poles of an electromagnet, ushered in the modern era of earthquake research.

B Comprehension Check

1. Ancient Greek philosophers attributed quakes to

- | | |
|--|--|
| 1) the waves which rippled through the earth | 2) winds and fires in the depth of the earth |
| 3) the sudden bending of the elastic materials | 4) the fracturing of the crust |

2. Robert Mallet studied

- | | |
|--|---|
| 1) the fires in the depth of the earth | 2) the earth's crust and its fractures |
| 3) the strength and behavior of construction materials | 4) on the first instrument for recording earthquake waves |

3. The first modern earthquake device

- 1) was designed and produced in China
- 2) consisted of a simple pendulum and needle
- 3) was able to discriminate primary and secondary waves
- 4) had a magnetic pendulum

4. This passage is trying to explain

- 1) the earthquake recording devices
- 2) the origin of earthquakes
- 3) recent scientific theories about the causes of earthquake
- 4) how earthquake studies have developed during the human history

Part II

Vocabulary Test

1. They a new plan to reduce air pollution in the city but it wasn't successful.

- | | | | |
|---------------|------------|-------------|----------------|
| 1) attributed | 2) devised | 3) equipped | 4) compensated |
|---------------|------------|-------------|----------------|

2. Many local publishers their newspapers directly to the homes in their area.

- | | | | |
|---------------|-----------|------------|---------|
| 1) distribute | 2) revise | 3) produce | 4) edit |
|---------------|-----------|------------|---------|

3. As a general rule, the closer a region is to the, the warmer its climate will be.

- | | | | |
|-------------|------------|------------|---------------|
| 1) diameter | 2) feature | 3) equator | 4) hemisphere |
|-------------|------------|------------|---------------|

4. If you cannot make a(n) between these colors, perhaps you'd better see an eye-doctor.

- | | | | |
|----------------|------------|---------------|---------------|
| 1) distinction | 2) concept | 3) distortion | 4) constraint |
|----------------|------------|---------------|---------------|

5. Your failure can be to the fact that you didn't do any work.

- | | | | |
|------------|-------------|---------------|---------------|
| 1) emerged | 2) proposed | 3) distressed | 4) attributed |
|------------|-------------|---------------|---------------|

6. There is strong evidence to prove that there are many harmful of smoking cigarettes.

- | | | | |
|-----------------|-------------|--------------|-----------------|
| 1) consequences | 2) portions | 3) sequences | 4) descriptions |
|-----------------|-------------|--------------|-----------------|

7. It is difficult for many people to accept the that all individuals should have equal rights.

- | | | | |
|-------------|-----------|--------------|------------|
| 1) solution | 2) effort | 3) appraisal | 4) concept |
|-------------|-----------|--------------|------------|

- 8. This picture has been badly It should be nearer the light and lower.**
 1) hung 2) dropped 3) drawn 4) tied
- 9. To discuss all the matters further, I that we have a meeting tomorrow.**
 1) predict 2) propose 3) provide 4) prepare
- 10. Cindy was determined to find the of the stories circulating about her in the office.**
 1) origin 2) possibility 3) instance 4) conclusion
- 11. My stomach is starting to I ought to get more exercise.**
 1) lift 2) bulge 3) stick 4) ripple
- 12. A(n) object has got the ability to return to its original size after being stretched.**
 1) elaborate 2) delicate 3) elastic 4) distorted
- 13. The agreement a new period of peace and friendship for the two countries.**
 1) ushered in 2) dropped out 3) backed away 4) brought up
- 14. I'd rather take the next bus because all the seats on this one are**
 1) included 2) occupied 3) involved 4) equipped
- 15. People with fair skin who sunburn easily are very to develop skin cancer.**
 1) advanced 2) prone 3) real 4) slight
- 16. Water shortage in this desert area will be the main on its development.**
 1) portion 2) action 3) dimension 4) constraint
- 17. It is possible to remove solid particles floating in the water through certain procedures.**
 1) occupied 2) suspended 3) restricted 4) dissolved
- 18. Tom suffered several major when he fell off the ladder onto the floor.**
 1) symptoms 2) instances 3) treatments 4) fractures
- 19. Using instruments, the astronomers were able to determine the exact temperature of three areas of the sun's surface.**
 1) spherical 2) temporary 3) elaborate 4) restricted
- 20. The girl was for the accident because she was driving too fast.**
 1) blamed 2) admitted 3) offended 4) exposed
- 21. His grandfather devised a machine which, in some respects, was the of modern helicopter.**
 1) device 2) forerunner 3) proposal 4) equipment
- 22. Look, this is a rather matter. Tom can't afford to go on the trip and I like to offer to pay for him, but I'm worried that he might be offended.**
 1) delicate 2) original 3) previous 4) primary
- 23. Unfortunately, our boss is incapable of between a good idea and a terrible one.**
 1) distributing 2) discriminating 3) distorting 4) disapproving
- 24. You must be aware that traveling alone in that area could you to many dangers.**
 1) subject 2) occupy 3) suspect 4) offend

- 25. Careful with that open tin. It's got a very sharp**
1) origin 2) particle 3) edge 4) concept
- 26. All the bridges on the river threatened to as the flood waters rose.**
1) draw on 2) fill in 3) top up 4) give way
- 27. What John said was a clear of the truth because he wanted to place the blame on his brother.**
1) distortion 2) discrimination 3) distinction 4) distribution
- 28. Actually your body its reserves of fat during the times when you are fasting.**
1) brings about 2) carries out 3) draws on 4) sets up
- 29. There is a spiritual in his latest song which distinguishes it from his other works.**
1) circumference 2) territory 3) welfare 4) dimension
- 30. He devoted a fairly considerable of his life to helping the disabled children.**
1) pressure 2) option 3) particle 4) portion
- 31. Due to long-range missiles and atomic bombs, no place on earth is truly**
1) secure 2) prone 3) equal 4) invasive

word study بررسی واژگان درس ۳۳

advance	تکامل دادن، پیشرفت کردن	forerunner	مقدمه، پیش درآمد، پیشرو
astronomer	ستاره شناس	fracture	شکستن
* attribute	نسبت دادن	give way	فرو ریختن، شکستن
* blame	سرزنش کردن	* hang	آویزان کردن
bulge	برجستگی، برآمدگی	hemisphere	نیمکره
* circumference	محیط	needle	سوزن
* concept	مفهوم، ایده، نظریه	* occupy	اشغال کردن
* consequence	پیامد، عاقبت	* origin	منشاء، ابتدا
constraint	اجبار، فشار، زور، محدودیت	* originally	در ابتدا، در اصل
construct	ساختن، بنا کردن	passage	گذرگاه، راه
* continent	قاره	philosopher	فیلسوف
* delicately	به آرامی، به نرمی	pendulum	پاندول، آونگ
device	وسیله	prince	شاهزاده
* devise	ابداع کردن	* portion	بخش، قسمت
* diameter	قطر	* previous	قبلی، سابق
* dimension	بُعد، اندازه	* prone	مستعد، حساس
* discrimination	تمایز، افتراق	* propose	پیشنهاد کردن
* distinction	تمایز، افتراق	regarding	درباره‌ی
* distinguish	شناختن، افتراق دادن	ripple	موج زدن، موج بودن
distorsion	تغییر شکل، بدشکلی	* scholar	محقق، دانشمند
* distress	فشار روحی	* secure	ایمن، امن
* distribute	توزیع کردن	seismograph	زلزله‌نگار
dragon	اژدها	* slight	مختصر، جزئی
draw on	استفاده کردن از	sphere	کره، گوی
* edge	لبه، کناره، حاشیه	subject to	دچار کردن، در معرض چیزی قرار دادن
* elaborate	مفصل، پیچیده	* suspend	معلق کردن (بودن)، آویزان کردن
elastic	ارتجاعی، انعطاف‌پذیر	vessel	(در این درس) ظرف
* equator	استوا	usher in	باعث آغاز چیزی شدن
* feature	ویژگی، مشخصه	wave	موج

پاسخ سوالات درس ۳۳

A معنی متن:

تاریخچه‌ی مطالعه درباره‌ی زمین لرزه

از زمان‌های دور پرسش‌های مربوط به ماهیت زمین لرزه ذهن مردمی را که در مناطق مستعد به زمین لرزه زندگی می‌کرده‌اند به خود مشغول کرده است. بعضی از فیلسوفان یونان باستان علت زمین لرزه‌ها را به بادهای زیرزمینی نسبت می‌دادند در حالی که بقیه وجود آتشی در اعماق زمین را مسوول آن می‌دانستند. در حدود سال ۱۳۰ بعد از میلاد دانشمندی چینی به نام چانگ هنگ با این استدلال که امواج لرزه از کانون آن درون زمین به صورت موجی حرکت می‌کنند، ظرفی (وسیله‌ای) پیچیده از جنس برنز ساخت که بتواند عبور چنین امواجی را مشخص کند. هشت گلوله با دقت در دهان هشت اژدها به طور متعادل در محیط آن ظرف قرار داده شده بودند که هر موج زمین لرزه‌ای که از آن‌جا عبور می‌کرد باعث شود یکی یا چند تا از گلوله‌ها به زمین بیفتند. امواج زمین لرزه‌ها طی قرن‌ها طبق این روش و روش‌هایی دیگر مورد مشاهده و بررسی قرار گرفته‌اند ولی تئوری‌های علمی‌تر در مورد علل زمین لرزه تا همین اواخر پیشنهاد نشده بودند. یکی از این نظریات علمی در سال ۱۸۵۰ توسط مهندسی ایرلندی به نام رابرت مالت تکامل یافت. شاید او با استفاده از دانش خود در زمینه‌ی استحکام و عملکرد مصالح ساختمانی که در معرض کشش قرار می‌گیرند، توانست این نظریه را پیشنهاد دهد که: «علت وقوع زمین لرزه‌ها یا خم شدن و فشار ناگهانی مواد ارتجاعی تشکیل دهنده‌ی بخشی از پوسته‌ی زمین است یا در اثر فروریختن و شکسته شدن این مواد». بعد از آن در دهه ۱۸۷۰ یک زمین شناس انگلیسی به نام جان میلن وسیله‌ای ابداع کرد که مقدمه‌ای بود برای (ساخت) دستگاه لرزه نگار مدرن امروزی. این دستگاه که تشکیل شده بود از یک پاندول ساده و یک سوزن که بالای یک صفحه‌ی با شیشه‌ی دودی آویزان شده بودند، اولین دستگاهی بود که قادر به افتراق امواج اولیه از امواج ثانویه‌ی یک زمین لرزه بود. لرزه نگار مدرن و امروزی در اوایل قرن بیستم توسط زلزله شناس روسی شاهزاده بوریس گولیتزین اختراع شد. وسیله‌ی اختراع شده توسط او که از یک پاندول مغناطیسی که بین دو قطب یک آهنربای الکتریکی آویزان شده بود استفاده می‌کرد، آغاز کننده‌ی عصر مدرن تحقیقات درباره‌ی زمین لرزه‌ها بود.

۴ - گزینه‌ی (۴)

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۱ - گزینه‌ی (۲)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: آن‌ها طرحی جدید برای جلوگیری از آلودگی هوا در شهر ابداع کردند ولی این طرح موفق نبود.

* فعل devise یعنی «ابداع کردن یک وسیله یا یک طرح، اختراع کردن»:

They devised a new method of reserving vitamins in foods. آن‌ها شیوه‌ای جدید برای حفظ کردن ویتامین در غذا ابداع کرده‌اند.

۴ - جبران کردن

۳ - مجهز کردن

۱ - نسبت دادن

۲- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: بسیاری از انتشاراتی‌های محلی در منطقه‌ی خودشان روزنامه‌هایشان را مستقیماً به منازل توزیع می‌کنند.

* distribute یعنی «توزیع کردن، پخش کردن»:

The teacher distributed the test papers to the students. معلم برگه‌های آزمون را بین دانش‌آموزان توزیع کرد.

۴ - ویرایش کردن

۳ - تولید کردن

۲ - بازنگری کردن، مرور کردن

۳- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** به عنوان یک قانون کلی، هر چه یک منطقه به **استوا** نزدیک‌تر باشد، آب و هوای آن گرم‌تر خواهد بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- قطر ۲- ویژگی، مشخصه ۳- نیمکره ۴- نیمکره

۴- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** اگر نمی‌توانی بین این رنگ‌ها **افتراق** قائل شوی (آن‌ها را از هم تشخیص دهی)، شاید بهتر باشد که پیش یک چشم

پزشک بروی.

* distinction به معنی «تشخیص، افتراق، تمایز» است. هم‌خانواده‌ی مهم آن صفت distinct به معنی «واضح، مشخص، متمایز، متفاوت» است.

There has been a distinct improvement in his work.

پیشرفت واضحی در کار او وجود داشته است.

I distinctly remember telling you.

به وضوح یادم هست که آن مطلب را به تو گفته‌ام.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مفهوم، مضمون ۳- کج بودن، بدشکلی ۴- اجبار، فشار، محدودیت

۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** عدم موفقیت را می‌توان به این علت **است** که تو هیچ کاری (تلاشی) انجام نداده‌ای.

* attribute sth to sb/sth یعنی «نسبت دادن و ربط دادن چیزی به کسی یا چیزی، چیزی را عامل و علت چیزی دانستن»:

He attributed his success to hard work.

او موفقیتش را به تلاش زیادش نسبت داد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نمایان شدن ۲- پیشنهاد دادن ۳- ناراحت کردن

۶- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** شواهد محکمی وجود دارد که ثابت می‌کند سیگار کشیدن **عواقب** زیان‌بار بسیاری دارد. (اسم غیرقابل شمارش

evidence یعنی «شواهد، مدارک».)

* اسم consequence یعنی «پیامد، نتیجه، عاقبت»:

As a consequence of being ill, he missed the match.

او در نتیجه‌ی (به خاطر) بیمار بودن، مسابقه را از دست داد.

هم‌خانواده‌های مهم این اسم عبارتند از صفت consequent (متعاقب)، قید consequently (در نتیجه):

the warming of the earth and the consequent climatic changes

پدیده‌ی گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوایی متعاقب (به دلیل) آن

She didn't study enough and consequently failed the exam.

او به اندازه‌ی کافی درس نخواند و در نتیجه در امتحان مردود شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- قسمت، بخش ۳- توالی، سلسله ۴- توصیف

۷- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** برای بسیاری از مردم پذیرش این **مفهوم (نظریه)** که همه‌ی افراد باید دارای حقوقی برابر باشند، دشوار است

* concept یعنی «مفهوم، مضمون، ایده، نظر، نظریه»:

the basic concepts of physics

مفاهیم پایه‌ی فیزیک

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- راه حل ۲- تلاش ۳- ارزیابی، سنجش

۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** این عکس **بد آویزان شده است**. باید نزدیک‌تر به چراغ و پایین‌تر نصب شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- انداختن ۳- طراحی کردن ۴- بستن، گره‌زدن

۹- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** برای این که بتوانیم درباره‌ی این موضوعات بیش‌تر بحث و گفتگو کنیم، **پیشنهاد می‌کنم** فردا جلسه‌ای داشته باشیم.

* propose یعنی «پیشنهاد دادن». اسم آن proposal (پیشنهاد) است:

He accepted our proposal.

او پیشنهاد ما را پذیرفت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پیش‌بینی کردن ۳- فراهم کردن ۴- آماده کردن

۱۰- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** سبندی مصمم بود تا **منشاء** داستان‌هایی را که درباره‌ی او در محیط اداره پخش می‌شد، پیدا کند.

* origin یعنی «منشاء، مبدأ، اصل»؛ صفت آن original (اصلی، ابتدایی، اولیه) است.

Many English words are of Latin origin.

بسیاری از کلمات زبان انگلیسی منشاء لاتین دارند.

This one is original, not a copy.

این یکی نسخه‌ی اصلی است نه یک کپی.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- احتمال ۳- مورد، نمونه ۴- نتیجه‌گیری

۱۱- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** شکم شروع به برآمده شدن کرده است. باید بیش تر ورزش کنم.

* فعل bulge به معنی «بیرون زدن، برآمده بودن، پر از چیزی بودن» و مترادف با فعل stick out است.

bulging eyes

چشم‌های بیرون زده (ورقلمبیده!)

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - بلند کردن ۳ - چسباندن ۴ - مواج بودن

۱۲- **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** یک جسم ارتجاعی دارای این قابلیت است که بعد از کشیده شدن به اندازه‌ی اولیه‌ی خود باز گردد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پیچیده ۲ - ظریف، حساس ۴ - کج، بدشکل

۱۳- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** آن توافق باعث آغاز شدن دوره‌ی جدیدی از صلح و دوستی بین آن دو کشور شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ترک کردن (تحصیل، مسابقه) ۳ - عقب کشیدن ۴ - بزرگ کردن بچه

۱۴- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** ترجیح می‌دهم سوار اتوبوس بعدی بشوم زیرا تمام صندلی‌های این اتوبوس اشغال (پر) شده است.

* فعل occupy یعنی «اشغال کردن، سکونت کردن، جایی را پر کردن»:

The Smith family has occupied this farm for over a hundred years.

خانوادگی اسمیت بیش تر از صدسال است که در این مزرعه سکونت کرده‌اند.

The region was quickly occupied by foreign soldiers.

آن منطقه به سرعت توسط سربازان خارجی اشغال شد.

* توجه داشته باشید اسم occupation بیش تر به معنی «شغل» به کار می‌رود:

Please give your name, address, and occupation.

لطفاً اسم، آدرس و شغل خود را بگویید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - شامل شدن، گنجانیدن ۳ - درگیر کردن ۴ - مجهز کردن

۱۵- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** افراد دارای پوست روشن که به آسانی دچار آفتاب سوختگی می‌شوند به شدت در معرض ابتلا به سرطان پوست هستند.

* prone to یعنی «مستعد و در معرض چیزی بد بودن»:

The coastal region is prone to earthquakes.

ناحیه‌ی ساحلی در معرض خطر بروز زمین لرزه است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پیشرفته ۳ - واقعی ۴ - خفیف، جزئی

۱۶- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** کمبود آب در این منطقه‌ی بیابانی بزرگ‌ترین محدودیت بر سر راه پیشرفت آن خواهد بود.

* اسم constraint یعنی «فشار، زور، اجبار، محدودیت، تنگنا»:

We cancelled the trip because of (financial) constraint.

ما آن سفر را به خاطر محدودیت (مشکلات) مالی لغو کردیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - بخش ۲ - اقدام ۳ - بعد

۱۷- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** جدا کردن ذرات ریز معلق در آب که در آن شناورند توسط روش‌هایی خاص امکان‌پذیر است.

* فعل suspend یعنی «آویزان کردن، معلق بودن (در یک مایع)، معلق کردن (یک شخص از کار)، به حالت تعلیق درآوردن»:

The lamp was suspended from the ceiling.

لامپ از سقف آویزان بود.

We suspended the work during the rain.

ما در مدتی که باران می‌آمد کار را به حالت تعلیق درآوردیم (متوقف کردیم).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - اشغال شده ۳ - محدود شده ۴ - حل شده

۱۸- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** وقتی تام از بالای نردبان روی زمین افتاد دچار چندین شکستگی عمده شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - علامت بیماری ۲ - مورد، نمونه ۳ - درمان

۱۹- **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** اخترشناسان با استفاده از وسایلی پیچیده قادر به تعیین درجه‌ی حرارت دقیق سه ناحیه در سطح خورشید شده‌اند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - گروهی ۲ - موقتی ۴ - محدود

۲۰- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** آن دختر در مورد آن تصادف مقصر شناخته شد برای این که داشت خیلی تند رانندگی می‌کرد.

* blame یعنی «مقصر دانستن، تقصیر داشتن، تقصیر»:

He is to blame for our loss.

شکست ما تقصیر اوست.

take the blame for sth

تقصیر چیزی را به گردن گرفتن و پذیرفتن

۴ - در معرض چیزی قرار دادن

۳ - ناراحت کردن

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - پذیرفتن

۲۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: پدربزرگ او ماشینی اختراع کرد که از برخی جهات، **جدّ** (پیشرو) هلی‌کوپترهای امروزی بود.

۴ - تجهیزات، وسایل

۳ - پیشنهاد

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - وسیله

۲۲- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ببین، این موضوع نسبتاً **حساسی** است. تام استطاعت مالی آمدن به سفر را ندارد و من می‌خواهم به او پیشنهاد کنم که

پولش را پرداخت کنم ولی می‌ترسم که از این کار ناراحت شود.

* delicate یعنی «لطیف، ظریف، حساس، ملایم، شکننده»:

delicate skin

پوست لطیف و حساس

This is a very delicate operation.

این عمل بسیار حساسی است.

۴ - ابتدایی، اصلی

۳ - گذشته، سابق

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ابتدایی، اصلی

۲۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: متأسفانه رئیس ما قادر نیست بین یک ایده‌ی خوب از یک ایده‌ی بسیار بد **فرق بگذارد**.

* فعل discriminate یعنی «تشخیص دادن، افتراق دادن، فرق گذاشتن، تبعیض قائل شدن». اسم discrimination هم یعنی «افتراق، تمایز، تبعیض»:

They believe the law discriminates against women.

آن‌ها عقیده دارند قانون بر ضد زنان تبعیض قائل می‌شود.

۴ - بد دانستن، نپسندیدن

۳ - بدشکل شدن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - توزیع کردن

۲۴- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: شما باید آگاه باشید که تنها سفر کردن در آن ناحیه ممکن است شما را **گرفتار** خطرات بسیاری کند.

* فعل subject که با حرف اضافه‌ی to دنبال می‌شود به معنی «دچار کردن، گرفتار کردن، در معرض چیزی قرار دادن» است. در ضمن این کلمه در نقش

صفت (به معنی «در معرض، دستخوش، تابع، مطیع») هم به کار می‌رود:

I am subject to colds.

من مستعد سرماخوردگی هستم (به راحتی سرما می‌خورم).

۴ - ناراحت کردن

۳ - مشکوک بودن

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - اشغال کردن

۲۵- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: مواظب آن قوطی باز شده باش. لبه‌ی خیلی تیزی دارد.

* edge به معنی «لبه‌ی یک جسم تیز مثل چاقو و ...، کناره و حاشیه‌ی چیزی» است:

He was standing on the water's edge.

او لب آب ایستاده بود.

They built the church on the edge of the village.

آن‌ها آن کلیسا را در حاشیه‌ی روستا ساختند.

۴ - مفهوم

۲ - ذره

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - منشاء، مبدأ

۲۶- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: تمام پل‌های آن رودخانه با بالا آمدن آب سیلاب در معرض خطر **فروریختن** بودند.

* از معانی give way عبارت است از: «فرو ریختن، در هم شکستن، تسلیم شدن»:

The President finally gave way to the public pressure.

رئیس جمهور سرانجام تسلیم فشار عمومی شد.

۳ - پر کردن (مايع)، افزایش دادن

۲ - پر کردن یک فرم

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - استفاده کردن

۲۷- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: چیزی که جان گفت **تحریف** واضحی از واقعیت بود زیرا او می‌خواست تقصیر را به گردن برادرش بیندازد.

* distortion یعنی «بدشکلی، کجی و انحراف، تحریف (واقعیت) و ...»:

Children were amused at the mirrors which distorted their shapes.

بچه‌ها با آینه‌هایی که شکلشان را کج و معوج می‌کرد سرگرم شده بودند.

۴ - توزیع

۳ - تمایز

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - فرق، تمایز

۲۸- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: در واقع بدن شما در مواقعی که روزه می‌گیرید از ذخایر چربی‌اش استفاده می‌کند (reserve یعنی «ذخیره»).

* draw on در این درس به معنی «استفاده کردن» به کار رفته است:

As an actor, you sometimes draw on your own life experiences.

به عنوان یک بازیگر گاهی از تجارب زندگی واقعی خودتان (در ایفای نقش) استفاده می‌کنید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- باعث شدن ۲- انجام دادن ۳- تأسیس کردن، برپا کردن

۲۹- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در آخرین آهنگ او بعد (جنبه) ای معنوی وجود دارد که آنرا از سایر کارهایش متمایز می‌کند.

* dimension یعنی «بعد، اندازه، جنبه»:

Let's measure the dimensions of this room.

بیا ابعاد (طول و عرض) این اتاق را اندازه بگیریم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- محیط ۲- ناحیه، قلمرو ۳- رفاه

۳۰- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: او بخش قابل توجهی از عمرش را صرف کمک به بچه‌های معلول کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فشار ۲- انتخاب ۳- ذره

۳۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: به خاطر وجود موشک‌های دور برد و بمب‌های اتمی هیچ مکانی روی زمین واقعاً ایمن نیست.

* secure یعنی «امن، ایمن» و مترادف با safe است. insecure متضاد آن و security (حفاظت، امنیت) اسم آن می‌باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- حساس به، در معرض ۳- مساوی ۴- تهاجمی

English Lesson 34

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Computers

A computer is a machine that is able to handle information very quickly. Computers use numbers to solve problems. Hundreds of problems can be solved in just a few seconds. The information that is needed to solve a problem is translated into numbers by the computer. The computer solves the problem and then the answer is translated into words.

Special machines are used to put information and instruction into the computer. The computer records the information and stores it. A large amount of information can be stored in a very small space. This information is stored in the computer's memory unit. This unit holds the information. The arithmetic unit uses the information to solve problems. The memory unit and the arithmetic unit contain most of the electronic parts that make the computer work.

Computers are used in many different ways. Businesses and banks use computers to keep financial records. In many industries computers are used to control other machines that make products. Governments, hospitals, schools and communication companies work with computers. Special computers have been developed for rockets, airplanes, ships and automobiles. Some people have small computer systems in their homes. Because computers have so many uses, the computer industry has become one of the largest industries in the world.

B Comprehension Check

1. The verb "translate" in first paragraph means

- 1) change 2) solve 3) hold 4) save

2. In a computer, solving problems is usually performed in

- 1) a special machine 2) just a few minutes 3) arithmetic unit 4) a large amount of space

3. Which sentence is not true?

- 1) Information is stored in memory unit.
 2) Computers can be used to control machines.
 3) Computers translate problems into words.
 4) Usefulness of computers cannot be denied in modern world.

Part II

Vocabulary Test

1. The goods hadn't been well, and consequently were badly damaged when we received them.

- 1) packed 2) replaced 3) fractured 4) devised

2. According to this contract, your house covers you against fire, flood, theft and damage.

- 1) replacement 2) constraint 3) destruction 4) insurance

3. This year I've decided to all my Christmas cards by hand in order to save money.

- 1) load 2) deliver 3) handle 4) replace

4. Some natural resources, like trees, can be; they will never run out if we keep planting new ones.

- 1) replaced 2) loaded 3) provided 4) gathered

5. The of the truck was inspected by the police before it could cross into the neighboring country.

- 1) unit 2) expense 3) order 4) load

6. He also developed "carrak", which was a slower ship, but one that was capable of carrying more

- 1) cargo 2) discovery 3) value 4) industry

7. Your high-quality products satisfied me. I'll be one of your customers.

- 1) defensive 2) equal 3) expressive 4) loyal

8. As the foreign businessman spoke, John for the audience, trying not to miss a word.

- 1) revised 2) translated 3) discussed 4) expressed

9. If you plan to go to a private college, you'll probably have to apply for aid.

- 1) intimate 2) previous 3) financial 4) ordinary

word study بررسی واژگان درس ۳۴

arithmetic	(علم) حساب	order	سفارش
cargo	محموله، بار (کشتی، هواپیما)	pack	بسته‌بندی کردن
* customer	مشتری	package	بسته
* deliver	تحويل دادن	* product	محصول
* financial	مالی	* replace	جایگزین کردن
handle	مدیریت کردن، از عهده‌ی کاری برآمدن	* satisfy	راضی کردن
* industry	صنعت	ship	(با کشتی) فرستادن
* insurance	بیمه	* translate	ترجمه کردن
load	بار، بار زدن	truck	کامیون
* loyal	وفادار	unit	واحد، قسمت

پاسخ سوالات درس ۳۴

A معنی متن:

رایانه

رایانه ماشینی است که می‌تواند اطلاعات را با سرعتی بسیار زیاد مدیریت کند. رایانه‌ها از اعداد برای حل کردن مسائل استفاده می‌کنند. صدها مسأله فقط در مدت چند ثانیه توسط یک رایانه قابل حل است. اطلاعاتی که برای حل کردن یک مسأله مورد نیاز است توسط کامپیوتر به اعداد ترجمه (تبدیل) می‌شود. سپس کامپیوتر آن مسأله را حل می‌کند و بعد جواب آن را به صورت کلمات ترجمه می‌کند. ماشین‌های خاص برای وارد کردن اطلاعات و دستورالعمل‌ها به رایانه مورد استفاده قرار می‌گیرند. کامپیوتر این اطلاعات را ثبت و ذخیره می‌کند. مقدار زیادی اطلاعات در فضایی اندکی قابل ذخیره می‌باشد. این اطلاعات در واحد حافظه‌ی رایانه ذخیره می‌شود. این قسمت اطلاعات را در خود نگه می‌دارد. واحد حساب‌گر از اطلاعات برای حل مسایل استفاده می‌کند. واحد حافظه و واحد حسابگر حاوی اکثریت بخش‌های الکترونیکی رایانه که باعث کار کردن آن می‌شوند، هستند.

از رایانه‌ها به طرق مختلفی استفاده می‌شود. در تجارت و بانک‌ها از رایانه برای نگهداری اسناد مالی استفاده می‌شود. در بسیاری از صنایع از کامپیوترها برای کنترل ماشین‌های تولید کننده‌ی کالاها استفاده می‌شود. دولت‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و شرکت‌های ارتباطی از کامپیوتر استفاده می‌کنند. رایانه‌های مخصوصی برای موشک‌ها، هواپیماها، کشتی‌ها و اتومبیل‌ها ساخته شده است. بعضی از مردم سیستم‌های رایانه‌ی کوچکی در منازل خود دارند. از آن‌جا که رایانه‌ها کاربردهای بسیار زیادی دارند، صنعت رایانه به یکی از بزرگ‌ترین صنایع در جهان تبدیل شده است.

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۱ - گزینه‌ی (۱)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: اجناس خوب بسته بندی نشده بود و در نتیجه وقتی آن‌ها را تحویل گرفتیم به شدت صدمه دیده بودند.

* فعل pack یعنی «بسته بندی کردن، داخل چمدان یا جعبه‌ای را پر کردن». اسم package هم یعنی «بسته، مجموعه»:

I'll pack my suitcase in the morning.

من چمدانم را صبح خواهم بست.

۴ - ابداع کردن

۳ - شکستن

۲ - جایگزین کردن

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: طبق این قرارداد، بیمه‌ی منزل شما آتش‌سوزی، سیل، سرقت و آسیب فیزیکی آن را پوشش می‌دهد (اسم contract یعنی

«قرارداد رسمی و مکتوب»).

* اسم insurance یعنی «بیمه»:

All the products have been guaranteed by an insurance company.

تمامی محصولات توسط یک شرکت بیمه ضمانت شده‌اند.

در ضمن فعل insure هم به معنی «بیمه کردن» است و هم به معنی «تضمین کردن» که در کاربرد دوم با فعل ensure مترادف است.

a plan that would insure / ensure our victory

طرح و نقشه‌ای که تضمین کننده‌ی موفقیت ماست

۳ - نابودی

۲ - اجبار، فشار، محدودیت

۱ - جایگزینی

۳- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** من امسال تصمیم گرفته‌ام برای صرفه‌جویی تمام کارت‌های کریسمس را خودم به صورت دستی **تحویل دهم**.

* فعل deliver یعنی «تحویل دادن یک چیز، زایمان کردن، (ارائه) دادن یک هشدار، سخنرانی و ...». اسم آن delivery است.

deliver a letter / baby / warning / lecture / ...

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- بار زدن ۳- از عهده‌ی کاری برآمدن ۴- جایگزین کردن

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** بعضی منابع طبیعی مثل درختان می‌توانند **جایگزین شوند**؛ یعنی اگر به کاشتن درختان جدید ادامه دهیم هرگز تمام نخواهند شد.

* replace یعنی «چیزی را جایگزین چیزی دیگر کردن، عوض کردن، چیزی را سر جای اولش گذاشتن»:

The shopkeeper promised to replace the radio if it didn't work. مغازه دار قول داد که اگر آن رادیو کار نکرد، آن را عوض کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- بار زدن ۳- فراهم کردن ۴- جمع کردن

۵- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** قبل از این که آن کامیون بتواند وارد کشور همسایه شود، **بار** آن توسط پلیس بازرسی شد (فعل inspect یعنی «بازرسی کردن»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- واحد، قسمت ۲- هزینه ۳- سفارش، دستور

۶- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** او همچنین کاراک را ساخت که یک نوع کشتی با سرعت کم تر ولی قادر به حمل **بار** بیش تری بود.

* cargo به «بار و محموله‌ی یک کشتی یا هواپیما» می‌گویند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- کشف ۳- ارزش ۴- صنعت

۷- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** محصولات با کیفیت شما رضایت مرا جلب کرد. از این به بعد من از مشتری‌های **وفادار** شما خواهم بود.

* صفت loyal یعنی «وفادار». اسم آن loyalty (وفاداری) است.

Will you remain loyal to our party? آیا نسبت به حزب ما وفادار خواهید ماند؟

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تدافعی ۲- مساوی ۳- گویا، پراحساس

۸- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** وقتی آن بازرگان خارجی صحبت می‌کرد، جان حرفه‌ایش را برای **حضر ترجمه می‌کرد** و تلاش می‌کرد که کلمه‌ای را جا نیندازد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مرور و بازبینی کردن ۳- بحث کردن ۴- ابراز کردن

۹- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** اگر قصد داری به یک کالج خصوصی بروی، احتمالاً **مجبور خواهی شد تقاضای کمک مالی** کنی (apply for یعنی «برای چیزی تقاضا دادن»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خصوصی، صمیمی ۲- قبلی ۴- معمولی، عادی

English Lesson 35

Part I

Reading Comprehension

A Reading

How to Sleep Better Tonight

"Sleep well?" For many, the answer is no – even for those of us who think our slumber is good. It's very common for people not to have any awareness that something is wrong at night. They don't feel refreshed during the day, and wonder why.

Your habits – both what you do and what you think – can cause many chronic sleep problems. Here are some unexpected factors that can ruin your rest and some ways to sleep better tonight:

Establish a sleep schedule. Your body's internal timekeepers want predictability. Getting up at the same time every day, including weekends, is probably the most important step toward establishing good sleep patterns, because regular exposure to light in the morning is what sets the brain's alarm clock.

Skip caffeine even in mid-afternoon. The caffeine consumed from three cups of coffee still has stimulating effects up to eight hours later. Some people are more sensitive to caffeine than others. Remember, too, that other caffeinated substances – chocolate, cola and tea – can cause poor quality rest.

B Comprehension Check

1. Which of the followings was not mentioned in the text as a solution to bad sleep?

- | | |
|--|---|
| 1) establishing a sleep schedule | 2) skipping too much caffeine |
| 3) getting up at the same time every day | 4) having no exposure to light in the morning |

2. The verb "establish" in the third paragraph means

- | | | | |
|------------|--------|---------|---------|
| 1) refresh | 2) set | 3) ruin | 4) drop |
|------------|--------|---------|---------|

3. Which sentence is not true according to the passage?

- 1) Some people who think their slumber is good may not sleep well.
- 2) Our body should get used to a predictable sleep time except weekends.
- 3) Chronic sleep problems are a result of bad habits.
- 4) Stimulating effects of cola is for its caffeine.

Part II**Vocabulary Test****1. The scientist became when he observed the disappointing result of the experiment in the laboratory.**

- 1) determined
- 2) stimulated
- 3) discouraged
- 4) satisfied

2. "Where did they find these artistic tablets?"

"They were found in the of an ancient town."

- 1) ruins
- 2) patterns
- 3) substances
- 4) deserts

3. On hot summer days, more liquid should be to keep the chemicals of blood balanced.

- 1) dissolved
- 2) condensed
- 3) distributed
- 4) consumed

4. As a matter of fact, the decision to sell the failing business was rather

- 1) predictable
- 2) satisfied
- 3) original
- 4) continuous

5. Maybe those dark spots on the patient's face is the result of exposure to sunlight.

- 1) sensitive
- 2) internal
- 3) chronic
- 4) refreshing

6. The injured man was immediately taken to the operation room because doctors suspected that he had massive bleeding.

- 1) medical
- 2) beneficial
- 3) natural
- 4) internal

7. Do you think our supplies will until the rescue team arrives?

- 1) matter
- 2) save
- 3) last
- 4) form

8. As I didn't have enough time to revise the whole book I decided to the lessons of less importance.

- 1) skip
- 2) ruin
- 3) fail
- 4) tutor

9. This information pack is designed to increase children's of things they can see in the countryside.

- 1) culture
- 2) awareness
- 3) prominence
- 4) equipment

10. Experts believe that such teaching methods provide a useful means of students' interest.

- 1) consuming
- 2) restricting
- 3) distributing
- 4) stimulating

11. After a good night's sleep, the travelers were ready to explore the city.

- 1) desirable
- 2) refreshed
- 3) extensive
- 4) ordinary

word study بررسی واژگان درس ۳۵

* alert	هشیار، گوش به زنگ	* quality	کیفیت
awareness	آگاهی	refreshed	سرحال
caffeine	کافئین (ماده‌ی محرک موجود در قهوه)	ruin	تخریب کردن
chronic	مزمّن، طولانی مدت	schedule	برنامه‌ی زمانی
* consume	مصرف کردن	* sensitive	حساس
* discourage	دلسرد و ناامید کردن	set	تنظیم کردن
* energetic	پرانرژی	skip	حذف کردن، صرف نظر کردن
* exposure	در معرض چیزی قرار داشتن	slumber	خواب
internal	درونی	* solution	راه حل، چاره
* last(v)	طول کشیدن	stimulate	تحریک کردن، تشویق کردن
mid	وسط، میان	unexpected	غیرمنتظره
pattern	الگو	wonder	تعجب کردن، از خود پرسیدن
predictability	قابلیت پیش بینی		

پاسخ سوالات درس ۳۵

معنی متن: **A**

چگونه امشب بهتر بخوابیم

«آیا شما خوب می‌خوابید؟» در مورد بسیاری از افراد پاسخ این سوال منفی است - حتی در مورد کسانی که خودشان فکر می‌کنند خوب می‌خوابند. به طور شایعی بسیاری از مردم نسبت به این که شب‌ها در خوابشان اشکالی وجود دارد هیچ نوعی آگاهی‌ای ندارند. آن‌ها ممکن است در طول روز سرحال نباشند ولی ندانند که علت آن چیست.

عادات شما - آن چه انجام می‌دهید و همچنین آن‌طور که فکر می‌کنید - می‌توانند باعث بروز بسیاری از مشکلات مزمن در خوابیدن شوند. در این جا تعدادی از عوامل غیرمنتظره که باعث خراب کردن استراحت شما می‌شوند و همچنین چند روش برای بهتر خوابیدن شما ارائه می‌شوند:

یک برنامه‌ی زمانی برای خواب داشته باشید. ساعت درونی شما نیاز به قدرت پیش‌بینی دارد. هر روز، حتی آخر هفته‌ها، در ساعتی مشخص و یکسان از خواب بیدار شدن احتمالاً مهمترین قدم برای ایجاد یک الگوی مناسب خوابیدن است، زیرا مواجهه‌ی منظم با نور خورشید در صبح چیزی است که ساعت اخبار (زنگ دار) مغز را تنظیم می‌کند.

از مصرف کافئین حتی در اواسط بعدظهر خودداری کنید. کافئین مصرف شده در سه فنجان قهوه تا هشت ساعت بعد اثری محرک دارد. بعضی از افراد به کافئین حساس‌تر از دیگران هستند. به یاد داشته باشید موادی که به آن‌ها کافئین اضافه شده مثل شکلات، نوشابه و چای، می‌توانند باعث پایین آمدن کیفیت خوابمان شوند.

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۴) **B**

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** آن دانشمند وقتی نتایج ناامید کننده‌ی آزمایش خود را در آزمایشگاه مشاهده کرد، ناامید و دلسرد شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مصمم ۲ - تحریک شده، برانگیخته ۳ - راضی ۴ - راضی

۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** «آن‌ها این لوحه‌های هنری را کجا پیدا کردند؟» «این لوحه‌ها در خرابه‌های شهری باستانی پیدا شدند.»

* فعل ruin یعنی «خراب کردن». اسم ruins هم یعنی «خرابه‌ها»:

The rain ruined our holiday.

باران تعطیلات ما را خراب کرد.

۴ - بیابان

۳ - ماده

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - الگو

۳- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** در روزهای گرم تابستان مایعات بیش‌تری باید مصرف شوند تا مواد شیمیایی موجود در خون متعادل بمانند.

* consume یعنی «مصرف کردن غذا، نوشیدنی، سوخت و ...»؛ اسم آن کلمه‌ی consumption (مصرف) است:

The country consumes much more than it produces.

میزان مصرف این کشور از مقدار تولید آن خیلی بیش‌تر است.

food / fuel consumption

مصرف غذا / سوخت

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حل کردن ۲- (از گاز) به حالت مایع درآمدن ۳- توزیع کردن

۴- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** در واقع، تصمیم فروش آن شرکت در حال سقوط امری نسبتاً قابل پیش‌بینی بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- راضی ۳- اصلی، اولیه ۴- پیوسته، مداوم

۵- **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** احتمالاً آن لکه‌های تیره روی صورت بیمار در نتیجه‌ی تماس مزمن (طولانی مدت) با نور خورشید ایجاد شده‌اند.

* صفت chronic یعنی «مزمن، طولانی مدت»:

He suffers from chronic depression.

او به افسردگی مزمن مبتلا است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حساس ۲- داخلی ۴- سرحال آور

۶- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** آن مرد مجروح سریعاً به اتاق عمل برده شد برای این‌که دکترها احتمال می‌دادند که دارای خونریزی داخلی شدیدی باشد.

(صفت massive یعنی «بزرگ، عمده»).

* internal یعنی «درونی، داخلی». متضاد آن external است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پزشکی ۲- مفید، سودمند ۳- طبیعی

۷- **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** فکر می‌کنی ذخیره و موجودی (غذایمان) تا زمان رسیدن تیم نجات دوام خواهد آورد؟

* فعل last یعنی «طول کشیدن، دوام آوردن، ماندن»:

Our holiday lasted ten days.

تعطیلات ما ده روز طول کشید.

Good shoes last longer.

کفش‌های خوب بیش‌تر عمر می‌کنند (می‌مانند).

در ضمن صفت lasting هم به معنی «ماندگار، دایمی» است:

The injury had a lasting effect on his memory.

آن آسیب باعث ایجاد اثری دایمی بر حافظه‌اش شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مهم بودن ۲- نجات دادن ۴- تشکیل شدن

۸- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** از آن‌جا که برای مرور تمام کتاب وقتی کافی نداشتیم تصمیم گرفتیم درس‌هایی را که اهمیت کمتری داشتند حذف کنیم.

فعل skip هم به معنی «پریدن و جست و خیز کردن» است و هم به معنی «صرف‌نظر و حذف کردن و نادیده گرفتن چیزی (در یک فهرست یا مجموعه) و رفتن به سراغ مورد بعدی»:

I got up late so I had to skip breakfast.

من دیر از خواب پا شدم، بنابراین مجبور شدم از صبحانه صرف‌نظر کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- خراب کردن ۳- مردود شدن ۴- تدریس (خصوصی) کردن

۹- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** این بسته‌ی اطلاعاتی (آموزشی) برای این طراحی شده است که آگاهی بچه‌ها را نسبت به آن‌چه در محیط روستا می‌توانند

ببینند افزایش دهد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فرهنگ ۳- اهمیت، برجستگی ۴- تجهیزات

۱۰- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: کارشناسان عقیده دارند چنین روش‌هایی در تدریس راهی مؤثر برای تحریک کردن حس علاقه‌ی دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

* فعل stimulate یعنی «تحریک کردن، تشویق کردن». دو اسم مهم آن عبارتند از: stimulation (تحریک، تشویق) و stimulus (محرک، مشوق):

The government should do more to stimulate investment in this area.

دولت باید برای تشویق سرمایه‌گذاری در این منطقه کارهای بیشتری انجام دهد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مصرف کردن ۲ - محدود کردن ۳ - توزیع کردن

۱۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: بعد از یک خواب خوب در شب، مسافران سرحال شده و آماده‌ی گشت و گذار در شهر بودند.

* فعل refresh به معنی «سرحال آوردن، به نشاط آوردن» است. این فعل دارای دو صفت refreshing (نشاط آور، مطبوع) و refreshed (سرحال) می‌باشد:

او بعد از کار یک حمام طولانی نشاط آور انجام داد. After work he took a long, refreshing shower.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مطلوب، مورد نظر ۳ - گسترده ۴ - معمولی

1. As my car's fuel is very high, I'm going to trade it for a smaller one.
1) production 2) regulation 3) consumption 4) aggravation
2. All the students are familiar with this that all substances are made up of molecules.
1) concept 2) chemistry 3) analysis 4) scholar
3. A number of suggestions were made at the meeting but none of them were by the committee.
1) suspected 2) fascinated 3) translated 4) approved
4. Not too far from here the of that old church is visible. Only its walls are left.
1) zones 2) contents 3) ruins 4) particles
5. He sounded by the lack of progress in the peace talks.
1) discouraged 2) distracted 3) dispersed 4) distinguished
6. The truck dropped its in the middle of the highway and caused a terrible accident.
1) path 2) stock 3) point 4) load
7. Finally, Tom got fired. He is taking the of his rudeness.
1) instances 2) relations 3) consequences 4) dimensions
8. They have a new method for protecting cars from being stolen.
1) insured 2) devised 3) calculated 4) resisted
9. A terrible storm the beach just as we reached there, and we had to run for shelters.
1) struck 2) defeated 3) led 4) scattered
10. The doctors the cause of his chronic illness to an unknown virus.
1) prescribed 2) developed 3) responded 4) attributed
11. He had to of the race in the final lap due to a sudden strain.
1) back up 2) carry on 3) drop out 4) lay off
12. The whole team played badly, but the press only the coach.
1) blamed 2) affected 3) discouraged 4) proved
13. Computer programs are now used in the of official reports and business contracts.
1) definition 2) translation 3) graduation 4) satisfaction
14. They feel that the present government is not sufficiently to follow their town's interests.
1) energetic 2) economical 3) advanced 4) popular
15. The phone is making noise because you forgot to the receiver.
1) remain 2) replace 3) remove 4) restart

16. The factory manager wants to use different machines but the workers don't like this

- 1) furniture 2) distortion 3) proposal 4) industry

17. Clearly, we cannot make a simple between plants and animals on the basis of differences in feeding methods.

- 1) limitation 2) distinction 3) supervision 4) preparation

18. Human geography studies the of human population and their relationship with the Earth.

- 1) employment 2) adventure 3) distribution 4) project

19. He is full of ideas which he would like to put into practice.

- 1) original 2) previous 3) sufficient 4) chronic

20. Tom was unsure of the substance in the, so he decided to throw it away.

- 1) safety 2) option 3) state 4) package

پاسخنامه کلیدی

- 1 2 3 4
1
2
3
4
5

- 1 2 3 4
6
7
8
9
10

- 1 2 3 4
11
12
13
14
15

- 1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 36

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Getting a Hair Cut

Mark is going to a barber's shop to have his hair cut, but he knows that when he comes out, he is not to be happy with the result, and when his friend George sees him, he will laugh and say, "What's happened to your hair, Mark?"

Mark said: "I am trying a new barber's shop today, because I am not at all satisfied with my old one, but this one seems even worse. I am going to compare many barbers in this area in order to find out the best one. What I am going to do is to select a fixed and specific barber that can be considered my family barber. I started to examine the barbers' profession one by one. I am visiting the barbers' head tomorrow to ask him if he can introduce me the top barber of this area. I guess, however, that it is going to cost me a lot."

George agreed. "Yes, I think you're right, Mark. Now I am telling you what to do next time you go into a barber's shop: look at all the barbers' hair, and then go to the one whose own hair has been cut the worst."

"The one whose hair's been cut the worst?" Mark repeated. "But that would be foolish."

"Oh, no, it wouldn't," George is answering. "Who do you think cut that man's hair? He couldn't cut it himself. Could he? Another barber cut it and he is going to be a worse barber than the one whose hair he cut."

B Comprehension Check

1. As Mark was not happy with his hair, he was going to
 - 1) get his friend George to cut his hair
 - 2) find the best barber in the area
 - 3) have the barbers' head cut his hair
 - 4) ask George to find a barber for him
2. The word "satisfied" in line 3 is a synonym of
 - 1) pleased
 - 2) annoyed
 - 3) restricted
 - 4) related
3. Which sentence is true according to the passage?
 - 1) Mark has selected a fixed barber for himself and his family.
 - 2) George advised Mark to visit the barbers' head.
 - 3) The barber whose hair is cut the worst cannot be the worst one.
 - 4) George believes it costs Mark a lot of find a good barber.

Part II**Vocabulary Test**

1. She is incredibly She left her infant out in the hot sun.
 - 1) premature
 - 2) foolish
 - 3) sensitive
 - 4) specific
2. In most developing countries teaching is usually a very poor-paid
 - 1) profession
 - 2) product
 - 3) procedure
 - 4) process
3. The North Star is a point of light in the night sky and for this reason has been used for navigation since ancient times.
 - 1) fixed
 - 2) legible
 - 3) secure
 - 4) lunar
4. When he told me about her personal problems, I realized that mine were small by
 - 1) introduction
 - 2) selection
 - 3) comparison
 - 4) solution
5. The soldiers had been commanded to the terrorists on sight and eliminate all of them.
 - 1) shoot
 - 2) shout
 - 3) shut
 - 4) shot
6. We're going to two of our best students to represent our school in the competitions.
 - 1) compare
 - 2) develop
 - 3) calculate
 - 4) select
7. Because of recent death threats, wherever he goes these days he has to be by a bodyguard.
 - 1) replaced
 - 2) accompanied
 - 3) suspected
 - 4) determined
8. Tom you should keep your music turned down low, out of for our neighbors.
 - 1) consideration
 - 2) determination
 - 3) presentation
 - 4) civilization
9. The of the new working practices has dramatically improved productivity in our factory.
 - 1) profession
 - 2) compensation
 - 3) aggravation
 - 4) introduction

word study بررسی واژگان درس ۳۶

* accompany	همراهی کردن	* profession	کار، حرفه، شغل
barber	آرایشگر	* select	انتخاب کردن
* consider	در نظر گرفتن	shoot	تیراندازی کردن
* compare	مقایسه کردن	shut	بستن
find out	فهمیدن	* specific	خاص، مخصوص
fixed	ثابت	top	بهترین
foolish	احمق، احمقانه	try	(در این درس) امتحان کردن
head(n)	(در این درس) رئیس، مدیر		
* introduce	معرفی کردن		

پاسخ سوالات درس ۳۶

معنی متن: **A**

کوتاه کردن موی سر

مارک می خواهد به آرایشگاه برود تا موهای خود را کوتاه کند، اما می داند که وقتی از آن جا بیرون بیاید از نتیجه‌ی کار راضی نخواهد بود و وقتی دوستش جورج، او را ببیند به او خواهد خندید و خواهد گفت: «مارک! چه اتفاقی برای موهایت افتاده است؟»

مارک گفت: «امروز قصد دارم یک آرایشگاه جدید را امتحان کنم، برای این که اصلاً از قبلی راضی نیستم، اما این یکی ظاهراً بدتر است. قصد دارم آرایشگرهای زیادی را در این ناحیه امتحان کنم تا بهترین آن‌ها را پیدا کنم. کاری که می‌خواهم بکنم این است که یک آرایشگر ثابت و مخصوص انتخاب کنم که به عنوان آرایشگر خانوادگی‌ام باشد. من شروع کرده‌ام به امتحان کردن کار تک تک آرایشگرها. قصد دارم فردا با رئیس آرایشگرها ملاقات کنم و از او سوال کنم که آیا او می‌تواند بهترین آرایشگر این منطقه را به من معرفی کند؟ اگر چه حدس می‌زنم که این کار برای من هزینه زیادی در بر خواهد داشت.»

جورج با مارک هم عقیده بود. او گفت: «بله، فکر می‌کنم حق با تو باشد. اکنون به تو می‌گویم که دفعه‌ی بعد که به آرایشگاه رفتی باید چکار کنی: به موهای همه‌ی آرایشگرها در آن‌جا نگاه کن و سپس پیش کسی برو که موهایش بدتر از همه اصلاح شده است.»

مارک این جمله‌ی جورج را که «کسی که بدتر از همه موهایش کوتاه شده است؟» را تکرار کرد و گفت: «اما این کار احمقانه‌ای است.»

جورج پاسخ داد: «نه، این طور نیست. فکر می‌کنی چه کسی موی آن شخص را کوتاه کرده است؟ او خودش نمی‌تواند موی خودش را کوتاه کند. می‌تواند آرایشگر دیگری موهای او را کوتاه کرده است که کار این آرایشگر از کسی که او موهایش را کوتاه کرده است بدتر است.»

۳ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۲) **B**

پاسخ سوال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** او به طرزی باور نکردنی **احمق** است. او نوزاد خود را جلوی گرمای شدید آفتاب رها کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - نارس، پیش از موعد ۳ - حساس ۴ - مخصوص، ویژه

۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، معلمی **شغلی** با درآمدی بسیار اندک است.

* اسم profession یعنی «شغل، حرفه»؛ صفت آن professional به معنی «حرفه‌ای» است:

a professional advice / player

یک توصیه‌ی حرفه‌ای (تخصصی) / یک بازیکن حرفه‌ای

۴ - فرآیند

۳ - روال

۲ - محصول

۳- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** ستاره‌ی شمالی (قطبی) یک نقطه‌ی ثابت نورانی در آسمان شب است و به همین دلیل از دیرباز برای جهت‌یابی از آن استفاده می‌شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - خوانا ۳ - امن، ایمن ۴ - قمری

۴- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** وقتی او از مشکلات شخصی‌اش برایم گفت فهمیدم که مشکلات من در مقایسه با مشکلات او، کوچک است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مقدمه، آشنایی ۲ - انتخاب ۴ - راه حل

۵- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** به سربازان دستور داده شده بود به محض مشاهده‌ی تروریست‌ها به آن‌ها شلیک کنند و همه‌ی آن‌ها را بکشند.

* فعل shoot (که گذشته و اسم مفعول آن shot است) به معنی «شلیک کردن» است. فعل shut به معنی «بستن» هم فعلی بی‌قاعده است که هر سه شکل آن مثل هم هستند. فعل shout با قاعده‌ی shout هم به معنی «فریاد کشیدن» است.

۶- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** ما قصد داریم دو نفر از بهترین دانش‌آموزانمان را به عنوان نماینده‌ی مدرسه‌مان در رقابت‌ها انتخاب کنیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مقایسه کردن ۲ - توسعه دادن ۳ - محاسبه کردن

۷- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** به خاطر تهدیدات جانی اخیر، او این روزها هر کجا می‌رود مجبور است یک نفر محافظ را به همراه داشته باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جایگزین کردن ۳ - مشکوک بودن ۴ - مشخص کردن، تعیین کردن

۸- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** تام تو باید برای رعایت حال همسایه‌هایمان صدای موسیقی خود را کم کنی. (out of در اینجا یعنی برای، به خاطر)

* دو مشتق مهم consider عبارتند از صفت considerable (قابل ملاحظه، زیاد) و اسم consideration (توجه، بررسی، ملاحظه، رعایت):

آن‌ها با دقت آن طرح را مورد بررسی و ملاحظه قرار دارند. They gave the plan careful consideration.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - عزم، اراده ۳ - ارائه مطلب، سخنرانی ۴ - تمدن

۹- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** شروع انجام روش‌های کاری جدید تولید را به نحو چشمگیری در کارخانه‌ی ما پیش‌تر کرده است.

* اسم introduction به معنی «معرفی، آرایه، شروع، مقدمه» از فعل introduce مشتق شده است. هم خانواده‌ی مهم این دو واژه صفت introductory به معنی «مقدماتی» است:

این دوره‌ی مقدماتی برای من بیش از حد ساده است. This introductory course is too easy for me.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - شغل ۲ - جبران ۳ - وخامت، بدتر شدن

English Lesson 37

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Crazy

Children often have far more sense than their elders. This simple truth was demonstrated rather dramatically during a civil defense exercise in a small town in Canada. Most of the inhabitants were asked to take part in the exercise during which they had to pretend that their city had been bombed. Air-raid warnings were sounded and thousands of people went into special air-raid shelters. Doctors and nurses remained above ground while police patrolled the streets in case anyone tried to leave the shelters too soon.

The police did not have much to do because the citizens took the exercise seriously. They stayed underground for twenty minutes and waited for the siren to sound again. On leaving the air-raid shelters, they saw that doctors and nurses were busy. A great many people had volunteered to act as casualties. Theatrical make-up and artificial blood had been used to make the injuries look realistic. A lot of people were lying "dead" in the streets. The living helped to carry the dead and wounded to special stations. A child of six was brought in by two adults. The child was supposed to be dead. With theatrical make-up on his face, he looked as if he had died of shock. Some people were so moved by the sight that they began to cry. However, the child suddenly sat up and a doctor asked him to comment on his death. The child looked around for a moment and said, "I think they are all crazy."

B Comprehension Check

1. The aim of civil defense program was to
 - 1) demonstrate children have more sense
 - 2) scare inhabitants from the air-raid
 - 3) prepare citizens for a real war
 - 4) pretend that the city had been bombed
2. During the exercise the police
 - 1) didn't took the exercise seriously
 - 2) stayed underground for twenty minutes
 - 3) volunteered to act as casualties
 - 4) remained above ground and patrolled the streets
3. Which sentence is true according to the passage?
 - 1) All the people were pretending to be dead after the air-raid.
 - 2) The citizens were supposed to remain underground for 20 minutes.
 - 3) The nurses were wearing make-up to look realistic.
 - 4) Doctors were the first people to leave the shelters.

Part II

Vocabulary Test

1. During the state of emergency many staff willingly to work through weekend.
 - 1) volunteered
 - 2) demonstrated
 - 3) introduced
 - 4) replaced
2. You have to give the committee a estimate of how long the reconstruction project is going to take.
 - 1) permanent
 - 2) severe
 - 3) gradual
 - 4) realistic
3. "He always considers himself superior to everyone."
 "Yes, this is one of his negative"
 - 1) characteristics
 - 2) interactions
 - 3) comments
 - 4) inhabitants
4. The firm refused to give her a day off. So she had to to be ill.
 - 1) propose
 - 2) assume
 - 3) suppose
 - 4) pretend
5. The poor condition of this apartment block is a real danger to all its
 - 1) inhabitants
 - 2) constructions
 - 3) involvements
 - 4) consumers
6. Watch out, John! The roof is too You may fall down.
 - 1) steep
 - 2) prone
 - 3) stable
 - 4) crazy
7. I'd be no good at first aid because I can't bear the of blood.
 - 1) trait
 - 2) stream
 - 3) vessel
 - 4) sight
8. During the imposed war, many bridges were destroyed in enemy bombing
 - 1) warnings
 - 2) raids
 - 3) sirens
 - 4) refugees
9. The drugs helped relieve the pain from the I'd received in the battle.
 - 1) casualty
 - 2) wound
 - 3) defense
 - 4) threat

10. It was to be a surprise, but Larry knew about the birthday party from the beginning.
1) supposed 2) pretended 3) demonstrated 4) remained
11. Although they don't like each other, they always manage to be quite
1) forceful 2) shaky 3) realistic 4) civil
12. The ambulance is on its way to hospital. We don't know the full extent of the injuries to the,
but we don't believe they are life-threatening.
1) volunteers 2) casualties 3) operations 4) characteristics
13. During the long years of internal wars, several millions of Afghans took in our country.
1) refuge 2) patrol 3) sight 4) raid
14. The went off in the middle of the night to warn that there was going to be an air attack.
1) defense 2) siren 3) patrol 4) raid
15. When an actor, he uses special paint and powder on the face to look attractive or change
appearance .
1) turns up 2) looks up 3) builds up 4) makes up
16. I'm considering being transferred to my hometown because the cost of living has increasedin
the capital.
1) dramatically 2) economically 3) basically 4) theatrically
17. In a voice, the customer threatened to leave the store without buying the watch.
1) theatrical 2) partial 3) vital 4) provincial

word study بررسی واژگان درس ۳۷

* act(v)	عمل کردن، (نمایش) بازی کردن	rainbow	رنگین کمان
* air-raid	حمله‌ی هوایی	realistic	واقعی، واقع‌بین
* be supposed to	قرار است که، باید	* refuge	پناهگاه، پناه
* casualty	قربانی، مصدوم	* remain	ماندن، باقی ماندن
* characteristic	خصوصیت، ویژگی	* security	امنیت
civil	غیر نظامی، مودب	shaky	متزلزل، لرزان، بی‌ثبات
crazy	دیوانه	* shelter	پناهگاه
* defense	دفاع	sight	چشم‌انداز
* demonstrate	نشان دادن، اثبات کردن	siren	آژیر
* dramatically	به طرز چشمگیری	* steep	پرشیب، دارای شیب تند
elder	بزرگ‌تر	stream	(در این درس) نهر آب
forcefully	به شدت	take part	شرکت کردن
in case	در صورتی که، مبادا	theatrical	نمایشی، متظاهرانه
* inhabitant	ساکن	trait	ویژگی، خصوصیت
* make-up	آرایش، گریم	underground	زیرزمین
patrol	(نظامی) گشت زدن	* volunteer	داوطلب شدن
poetry	شعر	* warning	هشدار، اخطار
* pretend	تظاهر کردن، وانمود کردن	* wounded	زخمی
* raid	حمله، حمله کردن		

پاسخ سوالات درس ۳۷

معنی متن:



دیوانه

بچه‌ها اغلب نسبت به بزرگترها دارای فهم و شعور بسیار بیش‌تری هستند. این حقیقت ساده به طرز بسیار چشم‌گیری طی یک تمرین دفاع غیرنظامی در یک شهر کوچک در کشور کانادا ثابت شد. از بیش‌تر ساکنین آن‌جا خواسته شد که در طول تمرین طوری وانمود کنند که انگار شهرشان مورد بمباران قرار گرفته است. همدارهای حمله‌ی هوایی به صدا درآمدند و هزاران نفر از مردم به درون پناهگاه‌های (زیرزمینی) مخصوص حمله‌ی هوایی رفتند. پزشکان و پرستاران روی زمین باقی ماندند و در همان زمان نیروهای پلیس شروع به گشت‌زنی در خیابان‌های شهر کردند تا مبدا کسی بخواهد زودتر از موعد مقرر از پناه‌گاه خارج شود. پلیس کار زیادی برای انجام دادن نداشت برای این‌که شهروندان این تمرین را جدی گرفته بودند. آن‌ها بیست دقیقه در زیرزمین ماندند و به انتظار شنیدن دوباره‌ی صدای آژیرها نشستند. مردم هنگام خروج از پناهگاه‌های مخصوص حملات هوایی مشاهده کردند که دکترها و پرستارها سرشان حسابی شلوغ است. تعداد زیادی از مردم داوطلب شده بودند که نقش مجروحان را بازی کنند. از گریم‌های نمایشی و خون مصنوعی استفاده شده بود تا جراحات واقعی به نظر برسند. افراد زیادی به عنوان مرده در خیابان‌ها روی زمین دراز کشیده بودند. افرادی که زنده مانده بودند کمک می‌کردند تا مرده‌ها و مجروحین به مراکز مخصوص انتقال یابند. یک طفل شش ساله توسط دو نفر بزرگسال به یکی از این مراکز آورده شد. او قرار بود که نقش مرده را بازی کند. با گریم نمایشی‌ای که بر چهره داشت جوری به نظر می‌رسید که انگار از شوک (حاصل از خونریزی) مرده است. چند نفر از دیدن این صحنه طوری تحت تأثیر قرار گرفتند که شروع به گریستن کردند. اما ناگهان آن کودک بلند شد و یک دکتر از او خواست تا راجع به مرگش اظهار نظر کند. کودک لحظه‌ای به اطرافش نگاه کرد و گفت: «فکر کنم همه‌ی آن‌ها دیوانه هستند.»

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** طی آن وضعیت فوق‌العاده تعداد زیادی از کارکنان برای انجام کار در آخر هفته **داوطلب شدند**.

* کلمه‌ی volunteer هم یک اسم به معنی «داوطلب» است و هم یک فعل به معنی «داوطلب شدن». با صفت voluntary (داوطلبانه، اختیاری) هم از قبل آشنایی دارید.

ما به چند نفر داوطلب احتیاج داریم که غذاها را به افراد فقیر تحویل دهند. We want some volunteers to deliver the food to the poor people.

۴ - جایگزین کردن

۳ - معرفی کردن

۲ - نشان دادن

۲- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** تو باید به کمیته تخمینی **واقع بینانه** از مدت زمانی که پروژه‌ی بازسازی قرار است طول بکشد ارائه دهی.

* صفت realistic یعنی «واقعی، واقع‌بین، واقع‌بینانه، منطقی»:

منطقی نیست که از افراد انتظار داشته باشی برای چنین مبلغ کمی کار کنند. It isn't realistic to expect people to work for so little money.

۳ - تدریجی

۲ - شدید

۱ - دایمی

۳- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: نفر اول: «او همیشه فکر می‌کند از دیگران برتر است.» نفر دوم: «بله، این یکی از خصوصیات منفی اوست.»

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- تداخل، تعامل ۳- اظهار نظر ۴- ساکن

۴- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: شرکت قبول نکرد که به او یک روز مرخصی بدهد. بنابراین او مجبور شد وانمود کند که بیمار است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پیشنهاد کردن ۲- تصور کردن، انگاشتن ۳- فرض کردن

۵- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: وضعیت بسیار بد این آپارتمان خطری جدی برای تمام ساکنین آن است.

* فعل inhabit یعنی «سکونت داشتن و زندگی کردن در جایی». مشتقات مهم آن عبارتند از اسم inhabitant (ساکن، مقیم) و صفت inhabitable (قابل سکونت):

Indians are the original inhabitants of North America. سرخپوستان ساکنان اولیه‌ی آمریکای شمالی هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- ساختمان، ساختن ۳- درگیری ۴- مصرف کننده

۶- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: جان، مراقب باش! این بام شیب بسیار تندی دارد. ممکن است به زمین بیفتی.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- در معرض، حساس به ۳- پایدار ۴- دیوانه

۷- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: من در (بادگیری انجام) کمک‌های اولیه موفق نخواهم بود برای این که نمی‌توانم (دیدن) منظره‌ی خون را تحمل کنم

(فعل bear یعنی «تحمل کردن»).

* اسم sight یعنی «بینایی، دیدن، منظره، صحنه»:

She lost her sight in an accident. او بینایی‌اش را در یک تصادف از دست داد.

The fire was a frightening sight. دیدن آن آتش‌سوزی منظره‌ای وحشتناک بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خصلت ۲- جریان ۳- رگ

۸- **گزینه‌ی (۲)** معنی جمله: در دوران جنگ تحمیلی پل‌های زیادی در حملات بمباران دشمن تخریب شد (صفت imposed به معنی «تحمیل شده،

تحمیلی» از فعل impose به معنی «تحمیل کردن» مشتق شده است).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- هشدار ۳- آژیر ۴- پناهگاه

۹- **گزینه‌ی (۲)** معنی جمله: آن داروها کمک کردند که درد ناشی از زخمی که در جنگ دچار آن شده بوده‌ام کاهش یابد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- قربانی ۳- دفاع ۴- تهدید

۱۰- **گزینه‌ی (۱)** معنی جمله: مهمانی جشن تولد لری قرار بود که برایش غیرمنتظره باشد، ولی او از همان ابتدا همه چیز را راجع به آن می‌دانست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- وانمود کردن ۳- نشان دادن ۴- باقی ماندن

۱۱- **گزینه‌ی (۴)** معنی جمله: آن‌ها اگرچه از همدیگر خوششان نمی‌آید ولی همیشه می‌توانند (ظاهراً) نسبت به هم مودب باشند.

* صفت civil هم به معنی «غیرنظامی» است و هم «ظاهراً) مودب و خوش‌برخورد»؛ اسم آن civilian (فرد غیرنظامی) است:

Two soldiers and one civilian were killed in the explosion. دو سرباز و یک فرد غیرنظامی در آن انفجار کشته شدند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- قوی ۲- لرزان ۳- واقعی

۱۲- **گزینه‌ی (۲)** معنی جمله: آمبولانس در راه رسیدن به بیمارستان است. ما اطلاعات کاملی درباره‌ی میزان صدمات وارده به قربانیان نداریم ولی فکر

نمی‌کنیم که این جراحات تهدید کننده‌ی حیاتشان (بسیار شدید) باشند (extent یعنی «مقدار، حد و اندازه، وسعت، میزان»).

* اسم casualty یعنی «افراد کشته یا زخمی شده در یک حادثه، قربانی و گرفتار یک چیز بد». کلمه‌ی victim با آن هم معنی است.

Many small companies have been casualties of the country's economic problems.

بسیاری از شرکت‌های کوچک گرفتار و قربانی مشکلات اقتصادی کشور هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- داوطلب ۳- عمل ۴- خصوصیت، ویژگی

۱۳- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** طی سال‌های طولانی جنگ‌های داخلی‌شان، چندین میلیون افغانی به کشورمان پناه آوردند.

* refugee یعنی «پناه (بردن به جایی)، سرپناه، پناهگاه». در ضمن اسم refugee یعنی «پناهنده (به یک کشور دیگر)»:

When it began to rain we took refuge in a cave.

وقتی باران شروع به باریدن کرد ما به یک غار پناه بردیم.

a political refugee

یک پناهنده‌ی سیاسی

۴ - حمله

۳ - منظره

۲ - گشت

۱۴- **گزینه‌ی (۲) معنی جمله:** آژیر در نیمه شب به صدا درآمد تا هشدار دهد که حمله‌ای هوایی در پیش است.

* siren یعنی «آژیر خطر، آژیر پلیس»:

the siren on a police car

آژیر ماشین پلیس

۴ - حمله

۳ - گشت

۱ - دفاع

۱۵- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** وقتی یک بازیگر **گریم می‌کند** بدین معنی است که از سنگ یا پودری مخصوص برای زیبا کردن یا تغییر ظاهرش استفاده می‌کند.

* فعل make up در این درس به معنی «آرایش کردن، گریم کردن» به کار رفته است. با کاربرد آن در معنی «تشکیل دادن» قبلاً آشنا شده‌اید. یکی دیگر از معانی مهم این فعل «سرهم کردن و بافتن یک دروغ و بهانه» است.

He made up an unbelievable excuse for his delay.

او برای تأخیرش بهانه‌ای باور نکردنی سرهم کرد.

۳ - افزایش دادن

۲ - پیدا کردن چیزی از مرجع

۱ - بلند کردن صدا

۱۶- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** من در حال بررسی کردن انتقال یافتن به شهر زادگاه خودم هستم برای این‌که هزینه‌ی زندگی در پایتخت به طور

چشمگیری افزایش یافته است.

معانی مهم صفت dramatic (و قید آن یعنی dramatically) عبارت است از «شدید و قابل توجه» و «هیجان برانگیز و جالب»:

a dramatic change

تغییری قابل توجه و شدید

a dramatic display of fireworks

نمایش هیجان‌انگیز آتش بازی

۴ - نمایشی

۳ - اساساً، اصولاً

۲ - صرفه‌جویانه

۱۷- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** مشتری با لحنی **دروغین** تهدید کرد که بدون خرید آن ساعت مغازه را ترک خواهد کرد.

* صفت theatrical هم به معنی «نمایشی، مربوط به تئاتر» است و هم به معنی «دروغین، متظاهرانه، ساختگی»:

a theatrical gesture

ژستی نمایشی (ساختگی)

۴ - استانی

۳ - حیاتی

۲ - ناقص، نسبی

English Lesson 38

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Our Planet Earth

Imagine you are an astronaut traveling in a spaceship to the Moon! When you rise far above the surface of the Earth and look back at it, what do you think you would see? Astronauts who have been to the Moon say the Earth looks like a huge, blue ball shining in a black sky. The surface of the Earth is often covered with enormous patches of swirling, white cloud. The blue color comes from the oceans of our planet. The black sky is the emptiness of outer space.

If you were an astronaut on the Moon, wouldn't you wonder how big the Earth really is? It would look quite small! But if you could dig your way straight to the middle of the Earth, your tunnel would be about 6400 kilometers long.

Our planet is one of nine planets that go around the Sun. All the planets receive energy from the Sun, but the Earth is the only planet which supports living things. This living world inhabits all the corners of the planet – its water, land and air. Most of planet Earth's surface is covered by the blue seas and oceans. Only about one quarter of the surface is dry land. These landscapes are varied. They may be deserts, forests, grasslands, mountains or simply covered, like Antarctica, by ice. And all around the Earth there is the atmosphere. This is made up of several layers of air.

B Comprehension Check

1. The blue color of the Earth comes from the

- 1) enormous clouds 2) atmosphere layers 3) seas and oceans 4) activity of the sun

2. The word "enormous" in line 3 is closest in meaning to

- 1) distant 2) huge 3) colorful 4) various

3. Which of the following sentences is true?

- 1) The moon looks like a blue ball in a black sky.
- 2) Not considering the Earth, there are nine planets orbiting the sun.
- 3) The living creatures can only survive in dry land.
- 4) 75 percent of Earth's surface is covered by water.

Part II

Vocabulary Test

1. I've been cleaning for the last three hours, but there's still a amount of housework left to be done.

- 1) huge
- 2) gentle
- 3) slight
- 4) mild

2. Be careful while driving! Even in the afternoon there are still often icy on the road.

- 1) deserts
- 2) leaps
- 3) streams
- 4) patches

3. The method of freezing food has made a(n) impact on our eating habits.

- 1) descriptive
- 2) enormous
- 3) excessive
- 4) varied

4. She felt an aching in her heart when her son told her he was going to leave her.

- 1) syndrome
- 2) challenge
- 3) vessel
- 4) emptiness

5. John was not dying of cancer; it was a chronic infectious disease which was fortunately curable.

- 1) simply
- 2) locally
- 3) strictly
- 4) equally

6. Travelling by car, you have the chance to stop in the countryside to admire the

- 1) circumference
- 2) culture
- 3) landscape
- 4) civilization

7. When it suddenly began to rain, the workers were a long canal to put gas pipes in.

- 1) digging
- 2) leaping
- 3) swirling
- 4) hanging

word study
بررسی واژگان درس ۳۸

* desert	بیابان	outer	بیرونی
dig	حفر کردن، کندن (زمین)	patch	تکه، وصله، قطعه
emptiness	خلاء	* pole	قطب
* enormous	عظیم، بسیار بزرگ	quarter	یک چهارم، ربع
grassland	سبزهزار	* simply	فقط
* huge	عظیم، بسیار بزرگ	square	مربع
* inhabit	ساکن شدن، زندگی کردن	* straight	صاف، مستقیم
* landscape	دورنما، چشم‌انداز	swirl	چرخیدن، به چرخش درآمدن
* mention	ذکر کردن، اشاره کردن به	tunnel	تونل
middle	وسط، میان	* varied	متنوع

پاسخ سوالات درس ۳۸

معنی متن:



سیاره‌ی ما، زمین

تصور کنید فضانوردی هستید که درون یک فضاپیما به سمت ماه سفر می‌کنید. وقتی که از سطح زمین خیلی بالاتر می‌روید و از آن‌جا به زمین نگاه می‌کنید فکر می‌کنید چه خواهید دید؟ فضانوردانی که به ماه رفته‌اند می‌گویند که از آن‌جا زمین به صورت توپ بسیار بزرگ آبی رنگی دیده می‌شود که در آسمان سیاه می‌درخشد. سطح زمین غالباً با تکه‌هایی بسیار بزرگ از ابرهای چرخان سفید رنگ پوشیده شده است. رنگ آبی زمین به دلیل اقیانوس‌های بزرگ آن است. آن آسمان سیاه هم همان فضای خالی (خلاء) بیرون زمین است.

اگر شما یک فضانورد بودید که در ماه است آیا از خود نمی‌پرسید زمین واقعاً چه قدر بزرگ است؟ زمین از آن‌جا بسیار کوچک به نظر می‌رسد. اما اگر شما از سطح زمین مستقیماً به سمت مرکز زمین تونلی حفر کنید، طول آن حدود ۶۴۰۰ کیلومتر خواهد شد.

سیاره‌ی ما یکی از نه سیاره‌ای است که به دور خورشید در حال گردش‌اند. تمام سیارات انرژی خود را از خورشید دریافت می‌کنند ولی زمین تنها سیاره‌ای است که موجودات زنده را در خود نگاه داشته است. این موجودات زنده در هر گوشه‌ای از سیاره‌ی زمین سکونت دارند؛ در آب، خشکی و هوا. بیش‌تر سطح کره‌ی زمین از اقیانوس‌ها و دریا‌های آبی رنگ پوشیده شده است. فقط حدود یک چهارم از سطح آن را خشکی تشکیل داده است. این مناظر (در خشکی) متنوع هستند؛ آن‌ها ممکن است بیابان، جنگل، چمنزار یا کوه باشند یا این‌که مثل قطب جنوب فقط از برف پوشیده شده باشند. دورتادور سیاره‌ی زمین اتمسفر قرار دارد که خود از چندین لایه‌ی (متفاوت) هوا تشکیل شده است.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: من از سه ساعت پیش مشغول نظافت کردن بوده‌ام اما هنوز مقدار بسیار زیادی از کار منزل باقی‌مانده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - نرم، ملایم ۳ - جزئی، خفیف ۴ - ملایم، خفیف

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: موقع رانندگی مراقب باش! حتی در بعدظهرها هم هنوز تکه‌هایی از یخ روی جاده وجود دارند.

* معانی مهم patch عبارتند از: «تکه، قطعه، لکه، وصله»:

a vegetable patch in the garden

قطعه‌ای برای کشت سبزی در باغ

۳ - جریان، نهر آب

۲ - پرش، جهش

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - بیابان

۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: شیوه‌ی منجمد کردن غذاها تأثیری عظیم بر عادات غذایی ما گذاشته است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - توصیفی ۳ - اضافی ۴ - متنوع

۴- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: وقتی پسرش به او گفت که قصد ترکش را دارد در قلبش احساس تنهایی‌ای دردناک احساس کرد.

* emptiness هم به «خلاء، فضای خالی» اشاره دارد و هم به «احساس خلاء و تنهایی، دلنگی»:

در اولین روز بازنشستگی‌اش دچار احساس دلنگی شد. He experienced a feeling of emptiness on his first day of retirement.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - سندرم، بیماری ۲ - مبارزه، چالش ۳ - رگ

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: این صحیح نبود که جان دارد از سرطان می‌میرد، بلکه فقط یک بیماری عفونی مزمن داشت که خوشبختانه قابل درمان

بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - به طور موضعی ۳ - به طور خشک و سخت‌گیرانه ۴ - به طور مساوی

۶- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: هنگام مسافرت با ماشین، شما این فرصت را دارید که در مناطق طبیعی خارج از شهر توقف کنید و از مشاهده‌ی

چشم‌انداز (مناظر طبیعی) لذت ببرید.

* landscape یعنی «چشم‌انداز، منظره‌ی طبیعی»:

درختان و کوه‌ها باعث ایجاد چشم‌اندازی بسیار زیبا شده بودند. The trees and the mountains made the landscape very beautiful.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - محیط (یک جسم) ۲ - فرهنگ ۴ - تمدن

۷- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: وقتی ناگهان باران شروع به باریدن کرد کارگران مشغول کندن کانالی بزرگ برای قرار دادن لوله‌های گاز در آن.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - پریدن ۳ - چرخیدن ۴ - آویزان کردن

English Lesson 39

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Nothing To Sell and Nothing To Buy

It has been said that everyone lives by selling. In the light of this statement, teachers live by selling knowledge, philosophers by selling wisdom and priests by selling spiritual comfort. Though it may be possible to measure the value of material goods in terms of money, it is extremely difficult to estimate the true value of the services which people perform for us. There are times when we willingly give everything we possess to save our lives, yet we might grudge paying a surgeon a high fee for offering us precisely this service. The conditions of society are such that skills have to be paid for in the same way that goods are paid for at the shop. Everyone has something to sell.

Tramps seem the only exception to this general rule. Beggars almost sell themselves as human beings to arouse the pity of passers-by. But real tramps are not beggars. They have nothing to sell and require nothing from others. In seeking independence, they do not sacrifice their human dignity. A tramp may ask you for money, but he never asks you to feel sorry for him. He has deliberately chosen to lead the life he leads and is fully aware of the consequences. He may never be sure where the next meal is coming from, but he is free from the thousands of anxieties which afflict other people. His few material possessions make it possible for him to move from place to place with ease. By having to sleep in the open, he gets far closer to the world of the nature than most of us ever do. He may hunt, beg, or steal occasionally to keep himself alive, but he will never sacrifice his freedom.

We often speak with contempt for tramps and put them in the same classes as beggars, but how many of us can honestly say that we have not felt a little envious of their simple way of life and their freedom from care?

B Comprehension Check

- The difference between a beggar and a tramp is that
 - a tramp never begs for money
 - a beggar never sacrifices his freedom
 - a tramp does not lose his dignity
 - a beggar never arouse the pity of others
- The underlined word "consequence" in the second paragraph is a synonym of
 - result
 - purpose
 - point
 - activity
- Which of the following sentences is not true?
 - Priests live by selling spiritual comfort.
 - It's often impossible to measure the true value of material goods.
 - People often show contempt for both beggars and tramps.
 - Independence and freedom are both important for tramps.

Part II

Vocabulary Test

- It's a great that the students in rural areas cannot have the same chance of being admitted to university.
 - dignity
 - decay
 - inquiry
 - pity
- When we got out of our vehicle, we found ourselves surrounded by a lot of small children for money.
 - researching
 - leading
 - begging
 - caring
- After retiring from movies, he returned to his hometown to a quiet life there.
 - face
 - cause
 - define
 - lead
- If you don't pay the now, you risk losing your place on the course.
 - wage
 - fee
 - share
 - salary
- My aunt was so of our new dishwasher that she bought one just like it.
 - deliberate
 - dramatical
 - undesirable
 - envious
- It's often difficult for old people to remember the location of their personal such as keys.
 - memories
 - particles
 - consequences
 - possessions
- He hardly respects any new idea. He hold all suggestions in
 - dignity
 - contempt
 - wisdom
 - purpose
- It's not in his character to offend anybody. He would never try to do that.
 - deliberately
 - enviously
 - delicately
 - temporarily
- The prisoners were allowed only visits from their close relatives.
 - precise
 - spiritual
 - permanent
 - occasional

- 10. After your graduation from university, you should a permanent job.**
1) perform 2) arouse 3) excite 4) seek
- 11. Most of the children who are with this rare genetic disease die before the age of six.**
1) proposed 2) afflicted 3) prescribed 4) aroused
- 12. We all admire these brave soldiers who are willing to their lives for their country.**
1) perform 2) possess 3) sacrifice 4) defeat
- 13. The psychologist tried to help me identify all sources of my and eliminate them from my life.**
1) anxiety 2) quality 3) dignity 4) variety
- 14. Throughout the whole affair, they managed to act with honor and**
1) consequence 2) imitation 3) performance 4) dignity
- 15. As I hated my neighbors, I every minute I spent helping them moving their furniture.**
1) sacrificed 2) afflicted 3) aroused 4) grudged
- 16. The ability to use your experience and knowledge to make sensible decisions and judgements is called**
1) wisdom 2) persistence 3) freedom 4) determination
- 17. Our suspicions were first when we heard a muffled cry from that old house.**
1) stated 2) lessened 3) aroused 4) pretended

word study بررسی واژگان درس ۳۹

afflict	رنج دادن، آزرده، دچار کردن	knowledge	دانش
* anxiety	اضطراب، نگرانی	lead	(در این درس) گذراندن زندگی
* arouse	برانگیختن، تحریک شدن	material	مادی
beggar	گدا	* occasionally	گاهگاهی
* care	(در این درس) نگرانی	passerby	عابر، رهگذر
class	گروه، طبقه	* perform	انجام دادن
comfort	راحتی	philosopher	فیلسوف
* consequence	پیامد، عاقبت	* pity	ترحم، دلسوزی
contempt	تحقیر، خفت	* possess	دارا بودن، داشتن
* deliberately	عمداً	* precisely	دقیقاً
* dignity	وقار، عزت نفس	priest	کشیش، روحانی
ease	راحتی	rule	قاعده، قانون
* envious	حسود	sacrifice	فدا کردن، قربانی کردن
* estimate	تخمین زدن	* seek	جستجو کردن، درخواست کردن
* exception	استثنا	* spiritual	معنوی، روحی
* fee	دستمزد	* statement	جمله، اظهارنظر، گفته
* freedom	آزادی	surgeon	جراح
grudge	با اکراه پذیرفتن (یا دادن)	tramp	خانه به دوش، بی‌خانمان، ولگرد
* independence	استقلال	willingly	با میل و اشتیاق
in terms of	از لحاظ، از بابت	wisdom	خرد، حکمت، عقل
in the light of	با توجه به، با در نظر گرفتن		

پاسخ سوالات درس ۳۹

معنی متن: **A**

چیزی نه برای خریدن و نه برای فروختن

این طور گفته می‌شود که همه افراد با فروش چیزی گذران زندگی می‌کنند. براساس این گفته، آموزگاران با فروش دانش، فلاسفه با فروش خرد و حکمت و روحانیون با فروش آرامش معنوی گذران زندگی می‌کنند. اگرچه محاسبه‌ی ارزش کالاهای مادی برحسب پول امکان‌پذیر است، برآورد قیمت و ارزش واقعی خدماتی که افراد مختلف به ما ارائه می‌دهند بسیار دشوار است. مواقعی پیش می‌آیند که ما مشتاقانه حاضر می‌شویم تمام آن‌چه داریم بدهیم تا جانمان نجات یابد، اما با این حال ممکن است نسبت به پرداخت دستمزد بالای یک جراح که دقیقاً چنین خدمتی را به ما ارائه می‌دهد بی‌میل و ناراضی باشیم. شرایط جامعه به گونه‌ای است که برای مهارت‌ها (ی حرفه‌ای) درست به روشی مشابه با کالاهایی که از مغازه‌ها خریداری می‌شوند، باید پول پرداخت شود. هر کسی چیزی برای فروش دارد.

به نظر می‌رسد که افراد خانه به دوش تنها مورد استثنای این قاعده‌ی کلی باشند. گداهان تقریباً وجود انسانی خود را می‌فروشند تا بتوانند احساس ترحم رهگذران را برانگیزند. اما خانه به دوشان حقیقی، گدا نیستند. آن‌ها هیچ چیزی برای فروش ندارند و به گرفتن هیچ چیزی هم از دیگران نیاز ندارند. آن‌ها در راه جستجو و به دست آوردن استقلال، شرافت انسانی خود را قربانی نمی‌کنند. یک خانه به دوش ممکن است از شما تقاضای پول کند اما هرگز از شما نمی‌خواهد که نسبت به او احساس تأسف کنید. او تعمداً و آگاهانه شیوه‌ی زندگی خود را انتخاب کرده است و کاملاً نسبت به عواقب آن آگاهی دارد. او شاید نداند که غذای بعدی را چگونه بدست خواهد آورد اما در عوض از خیلی از نگرانی‌های دیگری که مردم را آزار می‌دهد رهاست. دارایی‌های مادی بسیار اندک او به او این امکان را می‌دهد که به راحتی از جایی به جای دیگر نقل مکان کند. چون مجبور است در فضای آزاد بخوابد بیش‌تر از همه‌ی ما به دنیای طبیعت نزدیک می‌شود. برای زنده نگه‌داشتن خود ممکن است به شکار، گدایی یا حتی دزدی بپردازد ولی هرگز آزادی خود را فدا نمی‌کند. ما اغلب راجع به خانه به دوش‌ها با تحقیر سخن می‌گوییم و آن‌ها را همدریف با گداهان به حساب می‌آوریم، اما چند نفر از ما صادقانه می‌توانند بگویند که نسبت به زندگی ساده‌ی آن‌ها و رهایی‌شان از نگرانی‌ها احساس حسادت نکرده‌اند؟

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۳) **B**

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** بسیار باعث تأسف است که دانش آموزان مناطق روستایی نمی‌توانند شانس مساوی (با دانش‌آموزان شهری) برای قبول شدن در دانشگاه داشته باشند.

* pity یعنی «ترحم، تأسف»:

چقدر حیف که نمی‌توانی بیایی و ما را ببینی.

What a pity you can't come and see us.

۳ - پرسش، تحقیق و بررسی

۲ - پوسیدگی، خرابی

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - شأن، مقام

۲- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** وقتی از وسیله‌ی نقلیه‌ی خود خارج شدیم خودمان را در میان بچه‌های کوچکی که برای پول **گدایی می‌کردند** در محاصره یافتیم.

* beg هم به معنی «گدایی کردن» است و هم «تمنا کردن، التماس کردن، شدیداً درخواست کردن»:

او طلب بخشش کرد. He begged for forgiveness.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تحقیق کردن ۲- هدایت کردن ۳- مراقبت کردن، دوست داشتن

۳- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** بعد از این که از کار سینما بازنشسته شد به زادگاهش بازگشت تا **زندگی آرامی را بگذراند**.

* lead a ... life یعنی «نوع خاصی از زندگی را گذراندن».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- روبرو شدن ۲- باعث شدن ۳- تعریف کردن

۴- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** اگر الان **شهریه** را پرداخت نکنی، در خطر حذف شدن از این دوره قرار خواهی گرفت.

* fee یعنی «دستمزد یک خدمات یا ویزیت تخصصی مثل یک پزشک یا یک وکیل؛ شهریه‌ی یک دوره یا دانشگاه یا ...؛ پول پرداختی بابت حق عضویت، حق ورود و ...»:

بعضی پزشکان دستمزد زیادی برای ویزیت مطالبه می‌کنند. Some doctors charge a high fee for their visits.

حق ورود به این کلوب چقدر است؟ How much is the entrance fee to this club?

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- دستمزد (یک کارگر) ۳- سهم، قسمت ۴- حقوق (ماهانه)

۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** عمه‌ام آن قدر به ماشین ظرفشویی جدیدمان **حسودی** کرد که درست یکی مثل آن را خرید.

* صفت envious که بعد از آن حرف اضافه‌ی of می‌آید به معنی «حسود» است. اسم آن envy (حسادت) و مترادف آن صفت jealous است.

به ماشین جدید او حسودی می‌کردم. I was envious / jealous of his new car.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- عمدی ۲- شدید، چشمگیر ۳- نامطلوب

۶- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** اغلب برای افراد سالخورده سخت است که محل **اموال** خود مثل کلیدهایشان را به خاطر بیاورند.

* اسم possession یعنی «مال، دارایی». فعل آن possess (داشتن، دارا بودن) است:

هرچه داشتند در آتش از دست دادند. They lost everything they possessed in the fire.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حافظه ۲- ذره ۳- عاقبت، پیامد

۷- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** او تقریباً برای هیچ ایده‌ی جدیدی ارزش قائل نمی‌شود. او به همه‌ی پیشنهادها به دیده‌ی **تحقیر** نگاه می‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- شأن، مقام ۳- عقل، خرد ۴- قصد، هدف

۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** ناراحت کردن و توهین کردن به دیگران جزو خصوصیات اخلاقی او نیست. او هرگز **عمداً** نمی‌خواهد چنین کاری انجام دهد.

* صفت deliberate هم به معنی «عمدی، از قصد» و مترادف on purpose و intentional است و هم به معنی «با طمأنینه، با آرامش و دقت»:

من عمداً آن لیوان را نشکستم بلکه یک حادثه بود. I didn't break the glass deliberately – it was an accident.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- با حسادت ۳- با نرمی و ظرافت ۴- موقتاً

۹- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** به زندانیان فقط اجازه داده می‌شد تا **گاه‌گاهی** با خویشاوندان نزدیک خود ملاقاتی داشته باشند.

* occasionally یعنی «گاه‌گاهی» و با sometimes مترادف است:

من گاه‌گاهی به لندن می‌روم – تقریباً ماهی یکبار. I occasionally go to London – about once a month.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- دقیق ۲- معنوی ۳- دایمی

۱۰- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه باید **دنبال** شغلی دائمی **باشی**.

* فعل seek هم به معنی «دنبال چیزی گشتن، جستجو کردن» است و هم به معنی «تقاضا کردن»:

ما به دنبال پاسخی برای آن مسأله بودیم ولی آن را پیدا نکردیم. We sought an answer for the problem but couldn't find one.

seek help from sb

از کسی تقاضای کمک کردن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - انجام دادن ۲ - برانگیختن ۳ - به هیجان آوردن

۱۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: اکثر بچه‌هایی که به این بیماری نادر ژنتیکی دچار می‌شوند قبل از شش سالگی می‌میرند.

* فعل afflict یعنی «گرفتار و دچار شدن یا رنج بردن از چیزی بد»:

The economy has been afflicted by poor management for years.

سالهاست که اقتصاد از مدیریت ضعیف رنج می‌برد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پیشنهاد دادن ۳ - تجویز کردن ۴ - برانگیختن

۱۲- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: همه‌ی ما این سربازان شجاع را که حاضرند جانشان را در راه کشورشان فدا کنند، تحسین می‌کنیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - انجام دادن ۲ - داشتن ۴ - مغلوب کردن

۱۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: آن روان‌شناس به من کمک کرد تا بتوانم تمام علل اضطرابم را پیدا کرده و آن‌ها را از بین ببرم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - کیفیت ۳ - عزت نفس ۴ - تنوع

۱۴- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: در تمام آن ماجرا آن‌ها موفق شدند که با آبرو و شرافت عمل کنند.

* اسم dignity یعنی «وقار، عزت‌نفس، شأن و منزلت»:

Even though they are poor, they have a sense of dignity.

آن‌ها با این‌که فقیر هستند، دارای احساس عزت نفس (زیادی) هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پیامد، نتیجه ۲ - تقلید ۳ - اجراء نمایش

۱۵- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: چون از همسایگانم متنفر بودم، هر دقیقه‌ای که صرف کمک به آن‌ها برای جابه‌جا کردن اثاثه‌شان کردم را با بی‌میلی و

اکراه انجام دادم.

* فعل grudge یعنی «با بی‌میلی و اکراه کاری را انجام دادن یا چیزی را دادن». در ضمن این کلمه یک اسم و به معنی «اکراه، بی‌میلی، رنجش، کینه» هم

هست:

He still holds a grudge against me for not lending him the money.

او هنوز به خاطر این‌که به او پول قرض ندادم، از من دلگیر است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - قربانی کردن ۲ - دچار کردن ۳ - تحریک کردن

۱۶- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: توانایی شما در استفاده از تجربه یا دانش خود برای اتخاذ تصمیمات و قضاوت‌های عاقلانه، خرد نامیده می‌شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - پشتکار، پافشاری ۳ - آزادی ۴ - اراده، عزم

۱۷- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: شک ما اولین بار موقعی برانگیخته شد که فریادی گنگ و مبهم را از آن خانه‌ی قدیمی شنیدیم.

* فعل arouse یعنی «تحریک کردن، برانگیختن یک احساس در کسی»:

The new law has aroused much public concern.

قانون جدید باعث برانگیخته شدن نگرانی مردم شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ابراز کردن ۲ - کاهش دادن ۴ - وانمود کردن

English Lesson 40

Part I

Reading Comprehension

A Reading

United Nations

In these times of world tension, we hear a great deal about the United Nations. What is it? Why was it established? What is it supposed to do? We can give only a brief description of the United Nations here, but here are some things you should know about it.

The United Nations is an organization of governments. It was set up to prevent war and to build a better world for all by dealing with problems which can best be solved through international action. The UN constitution, known as the Charter, was signed at San Francisco on June 26, 1945, by representatives of 50 nations.

According to the Charter, the UN has four chief purposes. The first is to maintain peace by settling disputes peacefully or by taking steps to stop aggression, that is, armed attack. The second is to develop friendly relations among nations based on the equal rights of peoples and their own choices of government. The third is to achieve international cooperation in solving economic, social, cultural, and humanitarian problems. And the fourth is to serve as a center where the actions of nations can be combined in trying to attain these aims.

The UN is divided into six main working groups. The first is The General Assembly. Made up of all the members, each with one vote, it is the policy-making body of UN.

The second is the Security Council, which is responsible for the maintenance of peace. China, France, Great Britain, Russia, and the United States have permanent seats and special voting privileges. The other six members are elected by the General Assembly for terms of two years.

The third is the Economic and Social Council with eighteen members. Its job is to promote the welfare of peoples and to further human rights and fundamental freedoms. The fourth is the Trusteeship Council, which supervises the welfare of dependent peoples under the UN and helps them towards self-government. The fifth is the International Court of Justice, which settles legal disputes.

The sixth is the Secretariat, the administrative and office staff of the UN. Its chief officer is secretary-general of the United Nations.

B Comprehension Check

1. Which statement is correct according to this passage?

- 1) The UN constitution was signed by representatives of permanent members in 1945.
- 2) The Security Council can settle all kinds of disputes among people.
- 3) The Security Council of the UN has eleven members.
- 4) The UN helps independent nations to achieve self-government.

2. The permanent members of UN

- 1) should develop friendly relations among nations
- 2) should solve economic problems of the United Nations
- 3) are selected among all members of the United Nations
- 4) can reject some of the decisions made by other members

3. Improving the welfare of people is the responsibility of the

- | | |
|---------------------|----------------------|
| 1) Social Council | 2) General Assembly |
| 3) Security Council | 4) Secretary-General |

4. Which part of the UN is made up of all its members?

- 1) the Security Council 2) the General Assembly 3) the Court of Justice 4) the Trusteeship Council

Part II

Vocabulary Test

1. There's no doubt that unions a useful function for both workers and management.

- 1) divide 2) serve 3) select 4) combine

2. I'm sorry to interrupt you but there's a rude customer who insists on knowing who's in of the shop.

- 1) action 2) mind 3) case 4) charge

3. Education is one of the basic human rights written into the United Nation's

- 1) Assembly 2) Council 3) Security 4) Charter

4. You'd better put off making your final decision until you all the necessary data.

- 1) elect 2) assemble 3) supervise 4) promote

5. Boys at this age usually express their by hitting each other.

- 1) aggression 2) promotion 3) cooperation 4) interaction

6. The meeting took a long time but no practical suggestion was made to with the case.

- 1) supply 2) equip 3) revise 4) deal

7. The U.S. government has been attacked for his foreign by almost all the countries in the Middle East.

- 1) culture 2) policy 3) concept 4) privilege

8. We the quality of our products but did not increase the prices.

- 1) cooperated 2) replaced 3) consumed 4) maintained

9. Simon their offer of the job mainly because the salary was too low.

- 1) rejected 2) supervised 3) attained 4) approved

10. An oral agreement is not enough; we must have a written promise .

- 1) cultural 2) equal 3) general 4) legal

11. The company intends to all these goals within the next three years.

- 1) achieve 2) settle 3) extend 4) gather

12. There was nearly a(n) fire on Friday night when some children set fire to a pile of rubbish in the park.

- 1) major 2) artificial 3) primary 4) gradual

13. This hotel has got a very good and is recommended by most travel agencies.

- 1) settlement 2) reputation 3) appointment 4) possession

14. Life has taught me that we can our dreams with hard work and dedication.

- 1) attain 2) elect 3) unite 4) assume

15. The production manager was troubled over the recent drop in by his employees.

- 1) privilege 2) staff 3) supervision 4) output

16. Nearly all the committee's members to decrease the amount of money being spent on space vessels.

- 1) dealt 2) voted 3) struck 4) marked

17. The judge appointed to this special case must be a person of and honesty.

- 1) justice 2) achievement 3) eternity 4) desire

18. I believe that is important in all relationships between people, especially those who must live and work together closely.

- 1) distribution 2) prominence 3) cooperation 4) maintenance

19. Enough rest and sport are the best ways of relieving the of a busy life in big cities.

- 1) tension 2) command 3) dignity 4) effort

20. When a country gains its independence, the new government begins to write a

- 1) discrimination 2) translation 3) supervision 4) constitution

21. This form must be filled in and by a parent before you can go on the school trip.

- 1) voted 2) collected 3) signed 4) proposed

22. The of this elementary course is to equip all the children with practical study skills.

- 1) aim 2) origin 3) rank 4) area

23. I wasn't satisfied with the way my boss handled the, so I complained to my union.

- 1) welfare 2) dispute 3) relation 4) court

24. All the major newspapers are forecasting that there will be a general in two months.

- 1) election 2) reputation 3) description 4) promotion

word study

۴۰ بررسی واژگان درس

* achieve	دست یافتن، نایل شدن	* legal	حقوقی، قانونی
administrative	اداری، اجرایی	officer	مقام، مسوول
* a great deal	مقدار زیادی	output	برون‌ده، بازده، تولید
aggression	تهاجم، تجاوز	peace	صلح
* aim	هدف	* permanent	دایمی
armed	مسلح	policy	سیاست
assembly	مجمع	privilege	امتیاز
* attack	حمله	* promote	ارتقا دادن، پیشرفت کردن
* attain	دست یافتن، نایل شدن	rank	درجه، مقام
charter	منشور، اساسنامه	* reject	رد کردن، نپذیرفتن
* chief	اصلی، عمده	* relation	ارتباط، رابطه
* combine	ترکیب کردن	representative	نماینده
constitution	قانون اساسی	* reputation	معروفیت، آبرو، اعتبار
* cooperation	همکاری	secretariat	دبیرخانه
council	شورا، هیئت، انجمن	secretary	منشی، دبیر
court	دادگاه	secretary-general	دبیر کل
* cultural	فرهنگی	Security Council	شورای امنیت
description	شرح، توصیف	* select	انتخاب کردن
* deal with	حل و فصل کردن، رسیدگی کردن به	self-government	خودمختاری، استقلال
dispute	منزاعه، مناقشه، دعوا، اختلاف	serve	خدمت کردن
divide	تقسیم کردن	settle	حل و فصل کردن
* elect	(با رأی) انتخاب کردن	* set up	تأسیس کردن، به وجود آوردن
* equal	برابر، مساوی	* sign	امضا کردن
* establish	تأسیس کردن	staff	کارکنان
for terms of	به مدت	* supervise	نظارت و سرپرستی کردن
* fundamental	بنیادی، اساسی	* supposed to	قرار است که، باید
gate	در، دروازه	* take steps	اقدام کردن، گام برداشتن
general	عمومی، کلی	tension	تنش، تیرگی روابط
General Assembly	مجمع عمومی	Trusteeship Council	شورای سرپرستی
humanitarian	بشر دوستانه	unite	متحد شدن
* in charge of	مسئول	United Nations	سازمان ملل متحد
justice	عدالت	* vote	رأی دادن
* maintain	حفظ کردن	welfare	رفاه، آسایش
* major	عمده، اصلی، (درجه) سرگرد		

پاسخ سوالات درس ۴۰

A معنی متن:

سازمان ملل متحد

در این دوران تنش و تیرگی روابط در جهان، ما مرتب در مورد سازمان ملل متحد چیزهایی می‌شنویم. اما این سازمان چیست؟ چرا تأسیس شده است؟ قرار است چه کار کند؟ ما در این جا فقط می‌توانیم توضیحی مختصر درباره‌ی سازمان ملل متحد ارائه دهیم، اما چیزهایی درباره‌ی آن هست که لازم است آن‌ها را بدانید.

سازمان ملل متحد، سازمانی تشکیل یافته از دولت‌هاست. این سازمان به این منظور تأسیس شده که از بروز جنگ‌ها جلوگیری کند و با حل و فصل مشکلاتی که به بهترین نحو از طریق اقدامات بین‌المللی قابل حل هستند، جهانی بهتر بسازد. قانون اساسی سازمان ملل یا همان منشور آن در ۲۶ ژوئن سال ۱۹۴۵ و در شهر سان فرانسیسکو توسط نمایندگان ۵۰ کشور امضا شد.

براساس این منشور، سازمان ملل دارای چهار هدف عمده است. اولین هدف آن، حفظ صلح با حل کردن مناقشات از راهی صلح آمیز و یا از طریق اقدام برای جلوگیری از تهاجم یا همان حملات مسلحانه است. دومین هدف آن عبارت است از ایجاد و توسعه‌ی روابط دوستانه بین ملت‌ها براساس تساوی حقوق بین افراد و همچنین آزادی آن‌ها در انتخاب نوع حکومت خود. سومین هدف، دستیابی به همکاری‌های بین‌المللی برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسان دوستانه (حقوق بشر) است. چهارمین هدف، عمل کردن به عنوان مرکزی است که در آن اقدامات کشورها برای نایل شدن به این اهداف به هم می‌پیوندند. سازمان ملل به شش گروه کاری اصلی تقسیم می‌شود. گروه اول مجمع عمومی است. این مجمع از کلیه‌ی اعضای سازمان تشکیل شده است و هر یک از اعضا در آن یک حق رأی دارند و به عنوان قسمت سیاستگذاری سازمان ملل عمل می‌کند.

گروه دوم شورای امنیت است که مسوول حفظ صلح می‌باشد. کشورهای چین، فرانسه، انگلستان، روسیه و ایالات متحده در آن دارای کرسی دائمی و همچنین امتیاز مخصوصی در رأی دادن می‌باشند. شش عضو دیگر آن توسط مجمع عمومی و به مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

سومین گروه شورای اقتصادی و اجتماعی است که دارای هجده عضو می‌باشد. وظیفه‌ی آن افزایش و ارتقای رفاه انسان‌ها و وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (پایه) انسان‌ها می‌باشد. گروه چهارم شورای سرپرستی است که بر وضعیت رفاهی مردمی که تحت سرپرستی سازمان ملل هستند نظارت می‌کند و به آن‌ها برای ایجاد استقلال و تشکیل دولت کمک می‌کند. گروه پنجم دادگاه بین‌المللی است که منازعات حقوقی را حل و فصل می‌کند.

گروه ششم دبیرخانه یا همان کارکنان اجرایی و اداری آن است. مسوول اصلی آن دبیر کل سازمان ملل متحد است.

۴ - گزینه‌ی (۲)

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۴)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: هیچ شکی وجود ندارد که اتحادیه‌ها کارکردی مفید هم برای کارکنان و هم برای مدیریت ارائه می‌دهند.

* فعل serve دارای معانی متعددی مثل «خدمتی ارائه کردن، کار کردن، کمک کردن، سرو کردن غذا، سپری کردن یک خدمت یا یک محکومیت و ...» می‌باشد.

او ۲۰ سال در ارتش خدمت کرد. He served in the army for 20 years.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تقسیم کردن ۳ - انتخاب کردن ۴ - ترکیب کردن

۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: ببخشید که مزاحمتان می‌شوم اما یک مشتری بی‌ادب هست که اصرار می‌کند بداند چه کسی مسئول فروشگاه است.

* in charge of یعنی «مسئول چیزی بودن»؛ take charge of هم به معنی «به عهده گرفتن مسئولیت کاری» است:

He took charge of children while their mother was in hospital.

او مسئولیت نگهداری از بچه‌ها را در مدتی که مادرشان در بیمارستان بود، به عهده گرفت.

در این جا بد نیست با to be charged with به معنی «متهم بودن» و کاربرد دیگر charge به معنی «مطالبه کردن یک پول» هم آشنا شوید:

او به دزدیدن آن دوچرخه متهم شد. He was charged with stealing the money.

او برای خرید آن کتاب ده دلار از من مطالبه کرد (درخواست کرد). He charged me ten dollars for that book.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - حرکت، اقدام ۲ - ذهن ۳ - مورد

۳- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: داشتن تحصیلات یکی از حقوق اولیه‌ی انسان‌هاست که در **منشور** سازمان ملل متحد هم نوشته شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مجمع ۲ - شورا ۳ - امنیت

۴- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: بهتر است اتخاذ تصمیم نهایی را تا **جمع‌آوری کردن** تمامی اطلاعات به تعویق بیندازی (فعل put off یعنی «به تعویق انداختن»).

* فعل assemble یعنی «جمع‌آوری کردن، روی هم سوار کردن یک وسیله» و با gather و collect مترادف است. اسم assembly (مجمع) از این فعل مشتق شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - انتخاب کردن ۳ - نظارت کردن ۴ - ارتقا دادن

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: پسر بچه‌ها در این سن و سال معمولاً **پرخاشگری** خود را با کتک زدن همدیگر ابراز می‌کنند.

* اسم aggression یعنی «پرخاشگری، خشونت، تهاجم و تجاوز». صفت aggressive (پرخاشگر، ستیزه‌جو، مهاجم، متجاوز) با آن هم خانواده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ارتقا ۳ - همکاری، مشارکت ۴ - تداخل، تعامل

۶- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: جلسه خیلی طول کشید ولی هیچ پیشنهاد مفیدی برای **حل و فصل کردن** آن مورد ارائه نشد.

* فعل deal with دارای معانی متعددی مثل «رسیدگی کردن و حل و فصل کردن یک مسأله، سر و کار داشتن و مربوط بودن، رفتار کردن، معامله کردن و ...» و مترادف با افعالی مثل cope with ، manage ، handle و ... می‌باشد.

I deal with your question now. الان به پرسش شما رسیدگی کنم (آن را جواب می‌دهم).

This chapter deals with writing letters. این فصل مربوط به (درباره‌ی) نحوه‌ی نامه‌نگاری است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تدارک دیدن ۲ - مجهز کردن ۳ - مرور و بازبینی کردن

۷- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: دولت آمریکا به خاطر **سیاست** خارجی خود از طرف بسیاری از کشورهای خاورمیانه مورد حمله و انتقاد شدید قرار گرفته است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - فرهنگ ۳ - مفهوم ۴ - مزیت، امتیاز

۸- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: ما کیفیت تولیدات خود را **حفظ کردیم** اما قیمت‌ها را افزایش ندادیم.

* فعل maintain یعنی «حفظ و نگهداری کردن یک چیز در همان شرایط خوب اولیه». اسم آن maintenance است.

The car has always been properly maintained. از این ماشین همیشه به درستی نگهداری شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - همکاری کردن ۲ - جایگزین کردن ۳ - مصرف کردن

۹- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** سیمون پیشنهاد کار آن‌ها را رد کرد بیش‌تر به این خاطر که حقوقش خیلی پایین بود.

* فعل reject یعنی «رد کردن و نپذیرفتن یک پیشنهاد»:

He rejected my proposal.

او پیشنهاد مرا رد کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- نظارت کردن ۳- نایل شدن ۴- تأیید کردن

۱۰- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** یک توافق شفاهی کافی نیست ما باید یک تعهد مکتوب **قانونی** داشته باشیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فرهنگی ۲- مساوی ۳- کلی، عمومی

۱۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** شرکت قصد دارد ظرف سه سال آینده به تمام این اهداف **برسد** (فعل intend یعنی «قصد داشتن»).

* فعل achieve یعنی «رسیدن و نایل شدن به یک هدف». اسم آن achievement (دستاورد، موفقیت) است:

He achieved top marks in the examination.

او در امتحان به بالاترین نمره دست یافت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- حل و فصل کردن ۳- گسترش دادن ۴- جمع‌آوری کردن

۱۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** جمعه شب وقتی چند بچه کپه‌ی آشفالی را در پارک آتش زدند، نزدیک بود که آتشی **بزرگ** در اثر آن به وجود بیاید.

* صفت major یعنی «بزرگ، عمده، اصلی». متضاد آن صفت minor است. در ضمن اسم majority یعنی «اکثریت»:

The majority of children here are boys.

اکثر بچه‌ها در این جا پسر هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مصنوعی ۳- ابتدایی، اصلی ۴- تدریجی

۱۳- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** این هتل **اعتباری** بسیار خوب دارد و از طرف اکثر آژانس‌های مسافرتی توصیه می‌شود.

* اسم reputation یعنی «وجهه، اعتبار، آبرو، آوازه»:

have a good / bad reputation

خوشنام / بدنام بودن

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حل و فصل ۳- قرار ملاقات ۴- دارایی

۱۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** زندگی به من آموخته است با تلاش زیاد و خود را وقف کاری کردن می‌توان به رویاهای خود **رسید**. (فعل dedicate

یعنی «خود را وقف کاری کردن»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- انتخاب کردن ۳- متحد شدن ۴- حدس زدن، انگاشتن

۱۵- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** مدیر تولید به خاطر اُفت اخیر در **تولید** توسط کارکنان خود دچار مشکل شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مزیت ۲- کارکنان ۳- نظارت

۱۶- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** تقریباً تمام اعضای کمیته به کاهش مقدار پولی که صرف سفینه‌های فضایی می‌شود **رأی دادند**.

* vote for یعنی «به نفع چیزی رأی مثبت دادن» و vote against یعنی «برضد کسی رأی منفی دادن».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- رسیدگی کردن ۳- اصابت کردن ۴- علامتگذاری کردن، نمره دادن

۱۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** قاضی‌ای که برای رسیدگی به این پرونده‌ی خاص تعیین می‌شود باید فردی دارای **عدالت** و شرافت باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- دستاورد، موفقیت ۳- ابدیت ۴- میل، خواسته

۱۸- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** من اعتقاد دارم که **همکاری و مشارکت** در تمام روابط انسانی به ویژه بین آن‌هایی که باید نزدیک هم به یکدیگر با هم

کار یا زندگی کنند، مهم است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- توزیع ۲- اهمیت، برجستگی ۴- حفظ و نگهداری

۱۹- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** استراحت کافی و ورزش از بهترین راه‌های کاهش **تنش** یک زندگی پرمشغله در شهرهای بزرگ است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- دستور، فرمان ۳- شرافت، عزت نفس ۴- تلاش

۲۰- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** وقتی یک کشور استقلال خود را به دست می‌آورد، حکومت جدید شروع به نوشتن یک **قانون اساسی** می‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- افتراق، فرق گذاری ۲- ترجمه ۳- نظارت

۲۱- **گزینه‌ی (ب)** **معنی جمله:** برای این که بتوانید از طرف مدرسه به اردو بروید باید این فرم توسط یکی از والدینشان تکمیل و **امضا شود**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- رأی دادن ۲- جمع آوری کردن ۳- پیشنهاد کردن

۲۲- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** **هدف** این دوره‌ی مقدماتی این است که دانش‌آموزان را با مهارت‌های عملی مطالعه آشنا کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- منشاء ۳- مقام، درجه ۴- ناحیه

۲۳- **گزینه‌ی (د)** **معنی جمله:** از نحوه برخورد رئیس‌م با آن مسأله مورد **اختلاف** راضی نبودم در نتیجه به اتحادیه‌ام نسبت به آن شکایت کردم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- رفاه ۳- رابطه ۴- دادگاه

۲۴- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** تمام روزنامه‌های اصلی پیش‌بینی کرده‌اند که یک **انتخابات** همگانی ظرف دو ماه آینده برگزار خواهد شد.

* elect یعنی «انتخاب کردن یک نفر با رأی‌گیری، رأی‌گیری کردن، همه پرسی کردن»

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- اعتبار، آبرو ۳- توصیف ۴- ارتقا

۲۵- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** این دو حزب به جای این که مدام با هم در جنگ باشند باید برای حمایت از برنامه رفاه اجتماعی با هم **متحد شوند**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- باقی ماندن ۲- دفاع کردن ۳- همراهی کردن

۲۶- **گزینه‌ی (ب)** **معنی جمله:** اگر زندانیان رفتار خوبی داشته باشند، به آن‌ها این **امتیاز** داده خواهد شد که آخر هفته خانواده‌شان را ملاقات کنند.

* privilege یعنی «یک امتیاز خاص، حق انحصاری، مصونیت (سیاسی، پارلمانی و ...)».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- انتخاب، گلچین ۲- سود، فایده ۴- پیشنهاد

۲۷- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** بزرگ کردن فرزند طوری که بتواند بین درست و نادرست تمایز قائل شود، یکی از وظایف **اساسی** پدر و مادری است.

* صفت fundamental که با حرف اضافه‌ی to همراه می‌شود به معنی «ضروری، اساسی، بنیادی، پایه» و مترادف با vital, primary, essential, basic می‌باشد.

آب برای حیات ضروری است. Water is fundamental to survival.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- عمدی ۳- داوطلبانه، اختیاری ۴- اجرائی

۲۸- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** تو برای این که بتوانی یک گاراژ در باغ خود درست کنی نیاز به یک تأییدیه‌ی رسمی از **شورای** محل داری.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- عدالت ۳- حمل و نقل ۴- منبع (طبیعی)

۲۹- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** ما مثل سران اتحادیه خوش بین هستیم که می‌توانیم به **توافقی** مسالمت آمیز در مورد آن اختلاف برسیم.

* با فعل settle در این درس به معنی «به توافق رسیدن و حل و فصل کردن یک دعوا» آشنا شده‌اید. از معانی مهم این فعل «اقامت کردن، ساکن شدن در جایی» می‌باشد:

پسر من در آمریکا ساکن شده است. My son has settled in America.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- ترکیب ۲- دستاورد، موفقیت ۳- حذف

۳۰- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** به خوبی مشخص شده است که مشکلات اقتصادی از دلایل **عمده‌ی** طلاق هستند (divorce یعنی «طلاق، طلاق گرفتن»).

* صفت chief یعنی «عمده، اصلی». این کلمه می‌تواند یک اسم و به معنی «رئیس» هم باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- رسمی ۲- سختگیر، سخت و سخت ۳- قانونی

1. A: What's the main of his novels?

B: Most of them have sad endings.

- 1) characteristic 2) possession 3) adventure 4) privilege

2. When his promotion was by the newspaper owner, the editor was thoroughly disappointed.

- 1) expressed 2) proposed 3) rejected 4) achieved

3. It is impossible to estimate the harm caused by the use of these drugs.

- 1) illegal 2) energetic 3) popular 4) deliberate

4. France and Germany are on the design and launching of the new generation of space rockets.

- 1) maintaining 2) cooperating 3) demonstrating 4) approving

5. As it was expected, this study that cigarette advertising does encourage to smoke.

- 1) afflicts 2) demonstrates 3) establishes 4) classify

6. We hope that the new productivity agreement will lead to an increase in

- 1) profession 2) expense 3) solution 4) output

7. I'd like you to remove those toys from their children's before they get broken.

- 1) sight 2) emotion 3) safety 4) effort

8. It makes my parents happy that I contact with them while I am away from home attending university.

- 1) introduce 2) deliver 3) maintain 4) recognize

9. The instructions are very confusing. I can't tell what I'm to do.

- 1) supposed 2) affected 3) restricted 4) advanced

10. I hope you don't think that his opinions are of all the people in this neighborhood.

- 1) representative 2) supervision 3) disappointment 4) possibility

11. With more than 90 percent of counted, we should win nearly a third of seats.

- 1) ranks 2) votes 3) expenses 4) fees

12. She can't go on that everything is OK when it obviously isn't.

- 1) pretending 2) discouraging 3) seeking 4) challenging

13. They wanted to tell the public their opinion about the government's environmental strategy, so they had an article written in a newspaper.

- 1) local 2) precise 3) limited 4) major

14. A: Have you ever been to that restaurant?

B: No, but I suggest you avoid it. It's got a terrible

- 1) presentation 2) reputation 3) distinction 4) consumption

15. The rest of the workforce came together to support their friends in their fight for

- 1) affair 2) justice 3) endeavor 4) defense

16. Before you start the project, it's vital to have a clear in mind. You really need to know where you're going.

- 1) dignity 2) spot 3) option 4) aim

17. If you intend to change the date on that cheque, you'll have to your name as well, or the bank won't accept it.

- 1) sign 2) identify 3) seek 4) exchange

18. You'd better call the manager; he's used to with difficult customers.

- 1) leading 2) seeking 3) loading 4) dealing

19. A: Why did the kids cause so much trouble?

B: I don't know, but they've got such a(n) attitude to everything.

- 1) aggressive 2) extensive 3) sensitive 4) expressive

20. You can't expect your students to absorb such a(n) amount of information in just one day.

- 1) precise 2) enormous 3) critical 4) permanent

پاسفنامہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 41

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Bacteria

Bacteria are probably the most common form of life on earth. They are microorganisms, which mean they can be seen only under a microscope. A bacterium consists of only one cell. A single drop of sour milk may contain 100,000,000 bacteria. Since bacteria have some features of both plants and animals, scientists have not agreed on how to classify them. Most bacteria reproduce by fission – the cell divides in two.

There are at least two thousand species of bacteria, and they live practically everywhere and anywhere. Some live in the mouths and noses of animals, including man. Others live on fallen leaves, dead trees, in fresh and salt water, in milk, and in most foods. They live in dust and soil. Some bacteria are able to use as food such substances as hydrogen gas, ammonia, iron compounds, and paraffin. A few feed on acids and bases that are poisonous to man.

Although most bacteria are killed by extreme heat, some live in hot springs. Freezing may check their growth, but does not ordinarily kill bacteria. They can remain inactive for long periods of time. Bacteria have been found frozen in salt deposits that are hundreds of millions of years old. These bacteria have become active in the laboratory.

If bacteria can survive under practically any conditions, isn't man in great danger from them? Bacteria cause the decay of dead plants and animals. Bacteria play an important part in the digestive processes of man and other animals. They are a vital link in the food chain that supports life.

Bacteria are responsible for the fermentation process by which such products as cheese and vinegar are made. The same fermentation is also used in industry to make substances essential to paints, plastics, cosmetics, candy, and other products. It is also used to make certain drugs. So you see in how many ways bacteria are useful to man. And there are still many more ways they are used and will be used in the future!

B Comprehension Check

1. Since bacteria have features of both plants and animals,

- | | |
|---|---|
| 1) they can only be seen under a microscope | 2) scientists have not agreed on how to classify them |
| 3) they can grow in all kinds of environments | 4) scientists cannot name them properly |

2. According to the passage , bacteria

- | | |
|---|-------------------------------------|
| 1) can remain inactive for a long time | 2) can be easily killed by freezing |
| 3) have been found frozen in decaying animals | 4) are reproduced by fermentation |

3. Which of the following sentences are correct?

- | | |
|--|--|
| 1) Most species of bacteria can live in hot springs. | 2) Fermentation is essential for survival of bacteria. |
| 3) Most bacteria produce poisonous substances. | 4) Bacteria are a vital link in the natural food chains. |

Part II

Vocabulary Test

1. A is a chemical substance which combines two or more elements.

- | | | | |
|--------------|-------------|-------------|-------------|
| 1) formation | 2) compound | 3) reaction | 4) material |
|--------------|-------------|-------------|-------------|

2. This bottle contains gas so it must be carried with the greatest care.

- | | | | |
|--------------|--------------|-------------|-----------|
| 1) practical | 2) poisonous | 3) invasive | 4) severe |
|--------------|--------------|-------------|-----------|

3. The number of insects is probably three times the total number of all other animal in the world.

- | | | | |
|-------------|------------|-------------|--------------|
| 1) elements | 2) species | 3) products | 4) districts |
|-------------|------------|-------------|--------------|

4. Their support is to your success; you must persuade them to vote for you at all cost.

- | | | | |
|------------|----------|------------|-----------|
| 1) legible | 2) vital | 3) precise | 4) formal |
|------------|----------|------------|-----------|

5. Please slow down a bit. You're eating too fast to your food well.

- | | | | |
|----------|--------------|-----------|------------|
| 1) decay | 2) reproduce | 3) digest | 4) release |
|----------|--------------|-----------|------------|

6. Huge of rich soil at the bank of the river has made it a very suitable place for farming.

- | | | | |
|----------|---------------|---------|-------------|
| 1) drops | 2) continents | 3) rays | 4) deposits |
|----------|---------------|---------|-------------|

7. In nature, only a small fraction of animals that are grow to adulthood.

- | | | | |
|---------------|---------------|---------------|---------------|
| 1) reproduced | 2) eliminated | 3) reinforced | 4) attributed |
|---------------|---------------|---------------|---------------|

8. Mountain climbing is not a sport to be taken lightly. You have to understand that there's a(n) of danger involved in it.

- | | | | |
|------------|------------|----------|------------|
| 1) element | 2) process | 3) chain | 4) product |
|------------|------------|----------|------------|

9. Through hard work and a bit of luck he became the millionaire owner of a huge supermarket

- | | | | |
|---------|----------|---------|----------|
| 1) link | 2) check | 3) zone | 4) chain |
|---------|----------|---------|----------|

10. A: Are these shoes for taking long walks?

B: Yes, they are very comfortable.

- | | | | |
|--------------|--------------|--------------|--------------|
| 1) energetic | 2) practical | 3) realistic | 4) essential |
|--------------|--------------|--------------|--------------|

word study بررسی واژگان درس ۴۱

ammonia	آمونیاک	inactive	غیرفعال
bacteria	باکتری‌ها (جمع bacterium)	* link	ربط، حلقه‌ی ارتباطی
candy	آب نبات	microorganism	ریزاندامگان
* chain	زنجیره، زنجیره	* ordinarily	معمولاً
check	(در این درس) متوقف کردن	paraffin	پارافین
* classify	طبقه‌بندی کردن	* poisonous	سمی
compounds	ترکیبات	* practically	عملاً، در واقع
cosmetics	لوازم آرایش	* process	فرآیند
* decay	خراب شدن، پوسیده شدن	* product	محصول
deposit	رسوب	* reproduce	تولید مثل کردن، تکثیر کردن
digestive	گوارشی، هاضمه	soil	خاک
drop	قطره	sour	ترش
* dust	گرد و غبار	species	(جاندار) نوع، گونه
* element	عنصر	spring	(در این درس) چشمه‌ی آب
* essential	ضروری، اساسی	* substance	ماده
fission	تقسیم (سلولی)	vinegar	سرکه
fermentation	تخمیر	* vital	حیاتی، بسیار مهم
* formation	تشکیل، شکل‌گیری		

پاسخ سوالات درس ۴۱

معنی متن:



باکتری‌ها

باکتری‌ها احتمالاً فراوان‌ترین شکل حیات در زمین هستند. آن‌ها ریزاندامگان هستند یعنی فقط توسط میکروسکوپ زیرین قابل رویت می‌باشند. یک باکتری فقط از یک سلول تشکیل شده است. یک قطره شیر ترش شده ممکن است حاوی صد میلیون باکتری باشد. از آن‌جا که باکتری‌ها هم دارای خواص گیاهان هستند و هم دارای خواص حیوانات، دانشمندان هنوز در مورد نحوه‌ی طبقه‌بندی کردن آن‌ها به توافق نرسیده‌اند. اکثر باکتری‌ها به وسیله‌ی تقسیم سلولی (تقسیم شدن به دو سلول) تکثیر می‌شوند.

حداقل دو هزار گونه از باکتری‌ها وجود دارد و آن‌ها عملاً در هر جایی زندگی می‌کنند. بعضی از آن‌ها در دهان یا بینی حیوانات، از جمله انسان، زندگی می‌کنند. بقیه بر برگ‌های زمین افتاده یا درختان مرده، در آب شور یا شیرین، در شیر و یا در اکثر غذاها زندگی می‌کنند. آن‌ها در گرد و غبار و یا خاک هم زندگی می‌کنند. تعدادی از باکتری‌ها قادرند از موادی مثل هیدروژن، آمونیاک، ترکیبات آهن و پارافین به عنوان غذا استفاده کنند. تعداد کمی هم قادرند در اسیدها و بازهایی که برای انسان سمی هستند تغذیه کنند.

اگرچه بیش‌تر باکتری‌ها در حرارت بسیار زیاد کشته می‌شوند، بعضی از آن‌ها می‌توانند در چشمه‌های آب گرم زندگی کنند. منجمد کردن احتمال دارد باعث متوقف شدن رشدشان شود، اما معمولاً باعث مرگشان نمی‌شود. آن‌ها می‌توانند مدت‌های طولانی غیرفعال بمانند. باکتری‌هایی به صورت منجمد شده درون رسوبات نمکی با عمر صدها میلیون سال یافته شده‌اند. همین باکتری‌ها در محیط آزمایشگاه دوباره فعال شدند.

اگر باکتری‌ها می‌توانند عملاً در هر شرایطی زنده بمانند، پس آیا انسان از وجود آن‌ها در معرض خطر بزرگی قرار ندارد؟ باکتری‌ها باعث پوسیدگی و فساد گیاهان و حیوانات مرده می‌شوند. آن‌ها نقشی مهم در فرآیندهای گوارشی در انسان و سایر حیوانات ایفا می‌کنند. آن‌ها حلقه‌ای بسیار مهم در زنجیره‌ی غذایی حفظ‌کننده‌ی حیات هستند.

باکتری‌ها باعث فرآیند تخمیر هستند که در این فرآیند محصولاتی مثل پنیر یا سرکه تولید می‌شوند. هم‌چنین این فرآیند در صنعت برای ساختن مواد لازم در تهیه‌ی رنگ‌ها، مواد پلاستیکی، لوازم آرایشی، آب‌نبات و سایر محصولات به کار می‌رود. این فرآیند هم‌چنین برای تولید بعضی داروها نیز کاربرد دارد. بنابراین می‌بینید که باکتری‌ها به طرق گوناگونی برای انسان مفید هستند. به علاوه کاربردهای بسیار بیش‌تری هم دارند و در آینده نیز خواهند داشت.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۲)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** یک ترکیب ماده‌ای شیمیایی است که از ترکیب شدن دو یا تعداد بیش‌تری از عناصر به وجود می‌آید.

۴ - ماده

۳ - واکنش

۱ - شکل‌گیری

۲- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** این بطری محتوی گاز سمی است بنابراین باید با دقت تمام حمل شود.

* صفت poisonous (سمی) با صفت toxic مترادف است. اسم آن poison (سم) است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - عملی ۳ - مهاجم، تهاجمی ۴ - شدید

۳- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** تعداد حشرات احتمالاً سه برابر مجموع سایر گونه‌های حیوانی در جهان است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - عنصر ۳ - محصول ۴ - ناحیه

۴- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** حمایت آن‌ها از تو برای موفقیت **حیاتی** است. تو باید به هر قیمتی شده آن‌ها را متقاعد کنی تا به تو رأی بدهند. (فعل persuade یعنی «متقاعد کردن»).

* صفت vital که با حرف اضافه‌ی to همراه می‌شود با کلماتی مثل fundamental, essential و ... مترادف است.

Water is a vital substance in life.

آب ماده‌ی حیاتی برای زندگی است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - خواندنی ۳ - دقیق ۴ - رسمی

۵- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** لطفاً کمی سرعت (غذا خوردن) خود را کم کن. تو آن قدر تند غذا می‌خوری که نمی‌گذاری غذایت به خوبی **هضم** شود.

* فعل digest یعنی «هضم کردن». با این کلمه در کتاب پیش‌دانشگاهی به معنی «خلاصه» آشنا شده‌اید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پوسیده شدن ۲ - تولید مثل کردن ۴ - رها کردن

۶- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** وجود **رسوبات** عظیمی از خاک غنی در کناره‌ی رودخانه آن را به مکانی بسیار مناسب برای کشاورزی تبدیل کرده است.

* اسم deposit علاوه بر معنی «رسوب» که در این درس دیدید، دارای معانی مهم دیگری چون «سپرده‌ی بانکی، ودیعه، بیعانه و پیش‌پرداخت» هم هست:

If you pay a deposit, I will hold this shirt for you.

اگر بیعانه پرداخت کنید، این پیراهن را برای شما نگاه خواهم داشت.

He deposited 100 dollars into his savings account.

او صد دلار در حساب پس اندازش گذاشت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - قطره ۲ - قاره ۳ - اشعه

۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** در طبیعت فقط جزء کوچکی از حیواناتی که **به دنیا می‌آیند** (تولید مثل می‌شوند) تا بزرگسالی زنده می‌مانند (اسم

fraction یعنی «جزء، قسمت»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - حذف کردن ۳ - تقویت کردن ۴ - نسبت دادن

۸- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** کوهنوردی یک ورزش سبک و ملایم نیست. باید بدانی که همیشه **عنصر** خطر با آن همراه است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - فرآیند ۳ - زنجیره ۴ - محصول

۹- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** او با تلاش زیاد و کمی شانس تبدیل به مالک میلیونر یک سوپر مارکت **زنجیره‌ای** عظیم شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ارتباط، حلقه‌ی ارتباطی ۲ - مهار، توقف ۳ - منطقه

۱۰- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** نفر اول: آیا این کفش‌ها برای پیاده روی‌های طولانی **به درد بخور** هستند؟ نفر دوم: بلی، آن‌ها بسیار راحت هستند.

* صفت practical یعنی «عملی، مفید، به درد بخور، منطقی»؛ قید practically هم به معنی «عملاً، در واقع، تقریباً» است:

You must be practical and buy only what you can afford.

تو باید منطقی باشی و فقط چیزهایی را بخری که در حد توانت هستند.

I've practically finished - I'll come in a minute.

عملاً (تقریباً) کارم تمام شده است - ظرف یک دقیقه خواهم آمد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پرانرژی ۳ - واقعی، منطقی ۴ - ضروری

English Lesson 42

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Pollution

Scientists have recently reported that the polar ice caps are melting, due to a rise in atmospheric temperatures known as the "Greenhouse Effect". According to Melvin Calvin, who won a Nobel Prize for earlier research, the carbon dioxide given off when coal and oil are burned is accumulating in the atmosphere and causing temperatures to rise. As a result, the ice covering the North and South Poles is melting and may eventually lead to a rise in sea levels which could flood many areas of the world, including New York, London and Tokyo.

The "Greenhouse Effect" is just one of many fundamental changes which are taking place in the environment. Tropical rain forests which took fifty million years to grow are being reduced at the rate of fourteen acres per minute. The world's deserts are growing year by year. Scandinavia's beautiful lakes are becoming lifeless due to "acid rain" caused by sulphur dioxide emissions from factories in West Germany and Britain. Many species of animals and plants are threatened with extinction.

In presenting the results of "Global 2000", the Government's most comprehensive study of the future, Edmund Muskie said, "World population growth, the degradation of the Earth's natural resource base and the spread of environmental pollution collectively threaten the welfare of mankind." Words alone, however, will not solve the problem. If governments do not act quickly and decisively to protect the environment, this planet will soon become uninhabitable.

B Comprehension Check

1. **Melvin Calvin won a Nobel prize because**
 - 1) he found out pollution is increasing
 - 2) of discovering North and South poles
 - 3) he saved a lot of cities from flood
 - 4) of describing the "Greenhouse Effect"
2. **Sulfur dioxide is a danger to the environment because it**
 - 1) destroys Germany and Britain factories
 - 2) causes the temperature to rise
 - 3) takes part in forming Acid rains
 - 4) damages the tropical rain forests
3. **Which of the followings is not mentioned by Muskie as a threat for mankind?**
 - 1) pollution
 - 2) population growth
 - 3) depletion of natural resources
 - 4) governments' inaction

Part II

Vocabulary Test

1. **We are still waiting for Jim to make up his mind. I wish he would be more**
 - 1) collective
 - 2) comprehensive
 - 3) effective
 - 4) decisive
2. **He knew that he would be the lives of his passengers by attempting a landing in such poor visibility.**
 - 1) commanding
 - 2) endangering
 - 3) complaining
 - 4) defending
3. **The increased use of natural gas will definitely help reduce carbon dioxide**
 - 1) emissions
 - 2) situations
 - 3) dimensions
 - 4) solutions
4. **I found it a very book covering all the aspects of the subject and containing all the necessary information.**
 - 1) comprehensive
 - 2) fundamental
 - 3) excessive
 - 4) critical
5. **Then suddenly the fire with terrifying speed, and within minutes the whole room was on fire.**
 - 1) threatened
 - 2) sought
 - 3) accumulated
 - 4) spread
6. **Coffee originally came from Ethiopia. Now many countries produce it.**
 - 1) tropical
 - 2) beneficial
 - 3) provincial
 - 4) spherical
7. **If you don't get your home cleaned regularly, dust everywhere.**
 - 1) reproduces
 - 2) accumulates
 - 3) maintains
 - 4) aggravates
8. **He had no success when he worked on his own; consequently he turned to tasks.**
 - 1) collective
 - 2) intimate
 - 3) amazing
 - 4) satisfactory
9. **Please put the rubbish outside; it's a terrible smell in here.**
 - 1) working out
 - 2) giving off
 - 3) carrying out
 - 4) going off
10. **In producing a new chemical, first we have to consider the effects of its products on nature.**

- 1) environment 2) degradation 3) measurement 4) pollution

11. The you gain from regular physical exercises are well worth the effort.

- 1) benefits 2) compounds 3) symptoms 4) possessions



accumulate	جمع شدن، تجمع یافتن	* extinction	انقراض، نابودی
acre	$\frac{2}{5}$ یک هکتار	flood	زیرآب بردن، غرق کردن
ape	میمون	* fundamental	بنیادی، اساسی
* benefit	سود بردن	give off	متصاعد کردن، تولید کردن (نور، گرما و ...)
* collectively	مجموعاً، به طور جمعی	ice cap	قطعه‌ی عظیم یخ
* comprehensive	مفصل، جامع	* lead to	منجر شدن
* decisively	قاطعانه	lifeless	بی‌جان
degradation	زوال، تباهی، نابودی	* melt	ذوب کردن (شدن)
desert	بیابان	polar	قطبی
dirt	آلودگی	* rate	سرعت
* due to	در نتیجه‌ی	* spread	پخش، گسترش
ecology	اکولوژی، بوم‌شناسی	* threaten	تهدید کردن
emission	انتشار، پخش، نشت، گسیل	* tropical	گرمسیری، حاره‌ای، استوایی
endanger	در معرض خطر قرار دادن	uninhabitable	غیرقابل سکونت
* eventually	در نهایت، سرانجام	welfare	رفاه، آسایش

پاسخ سوالات درس ۴۲

معنی متن: **A**

آلودگی

دانشمندان به تازگی گزارش کرده‌اند که یخ‌های بزرگ قطبی در اثر افزایش دمای اتمسفر که به نام اثر گلخانه‌ای معروف است، در حال ذوب شدن هستند. طبق نظر ملوین کالوین، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل به خاطر انجام تحقیقاتی در گذشته در مورد این قضیه، دی‌اکسید کربن که از سوختن زغال سنگ و نفت متصاعد می‌شود درون اتمسفر تجمع پیدا می‌کند و باعث افزایش دما می‌شود. در نتیجه، یخی که قطب شمال و جنوب را می‌پوشاند در حال آب شدن است که سرانجام این امر احتمالاً باعث افزایش سطح آب دریاها و به زیر آب رفتن بسیاری از مناطق در جهان از جمله نیویورک، لندن و توکیو خواهد شد.

اثر گلخانه‌ای فقط یکی از تغییراتی اساسی است که در محیط زیست در حال وقوع است. جنگل‌های نواحی پرباران استوایی که شکل‌گیری‌شان پنجاه میلیون سال زمان برده است با سرعتی معادل با چهارده هکتار در دقیقه در حال کاهش‌اند. بیابان‌های جهان هر سال بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند. دریاچه‌های زیبای موجود در اسکانداویا به خاطر باران‌های اسیدی که به دلیل انتشار گاز دی‌اکسید گوگرد از کارخانه‌های آلمان غربی و بریتانیا به وجود می‌آیند تبدیل به محیطی فاقد حیات می‌شوند. بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری در خطر انقراض قرار دارند.

ادموند ماسکی هنگام ارایه‌ی نتایج تحقیقاتی موسوم به «جهان در سال ۲۰۰۰» که جامع‌ترین بررسی دولت در مورد وضعیت موجود در آینده بود، گفت: «رشد جمعیت جهان، از بین رفتن منابع طبیعی و گسترش آلودگی در محیط زیست مجموعاً باعث تهدید رفاه انسان می‌شوند.» با این حال این مشکل با صحبت کردن تنها حل نمی‌شود. اگر دولت‌ها با سرعت و قاطعیت برای محافظت از طبیعت کاری نکنند، زمین به زودی مکانی غیرقابل سکونت خواهد بود.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۱ - گزینه‌ی (۴) **B**

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** ما هنوز منتظر جیم هستیم تا تصمیم خود را بگیرد. ای کاش او در تصمیم‌گیری قاطع‌تر بود.

* صفت decisive که با فعل decide هم خانواده است علاوه بر این که به معنی «قاطع، استوار، مصمم» است در معنی «سرنوشت‌ساز، تعیین‌کننده» هم به کار می‌رود.

a decisive battle

جنگی سرنوشت‌ساز

۳ - سودمند، موثر

۲ - جامع و مفصل

۱ - دسته‌جمعی **معنی سایر گزینه‌ها:**

۲- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** او می‌دانست که با تلاش برای فرود آمدن با شرایط بد دید، جان مسافران خود را به خطر می‌اندازد.

۴ - دفاع کردن

۳ - شکایت کردن

۱ - فرمان دادن **معنی سایر گزینه‌ها:**

۳- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** افزایش استفاده از گاز طبیعی قطعاً به کاهش انتشار دی‌اکسید کربن کمک خواهد کرد.

۴ - راه‌حل، محلول

۳ - بعد

۲ - وضعیت **معنی سایر گزینه‌ها:**

- ۴- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** به نظر من کتاب بسیار **جامعی** بود که تمامی جنبه‌های موضوع را پوشش می‌داد و محتوی تمامی اطلاعات لازم بود.
معنی سایر گزینه‌ها: ۲- بنیادی، اساسی ۳- اضافی ۴- شدید، بحرانی
- ۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** سپس ناگهان آتش با سرعت وحشتناکی **گسترش پیدا کرد** و ظرف چند دقیقه تمام اتاق در آتش می‌سوخت (فعل terrify یعنی «باعث وحشت شدن».)
معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تهدید کردن ۲- جستجو کردن ۳- تجمع یافتن
- ۶- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** قهوه در ابتدا محصول کشور اتیوپی بود. اما امروزه بسیاری از کشورهای **استوایی** آن را تولید می‌کنند.
معنی سایر گزینه‌ها: ۲- سودمند ۳- استانی ۴- کروی
- ۷- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** اگر مرتب خانه‌ی خود را تمیز نکنی، گرد و غبار در همه جای آن **جمع می‌شود**.
* فعل accumulate که با collect و gather مترادف است به معنی «به تدریج جمع کردن یا جمع شدن» می‌باشد:
طی سال‌ها من صدها عدد تمبر جمع‌آوری کردم.
Over the years, I accumulated hundreds of stamps.
- ۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** او وقتی به تنهایی کار می‌کرد هیچ موفقیتی به دست نیاورد، در نتیجه به کارهای **گروهی** روی آورد.
* صفت collective یعنی «جمعی، دسته جمعی، گروهی».
معنی سایر گزینه‌ها: ۲- صمیمی ۳- حیرت‌آور ۴- رضایت بخش
- ۹- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** لطفاً آشغال‌ها را بیرون ببر؛ بوی بسیار بدی از خود **متصاعد می‌کند**.
معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حل کردن مسأله ۳- انجام دادن ۴- منفجر شدن، زنگ زدن ساعت
- ۱۰- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** برای تولید یک ماده‌ی شیمیایی، باید اول ببینیم محصولات ناشی از **تجزیه‌اش** چه آثاری بر طبیعت دارند.
* واژه‌ی degradation از نظر علمی یعنی «تجزیه شدن». معانی عمومی این واژه عبارتند از: «زوال، خراب شدن، تباهی، فساد و انحطاط، خفت و خواری»:
خفت ناشی از زندان رفتن
the degradation of being sent to prison
نابودی محیط زیست
environmental degradation
- معنی سایر گزینه‌ها: ۱- محیط زیست ۳- اندازه‌گیری ۴- آلودگی
- ۱۱- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** **سودی** که از انجام منظم فعالیت‌های ورزشی می‌بری به زحمش می‌ارزد.
معنی سایر گزینه‌ها: ۲- ترکیب ۳- علامت بیماری ۴- دارایی

English Lesson 43

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Amnesia

Every now and then, you read in the papers about a person who has "forgotten" who he is. He remembers nobody and nothing from his past, not even his name. We say this person is suffering from amnesia.

We all get emotionally upset from time to time. We feel hurt, angry, disappointed or frightened for one reason or another. When we feel such emotional pain, we want to do something about it. For example, a simple way of dealing with it is to cry, or blush, or break out in a cold sweat. In fact, these reactions happen without our control. They are considered normal reactions, since practically everyone has them.

But a person may react to emotional stress and pain in another way. Instead of facing the problem that caused him to be upset, he tries to act in such a way that he won't feel the anxiety. He "runs away" from it. He "protects" himself in this way from emotional pain.

One form of this is amnesia. A person acts as if all those things which bothered and upset him so much didn't really happen to him but to someone else! He "forgets" his anxiety.

In forgetting this, he also forgets a great many things that were linked about the past. But he may act quite normally about the present. He lives and works as another person, and may not attract any special attention.

Sometimes a person recovers from amnesia suddenly, of his own accord. In many cases, however, a person can be helped to recover by a psychiatrist. A curious thing is that people who recover from amnesia don't remember events which took place while they were suffering from amnesia.

B Comprehension Check

1. Which of the followings is an abnormal reaction to emotional stress?

- 1) crying 2) cold sweat 3) blushing 4) amnesia

2. The verb "recover" in the last paragraph means

- 1) get better 2) forget about 3) feel sorry 4) react to

3. Which of the following sentences is true?

- 1) Person suffering from amnesia tries to forget his anxiety.
2) According to the passage amnesia can never be recovered.
3) One form of amnesia is forgetting present and remembering past.
4) When we feel emotional pains, we don't care about them.

Part II**Vocabulary Test**

1. Years of living abroad has made him a foreigner in his own country.

- 1) originally 2) previously 3) decisively 4) practically

2. A(n) signed by the two sides in January brought a formal end to the war in the region.

- 1) battle 2) accord 3) sight 4) loss

3. My father had a serious operation last month but he is nicely.

- 1) suffering 2) recovering 3) frightening 4) protecting

4. We just couldn't stop laughing. That's why we were getting such looks from passers-by.

- 1) curious 2) anxious 3) conscious 4) nervous

5. When he faced the fact, he realized how foolish he'd been and all over.

- 1) acted 2) blushed 3) aroused 4) berated

6. If a nuclear war ever, it's unlikely that many people will survive.

- 1) backs away 2) breaks out 3) brings about 4) builds up

۴۳ بررسی واژگان درس word study

accord	میل، رغبت، توافق	emotionally	از نظر عاطفی
actress	هنرپیشه‌ی زن	frighten	ترساندن
* as if	انگار که، گویی	kindness	مهربانی
amnesia	فراموشی	link	ارتباط دادن، مربوط و متصل کردن
* anxiety	اضطراب	* loss	از دست دادن، فقدان
attention	توجه	* pale	رنگ پریده
* blush	از خجالت سرخ شدن	* practically	عملاً، تقریباً
bother	مزاحم شدن	psychiatrist	روانپزشک
* break out	شروع شدن، ظاهر شدن	* recover	بهبود یافتن
* care about	اهمیت دادن به	run away	فرار کردن
* curious	عجیب، کنجکاو	* suffering	درد، رنج
* deal with	برخورد کردن، رفتار کردن، رسیدگی کردن	sweat	عرق کردن
* disappointed	مأیوس، ناامید		

پاسخ سوالات درس ۴۳

معنی متن:



فراموشی

هر از گاهی در روزنامه‌ها درباره فردی می‌خوانید که فراموش کرده است چه کسی هست. این شخص هیچ کس و هیچ چیز از گذشته حتی اسمش را، به خاطر نمی‌آورد. در مورد چنین فردی می‌گوییم که او دچار بیماری فراموشی شده است.

ما گاهی از نظر عاطفی دچار ناراحتی می‌شویم. ما به دلایل مختلفی دچار احساس ناراحتی، خشم، نومیدی یا ترس می‌شویم. وقتی دچار چنین احساس ناراحتی می‌شویم، می‌خواهیم در مورد آن کاری انجام دهیم. مثلاً، یک راه ساده برای برخورد با چنین مشکلی گریستن، (از خجالت) سرخ شدن یا عرق سرد ریختن است. در واقع چنین عکس‌العمل‌هایی بدون اراده و کنترل ما رخ می‌دهند. این چنین واکنش‌هایی، طبیعی محسوب می‌شوند برای این که تقریباً تمام افراد دچار آن‌ها می‌شوند.

اما ممکن است یک فرد در مواجهه با ناراحتی و فشار روحی به نوعی دیگر واکنش نشان دهد. به جای این که با مشکلی که باعث ناراحتی او شده است رو در رو شود (و وجود آن را بپذیرد)، سعی می‌کند به گونه‌ای رفتار کند که آن نگرانی را احساس نکند. او از آن مشکل «فرار می‌کند». با این روش از خود در برابر ناراحتی عاطفی «محافظت می‌کند».

یکی از اشکال چنین رفتار نامناسبی، فراموشی است. بدین ترتیب که فرد طوری رفتار می‌کند که انگار تمام چیزهایی که باعث آزار و ناراحتی او شده‌اند برای او اتفاق نیفتاده‌اند بلکه برای شخص دیگری رخ داده‌اند! به این ترتیب او اضطراب خود را «فراموش می‌کند».

او هنگام فراموش کردن چنین مشکلی، معمولاً بسیاری از چیزهای دیگر را که به گذشته مربوط بوده‌اند از یاد می‌برد. اما او ممکن است درباره‌ی امور مربوط به زمان حال کاملاً طبیعی رفتار کند. او مثل افراد عادی کار می‌کند و زندگی می‌نماید و احتمال دارد که هیچ توجهی را به سمت خود جلب نکند. گاهی ممکن است فردی به میل خود به طور ناگهانی از بیماری فراموشی بهبود یابد. اما در بسیاری از موارد افراد با کمک یک روانپزشک می‌توانند از این بیماری نجات یابند. یک نکته‌ی عجیب این است که افرادی که از فراموشی بهبود می‌یابند، وقایعی را که در دوره‌ی فراموشی آن‌ها رخ داده است به خاطر نمی‌آورند.

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۴)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: سال‌ها اقامت در خارج از کشور او را عملاً به یک بیگانه در کشور خود تبدیل کرده است.

۳ - قاطعانه

۲ - قبلاً

۱ - در اصل، از ابتدا

۲- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: توافقی که در ماه ژانویه توسط دو گروه به امضا رسید پایانی رسمی بر جنگ در آن ناحیه به ارمغان آورد.

* accord یعنی «توافق، هماهنگی، میل و رغبت»:

He left hore of her own accord. او این جا را به میل خود ترک کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جنگ ۳ - منظره، رویت ۴ - شکست، فقدان

۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: پدرم ماه گذشته یک عمل جراحی بزرگ داشت اما اکنون به طرزی مطلوب در حال بهبود است.

* recover یعنی «بهبود یافتن از یک وضعیت نامطلوب روحی، جسمی و ...». مترادف آن get over است:

It took me two weeks to recover from / get over my cold. دو هفته طول کشید تا سرماخوردگی‌ام خوب شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - دچار شدن ۳ - ترساندن ۴ - محافظت کردن

۴- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ما نمی‌توانستیم جلوی خنده‌ی خود را بگیریم. به همین دلیل بود که رهگذران چنان نگاه‌های کنجکاوانه‌ای به ما می‌کردند.

* صفت curious هم به معنی «عجیب و غریب» است و هم به معنی «کنجکاو، فضول»:

I am very curious about our new neighbors. من در مورد همسایه‌های جدیدمان بسیار کنجکاو هستم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - نگران ۳ - هشیار، آگاه ۴ - مضطرب، عصبی

۵- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: وقتی او با واقعیت روبرو شد و فهمید که چقدر احمق بوده است، (از شرمندگی) حسابی سرخ شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - عمل کردن ۳ - برانگیختن ۴ - سرزنش کردن

۶- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: اگر زمانی یک جنگ هسته‌ای به وقوع بپیوندد، احتمالاً افراد زیادی از آن جان سالم به در نخواهند برد.

* break out یعنی «به وقوع پیوستن و ناگهان شروع شدن یک واقعه‌ی ناخوشایند مثل جنگ، آتش‌سوزی، بیماری و ...». البته عبارت break out in یعنی «ناگهان شروع شدن چیزهایی مثل عرق، ضایعات پوستی و ...»:

Her face broke out in a rash. پوست صورتش دچار لکه‌های قرمز رنگ شد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - عقب نشستن ۳ - باعث شدن ۴ - افزایش یافتن

English Lesson 44

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Fame for Adam Coleman

Ex-student of Castle School of Performing Arts is starring in panto at the Prince of Wales.

Why are there so many people queuing daily outside the Prince of Wales's theater to see a pantomime? The reason is Adam Coleman, one of the most brilliant former students of Castle School of Performing Arts, who is at the moment the most popular rock star in Britain. His fans usually queue to listen to him sing in pop concerts, but now they are fighting their way to find a seat to see him starring in *Dick Whittington and His Cat*. Pantomime actors generally provoke a polite enthusiasm from the public, whereas every time Adam comes into the spotlight, all you hear is squeals, screams and whistles from the stalls.

Adam, naturally, is the star attraction as Dick Whittington himself and even his co-star (a pretty girl disguised as a cat) doesn't really get a look in. There are excited squeals as Adam appears on stage and the audience get positively sentimental later on when he sings the love song *All I Ask of You*. As soon as the curtain comes down, a mysterious voice booming through the loudspeaker reminds the audience that copies of Adam's new album are on sale in the foyer, presumably with all the cakes and ice-creams.

The second act is more or less the same thing – lots of booing and hissing when the villain appears and enthusiastic loud applause when Dick rescues his true love from the tentacles of a giant octopus. When the whole show is over, Adam is relaxing lazily in his rather untidy dressing room among piles of fan letters – "They're always writing many more letters than I could possibly reply to, even if I lived two hundred years."

He's changed out of Dick Whittington's tights and boots and he is wearing something a little more casual – a striped dressing gown.

The panto is the latest step in a career which has taken Adam Coleman from the stage of the small theater of Castle School of Performing Arts through the chorus of the famous musical *Oliver!* to the top of the hit parade – in short, one of the most famous rock stars in Britain. Moreover, the panto isn't the only work he's doing these days. In fact, early in the morning he and his band are working hard to record the soundtrack of a film whose title is still a secret. However, what is not a secret is that the album will certainly be a hit next summer!

B Comprehension Check

1. Adam Coleman became famous because of his skill in

- 1) acting 2) hit 3) studying 4) music

2. *Dick Whittington and His Cat* is an enormous success with the public because

- 1) it is based on a true story 2) Adam has a role in it
3) its story can provoke a lot of enthusiasm 4) Adam's latest Album is sold in its intervals

3. Which sentence is false according to the passage?

- 1) Pantomime is usually a rather banal production.
2) Adam will be the star of a new film.
3) It is predicted that Adam's new songs will be successful.
4) Adam tries to reply to as much letters as he can.

Part II

Vocabulary Test

1. There was a readable of his latest film in the paper this morning.

- 1) review 2) hit 3) applause 4) novel

2. The terrified child began to when the lights went out suddenly.

- 1) boom 2) hiss 3) boo 4) scream

3. The of typewriters have dropped dramatically since the invention of word processors.

- 1) hopes 2) stages 3) links 4) sales

4. The in the movie had to be played by an actor who was able to look frightening.

- 1) squeal 2) villain 3) threat 4) career

5. The relaxed friends spoke in a(n) manner as they walked in the street.

- 1) untidy 2) popular 3) brilliant 4) casual

6. He was released from prison last May after serving a twenty-year for armed robbery.

- 1) challenge 2) sentence 3) judgement 4) situation

7. From this pile of the rubbish it is obvious that the man living in this room is a(n) person.

- 1) untidy 2) rapturous 3) practical 4) minor

8. A: I suppose I'll just have to accept the job.

B: Well, you don't seem very about it.

- 1) curious 2) enthusiastic 3) popular 4) realistic

9. I'm sorry that I have to while you're talking; there's an emergency phone call for you, Dr Mason.

- 1) propose 2) interrupt 3) participate 4) afflict

10. There was just one on the singer. The rest of the stage was in darkness.

- 1) stall 2) foyer 3) chorus 4) spotlight

11. It's very dark in here. Why don't you open the and let in some light?

- 1) shadow 2) exposure 3) curtain 4) brightness

12. The referee of the match made another unpopular decision and the crowd began to

- 1) applaud 2) blush 3) disguise 4) boo

13. The group had a once, but none of their other songs was successful.

- 1) hit 2) whistle 3) show 4) band

14. Make sure you always check for head injuries even if it is only a accident.

- 1) medical 2) minor 3) general 4) recent

15. It was the best football match I'd ever seen. Both team played hard until the final

- 1) squeal 2) hiss 3) scream 4) whistle

16. Their performance was a success and all the actors received enthusiastic at the end of the show.

- 1) etiquette 2) applause 3) character 4) relation

17. He couldn't pass the final test because he hadn't tried sufficiently for it .

- 1) presumably 2) frequently 3) occasionally 4) gradually

18. It's not an expensive watch, but it's of great value to me. It belonged to my grandfather.

- 1) economical 2) practical 3) artificial 4) sentimental

19. John is a(n) violinist, famous for his technical skill in both playing and composing music.

- 1) optimistic 2) brilliant 3) explicit 4) permanent

20. We heard a of tires. It was a police car turning a corner at top speed.

- 1) squeal 2) reaction 3) siren 4) spoilage

21. Their devoted had been queueing for over five hours to get into the stadium.

- 1) matches 2) spots 3) actors 4) fans

22. The lake is normally frozen all the winter, but it in March.

- 1) floods 2) thaws 3) flows 4) rises

23. As the publishers hoped, the new novel received a lot of enthusiasm.

- 1) rapturous 2) illegal 3) emotionless 4) partial

24. He was killed the day before he was due to appear in court on drug charges.
1) mysteriously 2) legally 3) enviously 4) forcefully
25. As a former soldier, he said that he felt a real sense of with the young men in the current fighting.
1) sentence 2) battle 3) defense 4) kinship
26. A job for which you are trained and in which it is possible to advance during your working life is called your
1) promotion 2) salary 3) assignment 4) career
27. I was expecting an interesting interview, but he only asked me a few questions about the weather.
1) political 2) essential 3) accidental 4) banal
28. It was obvious that she was really annoyed but she was trying to it.
1) disguise 2) disappoint 3) dissatisfy 4) discourage
29. The present government likes university students to more actively in the social movements.
1) provoke 2) graduate 3) approve 4) participate
30. Lora considered her instructions and could not understand why her husband kept overcooking the pizza for dinner.
1) explicit 2) decisive 3) enormous 4) grateful
31. My dentist believes that as I get older the between my two front teeth will disappear.
1) lane 2) gap 3) strip 4) decay
32. Having graduated in performing arts, he decided to move to Hollywood in search of and fortune.
1) sale 2) fan 3) action 4) fame
33. Without an awareness of personality traits, it is possible for nursing interactions to unpleasant feelings in patients.
1) restrict 2) provoke 3) discourage 4) sacrifice

word study

بررسی واژگان درس ۴۴

act	در این درس) پرده‌ی نمایش	* infant	نوزاد
actor	هنرپیشه‌ی مرد	* interrupt	مزاحم کسی شدن، حرف کسی را قطع کردن
all in all	روی هم رفته، جمعاً	kinship	نسبت فامیلی، نزدیکی
* applause	تحسین، تشویق، کف زدن	* latest	جدیدترین، تازه‌ترین
banal	مبتذل، پیش پا افتاده	loudspeaker	بلندگو
band	گروه موزیک	* minor	کوچک، فرعی، جزئی
boo	هو کردن	musical	نمایش یا فیلم موزیکال
boom	طنین افکندن، غرش کردن	* mysterious	مرموز
* brilliant	باهوش، درخشان	novel	رمان
* career	حرفه، شغل	octopus	هشت‌پا
* casual	غیر رسمی	off-stage	پشت صحنه
chorus	گروه کر	panto = pantomime	پانتومیم، نمایش صامت
* concert	کنسرت	parade	نمایش، رژه
co-star	هم‌بازی	* participate	شرکت کردن
curtain	پرده	performing arts	هنرهای نمایشی
disguise	تغییر قیافه دادن	pile	توده، کپه
dressing gown	لباس راحتی، روبندو شامبر	* popular	محبوب، پرطرفدار
dressing room	اتاق رخت‌کن	* positively	به‌شدت، بی‌تردید
* enormous	عظیم، بسیار بزرگ	presumably	احتمالاً
* enthusiasm	شور و اشتیاق	* provoke	برانگیختن، تحریک کردن
etiquette	آداب (معاشرت)	prince	شاهزاده
ex-	(پیشوند) قبلی، سابق	* queue	صف
* explicit	واضح، آشکار	rapturous	گرم و پرشور
* fame	شهرت	* remind	خاطر نشان کردن، به یاد آوردن
* fan	طرفدار	reviewer	منتقد
* former	قبلی، سابق	sale	فروش
foyer	سالن ورودی، سرسرا	* scream	جیغ
* gap	جای خالی، فاصله	* sentence	محکوم کردن، محکومیت
hiss	سوت زدن، هو کردن	* sentimental	احساساتی، احساسی
hit(n)	آهنگ موفق	sing	آواز خواندن
inborn	مادرزادی	soundtrack	آهنگ (فیلم)

spoilage	خرابی، فساد	tentacle	بازوی هشت‌پا، شاخک
spotlight	نورافکن	thaw	(یخ) آب شدن، ذوب شدن
* squeal	جیغ	tights	لباس چسبان و کشی
* stage	سن، صحنه	* untidy	نامرتب
stall	(صندلی) سالن	villain	شخصیت منفی، آدم شرور
star	ستاره، هنرنمایی کردن	* whistle	سوت زدن
* striped	راه راه		

پاسخ سوالات درس ۴۴

معنی متن:



شهرت برای آدام کلمن

دانشجوی سابق مدرسه هنرهای نمایشی کاسل هم اکنون در یک نمایش پانتومیم در سالن تئاتر شاهزاده‌ی ولز مشغول هنرنمایی است. چرا هر روز تعداد زیادی از مردم بیرون سالن تئاتر شاهزاده‌ی ولز صف می‌کشند تا یک نمایش پانتومیم ببینند؟ دلیل آن، حضور آدام کلمن است؛ یکی از برجسته‌ترین دانشجویان سابق مدرسه هنرهای نمایشی کاسل که اکنون پرطرفدارترین ستاره موسیقی راک در بریتانیا محسوب می‌شود. طرفدارانش معمولاً برای شنیدن آوازهای او در کنسرت‌های پاپ در صف می‌ایستند ولی اکنون آن‌ها مشغول جدال با یکدیگر برای بدست آوردن یک صندلی برای دیدن هنرنمایی او در نمایش «دیک ویتینگتون و گربه‌اش» هستند. بازیگران پانتومیم معمولاً شور و هیجانی توأم با نزاکت در حضار ایجاد می‌کنند، اما هر بار که نور نورافکن بر روی آدام می‌افتد، فقط صدای فریاد، جیغ و سوت از سالن به گوش می‌رسد.

طبیعتاً این آدام است که در این نمایش، ستاره می‌باشد و خود نقش دیک ویتینگتون و حتی همبازی‌اش (دختری زیبا که خود را به شکل یک گربه درآورده است) توجه زیادی را به سوی خود جلب نمی‌کنند. وقتی آدام روی صحنه می‌آید صدای جیغ‌هایی از روی هیجان به گوش می‌رسد و بعد وقتی او آواز عاشقانه‌ی «تنها چیزی که از تو می‌خواهم» را می‌خواند حضار به شدت دچار احساسات می‌شوند. به محض این‌که پرده پایین می‌رود، صدایی مرموز از بلندگوها به طنین درمی‌آید که به حضار خاطرنشان می‌کند که نسخه‌هایی از آلبوم جدید آدام در سراسر سالن به فروش می‌رسد و احتمالاً به همراه آن یکیک و بستنی هم داده می‌شود.

پرده‌ی دوم نمایش هم تقریباً مثل اولی است – وقتی که نقش منفی نمایش ظاهر می‌شود، صدای هو کردن و سوت کشیدن از هرجا به گوش می‌رسد و وقتی که دیک عشق حقیقی خود را از میان بازوان یک هشت پای عظیم‌الجثه نجات می‌دهد مورد تشویق بلند و پرشوری قرار می‌گیرد. سرانجام وقتی نمایش تمام شد، آدام در اتاق رختکن نسبتاً نامرتب خود در میان کپه‌ای از نامه‌های طرفدارانش به آرامی استراحت می‌کند. او در مورد آن‌ها می‌گوید: «آن‌ها همیشه خیلی بیش‌تر از آن‌چه حتی اگر دویست سال هم عمر کنم بتوانم به آن پاسخ دهم، برایم نامه می‌نویسند.»

او لباس‌های کشی و چکمه‌های مربوط به لباس نقش دیک ویتینگتون را درمی‌آورد و لباسی غیررسمی یعنی یک لباس راحتی راه راه به تن می‌کند. بازی پانتومیم تازه‌ترین اقدامی است که او در مسیر شغلی خود انجام داده است از صحنه‌ی نمایش تئاتر کوچک مدرسه هنرهای نمایشی کاسل سپس حضور در گروه کر فیلم موزیکال معروف اولیور تا رسیدن به بالاترین جایگاه در میان کارهای موفق، یعنی به طور خلاصه به یکی از مشهورترین ستاره‌های موسیقی راک در بریتانیا، تبدیل شده است. علاوه بر این، پانتومیم تنها کاری نیست که او این روزها انجام می‌دهد. در واقع، او و گروهش از صبح زود سخت مشغول کار روی آهنگ یک فیلم هستند که اسم آن فیلم هنوز فاش نشده است. اما چیزی که معلوم است این است که آلبوم جدید وی یکی از پرفروش‌ترین‌های تابستان آینده خواهد بود.

۳ – گزینه‌ی (۲)

۲ – گزینه‌ی (۲)

۱ – گزینه‌ی (۴)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

- ۱- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** در روزنامه‌ی امروز صبح **نقدی** خواندنی در مورد تازه‌ترین فیلم او نوشته شده بود.
 * review در این درس به معنی «نقد یک فیلم، کتاب و ...» به کار رفته است. اسم reviewer هم یعنی «منتقد».
- معنی سایر گزینه‌ها: ۲- آهنگ موفق ۳- تشویق، کف زدن ۴- رمان
- ۲- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** وقتی که ناگهان برق رفت کودک وحشت‌زده شروع به **جیغ زدن** کرد.
 * scream یعنی «جیغ کشیدن و فریاد کشیدن که معمولاً از روی ترس، خشم یا درد می‌باشد». boom معمولاً به معنی «غرش و طنین افکندن یک صدای قوی و بلند مثل صدای توپ، طوفان، انفجار و ...» به کار می‌رود. فعل hiss معمولاً به معنی «صدای هیس دادن، زیر لب غریدن و هم‌چنین سوت کشیدن برای کسی بیش‌تر به دلیل اعتراض و ناراضایتی» به کار می‌رود. فعل boo هم یعنی «هو کردن کسی». در ضمن whistle یعنی «سوت کشیدن (قطار، کشتی و ...)، سوت زدن، وسیله‌ی سوت (مثل سوت داور)». در ضمن squeal به معنی «جیغ و فریادی که از روی ترس، درد، شادی و ...» و مترادف با scream به کار می‌رود. البته معمولاً بلندی صدای scream از squeal بیش‌تر است.
- ۳- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** **فروش** ماشین تایپ از هنگامی که برنامه‌های کامپیوتری برای تایپ ابداع شدند به طرز چشمگیری کاهش یافته است.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱- امید ۲- مرحله ۳- ارتباط، اتصال
- ۴- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** نقش **شخصیت منفی** در فیلم باید توسط کسی ایفا می‌شد که ظاهری ترسناک داشته باشد.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱- جیغ ۳- تهدید ۴- حرفه، شغل
- ۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** آن دوستان بی‌خیال وقتی که در خیابان با هم راه می‌رفتند، به طور **راحت و خودمانی** با هم صحبت می‌کردند.
 * صفت casual به معنی «غیررسمی، راحت، خودمانی، بی‌خیال» و هم‌چنین در مورد یک اتفاق، دیدار یا برنامه به معنی «تصادفی، اتفاقی، بدون برنامه‌ی قبلی» به کار می‌رود:
 یک جلسه‌ی بدون برنامه‌ریزی قبلی
 a casual meeting
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نامرتب ۲- پرترفدار ۳- درخشان، عالی
- ۶- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** او ماه مه گذشته بعد از سپری کردن یک **محکومیت** بیست ساله به خاطر سرقت مسلحانه از زندان آزاد شد.
 * فعل sentence یعنی «محکوم کردن». به حرف اضافه‌ی to بعد از آن دقت کنید:
 او به حبس ابد محکوم شد.
 He was sentenced to life imprisonment.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱- چالش، جدال ۳- قضاوت ۴- وضعیت
- ۷- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** از این توده‌ی آشغال مشخص است فردی که در این اتاق زندگی می‌کند آدم **نامرتبی** است.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۲- پرشور ۳- عملی ۴- جزئی، خفیف
- ۸- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** نفر اول: حدس می‌زنم مجبور خواهم بود این کار را بپذیرم. نفر دوم: اما نسبت به آن خیلی **مشتاق** به نظر نمی‌رسی.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱- کنجکاو ۳- محبوب، پرترفدار ۴- واقع‌بین
- ۹- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** دکتر میسون متأسفم که حرفتان را **قطع می‌کنم** اما یک تلفن فوری دارید.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱- پیشنهاد کردن ۳- شرکت کردن ۴- دچار کردن
- ۱۰- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** فقط یک **نورافکن** وجود داشت که نورش روی خواننده افتاده بود. بقیه‌ی سن تاریک بود.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱- (صندلی) سالن ۲- ورودی ۳- گروه کر

- ۱۱- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** اینجا خیلی تاریک است. چرا پرده را نمی‌کشی و نمی‌گذاری نور وارد اتاق شود؟
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - سایه ۲ - در معرض چیزی بودن ۳ - روشنایی ۴ - روشنائی
- ۱۲- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** داور مسابقه باز هم تصمیمی گرفت که مورد پسند تماشاچیان نبود و باعث شد که جمعیت شروع به **هو کردن** او کنند.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تشویق کردن ۲ - سرخ شدن ۳ - تغییر قیافه دادن
- ۱۳- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** آن گروه یک بار یک **آهنگ موفق** داشتند ولی هیچکدام از آوازهای دیگرشان موفق نبود.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - سوت ۳ - نمایش ۴ - گروه موسیقی، دسته
- ۱۴- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** اطمینان حاصل کنید که تمامی جراحات وارده به سر را، حتی در مورد یک تصادف **جزئی** بررسی خواهید کرد.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - پزشکی ۳ - کلی، عمومی ۴ - اخیر، جدید
- ۱۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** آن بهترین مسابقه‌ی فوتبالی بود که تا به حال دیده بودم. هر دو تیم تا شنیدن **صدای سوت** آخر بازی (از طرف داور) به شدت تلاش کردند.
 * برای مرور معنی گزینه‌ها به توضیحات تست دوم مراجعه نمایید.
- ۱۶- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** اجرای آن‌ها موفقیت‌آمیز بود و همه‌ی بازیگران در انتهای نمایش با **تشویقی** پرشور مواجه شدند.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - آداب معاشرت ۳ - شخصیت ۴ - رابطه، ارتباط
- ۱۷- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** او توانست در امتحانات نهایی قبول شود **احتمالاً** به این خاطر که به مقدار کافی برای آن تلاش نکرده بود.
 * فعل presume به معنی «فرض کردن، احتمال دادن» با فعل suppose و assume مترادف است. صفت presumable یعنی «احتمالی، محتمل».
 احتمال می‌دهم تا ساعت ۶ آن‌جا برسیم.
 I presume we'll be there by six o'clock.
- معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - غالباً، مکرراً ۳ - گاهگاهی ۴ - تدریجی
- ۱۸- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** آن ساعت گران قیمت نیست ولی ارزش **عاطفی** زیادی برایم دارد چون متعلق به پدر بزرگم بوده است.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مقرون به صرفه، صرفه جو ۲ - عملی ۳ - مصنوعی
- ۱۹- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** جان یک نوازنده‌ی **بسیار عالی** ویلون است که به خاطر مهارتش هم در نوازندگی و هم در آهنگ‌سازی معروف است.
 * صفت brilliant هم به معنی «درخشان» است و هم به معنی «بسیار عالی، باهوش».
- معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - خوش بین ۳ - واضح، آشکار ۴ - دایمی
- ۲۰- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** ما **صدای جیغ** لاستیک‌های ماشینی را شنیدیم. آن صدا مربوط به یک ماشین پلیس بود که (در یک پیج) می‌پیچید.
 * برای بیان صدای جیغ لاستیک‌ها squeal را به کار می‌بریم.
- معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - عکس‌العمل ۳ - صدای آژیر ۴ - خرابی
- ۲۱- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** **طرفداران** وفادار آن‌ها برای این که بتوانند وارد ورزشگاه شوند بیش‌تر از پنج ساعت در صف ایستاده بودند.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مسابقه ۲ - لکه، محل ۳ - بازیگر
- ۲۲- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** این دریاچه معمولاً تمام زمستان یخ بسته است، اما یخ آن در ماه مارس **آب می‌شود**.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - زیر آب بردن ۳ - جاری شدن ۴ - افزایش یافتن
- ۲۳- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** همانگونه که ناشران امیدوار بودند رمان جدید با شور و هیجانی **گرم** مورد استقبال قرار گرفت.
 معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - غیرقانونی ۳ - بی‌عاطفه ۴ - نسبی، جزئی
- ۲۴- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** او روز قبل از موعدی که قرار بود در مورد اتهامات مربوط به مواد مخدر در دادگاه حضور یابد به **طرز مرموزی** کشته شد

(charge در این جمله در معنی «اتهام» به کار رفته است).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - به طور قانونی ۳ - با حسادت ۴ - با شدت

۲۵- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: او به عنوان یک سرباز قدیمی گفت نسبت به مردان جوانی که در جنگ جاری مشغول نبرد بودند واقعاً احساس نزدیکی می‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - محکومیت ۲ - جنگ ۳ - دفاع

۲۶- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: شغلی که برای انجام آن تعلیم دیده‌اید و در طول دوران انجام آن برایتان امکان پیشرفت وجود دارد، حرفه‌ی شما نامیده می‌شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ارتقاء، پیشرفت ۲ - حقوق ۳ - تکلیف

۲۷- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: من یک مصاحبه‌ی جالب را انتظار داشتم ولی او از من فقط چند سوال پیش پا افتاده در مورد وضعیت هوا پرسید.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - سیاسی ۲ - اساسی، ضروری ۳ - تصادفی

۲۸- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: کاملاً مشخص بود که او واقعاً ناراحت شده است اما سعی می‌کرد ناراحتی خود را پنهان کند.

* disguise هم به معنی «عوض کردن چهره، صدا، ظاهر برای شناخته نشدن و ...» است و هم همانطور که در این سوال می‌بینید «مخفی کردن یک احساس، واقعیت و ...»

آن‌ها خودشان را جای ماهیگیران جا زدند و با یک قایق فرار کردند. They disguised themselves as fishermen and escaped in a boat.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - مایوس کردن ۳ - ناراضی کردن ۴ - ناامید کردن

۲۹- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: دولت فعلی علاقمند است که دانشجویان دانشگاهها در جنبش‌های اجتماعی مشارکت فعالانه‌تری داشته باشند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - تحریک کردن ۲ - فارغ‌التحصیل شدن ۳ - تأیید کردن

۳۰- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: لورا فکر می‌کرد دستورالعملش کاملاً واضح است و نمی‌توانست بفهمد چرا شوهرش مرتباً پیتزای شام را بیش از حد می‌پزد.

* explicit یعنی «واضح، آشکار و روشن، صریح». متضاد آن صفت implicit به معنی «ضمنی، تلویحی» است:

وقتی درباره‌ی پول با من صحبت می‌کنی، منظورت را به طور صریح بیان کن. Be explicit when you are talking about money with me.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - قاطع، سرنوشت ساز ۳ - عظیم ۴ - ممنون

۳۱- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: دندانپزشک من عقیده دارد که وقتی بزرگتر شوم این فاصله‌ی بین دو دندان جلویی‌ام برطرف خواهد شد.

* اسم gap یعنی «فاصله، جای خالی، وقفه و ...»:

گوسفندان از یک شکاف (منفذ) در حصار بیرون رفته بودند. The sheep got out through a gap in the fence.

وقفه‌ای در مکالمه a gap in the conversation

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - خط (خیابان) ۳ - نوار، باند ۴ - خرابی، پوسیدگی

۳۲- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: بعد از این که در رشته‌های هنرهای نمایشی فارغ‌التحصیل شد، در جستجوی شهرت و ثروت به هالیوود رفت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - فروش ۲ - طرفدار ۳ - حرکت

۳۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: بدون وجود آگاهی نسبت به خصوصیات شخصیتی (بیمار) ممکن است که تداخلات (اعمال) پرستاری باعث ایجاد احساساتی ناخوشایند در بیمار شود.

* provoke به معنی «تحریک کردن و ایجاد کردن یک احساس در کسی» و هم‌چنین «اذیت کردن و عصبانی کردن» به کار می‌رود:

اگر این گربه را اذیت کنی چنگت خواهد زد. The cat will scratch if you provoke it.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - محدود کردن ۳ - ناامید کردن ۴ - قربانی کردن

English Lesson 45

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Charles Babbage

The genius Charles Babbage, considered by many people as the father of the computer, was known as a people hater. A friend of his once said, "If Charles were a dog instead of a man, he might growl, snap, or even bite people." Almost all people annoyed him, particularly people who made mistakes in arithmetic. Grouchy Babbage couldn't stand it, so he thought the idea of making a machine that did arithmetic correctly.

Babbage didn't stop with his adding machine. He had a bigger idea for building a kind of thinking machine. To build his complicated machine would take a lot of money and special tools that he didn't have. The English government refused to help him because he was cranky and stubborn. So he died without building his thinking machine. Years later, men had the right tools and enough money to build the thinking machine.

Today, there are many thinking and counting machines called computers. They can do what Charles Babbage's machine would have done – think and count without making a mistake. They can help people run railroads and airlines. They can add thousands of large numbers in a flash and help guide rockets to the moon. Computers can do all these things and many more. They can even operate by remote control, but without human beings, computers would just sit and rust. They can only calculate the numbers you give them. They cannot think of numbers to calculate; they cannot punch their own buttons. It's only man who can put computers to work. Computers help man by being speedy slaves, and that's what all computers are – speedy slaves.

B Comprehension Check

1. People made mistakes in arithmetic because

- | | |
|--|--------------------------------------|
| 1) they lived many years ago in England | 2) to annoy Charles Babbage |
| 3) they calculated the numbers incorrectly | 4) they'd been threatened by Babbage |

2. Charles Babbage wanted

- | | |
|---|-------------------------------|
| 1) to build a machine that could think | 2) to do arithmetic correctly |
| 3) to build a machine that could only add | 4) to have a bigger idea |

3. Babbage couldn't build his machine because

- | | |
|--------------------|--|
| 1) he was cranky | 2) he didn't have enough money and tools |
| 3) he was stubborn | 4) the machine was too complicated |

4. The English government didn't help Babbage because

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| 1) he died before they could help | 2) he didn't have money |
| 3) the machine was too complicated | 4) he was cranky and stubborn |

Part II

Vocabulary Test

1. Some people can't working at night, but I don't mind.

- | | | | |
|----------|---------|-----------|----------|
| 1) react | 2) deny | 3) permit | 4) stand |
|----------|---------|-----------|----------|

2. It's no use trying to make him admit that he was wrong. He's too to change his mind.

- | | | | |
|-------------|-----------|----------|----------------|
| 1) stubborn | 2) cranky | 3) smart | 4) complicated |
|-------------|-----------|----------|----------------|

3. They came from a very village and thus were not familiar with modern civilization.

- | | | | |
|----------|---------------|-----------|---------------|
| 1) urban | 2) industrial | 3) remote | 4) provincial |
|----------|---------------|-----------|---------------|

4. The key suddenly broke when I was trying to open the gate with it.

- | | | | |
|--------------|--------------|-------------|-----------|
| 1) exhausted | 2) collapsed | 3) occupied | 4) rusted |
|--------------|--------------|-------------|-----------|

5. I woke up in the middle of night and found myself covered in mosquito

- | | | | |
|------------|----------|----------|----------|
| 1) specias | 2) bites | 3) herds | 4) drops |
|------------|----------|----------|----------|

6. If someone is, he is bad-tempered and complains all the time.

- | | | | |
|-----------|----------|------------|-------------|
| 1) genius | 2) smart | 3) grouchy | 4) stubborn |
|-----------|----------|------------|-------------|

7. John came running down the road with a small dog barking and at his heels.

- | | | | |
|-------------|--------------|--------------|--------------|
| 1) snapping | 2) screaming | 3) offending | 4) remaining |
|-------------|--------------|--------------|--------------|

8. It was Robert who began the fight and violence by repeatedly John.

- | | | | |
|----------------|---------------|-------------|-------------|
| 1) endangering | 2) afflicting | 3) growling | 4) punching |
|----------------|---------------|-------------|-------------|

9. Our physics teacher had a for explaining complicated concepts in a simple way.

- 1) genius 2) tension 3) lecture 4) subject

10. I do apologize for the kids' behavior. They get a little when they are very tired.

- 1) expressive 2) cranky 3) energetic 4) satisfactory

11. Animals such as dogs when they make a deep rough sound in their throat, showing anger.

- 1) growl 2) scream 3) whistle 4) sneeze

12. The total value of all drugs discovered by the police reached the record of ten million dollars.

- 1) advantage 2) figure 3) collection 4) supply

13. Financial support from the government gives these firms an unfair over their competitors.

- 1) criticism 2) advantage 3) interaction 4) appraisal

14. Signing up for that course was a(n) idea, as having a certificate helped me to get a better job.

- 1) rare 2) major 3) rough 4) smart



adding machine	ماشین حساب	in a flash	فوراً، در یک چشم بهم زدن
* advantage	مزیت، برتری	* operate	کار کردن (دستگاه)
* annoy	ناراحت کردن	punch	فشار دادن (دکمه)، مشت زدن
arithmetic	(علم) حساب	* remote	دور
bite	گاز گرفتن	rust	زنگ زدن
* complicated	پیچیده	* slave	برده
cranky	غرغر، نق نقو، عبوس	* smart	زیرک، باهوش
* disadvantage	عیب، ضعف	snap	پاچه گرفتن، به دندان گرفتن، پرخاش کردن
* figure	رقم	speedy	سریع
* genius	نابغه، نبوغ	stand	(در این درس) تحمل کردن
grouchy	بداخلاق	* stubborn	لجباز، یکدنده
growl	غرغش کردن، غرغر کردن		

پاسخ سوالات درس ۴۵

A معنی متن:

چارلز بابیج

چارلز بابیج نابغه که افراد زیادی او را پدر رایانه به حساب می‌آورند به عنوان شخصی که از مردم متنفر است، معروف بود. یکی از دوستانش یکبار گفت: «اگر چارلز به جای این که انسان باشد یک سگ بود می‌توانست غرش کند، پاچه بگیرد و یا حتی مردم را گاز بگیرد.» تقریباً همه‌ی مردم باعث ناراحتی و آزار او می‌شدند به ویژه افرادی که در محاسبه کردن دچار اشتباه می‌شدند. بابیج بد اخلاق قادر به تحمل این موضوع نبود، لذا به فکر ساختن ماشینی افتاد که محاسبات را به درستی انجام دهد.

بابیج با ساختن ماشین حساب به کار خود پایان نداد. او ایده‌ای بزرگ‌تر داشت یعنی ساختن ماشینی که بتواند فکر کند. برای ساختن چنین ماشین پیچیده‌ای او نیاز به پول فراوان و ابزاری خاص داشت که فاقد هر دوی آن‌ها بود. دولت انگلستان از کمک به وی امتناع کرد برای این که او بدعق و لجباز بود. در نتیجه او بدون این که بتواند ماشین هوشمند خود را بسازد از دنیا رفت. سال‌ها بعد، انسان‌ها پول کافی و ابزار مناسب برای ساختن چنین ماشین‌های هوشمندی داشتند. امروزه تعداد زیادی از ماشین‌هایی که قدرت تفکر و حساب کردن دارند و نام آن‌ها رایانه است، موجود می‌باشند. آن‌ها هر کاری را که قرار بود ماشین چارلز بابیج انجام دهد، یعنی فکر کردن و محاسبه کردن بدون اشتباه، انجام می‌دهند. آن‌ها به مردم کمک می‌کنند که رفت و آمد را در خطوط ریلی و هوایی کنترل کنند. آن‌ها قادرند در مدتی بسیار کوتاه هزاران عدد بزرگ را با هم جمع کنند و همچنین می‌توانند موشک‌ها را به سمت ماه هدایت کنند. رایانه‌ها تمام این کارها و بسیاری از کارهای دیگر را انجام می‌دهند. آن‌ها حتی می‌توانند با استفاده از کنترل از راه دور کار کنند، اما آن‌ها بدون وجود انسان‌ها فقط در گوشه‌ای می‌مانند و زنگ می‌زنند. آن‌ها فقط می‌توانند اعدادی را که شما به آن‌ها می‌دهید محاسبه کنند. آن‌ها قادر نیستند در مورد اعدادی با منشاء از فکر خودشان عملیات محاسباتی انجام دهند. آن‌ها خودشان نمی‌توانند دگمه‌هایشان را فشار دهند. فقط انسان است که می‌تواند رایانه‌ها را وادار به کار کند. رایانه‌ها به عنوان برده‌هایی پرسرعت به انسان کمک می‌کنند. و تمام رایانه‌ها همین هستند: برده‌های پرسرعت.

۴ - گزینه‌ی (۴)

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۱)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: بعضی از افراد کار کردن در شب را نمی‌توانند تحمل کنند ولی این مسأله مرا ناراحت نمی‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - واکنش نشان دادن ۲ - انکار کردن ۳ - اجازه دادن

۲- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: تلاش تو برای وادار کردنش به پذیرش این که اشتباه می‌کند فایده‌ای ندارد. او آنقدر لجباز است که نظرش را عوض

نمی‌کند.

۴ - پیچیده

۳ - زیرک

۲ - بد اخلاق

۳- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** آن‌ها از روستایی بسیار دور آمده بودند و بنابراین با تمدن جدید آشنا نبودند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- شهری ۲- صنعتی ۳- استانی ۴- استانی

۴- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** وقتی داشتم سعی می‌کردم دروازه را با آن کلید زنگ زده باز کنم، ناگهان شکست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خسته ۲- فرو ریخته ۳- اشغال، پر

۵- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** من نیمه شب از خواب پریدم و دیدم که تمام بدنم پوشیده از جای نیش پشه‌هاست.

* همانطور که در این سوال می‌بینید bite علاوه بر این که در معنی «گاز گرفتن سگ و گربه و ...» و همچنین «گاز زدن غذا» به کار می‌رود، در مورد «گزیدن و نیش زدن حیواناتی مثل مار و حشرات» هم کاربرد دارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- گونه ۲- گله ۳- قطره ۴- قطره

۶- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** اگر کسی **غرغرو** است یعنی این که او بداخلاق است و دائم از چیزی شکایت می‌کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نابغه ۲- زیرک ۳- لجباز ۴- لجباز

۷- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** جان دوان در خیابان می‌آمد در حالی که یک سگ کوچک داشت برای او پارس می‌کرد و سعی می‌کرد پایش را

گاز بگیرد.

* فعل snap هم به معنی «پاچه گرفتن، سعی کردن یک حیوان برای گاز گرفتن» است و هم به معنی «پرخاش کردن و تشر زدن به کسی»:

او بدون هیچ دلیلی به من تشر زد. He snapped at me for no reason.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- جیغ زدن ۲- ناراحت کردن ۳- باقی ماندن ۴- باقی ماندن

۸- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** این رابرت بود که با چندین بار پشت سرهم **مشت زدن** به جان دعوا و خشونت را آغاز کرد (اسم violence یعنی «خشونت»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- در معرض خطر قرار دادن ۲- دچار کردن ۳- غرغر کردن

۹- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** معلم فیزیک ما در توضیح دادن مفاهیم پیچیده به روشی ساده دارای **نبوغ و تبحر** است.

* genius یعنی «نابغه، دارای نبوغ و استعداد ذاتی، نبوغ».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تنش ۲- کنفرانس درسی ۳- موضوع ۴- موضوع

۱۰- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** من به خاطر رفتار بچه‌ها واقعاً معذرت می‌خواهم. آن‌ها وقتی خیلی خسته‌اند اندکی **بدخلق** می‌شوند. (فعل apologize یعنی «معذرت خواستن»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- گویا ۲- پارانرژی ۳- رضایت بخش ۴- رضایت بخش

۱۱- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** وقتی حیواناتی مثل سگ **می‌غرند** یعنی این که صدایی خشن از ته گلوی خود به نشانه‌ی خشم تولید می‌کنند.

* growl هم علاوه بر کاربردی که در مورد حیوانات دارد به «با غرولند گفتن چیزی، غرغر کردن» انسان هم اطلاق می‌شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- جیغ زدن ۲- سوت زدن ۳- عطسه کردن ۴- عطسه کردن

۱۲- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: ارزش کل مواد مخدر کشف شده توسط پلیس به رقم ده میلیون دلار رسید که یک رکورد محسوب می‌شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مزیت ۳- مجموعه، کلکسیون ۴- ذخیره، موجودی

۱۳- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: حمایت مالی دولت از چنین شرکت‌هایی به آن‌ها در برابر رقبای خود **مزیتی** (برتری‌ای) ناعادلانه می‌دهد (توجه کنید که

firm به عنوان یک اسم به معنی «شرکت» است).

* اسم advantage به معنی «مزیت، امتیاز، برتری، سود و فایده» است. در ضمن disadvantage به معنی «نقطه ضعف، عیب» و صفت advantageous

به معنی «مفید، سودمند» است:

Our team has the advantage of playing on our field.

تیم ما مزیت بازی در زمین خود را داراست.

در ضمن عبارت take advantage of به معنی «استفاده کردن و بهره برداری کردن از یک موقعیت (هم به صورت مثبت هم به صورت منفی)» می‌باشد:

You shouldn't let him take advantage of you like this.

تو نباید اجازه بدهی او این‌گونه از تو سوء استفاده کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- انتقاد ۳- تداخل، تقابل، تعامل ۴- ارزیابی، سنجش

۱۴- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: ثبت نام کردن در آن دوره ایده‌ای **زیرکانه** بود زیرا داشتن یک گواهی‌نامه (مدرک) به من کمک کرد شغلی بهتر بدست

بیاورم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نادر، کمیاب ۲- عمده، اصلی ۳- تقریبی، خشن

Review test

Lessons 41 - 45

- 1. I wish you had me that it was dad's birthday. I'd have bought him a present.**
1) proposed 2) admitted 3) encouraged 4) reminded
- 2. Water pollution can bring about the destruction and extinction of many animal**
1) infections 2) territories 3) species 4) sources
- 3. It is that each student pass every exam in order to receive credit for the course.**
1) essential 2) extensive 3) popular 4) rapturous
- 4. The engineer gave our house a thorough, check-up before my father bought it.**
1) permanent 2) comprehensive 3) deliberate 4) explicit
- 5. If I work all day without any, I can finish the translation by this evening.**
1) discrimination 2) profession 3) interruption 4) supervision
- 6. The companies in this training course have each agreed to provide employment for successful trainees.**
1) manufacturing 2) participating 3) distributing 4) extending
- 7. I want to take of this opportunity and thank you for all your cooperation.**
1) advantage 2) applause 3) enthusiasm 4) management
- 8. The heart and the brain are considered the most organs in the human body.**
1) medical 2) general 3) vital 4) enormous
- 9. Peter first his papers all over the desk and then put them in order.**
1) spread 2) revised 3) selected 4) occupied
- 10. The news says that last night a large fire in a huge chemical plant and caused a lot of damage.**
1) brought up 2) broke out 3) backed up 4) brought about
- 11. The President's speech was accepted so well that all the members of Congress stood up and**
1) demonstrated 2) represented 3) accompanied 4) applauded
- 12. I'm afraid they weren't very about your idea of holding a big celebration.**
1) enthusiastic 2) suspicious 3) comprehensive 4) envious
- 13. Whenever we have rain in this season, the water and floods all the streets.**
1) condenses 2) aggravates 3) suspends 4) accumulates
- 14. She is so sensitive. She can't the sight of a father hitting his children.**
1) stand 2) worry 3) treat 4) refuse

15. A number of workers were overcome by fumes from the burning factory and had to be carried out of the building by firefighters.

- 1) negative 2) poisonous 3) ineffective 4) straight

16. A man died in the car crash, but my brother was lucky to escape with only injuries.

- 1) minor 2) primary 3) mutual 4) strict

17. The English team are still trying to from their shocking defeat by Scotland in the semi-final match.

- 1) cooperate 2) discourage 3) disapprove 4) recover

18. The plan is to our mutual advantage. We will all greatly from it.

- 1) consume 2) maintain 3) benefit 4) compensate

19. They complained about the state that the flat had been left in.

- 1) untidy 2) savage 3) illegal 4) banal

20. We strongly believe that if the police had acted more, the disaster could have been prevented.

- 1) primarily 2) decisively 3) basically 4) excessively

پاسفناہہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20

English Lesson 46

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Bigfoot Creatures

Bigfoot creatures could be experimental animals that UFO aliens brought to Earth in order to test the environment before colonizing.

That's the incredible explanation given by Walt H. Andrus Jr., international director of the Mutual UFO network based in Seguin, Texas. And it is one shared by top UFOlogist Timothy Green Beckley, editor of the New York-based magazine UFO Universe. He says that there is a definite link between Bigfoot and UFO sightings, especially through Ohio, Pennsylvania, and New Jersey.

More than 600 people in Pennsylvania alone reported seeing UFOs or strange creatures like Bigfoot in 1988, according to a report published in the Pittsburgh Press.

A 67-year-old disabled army veteran from Wilpen, Pennsylvania, tells of chilling encounter he had with a Bigfoot while on a fishing trip at Loyal Hanna Greek, the sight of numerous UFO sightings.

Sam Sherry says he stood within 20 feet of the beast, which he estimates weighed 700 pounds and stood six and half feet tall with arms nearly down to its ankles.

Sherry claims the creature put one arm on his shoulder and another on his back as he turned to get in his car. Fortunately, he says, he was able to drive away.

Beckley says one of the most sensational Bigfoot sightings of recent times places the creature inside a UFO, and this has been verified by an area investigator for the National Investigations Committee on Aerial Phenomena.

According to Beckley, University of Wisconsin professor J.M. Bostrack says that after a number of interviews with farmer Frederick Bosak he is convinced of the elderly man's sincerity.

Bosak claims he encountered a transparent UFO on the side of the road while driving toward his farm. He pulled alongside the craft and peered inside.

The Wisconsin farmer was quoted as saying: "All I know for sure is he had thick reddish-brown hair covering his face and arms. This heavy layer of hair appeared to extend downward to the region of his chest." He added: "The eyes – I doubt frankly if I'll ever be able to erase them from my memory. They were big and round, really protruding."

B Comprehension Check

1. Which of these people claims a Bigfoot has tried to get in his car?

- 1) Beckley 2) Bostrack 3) Sherry 4) Andrus

2. The underlined word "incredible" in line 3 means

- 1) without doubt 2) hard to believe 3) very exciting 4) scientific

3. Bostrack interviewed with Fredrick Bosak

- 1) to know more about Beckley 2) to make sure he was telling the truth
3) to invite him to the university of Wisconsin 4) to convince him to write about bigfoot creatures

Part II

Vocabulary Test

1. I couldn't my father to let me go to the party, so I stayed home and watched TV.

- 1) direct 2) convince 3) verify 4) remind

2. Medical researchers still that total cure for cancer will be found soon.

- 1) doubt 2) remind 3) devise 4) scold

3. The little boy was badly scared when he a dog for the first time in his life.

- 1) threatened 2) aggravated 3) challenged 4) encountered

4. After the robbery two policemen came to our house to the case.

- 1) investigate 2) interview 3) recommend 4) calculate

5. Having found the right man for the job, they canceled all further

- 1) verifications 2) experiments 3) arguments 4) interviews

6. Just one hundred years ago, the idea of travel to the moon was just a(n) dream.

- 1) numerous 2) practical 3) effective 4) incredible

7. After talking with her family, the doctor decided to be completely with the dying woman.

- 1) frank 2) chilling 3) doubtful 4) mutual

8. Through the curtain, the little girl could see what was going on.

- 1) artificial 2) compact 3) casual 4) transparent

9. Doctor Fischer had resisted accepting money from the poor man on housecalls.

- 1) numerous 2) experimental 3) nervous 4) sensational

- 10. Grandfather has a poor eyesight. He has to at the newspaper to read it.**
 1) quote 2) peer 3) define 4) view
- 11. In past wars soldiers were sometimes shot by their commanders for**
 1) sincerity 2) cowardliness 3) sensation 4) encounter
- 12. I don't feel she was being completely when she said she liked my paintings.**
 1) negative 2) doubtful 3) discouraged 4) sincere
- 13. The manufacturers are that it is an amazing drug, but many doctors and scientists still have their doubts about it.**
 1) claiming 2) developing 3) attempting 4) complaining
- 14. During the time when pain are felt by the patient, it is desirable to reduce his anxiety to as low as possible.**
 1) sensations 2) experiments 3) medications 4) instruments
- 15. It's obvious that the present system is no longer working and there is a(n) need to change.**
 1) definite 2) effective 3) astonishing 4) sufficient
- 16. It was that Mary could manage to do two jobs and still have time for a social life.**
 1) shocking 2) astonishing 3) protruding 4) developing
- 17. The investigator gave a(n) demonstration of how the man used a hammer to kill his victims.**
 1) constant 2) harmful 3) legal 4) chilling
- 18. I the view that peace can only be achieved by dialogue not fight.**
 1) share 2) erase 3) peer 4) locate
- 19. The charity organization invited the to a presentation of its plans for the future.**
 1) point 2) state 3) press 4) content
- 20. Lack of preventive laws has allowed thousands of illegal into the country.**
 1) beasts 2) employers 3) aliens 4) emissions
- 21. A thorough understanding of mathematics is necessary to explain a wide variety of natural**
 1) phenomena 2) advantages 3) possessions 4) resources
- 22. When you are making a point about one of the novel's characters, try to from the text.**
 1) spread 2) conclude 3) approve 4) quote
- 23. The system has been equipped with a security program which prevents anyone from the files.**
 1) reminding 2) maintaining 3) consuming 4) erasing
- 24. Every statement by the bank clerk about the robbery was by the witnesses there.**
 1) verified 2) claimed 3) attained 4) pretended
- 25. Is there someone outside or is it just the wind through the trees?**
 1) shouting 2) howling 3) snapping 4) protruding
- 26. The condition results in weight loss, rapid heart beat, and of the eyes.**
 1) protrusion 2) combination 3) sensation 4) exaggeration
- 27. The following information was obtained under carefully controlled conditions.**
 1) incredible 2) extensive 3) enormous 4) experimental
- 28. A decision was finally made after quite a bit of heated had taken place. A number of people got upset by the angry words which were exchanged.**
 1) cooperation 2) privilege 3) argument 4) election

word study

بررسی واژگان درس ۴۶

aerial	هوایی	* incredible	باور نکردنی ، شگفت انگیز، بسیار زیاد
* alien	بیگانه، موجود غیرزمینی	* interview	مصاحبه
alienate	بیگانه کردن، گریزان کردن	* investigation	تحقیق، بررسی
* argument	جروبحث	* numerous	بی شمار، فراوان
* astonishing	حیرت‌انگیز	peer(v)	خیره شدن، به دقت نگاه کردن
base	پایگاه قرار دادن	phenomena	پدیده‌ها، رخدادها
beast	چهارپا، حیوان	* press	مطبوعات، روزنامه‌نگاران
chilling	تکان دهنده، ترسناک	protrude	بیرون زدن، برجسته بودن
* claim	ادعا کردن	* publish	منتشر کردن
colonize	مستعمره کردن	pull	(در این درس) اتومبیل را به سمتی کشیدن
* conclude	نتیجه‌گیری کردن	quote	نقل قول کردن
* convince	متقاعد کردن	* remind	خاطر نشان کردن، یادآوری کردن
cowardliness	ترس، بزدلی	* sensational	هیجان انگیز
craft	سفینه	share a view	هم عقیده بودن
* creature	مخلوق، موجود	shoulder	(بدن) شانه
* definite	قطعی ، حتمی	sight	مشاهده کردن، رویت کردن
director	مدیر	* sincerity	صداقت، راستگویی
* doubt	شک داشتن	* transparent	شفاف، نازک
downward	رو به پایین	UFO = Unidentified Flying Object	بشقاب‌پرنده
elderly	سالخورده	* unidentified	نامشخص
* encounter	مواجهه شدن، برخورد کردن	* verify	تأیید کردن، اثبات کردن
erase	پاک کردن، حذف کردن	veteran	سرباز کهنه کار
* experimental	آزمایشگاهی	wolf	گرگ
* extend	گسترش دادن، امتداد یافتن، طول داشتن	youth	(دوران) جوانی
* frankly	صادقانه، رک		
guinea pig	موش آزمایشگاهی		
howl	زوزه کردن		

بیان سوالات درس ۴۶

معنی متن:



موجودات بزرگ پا

«موجودات بزرگ پا (پاکنده) ممکن است حیوانات آزمایشگاهی باشند که موجودات غیرزمینی در بشقاب پرنده‌ها آن‌ها را برای آزمایش کردن محیط سیاره‌ی زمین قبل از این که بخواهند آن را مستعمره‌ی خود کنند به زمین آورده‌اند.»

مطلب بالا توضیحاتی باور نکردنی است که از سوی والت اچ اندروس پسر، مدیر بین‌المللی شبکه‌ی مشترک UFO که در «سگین» ایالت تگزاس واقع شده است، ارایه شده است. البته از طرف UFO شناس برجسته، تیموتی بکلی، سردبیر مجله‌ی نیویورکی جهان UFO مورد تأیید قرار گرفته است. او می‌گوید که ارتباطی قطعی بین مشاهده‌ی بزرگ پاها (پاکنده‌ها) و بشقاب پرنده‌ها، به ویژه در اوهایو، پنسیلوانیا و نیوجرسی، وجود دارد.

طبق گزارشی که در روزنامه‌ی پیتزبورگ به چاپ رسیده است، در سال ۱۹۸۸ فقط در ایالت پنسیلوانیا بیش از ۶۰۰ نفر گزارش کرده‌اند که UFO یا موجوداتی عجیب شبیه به بزرگ پاها را مشاهده کرده‌اند.

یک سرباز قدیمی و معلول اهل ویلین از ایالت پنسیلوانیا، از مواجهه‌ی وحشت‌آور خود با یک بزرگ پا حین یک سفر ماهیگیری در لویال هاناگریک، جایی که در آنجا بشقاب پرنده‌ها به دفعات بسیار زیادی مشاهده شده‌اند، می‌گوید.

سام شری می‌گوید که او در فاصله‌ی ۲۰ فوتی آن جانور ایستاده بود، او حدس می‌زند که وزن آن حدود ۷۰۰ پوند و بلندی‌اش حدود شش و نیم فوت بود و درازای دستانش به حدود قوزک پایش می‌رسید.

شری ادعا می‌کند که وقتی برگشت تا سوار ماشین خود شود آن موجود یکی از دستانش را بر روی شانه‌ی او و دست دیگر را بر پشت او گذاشت. او می‌گوید که خوشبختانه موفق شده از دست او فرار کند.

بکلی می‌گوید که در یکی از مهیج‌ترین موارد مشاهده‌ی بزرگ پاها در تمام دوران، یکی از آن‌ها درون یک بشقاب پرنده بوده است که این توسط یک محقق محلی متعلق به کمیته‌ی بازرسی ملی در مورد پدیده‌های هوایی مورد تأیید قرار گرفته است.

طبق ادعای بکلی، جی‌ام بوستراک که استاد دانشگاه ویسکانسین است می‌گوید که وی پس از انجام چندین محاسبه با فردریک بزاک کشاورز در مورد صداقت صحت گفته‌های وی متقاعد شده است.

بزاک ادعا می‌کند که وقتی داشته به سمت مزرعه می‌رفته در کنار جاده با یک بشقاب پرنده‌ی شفاف مواجه شده است. او ماشین را به کنار بشقاب پرنده برد و داخل آن را به دقت نگاه کرد.

این گفته‌ها از این کشاورز اهل ویسکانسین نقل قول شده است که: «تنها چیزی که درباره‌ی آن مطمئن هستم این است که او موهایی ضخیم به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز داشت که صورت و دستانش را پوشانده بودند. این لایه‌ی انبوه مو به نظر می‌رسید که تا ناحیه‌ی سینه‌اش امتداد داشت.» او همچنین اضافه کرد: «چشمانش - که صادقانه بگویم شک دارم تا آخر عمر بتوانم خاطره‌ی دیدنش را از یادم پاک کنم - بزرگ، گرد و بیرون زده بودند.»

۳ - گزینه‌ی (۲)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** من نتوانستم پدرم را **متقاعد کنم** که اجازه دهد به مهمانی بروم. در نتیجه در خانه ماندم و تلویزیون تماشا کردم.

* convince یعنی «متقاعد کردن، راضی کردن». فعل persuade هم در همین معنی به کار می‌رود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- هدایت کردن، دستور دادن ۳- تأیید کردن ۴- خاطرنشان کردن

۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** محققان علم پزشکی هنوز **شک دارند** که درمان کاملی برای سرطان در آینده‌ی نزدیک پیدا شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- خاطرنشان کردن ۳- ابداع کردن ۴- سرزنش کردن

۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** پسر بچه‌ی کوچک وقتی برای اولین بار در زندگی با یک **سگ روبه‌رو شد** به شدت ترسید.

* فعل encounter یعنی «اتفاقی کسی را دیدن، روبه‌رو شدن، مواجهه شدن (با یک چیز بد)»:

I never encountered any discrimination at work.

من هرگز در کارم با هیچ تبعیضی مواجه نشدم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تهدید کردن ۲- بدتر کردن ۳- به مبارزه طلبیدن

۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** بعد از سرقت دو مأمور پلیس برای **بررسی و تحقیق** درباره‌ی این قضیه به خانه‌ی ما آمدند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مصاحبه کردن ۳- توصیه کردن ۴- محاسبه کردن

۵- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** آن‌ها بعد از این که فرد مناسب را برای آن کار پیدا کردند، **مصاحبه** با افراد دیگر را لغو کردند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تأیید، اثبات ۲- آزمایش علمی ۳- جر و بحث

۶- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** صدسال پیش ایده‌ی سفر به ماه فقط **رویایی باور نکردنی** بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- متعدد ۲- عملی ۳- موثر

۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** آن پزشک بعد از این که با خانواده‌ی آن خانم که در حال مرگ بود صحبت کرد، تصمیم گرفت که با وی کاملاً **رک** باشد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- وحشت آور، تکان دهنده ۳- مشکوک ۴- متقابل

۸- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** دختر بچه‌ی کوچک از پشت آن پرده‌ی **نازک** می‌توانست ببیند که چه اتفاقی دارد می‌افتد.

* transparent یعنی «شفاف، نازک، بدن نما، چیزی که بتوان داخل یا سمت دیگرش را دید». به علاوه این صفت می‌تواند در معنی «واضح و آشکار و قابل

فهم» هم به کار رود:

transparent rules

قوانین شفاف (واضح و قابل فهم)

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مصنوعی ۲- فشرده و متراکم ۳- غیر رسمی

۹- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** دکتر فیشر از قبول پول در ازای **ویزیت‌های متعددی** که در منزل آن مرد فقیر انجام داده بود، خودداری کرد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- آزمایشی ۳- عصبی ۴- هیجان انگیز

۱۰- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** پدر بزرگ بینایی‌اش ضعیف است. او **مجبور** است برای خواندن روزنامه (با دقت) به آن **خیره شود**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نقل قول کردن ۳- (معنی) تعریف کردن ۴- نگاه کردن

۱۱- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** در جنگ‌های زمان قدیم گاهی سربازان به خاطر **بزدلی** شان توسط فرماندهی خود (با شلیک گلوله) کشته می‌شدند.

* کلمه‌ی cowardly یک صفت و به معنی «ترسو، بزدل» است. دو صفت brave و courageous (هر دو به معنی «شجاع») با آن متضادند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- صداقت، راستگویی ۳- حس، احساس ۴- مواجهه

۱۲- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** احساس می‌کنم او موقعی که گفت از نقاشی‌های من خوشش آمده **صادق** نبود (راست نمی‌گفت).

* sincere در مورد انسان به معنی «صادق، راستگو» و در مورد احساسات، عواطف، رفتار و ... به معنی «صادقانه، واقعی، از صمیم قلب، خالصانه» می‌باشد:

I want to express my sincere apologies for what I said.

می‌خواهم به خاطر آن چه گفتم از صمیم قلب عذرخواهی کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- منفی ۲- مشکوک ۳- مأیوس

۱۳- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** تولید کنندگان این دارو **ادعا می‌کنند** که این یک داروی شگفت‌انگیز است اما بسیاری از پزشکان و دانشمندان نسبت به توانایی این دارو همچنان مشکوک هستند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- توسعه دادن، ساختن ۳- اقدام کردن ۴- شکایت کردن

۱۴- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** طی زمانی که مریض دچار **احساس** درد است خوب است که تا آن‌جا که ممکن است اضطراب او را کاهش داد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- آزمایش علمی ۳- دارو، درمان ۴- وسیله

۱۵- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** واضح است که سیستم فعلی دیگر کارایی ندارد و نیاز **قطعی** به عوض کردن آن وجود دارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- موثر، سودمند ۳- حیرت‌آور ۴- کافی

۱۶- **گزینه‌ی (ب)** **معنی جمله:** این که ماری می‌توانست در دو شغل مشغول به کار باشد و همزمان وقت کافی برای یک زندگی اجتماعی هم داشته باشد **شگفت‌انگیز** بود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تکان دهنده ۳- بیرون زده ۴- در حال توسعه

۱۷- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** آن کارآگاه توضیح **تکان دهنده‌ای** در مورد این که چگونه آن مرد از یک چکش برای کشتن قربانیان خود استفاده می‌کرده است ارائه داد (قبلاً گفته بودیم که victim یعنی «قربانی»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- دایمی ۲- مضر ۴- قانونی

۱۸- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** من هم با این نظر **هم عقیده هستم** که صلح تنها از طریق گفتگو به دست می‌آید نه از طریق جنگ.

* share the view یعنی «با نظری هم عقیده بودن».

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- حذف کردن ۳- خیره شدن ۴- محل چیزی را تعیین کردن

۱۹- **گزینه‌ی (ب)** **معنی جمله:** آن مؤسسه خیریه برای ارائه و اعلام برنامه‌هایش برای آینده از **مطبوعات** دعوت به عمل آورد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- نقطه، نکته، مورد ۲- وضع و حالت، ایالت ۴- محتوا

۲۰- **گزینه‌ی (ب)** **معنی جمله:** فقدان قوانین باز دارنده به هزاران **خارجی (بیگانه)** اجازه داده است که به طور غیرقانونی وارد کشور شوند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- جانور ۲- کارفرما ۴- نشت، انتشار

۲۱- **گزینه‌ی (ا)** **معنی جمله:** داشتن درکی جامع نسبت به ریاضیات برای توضیح دادن مجموعه متنوعی (بسیاری) از **پدیده‌های** طبیعی ضروری است.
* phenomena حالت جمعی کلمه‌ی phenomenon به معنی «پدیده، واقعه» است:

باران اسیدی یک پدیده‌ی طبیعی نیست و در اثر آلودگی ایجاد می‌شود. Acid rain is not a natural phenomenon. It is caused by pollution.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- مزیت، برتری ۳- دارایی ۴- منابع

۲۲- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** وقتی که به مطلبی درباره‌ی شخصیت‌های داستان اشاره می‌کنی سعی کن عین جمله‌ی کتاب را **نقل کنی**.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- گسترش دادن ۲- نتیجه‌گیری کردن ۳- تأیید کردن

۲۳- **گزینه‌ی (ع)** **معنی جمله:** این سیستم به یک برنامه‌ی امنیتی مجهز شده است تا بتواند مانع هر کسی که بخواهد فایل‌ها را **پاک کند** بشود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خاطر نشان کردن ۲- حفظ و نگهداری کردن ۳- مصرف کردن

۲۴- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: تمام صحبت‌های کارمند بانک در مورد سرقت توسط شاهدینی که در آن‌جا حضور داشتند **تأیید شد** (اسم witness یعنی «شاهد عینی یک ماجرا»).

* فعل verify یعنی «تأیید کردن، تصدیق کردن، ثابت کردن»:

There was no way to verify his claims.

راهی برای اثبات ادعاهای او وجود نداشت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- ادعا کردن ۳- نایل شدن ۴- وانمود کردن

۲۵- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: آیا کسی بیرون است یا این‌که فقط صدای باد است که از میان درختان **زوزه می‌کشد**؟

* می‌بینید که howl علاوه بر صدای زوزه‌ی حیوانات وحشی در مورد صدای باد هم کاربرد دارد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- فریاد کشیدن ۳- پاچه گرفتن، پرخاش کردن ۴- بیرون زدن

۲۶- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: این وضعیت (بیماری) باعث کاهش وزن، افزایش ضربان قلب و **بیرون زدن** چشم‌ها می‌شود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- ترکیب ۳- احساس، حس ۴- اغراق، مبالغه

۲۷- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: این اطلاعات تحت شرایط **آزمایشگاهی** کاملاً کنترل شده به دست آمده است (فعل obtain یعنی «کسب کردن، به دست آوردن»).

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- شگفت‌انگیز ۲- گسترده ۳- عظیم

۲۸- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: سرانجام پس از یک **جروبحث** نسبتاً تند تصمیمی اتخاذ شد. تعدادی از افراد حاضر در آن‌جا از حرف‌های خشمگینانه‌ای که رد و بدل می‌شد ناراحت شده بودند.

* فعل argue در ساختار (argue with sb (about / over sth) یعنی «با کسی راجع به قضیه‌ای جروبحث و مشاجره و دعوا کردن».

I never argue with my wife about money.

من هیچوقت با همسرم راجع به پول مشاجره نمی‌کنم.

اما این فعل در الگوهای ... argue that یا argue for / against sth به معنی «استدلال کردن، دلیل آوردن، (با دلیل) سخن گفتن» می‌باشد:

He argue for / against buying a new car.

او به نفع / علیه خرید یک ماشین جدید سخن گفت.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- همکاری ۲- امتیاز ۴- انتخاب

English Lesson 47

Part I

Reading Comprehension

A Reading

The Pearl of the Desert

Most of the deserts of the world have surfaces of rock or clay or small stones and often have high hills and deep valleys. There is some plant life in many parts of the desert. It does not rain regularly, and not often enough for most plants. After a rainstorm, plants may bloom in the desert for a short time.

In the desert, the places where there is a supply of water are called oases. Jandagh is the name of a small oasis in Kavir-e-Namak, Iran. It is an ancient city located between the towns of Anarak and Tabas. With a population of about 5000, Jandagh forms one of the most beautiful oases of Kavir-e-Namak. It is sometimes called "the pearl of the desert."

There are large homes with unique architecture, surrounded by pomegranate, fig, and pistachio trees in Jandagh. Branches from these fruit trees make natural arches over the streets for the passerby to escape from the hot sun.

Jandagh is a peaceful community. Many of its inhabitants live by farming. They plant fruit trees in their gardens and grow some crops in the fields nearby. Others have herds of camels, goats, donkeys, and sheep. These animals can live on the desert plants and do not need much water.

The people in Jandagh are very sociable and hospitable. They don't blame you for calling on them unexpectedly and no one would ever refuse to give a stranger food and water.

9. Now that our grandparents are going to live with us, we are an architect to devise plans for an extension to our home.
- 1) hanging up 2) calling on 3) signing up 4) giving off
10. Most of the passengers were killed in that terrible plane; the remaining people were severely injured.
- 1) flaw 2) tension 3) failure 4) crash
11. Mrs Johnson is always finding fault with her sons, although they really try to their mother.
- 1) please 2) provide 3) persist 4) pretend
12. The main function of advertising is to create a(n) image for your company.
- 1) remote 2) illegal 3) unique 4) former
13. According to historical records, human civilizations probably started in the lands of the Middle East.
- 1) fertile 2) genius 3) sensitive 4) energetic
14. If she seems not to want to talk to you, don't be offended – she's just not very
- 1) frequent 2) sociable 3) restricted 4) unexpected
15. Just before the troops entered our village, we by car, taking only a few clothes and some food.
- 1) eliminated 2) resisted 3) escaped 4) supplied
16. The 107-year-old man attributed his to healthy diet and regular physical exercise.
- 1) longevity 2) discovery 3) quality 4) inquiry
17. In our company, the sales and advertising departments are both part of the marketing
- 1) persistence 2) fertility 3) division 4) entertainment

word study بررسی واژگان درس ۴۷

arch	طاق، قوس	* inhabitant	ساکن
architecture	معماری	innate	ذاتی، فطری
* blame	سرزنش کردن	longevity	طول عمر، عمر طولانی
bloom	شکوفه کردن، گل دادن	* massive	انبوه، عظیم
bracelet	دستبند	* nutritious	مغذی، مقوی
branch	شاخه	oasis	آبادی
* call on	سرزدن به کسی، تقاضا کردن	* originally	در اصل، در ابتدا
camel	شتر	passerby	عابر، رهگذر
clay	خاک رس	* peaceful	آرام، صلح‌جو
* crash	تصادف، سانحه	pearl	مروارید
* crop	محصول کشاورزی	* persistence	اصرار، استمرار
* division	قسمت، تقسیم، تقسیم بندی	pistachio	پسته
* eliminate	از بین بردن	* pleased	راضی، خوشحال
* entertain	سرگرم کردن	pomegranate	انار
* enormous	عظیم، بزرگ	rainstorm	باران شدید
* escape	فرار کردن	shackles	غل و زنجیر
* fertile	حاصلخیز، بارور	* sociable	اجتماعی، معاشرتی، خونگرم
fig	انجیر	square	میدان
grain	دانه، غله	* supply	ذخیره، موجودی
hill	تپه	* unique	منحصر به فرد، یکتا، بی نظیر
* hospitable	مهمان نواز	valley	دره

پاسخ سوالات درس ۴۷

معنی متن:

A

مروارید بیابان

سطح اکثر بیابان‌های جهان از سنگ یا خاک رس یا سنگریزه‌های کوچک پوشیده شده و اغلب آن‌ها دارای تپه‌هایی مرتفع و دره‌هایی عمیق می‌باشند. مقداری حیات گیاهی در بسیاری از بخش‌های بیابان وجود دارد. بارندگی در چنین مناطقی منظم و برای رشد بیشتر گیاهان کافی نیست. بعد از یک بارندگی شدید در بیابان ممکن است گیاهان به مدت کوتاهی گل بدهند.

در بیابان‌ها جاهایی که دارای ذخیره‌ی آب هستند، آبادی نامیده می‌شوند. جندق نام یک آبادی کوچک در کویر نمک ایران است. این یک شهر بسیار قدیمی است که بین شهرهای انارک و طبس واقع شده است. جندق با جمعیتی حدود ۵۰۰۰ نفر یکی از زیباترین آبادی‌های کویر نمک به حساب می‌آید. برای همین است که گاهی به آن «مروارید بیابان» می‌گویند.

در جندق خانه‌هایی بزرگ با معماری منحصر به فرد که در میان درختان انار، انجیر و پسته احاطه شده‌اند وجود دارد. شاخه‌های این درختان میوه، طاق‌هایی طبیعی بر روی خیابان‌ها به وجود می‌آورند و باعث می‌شوند که رهگذران از گرمای آفتاب در امان باشند.

جندق محلی آرام است. بسیاری از ساکنان آن با کشاورزی گذران زندگی می‌کنند. آن‌ها در باغشان درختان میوه کاشته و در مزارع خود محصولات کشاورزی می‌کارند. بعضی دیگر از آن‌ها گله‌های شتر، بز، الاغ و گوسفند دارند. این حیوانات می‌توانند با خوردن گیاهان موجود در بیابان به حیات خود ادامه دهند و به آب زیادی هم احتیاج ندارند.

مردم جندق بسیار خونگرم و مهمان‌نواز هستند. آن‌ها هرگز شما را به این خاطر که سرزده به دیدن آن‌ها رفته‌اید سرزنش نمی‌کنند و هیچ‌کدامشان هرگز از دادن آب و غذا به غریبه‌ها خودداری نمی‌کنند.

۳ - گزینه‌ی (۴)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** یک تصادف اتومبیل وحشتناک در میدان اصلی شهر رخ داد و همه‌ی عابران داشتند ماجرا را تماشا می‌کردند (horrible)

یعنی «وحشتناک، خیلی بد».

۴ - بازده، تولید

۲ - اصطلاح، دوره

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - صحنه

۲- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** ما بعدظهر را به قدم زدن در شهر رم و تحسین معماری روم باستان گذرانیدیم.

۳ - پیامد، نتیجه

۲ - نادانی، جهل

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - ماجرا

۳- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: استدلال او مرا قانع نکرد. من هنوز این عقیده‌ی خود را که انسان‌ها ذاتاً خوب هستند حفظ کرده‌ام.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- به طور ناراحت کننده‌ای ۳- قاطعانه ۴- قبلاً، سابقاً

۴- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: مردم محلی بسیار مهمان‌نواز بودند و هرکسی را که از آن منطقه عبور می‌کرد مورد استقبال قرار می‌دادند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- کنجکاو، عجیب و غریب ۲- لجباز ۴- عظیم

۵- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: میلیون‌ها اتم فقط در یک **دانه‌ی** نمک جای گرفته‌اند، اما علیرغم اندازه‌ی کوچک‌شان دارای اهمیت بسیار زیادی هستند.

* اسم grain یعنی «غلات، دانه‌ی غلات، نمک، شکر، شن و ...» و به طور کلی و مجازی «دانه، ذره».

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- دسته ۳- گله ۴- محصول کشاورزی

۶- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: رئیس چند کارگر دیگر را هم صدا کرد تا به ما در بلند کردن آن جعبه‌های بسیار بزرگ کمک کنند.

* صفت massive با کلماتی مثل enormous, great, extensive, huge مترادف است. بد نیست در این جا با دو صفت vast و immense هم که با کلمات ذکر شده مترادفند آشنا شوید:

کشوری بسیار بزرگ (پهنایور) a vast country

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- شدید ۲- کوچک، دستی ۳- قوی

۷- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: اگر محافظت حیوانات حشره‌خوار نبود، حشرات تمام محصولات کشاورزی و حیواناتمان را نابود کرده بودند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- تپه ۲- مروراید ۴- خصلت، خصوصیت

۸- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: آقای پرایس علیرغم (دانستن نتیجه‌ی) کلسترول بالاایش هر روز صبح به خوردن تخم‌مرغ و سوسیس ادامه می‌داد.

* فعل persist که اغلب با حرف اضافه‌ی in همراه می‌شود به معنی «اصرار کردن، پافشاری و سماجت کردن، ادامه دادن به کاری» می‌باشد. اسم persistence (اصرار، پافشاری، ماندگاری) و صفت persistent (مصر، لجباز، ماندگار) از همین ریشه‌اند:

او در نتیجه‌ی صبر و پافشاری سرانجام به چیزی که می‌خواست رسید. Due to patience and persistence, she finally got what she wanted.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- سرزنش کردن ۳- مقاومت کردن، خودداری کردن ۴- سرزنش کردن

۹- گزینه‌ی (۲) معنی جمله: حالا که پدر بزرگ و مادر بزرگ قرار است با ما زندگی کنند تصمیم داریم از یک معمار درخواست کنیم تا نقشه‌ای برای بزرگ‌تر کردن خانه‌مان ارائه دهد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- گذاشتن گوشی تلفن ۳- ثبت نام کردن ۴- متقاعد کردن

۱۰- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: اکثر مسافین در آن سانحه‌ی وحشتناک هوایی جان خود را از دست دادند و بقیه هم به شدت مجروح شدند.

* فعل crash یعنی «تصادف کردن، دچار سانحه شدن، سقوط کردن، درب و داغون کردن چیزی». این کلمه حالت اسمی هم دارد که علاوه بر معانی ذکر شده برای بیان «صدای یک سانحه یا سقوط» هم به کار می‌رود.

صدای درب و داغون شدن چیزی را شنیدم و بیرون دویدم. I heard a crash and ran outside.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- عیب و ایراد ۲- تنش ۳- شکست

۱۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: خانم جانسون دایم به پسرهایش ایراد می‌گیرد اگرچه آن‌ها حقیقتاً سعی دارند که مادرشان را راضی کنند.

* مشتقات مهم فعل please که به معنی «راضی و خشنود کردن» است عبارتند از دو صفت pleasing (لذت بخش) و pleased (with) (راضی و خشنود)، اسم pleasure (لذت، تفریح) و صفت pleasant (مطبوع، خوشایند).

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- فراهم کردن ۳- اصرار کردن ۴- وانمود کردن

۱۲- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: کاربرد اصلی استفاده از تبلیغات این است که می‌تواند تصویری بی‌نظیر از شرکت شما (در نظر عموم) ایجاد کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- دور ۲- غیرقانونی ۴- قبلی

- ۱۳- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** طبق اسناد تاریخی احتمالاً تمدن‌های انسانی اولین بار در سرزمین‌های حاصل‌خیز خاورمیانه آغاز شدند.
- معنی سایر گزینه‌ها: ۲- نایبه ۳- حساس ۴- پرنرزی
- ۱۴- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** اگر این طور به نظر می‌رسد که او مایل نیست با تو حرف بزند ناراحت نشو - او آدم خیلی اجتماعی‌ای نیست.
- معنی سایر گزینه‌ها: ۱- مکرر، اغلب ۳- محدود ۴- غیرمنتظره
- ۱۵- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** درست قبل از این که سربازان وارد دهکده‌مان شوند ما تعدادی لباس و مقداری غذا برداشتیم و با ماشین فرار کردیم.
- معنی سایر گزینه‌ها: ۱- حذف کردن ۲- مقاومت کردن ۴- تدارک دیدن
- ۱۶- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** مرد ۱۰۷ ساله **عمر طولانی** اش را به داشتن رژیم غذایی سالم و ورزش منظم نسبت داد.
- معنی سایر گزینه‌ها: ۲- اکتشاف ۳- کیفیت ۴- تحقیق و تفحص
- ۱۷- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** در شرکت ما بخش‌های فروش و تبلیغات جزئی از **قسمت** بازاریابی هستند.
- معنی سایر گزینه‌ها: ۱- استمرار، پافشاری ۲- حاصلخیزی، باروری ۴- سرگرمی

English Lesson 48

Part I

Reading Comprehension

A Reading

Culture Shock

Each society has its own beliefs, attitudes, customs, behaviors, and social habits. These give people a sense of how they are supposed to behave and what they should or should not do.

People become conscious of such rules when they meet people from different cultures. For example, the rules about when to eat vary from culture to culture. Many North Americans and Europeans organize their timetables around three mealtimes a day. In other countries, on the other hand, it's not the custom to have strict rules like this – people eat when they want to, and every family has its own timetable.

When people visit or live in a country for the first time, they are often surprised at the differences that exist between their own culture and the culture in the other country. For some people traveling abroad is the thing they enjoy most in life; for others, though, cultural differences make them feel uncomfortable, frightened, or even insecure. This is known as "culture shock". Here are several things to do in order to avoid culture shock:

1. Avoid quick judgments; try to understand people in another culture from their own point of view.
2. Become aware of what is going on around you and why.
3. Don't think of your cultural habits as "right" and other people's as "wrong".
4. Be willing to try new things and to have new experiences.
5. Try to appreciate and understand other people's values.

When you're visiting a foreign country it is important to understand and appreciate cultural differences. This can help people avoid misunderstanding, develop friendships more easily and feel more comfortable when traveling or living abroad.

word study بررسی واژگان درس ۴۸

* abroad	خارج (از کشور)	embarrassed	خجالت زده
acceptable	قابل قبول	exist	وجود داشتن
* appreciate	تحسین کردن	* fascinating	جالب، جذاب
* attitude	نگرش، دیدگاه	helping	پرس غذا
bargain	چانه زدن، معامله، توافق	insecure	نامن
belief	باور، اعتقاد	* judgement	قضاوت
* be supposed to	قرار بودن، موظف بودن	misunderstanding	سوء تفاهم
confident	مطمئن	point of view	دیدگاه، نقطه نظر
conscious	هشیار	* strict	خشک و رسمی، سخت گیر
* culture	فرهنگ	timetable	جدول زمانی
* curious	کنجکاو، عجیب	tip	انعام
* custom	سنت، رسم و رسوم	* vary	متفاوت بودن، متغیر بودن

پاسخ سوالات درس ۴۸

معنی متن:



شوک فرهنگی

هر جامعه‌ای اعتقادات، نگرش‌ها، سنت‌ها، رفتارها و عادت‌های اجتماعی مخصوص به خود را دارد این مجموعه به مردم این شناخت را می‌دهد که بدانند باید چگونه رفتار کنند و چه چیزی را باید و چه چیزی را نباید انجام دهند.

افراد موقعی از این قوانین آگاه می‌شوند که افرادی از سایر کشورها را ملاقات می‌کنند. به عنوان مثال، قوانین مربوط به زمان غذا خوردن از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. بسیاری از مردم کشورهای آمریکای شمالی و اروپا در برنامه‌ی خود سه زمان اصلی را برای غذا خوردن ترتیب می‌دهند. از طرف دیگر، در کشورهای دیگر مرسوم نیست که چنین برنامه‌ی سفت و سختی در مورد غذا خوردن داشته باشند. در چنین جاهایی مردم هر موقع که می‌خواهند، غذا می‌خورند و هر خانواده برنامه‌ی خاص خود را دارد.

وقتی افراد برای بار اول به یک کشور دیگر می‌روند و یا در آنجا اقامت می‌کنند از مشاهده‌ی این اختلافات بین فرهنگ خودشان و آن کشور شگفت زده می‌شوند. برای برخی مسافرت به خارج یکی از لذت بخش‌ترین وقایع زندگی‌شان است، در حالی که در مورد عده‌ای دیگر تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شوند آن‌ها در خارج دچار احساس ناراحتی، هراس و یا حتی ناامنی شوند. به این حالت «شوک فرهنگی» می‌گویند. در این‌جا چند توصیه برای اجتناب از ایجاد شوک فرهنگی ارائه می‌شوند:

۱- از شتابزده قضاوت کردن پرهیز کنید: سعی کنید با استفاده از دیدگاه و نقطه‌نظر مردم آن کشور، آن‌ها را درک کنید.

۲- از وقایعی که در اطرافتان می‌گذرد و هم‌چنین دلیل وقوع آن‌ها آگاه باشید.

۳- عادات فرهنگی خود را «درست» و عادات دیگران را «غلط» ندانید.

۴- برای آزمایش کردن و تجربه کردن چیزهای جدید آماده باشید.

۵- سعی کنید برای ارزش‌های دیگران احترام قائل شوید و آن را درک کنید.

وقتی شما از یک کشور خارجی دیدار می‌کنید، بسیار اهمیت دارد که تفاوت‌های فرهنگی موجود را درک کنید و برای آن‌ها احترام قائل شوید. این امر به افراد کمک می‌کند تا از بروز سوء تفاهم جلوگیری کنند، راحت‌تر دوستی‌ها را شکل دهند و هنگام مسافرت یا زندگی در خارج احساس آرامش بیشتری داشته باشند.

۳- گزینه‌ی (۳)

۲- گزینه‌ی (۴)

۱- گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: فریاد کشیدن او نگاه‌های کنجکاوانه‌ی افراد دیگر در رستوران را به سوی خود جلب کرد.

۴- لذت بخش

۳- سخت‌گیر

۲- قابل قبول: معنی سایر گزینه‌ها:

۲- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** ما همچنان منتظریم که دادگاه نتیجه‌ی **قضاوت** خود را درباره‌ی مورد حقوقی ما اعلام کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - سوء تفاهم ۳ - اعتماد (به نفس) ۴ - امنیت

۳- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** در این کشور **رسم** است که مردم روز اول بهار بیرون بروند و گل بچینند.

* custom یعنی «رسم و رسوم، سنت‌های متداول هر جامعه».

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - فرهنگ ۲ - جدول زمانی ۴ - نگرش

۴- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** شما می‌توانید برای انجام این کار به صورت عالی و بی‌نقص روی او حساب کنید؛ او همیشه **نگرشی** بسیار جدی به کارش دارد (کارش را جدی می‌گیرد).

* attitude یعنی «نگرش، طرز برخورد و تلقی»:

social beliefs and attitudes

باورها و نگرش‌های اجتماعی

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - معامله ۳ - مورد، نمونه، مثال ۴ - حقوق

۵- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** افرادی که در مدرسه حضور نمی‌یابند نسبت به **فرهنگ**‌ها و جوامعی که در جهان وجود دارند کاملاً ناآگاهند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - کارشناس ۲ - دارایی ۳ - جروبوت

۶- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** وقتی صورتحساب شامان را پرداخت کردیم مقداری هم به عنوان **انعام** برای پیشخدمت گذاشتیم.

* اسم tip علاوه بر کاربردی که دیدید دو معنی مهم دیگر دارد: اولی به معنی «نوک» و دومی «توصیه، راهنمایی»:

the tip of fingers / toes

نوک انگشتان دست یا پا

This booklet gives a lot of useful tips on car maintenance.

این کتابچه تعداد زیادی توصیه‌ی مفید در مورد نحوه‌ی نگهداری از ماشین ارائه می‌دهد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - علامت ۲ - معامله ۴ - وعده‌ی غذا

۷- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** تد خیلی **قدر** نگرانی و به ویژه عشق همسرش نسبت به خود را **می‌داند**.

* از معانی فعل appreciate عبارتند از «تحسین و ستایش کردن، ممنون بودن، درک کردن»:

Thanks for your help. We really appreciate it.

به خاطر کمک‌تان تشکر می‌کنیم. واقعاً ممنون هستیم.

I don't think you appreciate how serious this situation is.

فکر نکنم که بتوانی درک کنی این موضوع چقدر جدی است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - خاطر نشان کردن ۳ - پیشنهاد دادن ۴ - همکاری کردن

۸- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** من مشغول برنامه‌ریزی برای اولین سفرم به **خارج از کشور** هستم. امسال تابستان تعطیلات را در یونان خواهم گذرانم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - در فضای بسته ۳ - بالا ۴ - به سمت داخل

۹- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** من ماشینم را در صورتی به تو قرض خواهم داد که اجازه بدهی ماه آینده از آپارتمان استفاده کنم، اما من از کجا باید بدانم

که تو به تعهد خود در این **توافق (معامله)** عمل خواهی کرد؟

* اسم bargain هم به معنی «معامله و توافق» است و هم به معنی «جنس ارزان و دارای تخفیف». این کلمه اگر فعل باشد بیش‌تر به معنی «چانه زدن» به کار می‌رود:

In Iran it's common to bargain when you buy things in stores.

در ایران معمول است که هنگام خرید در مغازه سر قیمت چانه بزنی.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - هزینه ۲ - شیوه ۴ - انتخاب، چاره

English Lesson 49

Part I

Reading Comprehension

A Reading

The Paper Shapers

Before men knew how to make paper, they wrote on many different kinds of surfaces like stone, bone, clay, wood, leaves, and metals such as lead, bronze, and brass. None of these provided a good writing surface.

One difficulty was that it was almost impossible to change or correct something that has been written on one of these surfaces.

The people of ancient Egypt, however, developed a better surface for writing by using sheets of papyrus, a water plant. They cut papyrus stems into long narrow strips and laid them side by side. Then they placed shorter strips across the others and wove them all into a sheet. This sheet was then soaked in water and pounded gently to join the strips. After drying in the sun, the sheet was rubbed with a shell or a smooth rock to remove the rough spots. This was more than 2000 years ago.

The people of Asia Minor found a new writing surface. They used the skins of sheep, goats and calves. By a special process, these skins were made soft and smooth. This kind of writing surface lasted longer than papyrus and it could also be folded or rolled.

The Chinese were the first people to make paper. They learned the secret of paper making from the wasp. Wasps make their homes by using paper. To make paper they chew bits of wood into pulp. Then they mix the pulp with saliva and spread it out thinly. This mass becomes paper. By copying the method of the wasps, a Chinese named Ts'ai Lun succeeded in making the first manufactured paper more than eighteen centuries ago.

Paper was not known outside China for about 500 years. Early in the seventh century it was brought to Japan. From about 750 A.D, some other Asian countries began using paper.

The Arabs were the first to make linen paper. They even built paper mills in Spain during the twelfth century. By the fourteenth century the use of paper had spread as far as England.

At first, paper was made by hand, one sheet at a time. But in 1800 Nicholas Louis Robert who worked in a paper factory invented a new machine. This machine could make paper in the form of long rolls.

Today even with modern machines paper is made by the same process that the ancient Chinese used. There are now more than five thousand different kinds of paper used for many different purposes in addition to writing. And it is hard to believe that we owe all this to the wasp.

B Comprehension Check

1. The first real paper was invented in

- 1) Egypt 2) Europe 3) China 4) Asia Minor

2. The art of paper making was brought to Europe by

- 1) the Chinese 2) the Spanish 3) Arabs 4) Nicolas Robert

3. Which sentence is not True according to the passage?

- 1) The people of Asia Minor used animal skin to write on.
 2) The first paper was made by copying from the method of wasps.
 3) Japan was the first country to use Chinese paper.
 4) Wood provided a good writing surface in ancient times.

Part II

Vocabulary Test

1. A: What are you doing?

B: I am some cream on my face to protect my skin against the sun.

- 1) removing 2) soaking 3) relying 4) rubbing

2. Not being able to find a shelter during the rainstorm I was to the skin and had to change all my clothes.

- 1) soaked 2) flooded 3) dissolved 4) drowned

3. A mouse's flexible body allows it to pass through openings.

- 1) gentle 2) narrow 3) extensive 4) unique

4. The steak was not soft enough for my old grandfather to He didn't have it.

- 1) lay 2) press 3) chew 4) ruin

5. Tim made a paper hat by a sheet of newspaper several times.

- 1) folding 2) tapping 3) spreading 4) weaving

6. Aided by the increasing automation of, some big factories have cut their workforce by a half.

- 1) competition 2) weaving 3) consumption 4) removal

7. Please cut two centimeters off the bottom of the before you put the roses in water.

- 1) strips 2) spots 3) streams 4) stems

8. I could feel my heart as I went on the stage to collect the prize.

- 1) screaming 2) pounding 3) flowing 4) punching

9. These tablets lessen your pain for a while but the effects won't be

- 1) convincing 2) pleasing 3) lasting 4) distressing



Asia Minor	آسیای صغیر	papyrus	(گیاه) پاپیروس
brass	(آلیاژ) برنج	* pound	کوبیدن
calf	گوساله	pulp	خمیر
* chew	جویدن	* remove	برداشتن، بردن، حذف کردن
clay	خاک رس، سفال	roll	لوله کردن (کاغذ)
cloth	پارچه	* rough	زبر، ناهموار
copy	تقلید کردن	* rub	مالیدن، ساییدن
* deliver	تحویل دادن	saliva	بزاق
firefighter	آتش نشان	shaper	سازنده، شکل دهنده
* fold	تا کردن	* sheet	ورق، ورقه
* gently	به آرامی	shell	صدف، لاک، پوسته
lay	گذاشتن، قرار دادن	side by side	کنار هم
* last	طول کشیدن، باقی ماندن	* soak	خیساندن
lead	(در این درس) سرب	* spot	نقطه، لکه، محل
linen	پارچه‌ی کتان	* spread out	پهن کردن، گسترده کردن
* manufacture	تولید کردن	* stem	ساقه
* mass	توده، تعداد زیاد	strip	نوار، تکه‌ی باریک
mill	کارگاه	* tap	ضربه زدن
* narrow	تنگ، باریک	wasp	زنبور (وحشی)
* owe	مقروض بودن، مدیون بودن	* weave	بافتن، ریسندگی کردن

پاسخ سوالات درس ۴۹

معنی متن: 

شکل‌دهندگان کاغذ

قبل از این که انسان‌ها یاد بگیرند چگونه کاغذ درست کنند، برای نوشتن از سطوح مختلفی مثل سنگ، استخوان، سفال، چوب، برگ و فلزاتی مانند سرب، برنز و برنج استفاده می‌کردند. البته هیچ‌کدام از این‌ها سطح مناسبی را برای نوشتن فراهم نمی‌کردند.

یکی از مشکلات نوشتن بر روی چنین سطوحی این بود که غیر ممکن بود که بتوان آن‌را تغییر داد و یا اشتباهی را که ایجاد شده بود، تصحیح کرد. اما مردم مصر باستان با استفاده از ورقه‌هایی از پاپیروس، یک نوع گیاه آبی، سطحی بهتر برای نوشتن ابداع کردند. آن‌ها ساقه‌ی پاپیروس را به صورت نوارهایی باریک می‌بریدند و آن‌ها را در کنار یکدیگر به صورت پهلوی به پهلوی قرار می‌دادند. سپس نوارهای کوتاه‌تر را به صورت عرضی در میان بقیه قرار می‌دادند و آن‌ها را به شکل یک ورقه می‌بافتند. این ورقه سپس در آب خیسانده می‌شد و بعد به آرامی کوبیده می‌شد تا نوارها به هم متصل شوند. بعد از این که این ورقه‌ها را در آفتاب خشک می‌کردند، آن‌ها را به وسیله‌ی یک سنگ صاف یا یک لاک (یا صدف) می‌مالیدند تا نقاط زبر آن برطرف شود. این کار مربوط به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش است.

مردم آسیای صغیر سطحی جدید برای نوشتن پیدا کردند. آن‌ها از پوست گوسفند، بز و گوساله‌ها برای نوشتن استفاده می‌کردند. با استفاده از فرایندی خاص این پوست را به صورت نرم و صاف درمی‌آوردند. این سطح برای نوشتن نسبت به پاپیروس دوام بیشتری داشت و می‌شد آن‌را تا کرد یا به صورت لوله در هم پیچید.

چینی‌ها اولین مردمی بودند که کاغذ درست کردند. آن‌ها راز تهیه‌ی کاغذ را از زنبورها و وحشی یاد گرفتند. زنبورها خانه‌هایشان را با استفاده از کاغذ درست می‌کنند. آن‌ها برای ساختن کاغذ، ذره‌های چوب را می‌چوند و آن‌را به شکل خمیر درمی‌آورند. آن‌ها سپس خمیر را با بزاق خود مخلوط می‌کنند و سپس آن‌را به صورت ورقه‌ای نازک پهن می‌کنند. این توده تبدیل به کاغذ می‌شود. با تقلید این روش زنبورها، یک چینی به نام تسای لون موفق به تولید اولیه کاغذها بیش از هیجده قرن پیش شد.

کاغذ به مدت ۵۰۰ سال در بیرون از چین شناخته شده نبود. در اوایل قرن هفتم میلادی به ژاپن آورده شد. از حدود سال ۷۵۰ بعد از میلاد بعضی از کشورهای آسیایی شروع به استفاده از کاغذ کردند.

عرب‌ها اولین مردمی بودند که از کتان برای ساخت کاغذ استفاده کردند. آن‌ها حتی در قرن ۱۲ در اسپانیا کارگاه‌های کاغذ سازی تأسیس کردند. تا قرن چهاردهم استفاده از کاغذ تا انگلستان هم گسترش پیدا کرده بود.

در ابتدا کاغذ به صورت دستی و هر بار یک ورقه از آن ساخته می‌شد. اما در سال ۱۸۰۰ نیکلاس لوئیس روبرت که در یک کارخانه‌ی کاغذسازی کار می‌کرد ماشین جدیدی اختراع کرد که می‌توانست کاغذ را به شکل رول‌هایی دراز تولید کند.

امروزه حتی با وجود ماشین‌های پیشرفته هم هنوز کاغذ با همان روشی که چینی‌های باستان استفاده می‌کردند، تولید می‌شود. هم اکنون بیش از پانصد نوع کاغذ مختلف وجود دارد که از آن‌ها برای مقاصد مختلفی علاوه بر نوشتن استفاده می‌شود. باور کردن این موضوع که ما تمام این‌ها را مدیون زنبورها هستیم دشوار است.



۱ - گزینه‌ی (۳)

۲ - گزینه‌ی (۳)

۳ - گزینه‌ی (۴)

پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** نفر اول: داری چکار می‌کنی؟ نفر دوم: دارم مقداری کرم روی صورتم می‌مالم تا از پوستم در مقابل نور خورشید محافظت کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - برداشتن، حذف کردن ۲ - خیس کردن ۳ - وابسته بودن

۲- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** چون نتوانستم حین آن بارندگی شدید سرپناهی بیابم کاملاً خیس شدم و مجبور شدم تمام لباس‌هایم را عوض کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - غرق کردن، زیر آب بردن ۳ - حل کردن ۴ - غرق شدن

۳- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** بدن انعطاف‌پذیر یک موش به او این امکان را می‌دهد که بتواند از سوراخ‌های تنگ و باریک عبور کند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - نرم و آرام ۳ - گسترده، وسیع ۴ - منحصر به فرد

۴- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** آن تکه استیک به قدر کافی نرم نبود که پدر بزرگ پیرم بتواند آن را بجود. او آن را نخورد.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - قرار دادن ۲ - فشار دادن ۴ - خراب کردن

۵- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** تیم یک ورقه‌ی روزنامه را چندین بار تا کرد و آن را به صورت یک کلاه کاغذی درآورد.

* عبارت ... arms fold ... با cross ... arms که در کتاب پیش‌دانشگاهی دیده‌اید مترادف است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ضربه زدن ۳ - پخش کردن ۴ - بافتن

۶- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** بعضی از کارخانه‌های بزرگ به کمک ماشینی کردن بافندگی (نساجی) تعداد نیروهای کار خود را به نصف کاهش داده‌اند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - رقابت ۳ - مصرف ۴ - برداشتن، حذف

۷- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** لطفاً قبل از این که گل‌های رز را در آب بگذاری دو سانتی‌متر از پایین ساقه‌هایشان را ببر.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - نوار، بند ۲ - نقطه، لکه ۳ - جریان، نهر

۸- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** وقتی که برای گرفتن جایزه به روی سن می‌رفتم به شدت تپش قلبم را احساس می‌کردم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - جیغ کشیدن ۳ - جریان داشتن ۴ - مشت زدن

۹- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** این قرص‌ها درد شما را برای مدتی کاهش خواهند داد اما اثر آن‌ها ماندگار نخواهد بود (اسم tablet و همچنین کلمه‌ی pill به معنی «قرص» هستند).

* صفت lasting (ماندگار، طولانی) از فعل last مشتق شده است.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - متقاعد کننده ۲ - لذت بخش ۴ - ناراحت کننده

English Lesson 50

Part I

Reading Comprehension

A1 Reading

A Day in the Country

Ashenden got up and walked slowly to his hotel. It was a small hotel, spotlessly clean, and his bedroom had a nice view; though on a cold wet day it would have been miserable, but in that warm and sunny weather it was gay and pleasing. There were tables in the hall and he sat on one of these and ordered a bottle of beer. The landlady was curious to know why he had come to stay in that dead season and he was glad to satisfy her curiosity.

He told her that he had recently recovered from an illness and had come to Lucerne to get his strength back. He was employed by the government and was taking the opportunity to improve his German. He asked her if she would recommend a teacher to him. The landlady was good-humored and talkative, so that Ashenden felt pretty sure that she would repeat the information he gave her in the proper quarter. It was his turn now to ask a few questions. She talked a lot about the war, and because the hotel in that month was so full, rooms had to be found for visitors in neighboring houses, which were nearly empty.

A few people came in from outside to eat their meals but she had some resident guests. One was an old Irish couple who spent their summers in Lucerne and the other was an Englishman and his wife. She was a German and they were obliged on that account to live in a neutral country.

Ashenden took care to show little curiosity about them – he recognized Grantley Caypor from the description but of her own accord she told him that they spent most of the day walking about the mountains. Herr Caypor was a scientist and interested in wild flowers. His wife was a very nice woman. Ah, well, the war could not last for ever. The landlady went away and Ashenden went upstairs.

B1 Comprehension Check

1. Ashendon told the landlady that he'd come to Lucerne to

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| 1) learn German | 2) improve his health state |
| 3) be hired by the government | 4) satisfy his curiosity |

2. The underlined word "miserable" in line 2 is a synonym of

- | | | | |
|--------------|---------------|---------------|--------------|
| 1) enjoyable | 2) unpleasant | 3) inevitable | 4) reluctant |
|--------------|---------------|---------------|--------------|

3. Which of these sentences is true according to the passage?

- 1) Ashendon was willing to answer the landlady's questions.
- 2) The landlady was ready to teach Ashendon German.
- 3) As it was the dead season, there were hardly any guests at the hotel.
- 4) As the Englishman's wife was German, they lived in Germany.

A2 Reading

When Jane Perkins was young, she played a lot of games, and she was thin and strong, but when she was forty five, she began to get fat and slow.

She was not able to breathe as well as before, and when she walked rather fast, his heart beat painfully. She would go out early morning and exercise every day when she was much younger and told her children to exercise each morning before going out to work.

On the contrary, her husband always told her that she had lost sweet dream of the morning. He said that she wasted her energy and strength with her everyday exercise.

She did not do anything about this for a long time, but finally she became anxious and went to see a doctor, and the doctor sent her to a hospital. On the way to the hospital, a nurse asked her if she had spent any time on exercising a day. She told the nurse that she is mostly known for early morning activities each day in her neighborhood. The nurse said that she should go on a diet to make balance between getting fat and the amount of everyday exercise.

Another young doctor examined her there and said that she didn't want to mislead her. The doctor said that she was very ill, and he believed that she was unlikely to live much longer. He asked her if she would have liked him to arrange for anybody to come and see her before she died.

Jane thought for a few seconds and then she answered that she'd like another doctor to come and see her.

B2 Comprehension Check

1. Jane Perkins used to exercise every day when

- | | |
|-----------------------|--|
| 1) she was forty-five | 2) she began to get fat and slow |
| 3) she was young | 4) her husband encouraged her to do so |

2. The underlined verb "arrange" in line 13 means

- 1) plan 2) cure 3) visit 4) rest

3. We can conclude from the passage that

- 1) Jane's husband was very energetic 2) Jane sought medical help as soon as she became ill.
3) Jane did not trust the young doctor 4) the nurse thought Jane was a professional athlete

Part II

Vocabulary Test

1. My family had a very big celebration when my brother got married.

- 1) obliged 2) satisfied 3) devised 4) arranged

2. Those who live in conditions should be better taken more care of.

- 1) desirable 2) appreciable 3) miserable 4) inhabitable

3. I was given the to speak at the meeting yesterday but I didn't know what to say.

- 1) opportunity 2) benefit 3) appointment 4) consequence

4. I can't give you this information. Doctors are to keep their patients' records secret.

- 1) convinced 2) pleased 3) threatened 4) obliged

5. He is determined to ask his to reduce the rent he pays for his flat.

- 1) landlady 2) resident 3) staff 4) neighborhood

6. The boss didn't reject my suggestion but remained about it.

- 1) pleasing 2) hospitable 3) neutral 4) persistent

7. As it was the first time the boss had been invited to our house, we spent hours getting the house clean.

- 1) spotlessly 2) presumably 3) curiously 4) unlikely

8. I was by his honest appearance. Only later did I discover that he was a liar.

- 1) identified 2) disguised 3) criticized 4) misled

9. The young couldn't convince their families to let them get married before finishing university.

- 1) couple 2) turn 3) kinship 4) infant

word study بررسی واژگان درس ۵۰

accord	میل، رغبت	* on the contrary	برعکس
* arrange	ترتیب دادن، مرتب کردن	* opportunity	فرصت
beat	تپیدن، زدن	* pleasing	خوشایند، مطبوع
beer	آبجو	pretty (adv)	نسبتاً
couple	زوج، جفت	quarter	گروه، محفل
* curiosity	حس کنجکاوی	* rarely	به ندرت
* forever	همیشه	* recognize	شناختن
gay	شاد، سرزنده	* recommend	توصیه کردن
good-humored	خوش اخلاق	* recover	(از بیماری) بهبود یافتن
* go on a diet	رژیم گرفتن	* resident	ساکن، مقیم
hall	تالار، سالن	* satisfy	راضی کردن
Irish	ایرلندی	spotless	بی نقص، تر و تمیز
* landlady	(خانم) صاحب خانه	sweet	شیرین
* miserable	بدبخت، غم‌انگیز، مفلوک	* talkative	پرحرف
* mislead	گمراه کردن، گول زدن	track	مسیر، ریل
neighborhood	همسایگی	turn	نوبت
* neutral	بی طرف، خنثی	* unlikely	بعید، نامحتمل
* obliged	موظف، مجبور	upstairs	طبقه‌ی بالا
on that account	به آن دلیل	* waste	تلف کردن، هدر دادن

پاسخ سوالات درس ۵۰

A1 معنی متن:

یک روز در روستا

آشنیدن برخاست و آرام به سمت هتل خود حرکت کرد. هتلش، کوچک و کاملاً تمیز بود و اتاقش چشم‌اندازی زیبا داشت. آن‌جا اگرچه در هوای سرد و مرطوب بسیار بد بود، اما در آن هوای گرم و آفتابی بسیار خوشایند بود. در سالن هتل چند میز وجود داشت که او پشت یکی از آن‌ها نشست و یک بطری آب‌جو سفارش داد. خانمی که صاحب هتل بود کنجکاو بود که بداند چرا او در آن فصل مرده به آن‌جا آمده است و او هم از برآوردن حس کنجکاوای آن خانم استقبال کرد.

او به آن زن گفت که به تازگی از یک بیماری بهبود یافته است و به لوسرن آمده تا (با استراحت) توان خود را بازیابد. او در استخدام دولت بود و می‌خواست که از این فرصت برای بهبود زبان آلمانی خود استفاده کند. او پرسید که آیا آن زن می‌تواند کسی را برای تدریس آلمانی به وی معرفی کند. خانم صاحب‌خانه زنی خوش مشرب و پرحرف بود، در نتیجه آشنیدن تقریباً مطمئن بود که او این اطلاعات را در محفلی مناسب تکرار خواهد کرد (و به دیگران انتقال خواهد داد). اکنون نوبت آشنیدن بود که چند سوال بپرسد. آن خانم (در جواب سوالات آشنیدن) در مورد جنگ بسیار صحبت کرد و راجع به این‌که چون هتل در آن ماه بسیار شلوغ و پر بود، مجبور شده بودند برای مسافران اتاق‌هایی در خانه‌های مجاور تقریباً خالی، بگیرند.

چند نفر برای خوردن غذا به داخل هتل آمدند، اما هتل چند نفر مهمان مقیم هم داشت. یکی از آن‌ها یک زوج سالخورده‌ی ایرلندی بودند که تابستان‌ها را در لوسرن می‌گذرانند و دیگری، یک مرد انگلیسی و همسرش بودند که چون همسرش آلمانی بود آن‌ها به آن دلیل مجبور بودند در یک کشور بی‌طرف زندگی کنند.

آشنیدن مراقب بود که در مورد آن‌ها زیاد کنجکاوای به خرج ندهد. او گرانتلی کیپور را از روی توصیفی که درباره‌اش شنیده بود شناخت اما او (خانم هتلدار) به میل خودش به وی گفت که آن‌ها بیش‌تر روز را به گشت و گذار در کوهستان می‌گذرانند. آقای کیپور یک دانشمند علاقه‌مند به گل‌های وحشی بود. همسرش خانم بسیار خوبی بود. آه، خوب، جنگ نمی‌تواند برای ابد ادامه داشته باشد. خانم صاحب هتل بیرون رفت و آشنیدن به طبقه‌ی بالا رفت.

۳ - گزینه‌ی (۱)

۲ - گزینه‌ی (۲)

۱ - گزینه‌ی (۳)

B1

A2 معنی متن:

وقتی جین پرکینز جوان بود زیاد ورزش می‌کرد و لاغر اندام و قوی بود، اما وقتی به سن چهل و پنج سالگی رسید شروع به چاق و کُند شدن کرد. او دیگر نمی‌توانست مثل سابق به خوبی نفس بکشد و وقتی که نسبتاً سریع راه می‌رفت دچار تپش قلب دردناکی می‌شد. او وقتی خیلی جوان‌تر بود هر روز صبح زود بیرون می‌رفت و ورزش می‌کرد و به بچه‌هایش هم می‌گفت که صبح‌ها قبل رفتن به سرکار ورزش کنند. برخلاف او، شوهرش همیشه به او می‌گفت که او با ورزش کردن در صبح‌ها خواب شیرین صبحگاهی را از دست می‌دهد و با هر روز ورزش کردن انرژی و توان خود را به هدر می‌دهد.

جین تا مدت‌ها در مورد این مشکل خود هیچ کاری نکرد اما سرانجام نگران شد و نزد یک پزشک رفت و دکتر هم او را به بیمارستان فرستاد. در راه بیمارستان یک پرستار از او پرسید که آیا تا به حال هرگز ورزش کرده است. او به آن پرستار گفت که او به خاطر هر روز صبح زود ورزش کردن پیش همسایه‌ها معروف است. پرستار به او گفت که او می‌بایستی برای ایجاد تعادل بین چربی دریافتی و مقدار ورزش روزانه رژیم بگیرد.

دکتر جوان دیگری در آن‌جا او را معاینه کرد و گفت که نمی‌خواهد باعث گمراهی او شود. دکتر به او گفت که بسیار بیمار است و به احتمال زیاد مدت زیادی زنده نخواهد ماند. دکتر از او پرسید که آیا می‌خواهد قبل از این‌که بمیرد ترتیبی بدهد تا کسی به دیدن او بیاید؟ جین چند ثانیه فکر کرد و پاسخ داد که می‌خواهد دکتر دیگری بیاید و او را ویزیت کند.

۱ - گزینه‌ی (۳) ۲ - گزینه‌ی (۱) ۳ - گزینه‌ی (۳)



پاسخ سؤال‌های واژگان:

۱- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** خانواده‌ام برای مراسم ازدواج برادرم جشن بزرگی **ترتیب دادند.**

* فعل arrange یعنی «ترتیب دادن، تدارک دیدن، مرتب و منظم کردن، چیدن»:

The books were arranged in alphabetical order.

کتاب‌ها به ترتیب حروف الفبا چیده شده بودند (مرتب شده بودند).

I arranged to meet her after work.

ترتیبی دادم تا او را بعد از ساعت کاری ملاقات کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - موظف کردن ۲ - راضی کردن ۳ - اختراع کردن

۲- **گزینه‌ی (۳) معنی جمله:** باید نسبت به افرادی که در شرایط **فلاکت‌بار** زندگی می‌کنند دقت و توجه بیش‌تری بشود.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - مطلوب ۲ - قابل تحسین ۴ - قابل سکونت

۳- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** فرصت صحبت کردن در جلسه‌ی دیروز به من داده شد ولی نمی‌دانستم چه باید بگویم.

* اسم opportunity یعنی «موقعیت، فرصت، شانس»:

The trip to England gave me the opportunity to improve my English.

مسافرت به انگلستان برای من این فرصت را فراهم کرد که زبان انگلیسی خودم را بهتر کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - سود ۳ - قرار ملاقات ۴ - نتیجه، پیامد

۴- **گزینه‌ی (۴) معنی جمله:** من نمی‌توانم این اطلاعات را به شما بدهم. پزشکان **موظفند** که سوابق پزشکی بیماران خود را محفوظ نگاه دارند.

* همان‌طور که می‌بینید فعل oblige کاربرد زیادی در حالت مجهول و به معنی «مجبور و موظف به انجام کاری بودن» دارد. البته obliged می‌تواند یک صفت و به معنی «سپاسگزار» (مترادف با grateful) هم باشد:

Thank you, sir. I'm much obliged to you.

ممنونم آقا. از شما بسیار سپاسگزارم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱ - متقاعد کردن ۲ - راضی کردن ۳ - تهدید کردن

۵- **گزینه‌ی (۱) معنی جمله:** او مصمم است تا از **خانم صاحب‌خانه** بخواهد مبلغ اجاره‌ی آپارتمانش را کاهش دهد (rent یعنی کرایه‌خانه).

* به صاحب‌خانه اگر مرد باشد landlord می‌گویند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲ - ساکن، مقیم ۳ - کارکنان ۴ - همسایگی

۶- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: رئیس‌م پیشنهاد مرا رد نکرد ولی (آنرا قبول هم نکرد و) نسبت به آن بی‌طرف ماند.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- خوشایند ۲- مهمان‌نواز ۳- مصر، سرسخت ۴- نامحتمل

۷- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: چون اولین باری بود که رئیس را به منزلمان دعوت کرده بودیم ساعت‌ها برای کاملاً تمیز کردن خانه وقت گذاشتیم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- احتمالاً ۳- با کنجکاو ۴- نامحتمل

۸- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: من به خاطر ظاهر شرافتمندش گول خوردم. مدتی گذشت تا پی بردم که او یک دروغ‌گوست.

معنی سایر گزینه‌ها: ۱- شناسایی کردن ۲- عوض کردن چهره ۳- انتقاد کردن

۹- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: آن زوج جوان نتوانستند والدین خود را متقاعد کنند که به آن‌ها اجازه بدهند قبل از اتمام دانشگاه با هم ازدواج کنند.

* couple یعنی «دو عدد، زوج، جفت». البته توجه داشته باشید که این کلمه می‌تواند در معنی «چندتا، تعداد کمی» هم به کار رود:

I promise to finish the project in a couple of days. قول می‌دهم ظرف چند روز این پروژه را تمام کنم.

معنی سایر گزینه‌ها: ۲- نوبت، پیچ جاده ۳- نسبت فامیلی (خونی) ۴- نوزاد

1. It was only after a great deal of that I got a satisfactory answer.
1) maintenance 2) existence 3) prominence 4) persistence
2. I'm not at all surprised that he looks so I've just found out that he's got fired from his work.
1) miserable 2) mysterious 3) capable 4) stubborn
3. In spite of their advantages, most drugs still have serious side effects.
1) invasive 2) numerous 3) mutual 4) poisonous
4. Tom has got musical skills. He can play a tune perfectly after just hearing it once.
1) experimental 2) undesirable 3) essential 4) incredible
5. John the doctors by learning to walk again so soon after his terrible accident.
1) achieved 2) astonished 3) afflicted 4) approved
6. Throughout history, men have always wanted to inhabit the land where the soil is most
1) fertile 2) original 3) energetic 4) hospitable
7. I don't like the of the furniture in this room, so I'm going to change it.
1) management 2) requirement 3) arrangement 4) involvement
8. There was no about his guilt. He was sent to prison for 20 years.
1) doubt 2) exception 3) court 4) pity
9. If you don't take the job, it will be another lost in your life.
1) quality 2) concept 3) opportunity 4) contenty
10. He that the money should be spent for health care and not for weapons.
1) recovered 2) argued 3) demonstrated 4) identified
11. Can you hear the noise? It sounds as if two pieces of metal are being hard together.
1) soaked 2) rubbed 3) punched 4) rusted
12. They that these shelters will protect people from radioactive dust.
1) claim 2) emit 3) offend 4) attack
13. During the, the police found the knife the murderer had used.
1) argument 2) interview 3) appraisal 4) investigation
14. Take care not to your answer sheets; the computer cannot accept them.
1) revise 2) seek 3) lay 4) fold
15. I didn't want to get involved in the fight between the couple, so I took a position.
1) sensatiaonal 2) natural 3) practical 4) neutral

16. When the earthquake struck, all the plates and glasses fell to the floor with a

- 1) crash 2) scream 3) whistle 4) squeal

17. I guess Sarah's negative about life is a result of an unhappy childhood.

- 1) attempt 2) effort 3) attitude 4) effect

18. For weeks, there was no change in his illness until doctors began to administer antibiotics.

- 1) appreciable 2) legible 3) miserable 4) variable

19. His views are dangerous and extreme, and yet there is a of truth in what he says.

- 1) blame 2) turn 3) beat 4) grain

20. A: Do you hope to get the job?

B: Yes, the went very well. Everyone was very pleasant to me.

- 1) interview 2) employment 3) income 4) delivery

پاسفنامہ کلیدی

1 2 3 4
1
2
3
4
5

1 2 3 4
6
7
8
9
10

1 2 3 4
11
12
13
14
15

1 2 3 4
16
17
18
19
20